



دانشگاه گیلان
۱۳۵۳-۱۹۷۴

کنکاشی در سیاست گذاری آموزش زبان ملی

(با تأکید بر دو مهارت سخن گفتن و نوشتن)

چاپ اول

اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان

تدوین (به شیوه گردآوری)

دکتر مریم دانای طوس

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کنکاشی در سیاست‌گذاری آموزش زبان ملی

(با تأکید بر دو مهارت سخن گفتن و نوشتن)

تدوین (به شیوه گردآوری)

دکتر مریم دانای طوس

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

انتشارات دانشگاه گیلان

۱۳۹۶



دانشگاه گیلان

۱۳۵۳-۱۹۷۴

شابک: ۷-۱۴۷-۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸

سرشناسه	: دانای طوسی، مریم، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور	: کنکاشی در سیاست گذاری آموزش زبان ملی (با تأکید بر دو مهارت سخن گفتن و نوشتن) / تدوین (به شیوه گردآوری) مریم دانای طوسی
مشخصات نشر	: رشت: دانشگاه گیلان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۳ص:.
شابک	: ۷-۱۴۷-۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: زبان - سیاست دولت
موضوع	: Language Policy
موضوع	: سواد آموزی
موضوع	: Literacy
موضوع	: سواد آموزی -- ایران
موضوع	: Literacy -- Iran
شناسه افزوده	: دانشگاه گیلان، انتشارات
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ / ۳ / ۱۱۹ P
رده بندی دیویی	: ۴۴۹ / ۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۶۲۷۶۳

اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان

نام کتاب	: کنکاشی در سیاست گذاری آموزش زبان ملی (با تأکید بر دو مهارت سخن گفتن و نوشتن)
گردآورنده	: دکتر مریم دانای طوس
ویراستار علمی	: دکتر محمد امین صراحی
ویراستار ادبی	: فرشته گلچین راد
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۶
ناشر	: انتشارات دانشگاه گیلان
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد

* هر گونه چاپ و تکثیر فقط در اختیار انتشارات دانشگاه گیلان است.*

تعامل اجتماعی متکی به زبان است. توانایی بهره‌گیری ماهرانه از زبان برای همه دانش‌آموزان ضروری است و به نظر می‌رسد زندگی اجتماعی بدون زبان گفتاری شکل کاملاً متفاوتی به خود می‌گیرد. اما زبان چیست؟ «هارلی»^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که زبان نظامی از نمادها و قوانین است که به ما امکان برقراری ارتباط می‌دهد. همه ما توانایی داریم که زبان را در موقعیت‌های متفاوت به کار بگیریم و با آن زندگی می‌کنیم؛ اما دانش زبانی ما ناخودآگاه است و به هنگام کاربرد روزمره زبان از این دانش ناخودآگاه استفاده می‌کنیم (هالییدی^۲، ۱۹۷۱). به مرحله خودآگاه درآوردن این دانش زبانی و بهره‌گیری آگاهانه از آن به شکل متناسب با موقعیت و مخاطب همان کاری است که قرار است به هنگام آموزش زبان (مّلی، مادری) در کلاس‌های درس انجام شود. ارزش کلام^۳ و آگاهی از قدرت آن مفاهیمی هستند که باید به صراحت در کلاس‌های درس آموزش داده شوند.

زبان‌آموزی صرفاً آموزش خواندن و نوشتن نیست - زبان‌آموزی به چگونگی برقراری ارتباط در جامعه، کسب دانش استفاده از زبان و فرهنگ به‌صورت آگاهانه و متناسب با موقعیت و مخاطب نیز مربوط می‌شود. شکل‌گیری سواد و آموزش مهارت‌های زبانی به‌گونه‌کلی در بطن برنامه آموزش زبان فارسی نهفته است؛ و آموزش زبان فارسی در پایه‌های اول تا دوازدهم به کسب دانش و مهارت‌هایی مانند گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن اختصاص دارد. شکل‌گیری سواد زبانی، محور رشد ذهنی، اجتماعی و احساسی دانش‌آموزان است و باید آن را عنصر کلیدی برنامه‌های آموزشی دانست.

مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان با گذراندن پایه‌های کلاسی شکل می‌گیرد. آنها مهارت‌های زبانی را با خواندن و فکر کردن درباره موضوعات و مسائل متنوع شکل داده و به کار می‌گیرند. توانایی‌ها و مهارت‌های زبانی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد درباره موضوعات متفاوت بیاموزند و کاربرد زبان برای منظورهای متفاوت، توانایی آنها را در برقراری ارتباط دقیق و نیز درک آنها را درباره چگونگی عملکرد زبان افزایش می‌دهد. با گذشت زمان، انعطاف‌پذیری و مهارت آنها در درک و استفاده از زبان شکل می‌گیرد. همان‌گونه‌که دانش‌آموزان پایه‌های کلاسی را می‌گذرانند، لازم است که از زبان درست و روان در موقعیت‌های متفاوت استفاده کنند.

در دوره ابتدایی پایه دانش و مهارت‌های زبان فارسی دانش‌آموزان بنا نهاده می‌شود و آموزش آنها در تمام سال‌های مدرسه ادامه می‌یابد. همچنین، دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان در هر پایه مبتنی بر دانش و مهارتی است که در پایه قبلی کسب کرده‌اند. برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند به خوبی در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند، به‌صورت تحلیلی و انتقادی به مطالب شنیداری گوش فرا دهند، انواع خواندن و خُرده مهارت‌های آن را در موارد مقتضی به کار بگیرند و در نهایت بتوانند منظور خود را متناسب با نوع مخاطب و

^۱.Harley

^۲.Halliday

^۳.discourse

موقعیت به نگارش در آورند، باید دانش و مهارت‌های زبان فارسی به دانش‌آموزان به خوبی آموزش داده شود. به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، کتاب‌های درسی بیشتر با توجه به شم و شهود و ذوق و تجربه فردی مؤلفان تألیف می‌شود و آنها اطلاعات دقیق و سازمان‌بندی‌شده و روزآمدی در این زمینه در اختیار ندارند. شاهد این ادعا نبود هدف‌های جزئی و عملکردی یا به عبارت دیگر، مؤلف‌ها و استانداردهای محتوایی دانش و مهارت‌های زبان فارسی به صورتی سطح‌بندی شده و نیز کمبود تحقیقات در زمینه یادشده است (برای مثال، شریفی، ۱۳۷۶؛ عصاره، ۱۳۸۲؛ قاسمی‌پور مقدم، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷؛ یار محمدی و نیلی پور، ۱۳۸۳؛ نعمت زاده، ۱۳۸۴؛ وزیرنیا، ۱۳۸۴؛ طیبی، ۱۳۸۵). در هیچ یک از موارد مطرح‌شده فرایندهای شناختی زیربنای مهارت‌های زبانی و در واقع چارچوب مفهومی آنها مورد توجه قرار نگرفته است و تنها به ذکر نقاط قوت و ضعف برنامه‌های درسی مختلف بدون داشتن مبنای نظری روشن اقدام شده است. در نتیجه، کتاب حاضر در گام نخست با هدف تدوین چارچوبی مفهومی برای مهارت‌های تولیدی زبان (سخن گفتن و نوشتن) به نگارش درآمده است. مهارت‌های ادراکی (گوش دادن و خواندن) نیازمند مجالی دیگر است که اگر عمری باقی بود به آن نیز پرداخته خواهد شد.

کتاب یاد شده به عنوان کتاب درسی برای دوره کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی (دروس روان‌شناسی خواندن و نوشتن - زمینه کاربرد روان‌شناسی در آموزش زبان فارسی، سمینار دربرنامه آموزش زبان فارسی ۱ و ۲، تدریس مهارت‌های خواندن و نوشتن)، کارشناسی ارشد گفتار درمانی (درس روان‌شناسی زبان)، زبان‌شناسی همگانی (درس روان‌شناسی زبان، سمینار مسائل بینارشته ای رشته زبان‌شناسی)، کتاب کمک درسی کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی (درس روان‌شناسی شناختی) و نیز به عنوان کتاب کمک درسی برای دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی (دروس برنامه‌ریزی درسی در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی و برنامه‌ریزی درسی در آموزش و پرورش متوسطه) کاربرد دارد، اگرچه دانشجویان تمام رشته‌ها که به مسایل روان‌شناسی شناختی و مخصوصاً فرایندهای سخن گفتن و نوشتن علاقه‌مند هستند نیز می‌توانند از این کتاب بهره ببرند. در عین حال سعی کرده‌ام کتاب طوری تدوین شود که برای دانشجویانی که زمینه‌ای در روان‌شناسی ندارند نیز قابل فهم باشد.

کتاب حاضر در چهار بخش تنظیم شده است: در بخش اول با عنوان «آموزش زبان ملی و سوادآموزی» در قالب یک فصل مبانی نظری آموزش زبان ملی و سوادآموزی تشریح می‌شود. بخش دوم با عنوان «سیاست‌گذاری آموزش سخن گفتن در ایران و سایر کشورها» در قالب چهار فصل تنظیم شده است: فصل دوم به مفهوم سخن گفتن، فصل سوم به آموزش سخن گفتن در نظام آموزش و پرورش ایران، فصل چهارم به آموزش سخن گفتن در نظام آموزش و پرورش چند کشور توسعه‌یافته شامل آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، استرالیا و فصل پنجم به مقایسه رویکردهای آموزشی کشورهای یادشده به آموزش سخن گفتن می‌پردازد. بخش سوم با عنوان «سیاست‌گذاری آموزش نوشتن در ایران و سایر کشورها» نیز در چهار فصل به شرح زیر تنظیم شده است: فصل ششم به مفهوم نوشتن، فصل هفتم به آموزش نوشتن در نظام آموزش و

پرورش ایران، فصل هشتم به آموزش نوشتن در نظام آموزش و پرورش کشورهای توسعه‌یافته شامل آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، استرالیا و فصل نهم به مقایسه رویکردهای آموزشی کشورهای نامبرده به آموزش نوشتن اختصاص یافته است. بخش چهارم و پایانی این کتاب در دو فصل به شرح زیر به «چالش‌های آموزش سخن‌گفتن و نوشتن در ایران» می‌پردازد. فصل دهم با عنوان «بررسی سیاست‌گذاری آموزش سخن‌گفتن و نوشتن در ایران: نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌ها» به تبیین نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت‌های سخن‌گفتن و نوشتن در نظام آموزش و پرورش ایران اختصاص دارد. در فصل پایانی کتاب با عنوان «سخن‌پایانی و ارائه راهکار» با توجه به نقاط ضعف مطرح شده برای آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه در زمینه آموزش سخن‌گفتن و نوشتن، ابتدا مواردی کلی برای اصلاح این برنامه‌های آموزشی و در نهایت هدف‌های آموزش مهارت‌های سخن‌گفتن و نوشتن متناسب با چارچوب مفهومی آنها به تفصیل و به تفکیک برای دوره‌های ابتدایی و اول و دوم متوسطه پیشنهاد می‌شود.

مریم دانای‌طوس، تابستان ۱۳۹۵

فهرست مطالب

بخش اول: آموزش زبان ملی و سوادآموزی.....	۲
فصل اول: مبانی نظری آموزش زبان ملی و سوادآموزی.....	۲
بخش دوم: سیاست‌گذاری آموزش سخن‌گفتن در ایران و سایر کشورها.....	۲
فصل دوم: مفهوم سخن‌گفتن.....	۲
فصل سوم: مروری بر آموزش سخن‌گفتن در نظام آموزش و پرورش ایران.....	۲
فصل چهارم: مروری بر آموزش سخن‌گفتن در نظام آموزش و پرورش برخی کشورهای توسعه یافته.....	۲
فصل پنجم: مقایسه رویکردهای آموزشی ایران و چند کشور توسعه‌یافته به آموزش سخن‌گفتن... ..	۲
بخش سوم: سیاست‌گذاری آموزش نوشتن در ایران و سایر کشورها.....	۲
فصل ششم: مفهوم نوشتن.....	۲
فصل هفتم: مروری بر آموزش نوشتن در نظام آموزش و پرورش ایران.....	۲
فصل هشتم: مروری بر آموزش نوشتن در نظام آموزش و پرورش برخی کشورهای توسعه یافته... ..	۲
فصل نهم: مقایسه رویکردهای آموزشی ایران و چند کشور توسعه یافته به آموزش نوشتن.....	۲
بخش چهارم: سیاست‌گذاری آموزش سخن‌گفتن و نوشتن در ایران.....	۲
فصل دهم: سیاست‌گذاری آموزش سخن‌گفتن و نوشتن در ایران: نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌ها.....	۲
فصل یازدهم: سخن پایانی و ارائه راهکار.....	۲
فهرست منابع.....	۲۶۴

بخش اوّل

آموزش زبان ملی و سواد آموزی

فصل اول

مبانی نظری

آموزش زبان ملی و سواد آموزی

مقدمه

یکی از هدف‌های اصلی برنامه‌های آموزشی شکل‌دادن به سواد است و در دهه‌های اخیر این موضوع اهمیت زیادی پیدا کرده است (لیدی‌کوت^۱، ۲۰۰۷). در برنامه‌های یادشده مفهوم سواد و فرد باسواد مطرح می‌شود. تأکید بر سواد تا حدودی ناشی از درک این نکته است که سواد اساس اقتصاد دنیای معاصر را تشکیل می‌دهد و این که رشد اقتصادی به میزان سطح سواد اکثر افراد جامعه بستگی دارد. در واکنش به چنین نیازی برای آموزش سواد، برنامه‌های آموزشی چگونگی انتقال توانایی‌های سواد را در افراد جامعه تعیین می‌کنند (هَرَنبرگر^۲، ۱۹۹۴؛ واترز^۳، ۱۹۹۰). بُعد کلیدی برنامه آموزشی در وهله اول تعریف سواد و در وهله دوم تعیین بهترین شیوه آموزش سواد با توجه به امکانات موجود در کشور است. با توجه به جهانی‌شدگی اجتماعی و اقتصادی مسائل مربوط به برنامه‌ریزی برای آموزش سواد پیچیده‌تر از مسائل مربوط به ارائه برنامه آموزشی آن شده است. این مطلب بدان معنی است که برنامه‌ریزی برای سواد زبانی دیگر صرفاً برنامه‌ریزی برای پیشرفت در روش تدریس گونه ثابتی از سواد نوشتاری نیست، بلکه باید مفهوم سواد، چگونگی آموزش آن، بافت آموزش و نیز وجوه آموزش آن (نوشتاری، گفتاری، الکترونیکی) مورد توجه قرار گیرد.

نکته قابل ذکر دیگر این است که در بطن بحث‌های مربوط به سواد مسائل متعددی مطرح می‌شود که پنج مورد آن‌ها مهمتر هستند و باید بیشتر به آنها توجه کرد:

- ۱- سواد چیست؟
- ۲- کودکان در بدو ورود مدرسه تا چه اندازه به مهارت‌های سواد مجهزند؟
- ۳- آیا سواد فعالیتی انفرادی است یا اجتماعی؟
- ۴- فصل مشترک بین سواد و فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی دیگر چیست؟
- ۵- چگونه می‌توان به بهترین وجهی سواد را در کودکان خردسال شکل داد؟

اگرچه سواد مفهومی چندجانبه است و در علوم مختلف مطرح است، بحث مربوط به پنج مسئله مذکور را می‌توان به دو مورد تقلیل داد: معنای سواد و چگونگی فراگیری آن. در زمینه چيستی سواد، بعضی سواد را فقط با توجه به مهارت‌های خواندن و نوشتن تعریف می‌کنند (شامل ابزار متمایز و فنی نظیر آگاهی واج‌شناختی، رمزگشایی و بازشناسی واژه). بعضی دیگر سواد را فراگیری

¹.Liddicoat

².Hornberger

³.Waters

کاربرد زبان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، نهادی و سیاسی خاصی می‌دانند که کودک با آنها زندگی می‌کند (مثلاً به جی^۱، ۱۹۹۹؛ هیث^۲، ۱۹۹۱؛ لالیک^۳ و هینچ من^۴، ۱۹۹۹ نگاه کنید). اگر چگونگی فراگیری سواد مدنظر قرار گیرد دیدگاه‌های مختلفی مطرح می‌شود. بعضی معتقدند که در بدو ورود به مدرسه کودکان توانایی‌های محدودی در زمینه سواد دارند یا اصلاً هیچ توانایی در این زمینه ندارند. بعضی دیگر معتقدند همه کودکان بدون توجه به پیشینه فرهنگی-اجتماعی، توانایی‌های زبانی خیره‌کننده ای دارند- واژگان گسترده، دستور پیچیده، و درک عمیق از تجربیات و داستان‌ها (جی، ۱۹۹۹؛ تیل و سالزبی^۵، ۱۹۸۶). بعضی سواد را توانشی شخصی می‌دانند و بعضی برای آن ماهیتی پویا و اجتماعی در نظر می‌گیرند که مهارت‌های آن به یکدیگر وابسته‌اند (مثلاً به هیث^۶، ۱۹۹۱ نگاه کنید). به همین ترتیب، بعضی از نظریه‌پردازان سواد را ماهیتی صرفاً آکادمیک می‌دانند که در مدارس آموزش داده می‌شود، در حالی که بعضی دیگر سواد را بخشی از فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی می‌دانند که کودک در آن زندگی می‌کند (مثلاً ونزکی^۷، ۱۹۹۱). سرانجام بعضی معتقدند که می‌توان سواد را به صورت مجموعه‌ای از توانایی‌های خواندن و نوشتن تعریف کرد که از طریق آموزش رسمی فراگرفته می‌شود (یعنی از طریق یادگیری مستقیم)، در حالی که بعضی دیگر معتقدند سواد چیزی است که به صورت غیر مستقیم و در سراسر زندگی فرد کسب می‌شود (مثلاً لابو^۸ و تیل^۹، ۱۹۹۷؛ والنسیا^{۱۰}، ۱۹۹۱).

تعریف سواد

بر سر مفهوم سواد اتفاق نظر وجود ندارد و معیاری جهانی برای تعریف آن اعلام نشده است. در علوم مختلف تعاریف مختلفی برای «سواد» ارائه شده است. در عرف جامعه سواد به صورت «توانایی خواندن و نوشتن» تعریف می‌شود. چشم‌اندازهای نظری اخیر، تعریف گسترده‌تری از سواد ارائه می‌دهند و آن را مجموعه توانایی‌هایی می‌دانند که افراد به‌واسطه آن‌ها نه تنها می‌خوانند و می‌نویسند، بلکه در فعالیت‌های اجتماعی نیز شرکت می‌کنند و به‌طور مؤثر در جامعه با دیگران ارتباط برقرار

¹.Gee

².Heath

³.Lalik

⁴.Hinchman

⁵.Sulzby

⁶.Heath

⁷.Venezky

⁸.Labbo

⁹.Teale

¹⁰.Valencia

می‌کنند (بیکر^۱ و لوک^۲، ۱۹۹۱؛ مارشال، ۱۹۹۲؛ میکولکی^۳ و درو^۴، ۱۹۹۱). بر اساس این دیدگاه در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم رایانه‌ای، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و تعلیم و تربیت^۵ صورت‌های مختلف سواد مشخص می‌شود.

مسئله اصلی در برنامه‌ریزی برای سواد، شیوه تعریف فعالیت‌هاست که برنامه‌ریزی می‌شود. تعریفی که یک جامعه برای سواد قائل می‌شود، انواع سیاست‌ها و نیز عملکردهای یاددهی-یادگیری را شکل می‌دهد. یکی از ابعاد مشکل تعریف سواد در زمینه آموزش هر زبان اعم از زبان ملی یا زبان خارجی تعیین این نکته است که کدام یک از مهارت‌های زبانی باید سواد محسوب شود و در کانون آموزش قرار گیرد.

شیوه تعریف سواد تحت تأثیر درک آکادمیک از سواد قرار می‌گیرد. در بافت آکادمیک بر پیچیدگی و چندگانگی توانایی‌های ناشی از سواد تأکید می‌شود. سازمان مشارکت و پیشرفت اقتصادی^۶ سواد را توانایی استفاده از اطلاعات نوشتاری برای ایفای نقش در جامعه به منظور نیل به اهداف شخصی و شکل‌دادن به دانش و پتانسیل فرد می‌داند (سازمان مشارکت و پیشرفت اقتصادی و آمار کانادا، ۲۰۰۰: ۱۰) و آن را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- سواد نثر^۷ - دانش و مهارت‌های لازم برای درک و استفاده از اطلاعات متونی مانند سرمقاله‌ها، داستان‌ها، اخبار، بروشورها و دستورالعمل‌های آموزشی
- سواد اسنادی^۸ - دانش و مهارت‌های لازم برای تعیین جایگاه اطلاعات در انواع متون و استفاده از این دانش و مهارت‌ها به هنگام مطالعه یا تکمیل فرم‌ها و جداول متفاوت اعم از فرم‌های درخواست شغل، فرم‌های پرداخت هزینه‌ها، جداول حمل و نقل، نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارها
- سواد کمی^۹ - دانش و مهارت‌های لازم برای انجام عملیات ریاضی، کامل کردن فرم سفارش یا تعیین میزان بهره‌ وام یک آگهی (سازمان مشارکت و پیشرفت اقتصادی و آمار کانادا، ۲۰۰۰: ۱۰)

^۱.Baker

^۲. Luke

^۳.Mikulecky

^۴.Drew

^۵.Education

^۶.Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۷.Prose literacy

^۸.Document literacy

^۹.Quantitative literacy

تعریف‌های بالا از سواد تا حد زیادی بر دیدگاه سواد نوشتاری مبتنی است که بر اساس آن خواندن اطلاعات نوشتاری، مهارت اصلی سواد محسوب می‌شود. ضمن اینکه تعریف سازمان مشارکت و پیشرفت اقتصادی بُعد استفاده از اطلاعات را دربردارد، روشن نیست که استفاده از اطلاعات، مستلزم مهارت نوشتن به صورتی فراتر از مهارت در پُر کردن فرم‌ها باشد. «کاپلان»^۱ و «بالدوف»^۲ (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که سواد در طول تاریخ بیشتر با توجه به خواندن تعریف شده است تا نوشتن، زیرا فرض بر آن بوده است که خواندن گسترده، توانایی نوشتن را تضمین می‌کند. بعلاوه، در آموزش نوشتن بر درستی صوری و خوشنویسی تأکید شده است نه برقراری ارتباط از طریق زبان نوشتاری.

سواد با توجه به عملکرد آن در برقراری ارتباط^۳ نیز تعریف شده است و هدف از آموزش این نوع سواد تجهیز افراد به مهارت‌ها و دانشی است که توانایی افراد را برای ایفای نقش کارگر و شهروند در جامعه دارای سیستم نوشتاری (خط) تضمین می‌کند. بنابراین سواد ارتباطی^۴ با عملکرد اقتصادی فرد باسواد مرتبط است (بهولا^۵، ۱۹۹۴). لوین^۶ (۱۹۸۲) استدلال می‌کند که شکل‌گیری سواد ارتباطی با تمرکز بر اقتصاد، حاصل چرخش سودمدارانه درباره مفهوم سواد به شرح زیر بود:

- توانایی خواندن و نوشتن برای پر کردن فرم اطلاعات شخصی،
- توانایی سازماندهی مراحل یک فرایند و نوشتن دستورالعمل آموزش آن،
- توانایی مکانیکی پُر کردن سلول‌های یک جدول به طور صحیح،
- توانایی مکانیکی مرتب کردن اعداد اعشاری،
- توانایی جمع‌بستن یک ستون عدد،
- درک واحدهای تولیدی،
- درک ارزش (بهای) واحد،
- توانایی ضرب کردن بهای واحد در واحدهای تولیدی،
- توانایی محاسبه سود و زیان،
- توانایی نگارش،
- توانایی هجی کردن
- توانایی مکانیکی نوشتن و شکل دادن به حروف به صورتی واضح،

^۱.Kaplan

^۲.Baldauf

^۳.Functionality

^۴.Functional Literacy

^۵.Bhola

^۶.Levine

- توانایی سازماندهی واژه‌ها به صورت جملات و پاراگراف با استفادهٔ بجا و مناسب از علائم سجاوندی،
- توانایی تلفیق عبارتها به صورت جملات کامل و پیچیده،
- توانایی تشریح ایده‌های خود به طور واضح،
- توانایی درک سؤالات (دپارتمان آموزش ملی اندونزی^۱، ۱۹۹۹).

در سیاههٔ بالا بر موارد موجود در وسط آن تأکید می‌شود که آشکارا دربارهٔ فعالیت‌های اقتصادی است. همین‌طور بر مهارت‌های سطح پایین سواد (رمزگشایی و رمزگذاری) نیز تأکید می‌شود. هیچ بُعد انتقادی در ساختار سواد فوق‌الذکر وجود ندارد و به ایجاد توانایی تعیین جایگاه اطلاعات و دستیابی به آنها حتی در تمرینات نوشتاری هیچ توجهی نمی‌شود. چنین برنامهٔ سوادآموزی، افراد بی‌سواد را به سمت عملکرد بهتر در زمینه‌های اقتصادی سوق می‌دهد نه ارتقای سواد آن‌ها.

منتقدان اظهار می‌دارند که برنامه‌های سواد ارتباطی از نوع یادشده افراد را وابسته نگه می‌دارد و آنها را به صورت عناصر اقتصاد (نیروی کار) تربیت می‌کند، بدون اینکه توانایی تغییری در وضعیت اجتماعی و یا اقتصادی خود را داشته باشند.

امروزه، ماهیت توانایی‌های ناشی از سواد در نتیجهٔ تغییر در ارتباطات تغییر کرده است و فناوری‌های جدید منجر به ظهور اشکال جدید سواد شده است. از این رو، سواد در جوامع پیشرفته به صورت مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها و مهارت‌ها تعریف می‌شود نه رمزگشایی و رمزگذاری سادهٔ متن نوشتاری. در این گونه جوامع، مفهوم سواد بسته به بافت موقعیت و جامعه‌ای که سواد در آن آموزش داده می‌شود متنوع است (استریت^۲، ۱۹۸۴) و با افزایش نیازهای ارتباطی، نیاز به انواع سواد نیز افزایش پیدا می‌کند. بعضی از محققان مانند کولتائو^۳ (۱۹۹۰) معتقدند که سواد منجر به توانایی ایفای نقش در جامعه‌ای می‌شود که به دلیل گسترش توانایی‌های رایانه‌ای مدام پیچیده‌تر می‌شود. یکی از پیامدهای در نظر گرفتن ماهیت پیچیده و چندظرفیتی برای سواد اینست که سواد را ماهیتی منفرد نمی‌دانیم، بلکه آن را به صورت ماهیتی چندگانه – مجموعه‌ای از سوادها – در نظر می‌گیریم. به عبارت دیگر، کسب سواد مستلزم کسب طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها و دانش‌ها می‌شود که برای استفاده از اطلاعات و پردازش آن با استفاده از فناوری‌های موجود در جامعه ضروری است. بنابراین لازم است که سواد را به شیوه‌های متفاوت تعریف کنیم. مثلاً:

¹.Department of National Education Indonesia

².Street

³.Kuhlthau

- **سواد ملی^۱**: سواد به زبان رسمی کشور. کاپلان و بالداف (۲۰۰۳) متذکر می‌شوند که برنامه‌ریزی زبانی معمولاً دربارهٔ زبان معیار مورد استفاده در کشورها و به ویژه دربارهٔ گونهٔ معیار شدهٔ زبان رسمی کشور (هورنبرگر، ۱۹۹۴) صورت می‌گیرد. فراگیران از طریق آموزش سواد به زبان رسمی معیار است که با فعالیت‌ها و عُرف جامعهٔ خود آشنا می‌شوند.
- **سواد زبان محلی^۲**: سواد زبان اقلیت‌ها یا زبان‌های غیرمعیار که مکمل سواد ملی محسوب می‌شود (آکیناسو^۳، ۱۹۹۶؛ لیدیکت، ۱۹۹۰؛ تابورت کلر^۴ و همکاران، ۱۹۹۷).
- **سواد محلی^۵**: طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های سواد که رابطهٔ نزدیکی با هویت‌های محلی یا منطقه‌ای دارد، اما معمولاً در برنامه‌های سواد ملی یا بین‌المللی نادیده گرفته می‌شود (بارتون^۶ و هامیلتون^۷، ۱۹۹۸؛ استریت، ۱۹۹۴) و افراد مختلف آن را به طرق متفاوتی درک می‌کنند.
- **سواد دوگانه^۸**: افرادی که توانایی‌های سواد را در بیش از یک زبان کسب می‌کنند (هورنبرگر، ۱۹۹۴، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴)

همهٔ این صورت‌های سواد در مفهوم چندسوادی (و نیز چندزبانی) وجه اشتراک دارند که در مجموع بافت و هویت خاصی را تشکیل می‌دهند. در اینجا بر یک فرم قابل قبول سواد در همهٔ موقعیت‌ها تأکید نمی‌شود. بر اساس این دیدگاه، سواد مجموعهٔ منحصر به فردی از مهارت‌ها نیست، بلکه مجموعهٔ متنوع و چندگانه‌ای از مهارت‌ها و دانش‌ها است و در واقع به جای یک سواد، چندسواد مد نظر قرار می‌گیرد. این مطلب حاکی از پیچیدگی فعالیت‌ها، فناوری‌ها و زبان‌هایی است که افراد باسواد برای فعالیت و مشارکت در دنیای معاصر بدان نیاز دارند.

چندسواد از مفهوم سواد در قالب صرفاً توانایی خواندن و نوشتن فاصله دارد و تأثیر فناوری‌ها و شیوه‌های جدید پردازش اطلاعات را نیز مد نظر دارد. این تغییر در ماهیت توانایی‌ها و نیازهای سواد، پیامد شکستن مرز بین بافت‌های محلی و جهانی است که خود حاصل تغییرات سریع در انواع ارتباطات است (جی، ۲۰۰۰ الف؛ لوک^۹ و الکینز^{۱۰}، ۱۹۹۸). این مطلب بدان معناست که افراد و جوامع درگیر فعالیت‌هایی می‌شوند که چندفرهنگی، چندزبانی، چندنشانه‌ای و نیز مستلزم کاربرد

^۱.national literacy

^۲.Vernacular literacy

^۳.Akinaso

^۴.Tabouret Keller

^۵.Local literacy

^۶.Barton

^۷.Hamilton

^۸.biliteracies

^۹.Luke

^{۱۰}.Elkins

چند فناوری است. جی (۱۹۹۴) و جی و لانکشیر (۱۹۹۵) دنیای قدیم (سرمایه‌داری قدیم) و دنیای کنونی را در مقابل هم قرار می‌دهند. به نظر آنها در دنیای کنونی هیچکدام از فعالیت‌های ارتباطی جهان حذف نشده‌اند، بلکه در لایه پایین‌تری قرار گرفته‌اند و لایه جدیدی از فعالیت‌های اجتماعی، شناختی و اقتصادی در بالای آنها قرار گرفته است. توانایی مدیریت چنین رویدادهایی در زندگی بزرگسالان و دانش‌آموزان به سرعت اهمیت پیدا می‌کند، زیرا موقعیت‌های جدید با ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیتی متمایز، بر توانایی افراد و گروه‌ها در برقراری ارتباط مؤثر و یادگیری از مطالب شفاهی، چاپی و الکترونیکی فشار زیادی وارد می‌کند. چنین تواناییهایی برای انسجام فرهنگی، زیایی اقتصادی و استخدام کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت ضروری است و شکست در این زمینه منجر به تسریع در طرد فرد و بیگانگی او در بین نسل‌ها می‌شود (بینر^۱ و پارسونز^۲، ۲۰۰۱).

رویکرد سازمان ملل به سواد حاکی از تغییر مفهوم سواد طی نیم قرن گذشته است. در سال ۱۹۵۶ یونسکو سواد ارتباطی را با توجه به دانش و مهارت‌های خواندن و نوشتن تعریف کرد (گری^۳، ۱۹۵۶). در این زمان، سواد مجموعه متمایزی از مهارت‌های خط‌محور و بافت‌مدار بود که به رمزگشایی و رمزگذاری متن مربوط می‌شد. در زمان پایه‌گذاری دهه سواد سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳، تعریف جدیدی از سواد ارائه شد و سواد به شرح زیر فهمیده شد:

... سواد چندگانه متنوع است، ابعاد متعددی دارد و به شیوه‌های متعددی یاد گرفته می‌شود. امروزه سواد را به صورت نسبی تعریف می‌کنند نه مطلق. فرض بر این است که هیچ سطح منفردی از مهارت یا دانش وجود ندارد که به واسطه آن یک فرد را باسواد تلقی کنیم، بلکه سطوح چندگانه و انواع سواد وجود دارد (نقل از شافر^۴، ۲۰۰۳).

امروزه، سازمان ملل متحد دیگر سواد را در وهله اول با توجه به مهارت‌های منفرد خواندن و نوشتن تعریف نمی‌کند، بلکه آن را به صورت مجموعه پیچیده، بافت‌مدار و متنوعی از مهارت‌ها در نظر می‌گیرد. با این حال، در رویکرد سازمان ملل متحد هنوز بر سواد خط‌محور تأکید می‌شود نه سواد الکترونیکی.

^۱.Bynner

^۲.Parsons

^۳.Grey

^۴.Shaeffer

رویکردهای نظری به سواد

سواد تحت تأثیر بافت ایدئولوژیکی و سیاسی جامعه تعریف می‌شود. «استریت»^۱ (۲۰۰۳) بین رویکرد «مستقل از بافت»^۲ و رویکرد «بافت‌مدار»^۳ به سواد تمایز قائل می‌شود. تحقیقاتی که طی چند دهه گذشته درباره مفهوم سواد صورت گرفت منجر به پیدایش برداشت جدیدی از سواد شده است. در این مفهوم، سواد بخشی جداناپذیر از عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود. بنابراین، به یک معنا، سواد مفهومی چند بُعدی است. همچنان که خواندن و نوشتن به طرز متفاوت و متمایزی شکل می‌گیرد و تبدیل به عملکردهای اجتماعی - فرهنگی متفاوتی می‌شود، سواد به صورت سوادهای متفاوت در می‌آید. بعلاوه، عملکردهای اجتماعی - فرهنگی همیشه پیامدهای ذاتی و ارزش‌مدار متفاوتی درباره هویتها و اعمال قابل قبول و شیوه‌های دانستن به بار می‌آورند و در این مفهوم، کاملاً سیاسی هستند. گذشته از اینها، عملکردهای اجتماعی - فرهنگی همیشه زبان شفاهی و نوشتاری را با موارد غیر زبانی شامل روش‌های عمل، تعامل، احساس، ارزش‌گذاری، تفکر و اعتقاد و نیز انواع مختلف نمادهای غیرکلامی، مکانها، ابزار، اشیاء و فناوریها تلفیق می‌کنند. بنابراین «برداشت جدید از سواد» همیشه سواد و یادگیری آن را به گونه‌ای می‌بیند که گویی با زبان شفاهی، فعالیت‌های اجتماعی، موقعیت‌ها و صورت‌های فرهنگی تفکر، دانش، ارزش‌گذاری و اعتقاد درآمیخته است. آنچه که «برداشت جدید از سواد» نامیده شده است (جی، ۱۹۹۱؛ استریت، ۱۹۹۶) نماینده روایت جدیدی از ماهیت سواد است که مانند رویکردهای غالب (در سوادآموزی) بر فراگیری مهارت‌ها متمرکز نمی‌شود، بلکه ترجیحاً سعی می‌کند سواد را به صورت فعالیتی اجتماعی معنا کند. این امر مستلزم تشخیص این نکته است که به جای یک سواد، سواد چندگانه داریم که نه تنها بر حسب زمان و مکان متغیر است بلکه روابط قدرت را نیز به چالش می‌کشد. «برداشت جدید از سواد» هیچ چیز را درباره سواد و فعالیت‌های اجتماعی مربوط به آن بدیهی فرض نمی‌کند. در این برداشت، مفهوم سواد در هر زمان و مکان به صورت یک مسئله مطرح می‌شود. همچنین، این سؤال مطرح می‌شود که سواد چه کسانی غالب است و سواد چه کسانی در حاشیه قرار می‌گیرد. در برخورد قوم نگارانه با این مسائل، محققان زمینه سوادآموزی ابزاری مفهومی ایجاد کرده‌اند که هم اصطلاحات جدید ابداع می‌کند و هم معانی جدید به برخی از اصطلاحات قدیمی می‌دهد. استریت (۱۹۸۵) مفهوم سواد چندگانه را مطرح می‌کند و بین رویکردهای مستقل از بافت و بافت‌مدار به سواد تمایز قائل می‌شود.

^۱.Street

^۲.Autonomous

^۳.Ideological

رویکرد مستقل از بافت

طرفداران رویکرد مستقل از بافت، سواد را به صورت مجموعه مستقلی از مهارت‌ها و جدای از بافت موقعیت در نظر می‌گیرند. در این دیدگاه سواد مهارت و فعالیتی تک‌بعدی و بیشتر خط‌محور محسوب می‌شود. در این مفهوم، سواد با توانایی‌های ذهنی فرد مرتبط است و آزمون‌های روان‌شناختی متعدد برای تعیین سطح سواد هر فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نتیجه این آزمون‌ها، فرد بی‌سواد یا باسواد تلقی می‌شود و در صورت باسواد بودن، میزان سواد او از سطوح پایین‌تر تا سطوح بالاتر رتبه‌بندی می‌شود. بر اساس این دیدگاه، سواد با توجه به مهارت‌هایی تعریف می‌شود که اعضای یک جامعه برای تضمین موفقیت یا بقا در آن جامعه بدان نیاز دارند ولی این مهارت‌ها را تنها در توانایی خواندن و نوشتن خلاصه می‌کنند. به عبارت دیگر، افراد برای کسب موفقیت در جامعه به مهارت‌های خاصی نیاز دارند که جامعه آن‌ها را ارزشمند می‌داند و افراد بر اساس فراگیری آن مهارت‌ها دسته‌بندی می‌شوند. همانطور که پیشتر گفته شد، استریت این دیدگاه را رویکرد سواد «مستقل از بافت موقعیت» می‌نامد. به عقیده وی، این رویکرد فرضیه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی زیربنای سواد را طوری تغییر می‌دهد که گویی بی‌طرفانه^۱ و جهانی هستند. در چنین دیدگاهی افراد بی‌سواد نسبت به باسوادها - که تنها به لحاظ توانایی خواندن و نوشتن با آنها تفاوت دارند - افرادی عقب‌مانده، ناتوان و فاقد هوش تلقی می‌شوند، بی‌سوادی نقص است و افراد بی‌سواد تا حد زیادی مسئله‌دار به حساب می‌آیند. فرض زیربنای آموزش مدرسه‌ای و حتی برنامه‌های پیشرفت آموزشی با رویکرد مستقل از بافت این است که سواد (یا به عبارت دیگر توانایی خواندن و نوشتن متون چاپی) به خودی خود - به طور مستقل - اثراتی بر فعالیت‌های اجتماعی و شناختی دیگر دارد. به عبارت دیگر، آموزش خواندن و نوشتن ابتدایی به افراد «بی‌سواد» بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها - مهارت‌های شناختی آنان را تقویت می‌کند، آینده اقتصادی آنها را بهبود می‌بخشد و آنان را به شهروندان بهتری تبدیل می‌کند. طرفداران رویکرد مستقل از بافت، هدف از یادگیری سواد را پذیرش ایدئولوژی غالب و افزایش زایایی اقتصادی ملت می‌دانند. بنابراین رویکرد یادشده در جهت رشد سرمایه‌های انسانی است. در چنین جامعه‌ای کارگران آموزش‌دیده مرکز نیروی کار و اقتصاد را تشکیل می‌دهند و دانش ابزاری محسوب می‌شود که دارای ارزش اقتصادی است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه (مثلاً اندونزی و سنگال) رویکرد سواد مستقل از بافت را به عنوان چارچوب زیربنای برنامه‌های درسی آموزش و پرورش می‌پذیرند که در آن بر مهارت‌های رمزگشایی و رمزگذاری سطح پایین متن (خواندن و نوشتن ابتدایی) تأکید می‌شود (لیدیکت، ۲۰۰۷). نورویت^۲ (۲۰۰۴) گزارش می‌دهد در برنامه سوادی که با حمایت مالی

^۱.Neutral

^۲.Nordtveit

بانک جهانی در سنگال اجرا می‌شود، در وهلهٔ اول بر شکل‌دادن به مهارت‌های محدودی برای خواندن، نوشتن و حساب مقدماتی تأکید می‌شود. وی دربارهٔ آموزش خواندن و نوشتن وارد جزئیات نمی‌شود، اما با بحث دربارهٔ برنامهٔ آموزش حساب، مفهوم مهارت‌ها را در این جامعه تاحدودی معرفی می‌کند. بر طبق گزارش نورویت، آموزش حساب در سه سطح انجام می‌شود: در سطح اول شمارش، جمع، تفریق، ضرب، تقسیم و حل مسألهٔ مقدماتی آموزش داده می‌شود، در سطح دوم استفاده از ماشین حساب و در سطح سوم هندسه (سطح و حجم)، اعداد مرکب و اعشاری آموزش داده می‌شود. وی متذکر می‌شود که معمولاً چیزی فراتر از سطح دوم آموزش داده نمی‌شود و ۸۰٪ آموزشگران تنها دروس سطح اول را آموزش می‌دهند. این مطلب به این معناست که با اینکه آموزش مهارت‌ها در حد گسترده‌ای فرض می‌شود، اما نه تنها مهارت‌های سطح پایین آموزش داده می‌شوند بلکه این مهارت‌ها در پایین‌ترین سطح خود باقی می‌مانند. توصیه‌های مربوط به پیشرفت کیفیت برنامه حاکی از برنامه‌ای با چشم‌انداز سواد مستقل است:

- یادگیری شمارش پول محلی و تبادلات مالی؛ بحث دربارهٔ شیوه‌های گول‌نخوردن
- آزمون‌های ساده دیداری برای تعیین اینکه کدام یک از فراگیران باید نزدیک تر به تخته سیاه بنشینند.

- درخواست از خواننده‌ها برای آوردن مطالبی که مایلند بخوانند (نورویت، ۲۰۰۴)
- برنامه‌هایی نظیر برنامه سواد سنگال و اندونزی با تأکید بر مهارت‌ها مشکل عمومی دیدگاه مستقل از بافت را در آموزش سواد برجسته می‌کنند، زیرا به افراد طیف محدودی از مهارت‌ها را آموزش می‌دهند. آنها سواد را به آنچه در فرهنگ‌های دارای صنعت چاپ ارزشمند است محدود می‌کنند و توانایی سواد را چیزی می‌دانند که افراد مبتدی فاقد آن هستند نه به صورت طیف فعالیت‌های بافت‌مداری که با رسانه‌های دیگر نیز به کار می‌روند (مثلاً سواد به عنوان توانایی بیان شفاهی مطالب، توانایی نواختن موسیقی، توانایی برقراری ارتباط نوشتاری یا گفتاری با استفاده از انواع فناوری‌ها). بنابراین مهارت و توانایی ناشی از سواد تنها به معنای فعالیت‌های جاری حول زبان و اطلاعات نوشتاری به کار می‌رود. گذشته از اینها، در برنامه‌های آموزشی این کشورها سواد خطی (نوشتاری) بر صورت‌های دیگر سواد تفوق دارد و حتی زمانی که سواد فناوری‌های در حال ظهور در نظر گرفته می‌شود، به صورت مکمل سواد خطی مطرح می‌شود و به صورت سواد مجزا محسوب نمی‌شود (لیبیکت، ۲۰۰۷).

رویکرد بافت‌مدار

تحقیقاتی که در دههٔ گذشته در زمینهٔ «برداشت جدید از سواد» صورت گرفته است رویکرد مستقل از بافت موقعیت را به چالش می‌گیرد و پیشنهاد می‌کند که در عمل سواد از یک بافت

زمانی و مکانی به بافت دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است. استریت (۱۹۸۵، ۲۰۰۳) متذکر می‌شود که انواع متفاوت سواد در شرایط متفاوت اثر متفاوتی به جا می‌گذارند. به عقیده او، طرفداران رویکرد مستقل از بافت موقعیت، مفاهیم غربیان را از سواد بر فرهنگ‌های دیگر تحمیل می‌کنند یا درون یک کشور سواد مربوط به یک طبقه یا گروه فرهنگی را بر بقیه تحمیل می‌کنند. از طرف دیگر، طرفداران رویکرد بافت‌مدار، دیدگاهی حساس به بافت موقعیت درباره سواد دارند و معتقدند که مفهوم سواد از یک بافت اجتماعی - فرهنگی به بافت دیگر متفاوت است. فرضیه‌های زیربنای این رویکرد با رویکرد مستقل از بافت فرق دارد. آنها سواد را فعالیتی اجتماعی در نظر می‌گیرند که خاص هر جامعه است نه مهارتی فنی و جهانی (همگانی). به نظر آن‌ها سواد درباره دانش است نه خود دانش، روش‌هایی است که به وسیله آنها هویت افراد تعیین می‌شود. در این معنا سواد همیشه در بطن فعالیت‌های اجتماعی مانند داد و ستد یک شغل خاص یا بافت آموزشی خاصی قرار دارد و آثار یادگیری سواد به بافت موقعیت خاصی بستگی دارد که سواد در متن آن آموزش داده می‌شود. در این مفهوم، همیشه بر سر معنا و فعالیت‌های سواد مجادله است، از این رو، هر گونه از سواد همیشه تابع ایدئولوژی (مسلك) خاصی است، از جهان‌بینی خاصی نشأت می‌گیرد و همیشه این تمایل وجود دارد که آن دیدگاه سواد غالب شود و بقیه در حاشیه قرار گیرند (جی، ۱۹۹۱؛ بزنی^۱ و استریت ۱۹۹۴). طرفداران مفهوم سواد اجتماعی (برای مثال، استریت، ۱۹۹۵) معتقدند که فرایند یادگیری سواد از آغاز عملی اجتماعی است. شیوه تعامل معلمان با دانش‌آموزان فعالیتی اجتماعی است که ماهیت سواد، تصور یادگیرندگان از سواد و جایگاه آنها را در روابط قدرت تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمی‌توان فرض کرد که سواد را بتوان بی‌طرفانه (بدون تابعیت یک ایدئولوژی مشخص و بدون توجه به بافت و فرهنگ) آموزش داد و سپس اثرات اجتماعی آن را تجربه کرد. طرفداران رویکرد بافت‌مدار، سواد را فعالیت و مسئولیتی اجتماعی می‌دانند و سواد چندگانه از جمله سواد فناورانه و رایانه‌ای را تشخیص می‌دهند که مشتمل بر طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها هستند. در این مفهوم، سواد ابزاری است که به کمک آن یادگیرندگان سواد، ساختار اجتماعی را که در آن زندگی می‌کنند بهتر می‌فهمند و می‌توانند آن را به صورت‌هایی که به سود آنهاست تغییر دهند. آنها معتقدند از طریق فرایند کسب سواد افراد به چشم‌اندازی دست می‌یابند که به آنها امکان به چالش کشیدن وضع موجود را می‌دهد. در این دیدگاه سواد مجموعه محدود و ثابتی از مهارت‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه مجموعه متغیری از مهارت‌ها و فعالیت‌هاست که موقعیت‌مدار است (در هر موقعیت مکانی و زمانی، سواد معنای خاصی دارد) و افراد به میزان توان خود از آن بهره‌مند می‌شوند.

^۱.Besnier

بر اساس رویکرد بافت‌مدار، سواد مهارت و فعالیتی اجتماعی محسوب می‌شود، پدیده‌ای تک‌بعدی و منحصر به فرد نیست، بلکه پدیده‌ای چندبُعدی است (مالکین^۱ و جونز دیاز^۲، ۲۰۰۲) و افراد به شیوه‌های متفاوت و به میزان متفاوت - بسته به توان ذهنی خود- به انواع متفاوت آن دست می‌یابند. به این ترتیب، یک فرد می‌تواند در زمینه ادبیات بی‌سواد و در زمینه ریاضی یا موسیقی بسیار باسواد باشد و برعکس. نکته دیگر اینکه هیچ نوع سواد بر دیگری برتری ندارد. با این دیدگاه، ملاک باسوادی افراد میزان توانایی آنها در استفاده از مهارت‌ها و توانایی‌های ناشی از سواد در موقعیت زمانی و مکانی مشخص و یا توانایی انطباق این مهارت‌ها و توانایی‌ها با موقعیت‌های مختلف است.

به دلیل اینکه در دیدگاه بافت‌مدار سواد ماهیتی بسیار موقعیت‌مدار و فردی دارد، تمایز بین باسواد و بی‌سواد در معنای رایج آن اعتبار چندانی ندارد زیرا ممکن است که یک فرد در بعضی زمینه‌ها باسواد و در بعضی دیگر بی‌سواد محسوب شود.

رویکرد بافت‌مدار به سواد در ادبیات مربوط به خوبی مطرح نشده است (لوک^۳، ۲۰۰۱)، با این حال، در بعضی از اسناد اشاره‌هایی بدان می‌شود. از جمله این اسناد، راهبرد سوادآموزی در ایالت کوئینزلند استرالیاست (آموزش و پرورش کوئینزلند، ۲۰۰۰). این راهبرد به صراحت تعریف‌های سواد را مطرح کرده و تعاریف سنتی و تعریف شکل گرفته در این سند را در مقابل هم قرار می‌دهد: "سواد تسلط انعطاف‌پذیر و مداوم بر متون سنتی و جدید از طریق زبان گفتاری، نوشتاری و چندرسانه‌ای است". این تعریف از دیدگاه سواد مستقل از بافت موقعیت دور می‌شود و به رویکرد بافت‌مدار نزدیک می‌شود. در اینجا بر ایجاد طیف مهارت‌های سواد چندرسانه‌ای تأکید می‌شود که طی آن فراگیرنده به توانایی دستکاری اطلاعات در انواع سیستم‌های نشانه‌ای (نوشتاری، گفتاری، و ...) دست می‌یابد. راهبرد یادشده، تعریف سواد را در جهت نیازهای ارتباطی عصر جدید قرار می‌دهد و تلاش می‌کند که توانایی واکنش به نیازهای ارتباطی در حال ظهور و در حال تکامل را در افراد شکل دهد. گذشته از اینها، بر اساس راهبرد سوادآموزی در ایالت کوئینزلند استرالیا، فرد باسواد کسی است که کاربر ماهر متن است، متن را به خوبی رمزگشایی می‌کند، سازنده معناست، کاربر هدفمند اطلاعات است و به عنوان تحلیل‌گر متن، مهارت‌های تفکر انتقادی را به کار می‌گیرد. بنابراین، این راهبرد از ایده فرد باسواد به عنوان شخصی که مهارت‌های خط‌محور مشخصی را به

¹.Malkin

².Jones Diaz

³.Luke

کار می‌برد فراتر می‌رود و او را فردی می‌داند که می‌تواند سواد را منطبق با نیازهای ارتباطی به کار بگیرد (مسترز^۱ و فوستر^۲، ۱۹۹۷).

جان کلام آن که یکی از هدف‌های اصلی برنامه‌های آموزشی شکل‌دادن به سواد است. بر سر مفهوم سواد اتفاق نظر وجود ندارد و معیاری جهانی برای تعریف آن اعلام نشده است. از طرفی، تعریفی که یک جامعه برای سواد قائل می‌شود، انواع سیاست‌ها و نیز عملکردهای یاددهی-یادگیری را شکل می‌دهد. امروزه، سازمان ملل متحد دیگر سواد را در وهلهٔ اول با توجه به مهارت‌های منفرد خواندن و نوشتن تعریف نمی‌کند، بلکه آن را به صورت مجموعهٔ پیچیده، بافت‌مدار و متنوعی از مهارت‌ها در نظر می‌گیرد. از نظر استریت (۲۰۰۳) سواد باید تحت تأثیر بافت ایدئولوژیکی و سیاسی جامعه تعریف شود. وی بین رویکرد «مستقل از بافت» و رویکرد «بافت‌مدار» به سواد تمایز قائل می‌شود. مختصه‌های رویکردهای مستقل از بافت موقعیت و بافت‌مدار به سواد به اختصار در قالب جدول ۱.۱ ارائه شده است.

¹.Masters

².Foster

جدول ۱.۱ - مختصه‌های رویکردهای مستقل از بافت موقعیت و بافت‌مدار به سواد

مختصه‌های رویکرد بافت‌مدار به سواد	مختصه‌های رویکرد مستقل از بافت موقعیت به سواد	
بر مهارت‌های رمزگشایی و رمزگذاری از متون گفتاری و نوشتاری تأکید می‌شود (سواد چندبُعدی)	بر مهارت‌های رمزگشایی و رمزگذاری متون نوشتاری تأکید می‌شود (سواد تک بعدی)	۱
بر برقراری ارتباط مؤثر تأکید می‌شود	بر برقراری ارتباط مؤثر تأکید نمی‌شود	۲
سواد مهارت و فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود	سواد مهارت و فعالیت اجتماعی محسوب نمی‌شود	۳
بر توانایی افراد و گروه‌ها در یادگیری با استفاده از فناوری‌های متفاوت تأکید می‌شود.	توانایی افراد و گروه‌ها در یادگیری با استفاده از فناوری‌های متفاوت مدنظر نیست.	۴
سواد کاملاً وابسته به بافت زمانی، مکانی، اجتماعی و فرهنگی است.	سواد مستقل از بافت زمانی، مکانی، اجتماعی و فرهنگی است.	۵
سواد متأثر از جامعه است.	سواد از جامعه تأثیر نمی‌پذیرد.	۶
سواد مهارت و توانایی شخصی است.	سواد مهارت و توانایی همگانی و جهانی است.	۷
بر سواد انتقادی تأکید می‌شود.	بُعد انتقادی در ساختار سواد فوق‌الذکر وجود ندارد.	۸
توانایی افراد در تولید علم مدنظر است.	تنها کسب دانش موجود مدنظر است.	۹

بخش دوّم: سیاست‌گذاری آموزش سخن‌گفتن

در ایران و سایر کشورها

فصل دوم

مفهوم سخن گفتن

مقدمه

صحبت کردن به صورت کاربرد زبان شفاهی برای تعامل مستقیم و بلافاصله با دیگران تعریف می‌شود و سخن‌گفتن صورت آکادمیک آن است.^۱ ارتباط به زبان شفاهی و آکادمیک مستلزم کنترل طیف وسیعی از مختصه‌های واج‌شناختی و نحوی، واژگان، گونه‌های ادبی شفاهی و اطلاعاتی دربارهٔ چگونگی کاربرد مناسب آنهاست. موفقیت در تعامل گفتاری با (الف) ماهیت تعامل و نقش افراد در آن تعامل، (ب) شرایطی که تحت آن شرکت‌کنندگان تعامل برقرار می‌کنند و (ج) نقطهٔ شروع تعامل تعیین می‌شود. موارد الف و ب توسط شرکت‌کنندگان و در جریان تعامل شکل می‌گیرد (باتلر^۲، ایگنور^۳، جونز^۴، مک نامارا^۵ و سومی^۶، ۲۰۰۰).

تحقیقات انجام شده دربارهٔ ارتباط شفاهی گویش‌وران بومی یک زبان در چارچوب دو سنت بوده است (باتلر، ایگنور، جونز، مک نامارا و سومی، ۲۰۰۰): یکی سنت جامعه‌شناختی و دیگری نظریهٔ کنش‌گفتاری. سنت جامعه‌شناختی از رویکرد روش‌شناسی قوم‌گرا نشأت می‌گیرد که توسط ساکس^۷ (۱۹۹۵) مطرح شد و بر این نکته متمرکز می‌شود که چگونه گفتمان شفاهی^۸ به همهٔ شرکت‌کنندگان مربوط می‌شود و این‌که تعامل سنگ بنای آن است. سنت یادشده رویکردی صورت‌گرایانه به مطالعهٔ انواع کلام دارد و در پی شناسایی الگوهای کلیدی تعامل در کلام روزمره (مثلاً تماس‌های تلفنی) و کلام خاص یک موقعیت (مانند شهادت در دادگاه) است. از آنجایی که سنت جامعه‌شناختی به معنا نیز مربوط می‌شود، به انتقال معنا توسط این الگوها نیز می‌پردازد.

از طرفی، نظریهٔ کنش‌گفتاری، معنا را کانون اصلی خود می‌گیرد و به چگونگی کاربرد زبان برای انتقال معنا به صورت مستقیم و غیرمستقیم توجه دارد. نظریهٔ کنش‌گفتاری، نقش و نه صورت را اصل اساسی و سازمان‌دهندهٔ خود در نظر می‌گیرد.

دو متغیر کلیدی که سخن‌گفتن را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از: مختصه‌های موقعیتی و مختصه‌های کلامی (جامیسون، جونز، کیرش، موسنتال و تایلر، ۱۹۹۹). در ادامه این مختصه‌ها با جزئیات بیشتر مطرح می‌شوند.

^۱ برای برجسته‌کردن مهارت سخن‌گفتن دانش‌آموزان، در این کتاب تعاملاتی که در فضاها آکادمیک روی می‌دهد مدنظر قرار می‌گیرد. در چنین فضاها، تعاملات در وهله اول در جهت فراگیری، انتقال و بازنمایی دانش صورت می‌گیرند. بعلاوه، تعاملات در محیط‌های آکادمیک به سازماندهی، مدیریت و تنظیم فعالیت‌های یادگیری مربوط می‌شوند.

^۲.Butler

^۳.Eignor

^۴.Jones

^۵.McNamara

^۶.Suomi

^۷.Sacks

^۸.spoken discourse

مختصه‌های موقعیتی. سخن گفتن فعالیتی اجتماعی محسوب می‌شود و به همین ترتیب، فضای اجتماعی با اثرگذاری بر زبان مورد استفاده منجر به تفاوت در سخن گفتن در فضاهای متفاوت می‌شود. این مختصه‌ها شامل شرکت‌کنندگان، موضوع، فضا و سیاق گفتار می‌شود. شرکت‌کنندگان: سخن گفتن حداقل دو شرکت‌کننده دارد. بنابراین شناسایی بعضی از ویژگی‌های شرکت‌کنندگان یعنی نقش‌ها و روابط آنان ضروری است. این ویژگی‌ها در زیر مطرح می‌شوند.

نقش‌ها: شامل تعداد، سن و جنسیت شرکت‌کنندگان می‌شود. تعداد: تعداد شرکت‌کنندگان در گفتگو در موقعیت‌های مختلف متفاوت است و این امر ماهیت تعامل و رسمی بودن زبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از لحاظ تعداد شرکت‌کنندگان ۴ نوع موقعیت وجود دارد: (الف) یک به یک (مثلاً مکالمه تلفنی، تعامل معلم و دانشجو، تعامل دانش‌آموز- دانش‌آموز، تعامل دانش‌آموز- مستخدم)، (ب) گروه کوچک (جشن شام)، (پ) مخاطب کم (سمینار کوچک یا بحث گروهی کوچک)، و (د) مخاطب زیاد (سخنرانی در دانشگاه)

سن: سن افراد نقش کم‌اهمیت تری در تعیین ویژگی‌های تعامل- نسبت به تفاوت‌های وضعیتی افراد- بازی می‌کند و گاهی زیر مجموعه تفاوت‌های وضعیتی در نظر گرفته می‌شود.

جنسیت: پیشینه غنی و بحث‌برانگیزی درباره تفاوت بین زبان گفتاری زنان و مردان وجود دارد و اکثر این تحقیقات تنها درباره گویشوران بومی زبان انگلیسی صورت گرفته است.

روابط: شامل روابط متقارن، مبهم یا قابل تغییر است. دانش‌آموزان بخشی از روابطی هستند که ممکن است شرکت‌کنندگان دیگر وضعیت و قدرت بالاتری نسبت به آنها داشته باشند. بیشتر روابط میان پرسنل آکادمیک و اداری یک فضای آکادمیک از این نوع است. اما گاهی ممکن است دانش‌آموزان در نقش رهبر گروه دارای وضعیت بالاتری باشند. همچنین، موقعیت‌های مبهم یا قابل تغییر وجود دارد مانند روابط مشتری- خدمتکار.

موضوع: به طور کلی، موضوعات سخن گفتن باید متناسب با فضای آکادمیک باشد. معمولاً از دانش‌آموزان خواسته می‌شود درباره موضوعاتی سخن بگویند که درباره آنها تا حدودی اطلاعات دارند، اما از آنها انتظار می‌رود درباره موضوعاتی نیز صحبت کنند که اطلاعات کمی درباره آنها دارند و به تازگی در حال یادگیری آنها هستند. بر اساس اطلاعات گویندگان، موضوع صحبت آنها به سه دسته تقسیم می‌شود:

- موضوعاتی که اطلاعات مربوط به آنها با یک تکلیف تلفیقی (در تلفیق با مهارت‌های زبانی دیگر) فراهم می‌شود،

- موضوعاتی که همگان درباره آنها اطلاعات زیادی دارند،

- موضوعاتی که گوینده درباره آنها به خوبی اطلاعات دارد.

منبع دانش و اطلاعات فرد هر چه که باشد موضوع سخن گفتن نیز باید متناسب با فضای آکادمیک باشد. معمولاً گفتگوهای یک محیط آکادمیک درباره یکی از چهار موضوع زیر صورت می‌گیرد:

- موضوعات آکادمیک. محتوای استاندارد سخنرانی‌ها و متون؛

- سازماندهی فعالیت‌های یادگیری. بحث درباره راهبردهای یادگیری و مذاکره درباره رویه‌ها و ابزار؛

- قوانین زندگی آکادمیک. گفتمان اداری درباره شرایط رسمی دوره‌ها و قوانین آکادمیک؛ و

- رویدادهای زندگی روزانه که در محوطهٔ مدرسه روی می‌دهد- برخورد در محیط خدماتی (کتاب-فروشی، خدمات پزشکی) و بحث غیررسمی با دوستان
فضا:

جامیسون و همکاران (۲۰۰۰) بر این باور هستند که سه نوع فضا در یک محیط آکادمیک قابل شناسایی است: آموزشی، مطالعاتی و خدماتی. موقعیت‌های آموزشی. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که بتوانند سخنرانی کوتاهی ارائه دهند، معمول‌ترین فعالیت سخن گفتن در این موقعیت، طرح سؤالاتی دربارهٔ محتوای یک سخنرانی است. اتاق سمینار/مباحثهٔ گروهی. در اینجا از دانش‌آموزان انتظار می‌رود نه تنها سؤال مطرح کنند بلکه سخنرانی‌های کوتاه ارائه دهند یا پاسخی قابل ملاحظه به سؤالات مافوق خود بدهند. آزمایشگاه. محتمل‌ترین تکلیف سخن گفتن، طرح سؤال برای شفاف‌سازی مطلب و تشریح یافته‌ها در آزمایشگاه است.

سیاق:

توصیف سیاق دشوار است زیرا هیچ چارچوبی برای نامیدن انواع متفاوت آن وجود ندارد. می‌توان سیاق را با توجه به متغیرهای زیر تعریف کرد:

- درجهٔ برآورده کردن قواعد رسمی دستور زبان
- درجهٔ تمرکز بر کیفیت زبان
- قالب کمک‌های گفتاری به صورت عبارت یا جمله
- زمان لازم برای برنامه‌ریزی پاره‌گفتارها
- شکل‌گیری کلام در نتیجهٔ تعامل یا به صورتی از پیش تعیین شده

جامیسون و همکاران (۱۹۹۹) چنین متغیرهایی را با هدف توصیف درجهٔ رسمیت زبان و بیشتر به معنایی که لابو^۱ (۱۹۶۶) ساختار اجتماعی زبان را توصیف کرد وضع کردند. از نظر آنها به جای برشمردن مقولات، بهتر است مختصه‌های مقوله‌ای مؤثر بر رسمیت زبان شناسایی شوند. این مختصه‌ها در قالب مختصه‌های عام/کاربردشناختی و مختصه‌های ساختاری مورد بحث قرار می‌گیرند که در زیر با جزئیات بیشتر مطرح می‌شوند.

مختصه‌های عام/کاربردشناختی: تحلیل نقش‌گرایانهٔ گفتمان را می‌توان با توجه به مختصه‌های عام/کاربردشناختی در سطوح خُرد و کلان در نظر گرفت. این دو سطح، ابزاری را برای سازماندهی و مقوله‌بندی طیف کاربردهای زبان فراهم می‌آورند.

سطح خُرد: نوبت‌های کوتاه‌تر در تعامل. منبع احتمالی دربارهٔ جنبه خُرد- تعاملی گفتمان، نظریهٔ کنش گفتاری است (آستین^۲، ۱۹۶۲؛ سیرل^۳، ۱۹۶۹) که مستقیماً بر تعامل و انواع کارکردهای کسب‌شده در یک

^۱. Labov

^۲. Austin

^۳. Searle

یا چند تبادل نظر تمرکز می‌کند. قصد گوینده یا نویسنده در بطن تبادل نظر قرار دارد. سیرل (۱۹۷۹)، (۱۹۶۹) بر اساس نظر آستین، پنج کارکرد را مطرح می‌کند: دستوری^۱، فرمانی^۲، بازنمایی، اخباری^۳ و بیانی^۴. شورای اروپا، با توسل به آستین و سیرل، یک طرح درس مفهومی-نقشگرایانه برای آموزش زبان فراهم می‌آورد (ون اک^۵، ۱۹۷۶) که مجموعه نسبتاً متفاوتی از کارکردهای آن را به دست می‌دهد. شش کارکرد اصلی آموزش زبان بر اساس طرح شورای اروپا عبارتند از:

- جستجو و ارائه اطلاعات واقعی
- دریافتن و بیان نگرش‌های ذهنی
- دریافتن و بیان نگرش‌های احساسی
- دریافتن و بیان نگرش‌های اخلاقی
- ترغیب کردن، و
- جامعه‌پذیری (آماده‌شدن برای زندگی اجتماعی)

در دل این طرح، هر کارکرد اصلی به کارکردهای فرعی تقسیم می‌شود.

رویکرد دیگر به تحلیل خرد تعامل از سنت روش‌شناسی قوم‌گرا و تحلیل محاوره برمی‌آید که قراردادهای نوبت‌گیری و تعدادی دیگر از مختصه‌های ساختاری تعامل مانند جفت‌های همجوار^۶ و توالی‌های دلخواه را شناسایی می‌کند. پایه و اساس این رویکرد، برداشت ساخت برخط^۷ گفتمان است.

سطح کلان: گفتمان بسط‌یافته. چند رویکرد به گفتمان بسط‌یافته وجود دارد. رویکرد کارکرد بلاغی بر شناسایی الگوهای سنتی، سازماندهی بلاغی یا الگوهای عرضه متمرکز می‌شود (هیل^۸، تایلر^۹، بریجمن^{۱۰}، کارسون^{۱۱}، کرول^{۱۲} و کانتور^{۱۳}، ۱۹۹۶) که بیشترین ارتباط را با کاربرد آکادمیک زبان دارد. این کارکردها تعریف، نقل، توصیف، مقایسه و تقابل، رویه/فرایند و ... است. این کارکردها در ادبیات مربوط به خوبی مطرح شده‌اند (شاونسی^{۱۴}، ۱۹۷۷؛ د'آنجلو^{۱۵}، ۱۹۸۰؛ جامیسون و همکاران، ۱۹۹۹ ص. ۵۷). این کارکردها ممکن است به تنهایی یا در تلفیق با یک موقعیت ارتباطی مشخص برای نیل به یک هدف مشخص به کار روند.

¹.Directive

².Commisive

³.Declarative

⁴.Expressive

⁵.Van Ek

⁶.Adjacency pairs

⁷.On-line construction

⁸.Hale

⁹.Taylor

¹⁰.Bridgeman

¹¹.Carson

¹².Kroll

¹³.Kantor

¹⁴.Shaughnessy

¹⁵.D'Angelo

همانطور که هج (۱۹۹۲) اشاره می‌کند، گوینده‌ها برای گزارش‌دهی باید مطالب مورد استفاده را توصیف کرده، نقل کنند که چه اتفاقی افتاده، روش‌های مورد استفاده را مقایسه کرده و در مقابل یکدیگر قرار دهند و قسمت‌های دیگر حل مسئله را انجام دهند. از طرف دیگر، ممکن است یک تکلیف، صرفاً مستلزم یک نوع سازماندهی باشد (مثلاً رویه‌ای: چگونگی دسترسی به اینترنت)

مختصه‌های مشابه گفتمان نیز تحت عنوان گونه ادبی^۱ مورد بحث قرار گرفته است. مفهوم گونه ادبی ناشی از تحقیق در زمینه مطالعات ادبی سنتی است، اما در طیفی از آثار مربوط به زبان گفتاری شامل قوم‌نگاری گفتار به‌ویژه در اثر هایمز^۲ (۱۹۷۲)، نظریه ادبی باختین^۳ (۱۹۸۶)، نظریه‌پردازان تنوعات زبانی در زبان‌شناسی اجتماعی مانند لایو^۴ و والتزکی^۵ (۱۹۶۷) و تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف، ۱۹۹۵) تظاهر یافته است. اما اسلید^۶ (۱۹۹۶) متذکر می‌شود که چندین رویکرد متفاوت به تحلیل گونه ادبی وجود دارد. وجه اشتراک هر کدام از این رویکردها، تشخیص این نکته است که در هر دو زبان گفتاری و نوشتاری، انواع متن یا گونه‌های ادبی متفاوت با ساختارهای درونی خود وجود دارد که با هدف‌های اجتماعی متفاوت انطباق دارد.

چندین تعریف از انواع گونه‌های ادبی در پیشینه وجود دارد که عبارتند از:

- گفتگوهای خدماتی چهره به چهره
- گفتگوهای خدماتی تلفنی
- گفتمان آموزشی گفتاری
- روایت‌ها شامل موارد مستخرج از یک مصاحبه زبان‌شناسی اجتماعی
- متون بیانگر عقاید و شایعه‌ها

مختصه‌های ساختاری: تعدادی از مختصه‌های ساختاری در ویژگی‌های واکنش‌ها منعکس می‌شود. این موارد شامل مختصه‌های گفتمان، دستور-واژگان و واج‌شناسی/زبرنجیری و اثر ارتباطی آنهاست. چنین مختصه‌هایی احتمالاً در قالب موارد زیر بروز پیدا می‌کنند:

- تکمیل تکلیف (با توجه به شرایط مختلف، پیوستگی مطالب)
- کفایت واکنش با توجه به طول و پیچیدگی
- قابلیت درک شامل کنترل مختصه‌های واج‌شناختی و زبرنجیری
- کفایت منابع دستوری
- گستره واژگان و ریزه‌کاری های آن

¹.Genre

².Hymes

³.Bakhtin

⁴.Labov

⁵.Waletzky

⁶.Slade

- روانی^۱ (ممکن است نماینده یک مقوله خاص نباشد) و
- انسجام

سخن گفتن مستلزم تبدیل مفاهیم و ایده‌ها به الگوهای صوتی تولیدشده توسط اندام‌های تولیدی است. در جریان این فرایند «تبدیل» سخنگویان باید واژه‌های مناسب را برای انتقال پیام موردنظر از حافظه بازیابی کنند. گذشته از این، آنها باید این واژه‌ها را بر اساس خاصیت‌های دستوری زبان گفتاری تلفیق کنند. سرانجام، آنها باید اطلاعات مربوط به چگونگی تولید واژه‌های منتخب را نیز بازیابی کنند. اگرچه سخنگویان تمام این فرایندها را به راحتی (کمتر از ۱ اشتباه در هر ۱۰۰۰ واژه) و به سرعت (۲ واژه در هر ثانیه؛ لولت^۲، ۱۹۸۹) انجام می‌دهند، باید دانست که سازوکارهای دخیل در تولید گفتار بسیار پیچیده است و درباره آنها اطلاعات ناچیزی وجود دارد. ما زمان بیشتری را به تولید گفتار اختصاص می‌دهیم تا تولید نوشتار، بنابراین تعجبی ندارد که درباره تولید گفتار بیشتر از نوشتار می‌دانیم.

بیشتر پژوهش‌های زمینه روان‌شناسی زبان به فرایندهای دخیل در درک گفتار و خواندن پرداخته‌اند. با این حال، در دو دهه گذشته تعداد فزاینده‌ای از پژوهشگران ساختار فرایندهای دخیل در سخن گفتن را مورد توجه قرار داده‌اند. این مطالعات بر معماری نقش‌گرایانه و پویایی فرایندهای دخیل در تولید گفتار متمرکز شده‌اند.

مراحل تولید گفتار

نظریه پردازان اتفاق نظر دارند که تولید گفتار مستلزم فرایندهای کلی و متعددی است. برای مثال، لولت (۱۹۸۹) استدلال کرد که گفتار طی ۳ فرایند اصلی تولید می‌شود:

- مفهوم‌سازی^۳: برنامه‌ریزی پیامی که باید منتقل شود
- صورت‌بندی^۴: تبدیل پیام موردنظر به جمله‌ای خاص و شکل‌دادن به صدای کلمات در جمله (تبدیل بازنمایی مفهومی به صورت زبانی)
- تولید^۵: مرحله پایانی که در آن واژه‌ها به گفتار تبدیل می‌شوند و مستلزم برنامه‌ریزی آوایی و تولیدی است.

در جریان مفهوم‌سازی، سخنگویان قصد سخن گفتن را مشخص می‌کنند و برای تدوین پاره‌گفتار موردنظر اطلاعات مربوط را از حافظه یا محیط انتخاب می‌کنند. محصول مفهوم‌سازی پیامی است که هنوز به مرحله تولید کلامی نرسیده است. این مرحله سطح پیامی بازنمایی نامیده می‌شود. درباره فرایندهای مفهوم‌سازی و قالب سطح پیام اطلاعات چندانی وجود ندارد. سطح پیام مستلزم تعامل با جهان (مخصوصاً با سخنگویان دیگر) و با حافظه معنایی است. شروع فرایند تولید باید وجه اشتراک زیادی با نقطه پایانی فرایند

¹.Fluency

².Levelt

³.Conceptualization

⁴.Formulation

⁵.Articulation

درک داشته باشد. هنگامی که صحبت می‌کنیم قصد داریم که با زبان خود به چیزی دست پیدا کنیم. لولت (۱۹۸۹) بین برنامه‌ریزی خرد^۱ و برنامه‌ریزی کلان^۲ فرایندهای مفهوم‌سازی تمایز قائل شد. برنامه‌ریزی کلان مستلزم بیان یک هدف ارتباطی در قالب چند هدف فرعی و بازایی اطلاعات مناسب است. برنامه‌ریزی خرد مستلزم اطلاق شکل گزاره‌ای صحیح به این قطعات اطلاعاتی و تصمیم‌گیری دربارهٔ مواردی نظیر موضوع یا کانون پاره‌گفتار است.

فرایند صورت‌بندی دو مؤلفهٔ اصلی دارد: ما باید تک تک واژه‌هایی را که می‌خواهیم بگوییم انتخاب کنیم^۳، و باید آنها را برای تشکیل یک جمله کنار هم قرار دهیم (برنامه‌ریزی نحوی). البته همیشه ضروری نیست که برای استخراج معنای یک جمله بازنمایی نحوی آن را ایجاد کنیم (به ویژه به هنگام سخن گفتن). سرانجام، فرایند رمزگذاری واج‌شناختی مستلزم تبدیل واژه‌ها به صداها به ترتیب صحیح، ادای واژه‌ها با سرعت صحیح و با مختصه‌های زبرنجیری مناسب (آهنگ، زیر و بمی، بلندی و ریتم) است. ویژگی‌های اصلی زبان گفتاری

گفتار آشکار همیشه در بافتی اجتماعی روی می‌دهد (مگر اینکه فرد دچار مشکل جدی باشد). به عبارت دیگر، به هنگام سخن گفتن یک یا چند شنونده را مخاطب قرار می‌دهیم. هدف اصلی سخن گفتن برقراری ارتباط با دیگران است و از این جهت بیشتر جنبه‌های زبان گفتاری برای تسهیل ارتباط طراحی می‌شود. به گفته گرایس^۴ (۱۹۶۷) کلید ارتباط موفق اصل همکاری^۵ است که بر اساس آن سخنگویان و شنوندگان باید سعی کنند که در مکالمه مشارکت فعال داشته باشند. البته باید دانست که افراد همیشه در برقراری ارتباط موفق نیستند. در زیر ویژگی‌های اصلی زبان گفتاری شامل گفتمان‌نماها^۶، مختصه‌های زبرنجیری و وجود زمینهٔ مشترک میان گوینده و مخاطب مطرح می‌شود.

گفتمان‌نماها

گفتار بر دو نوع است: گفتار محاوره‌ای خودانگیخته و گفتار آماده‌شده (مثلاً سخنرانی در جمع مردم). تفاوت‌های مهمی بین این دو نوع گفتار وجود دارد. همانطور که فاکس تری^۷ (۲۰۰۰) اشاره می‌کند، بسیاری از واژه‌ها و عبارت‌ها (مثلاً "خوب"، "می‌دانید"، "آه"، "به هر حال") در گفتار خودانگیخته کاربرد بیشتری دارند تا در گفتار آماده‌شده. این گفتمان‌نماها مستقیماً به محتوای پاره‌گفتارها کمک نمی‌کنند، با وجود این ارزشمند هستند. حضور گفتمان‌نماها در گفتار رسمی باعث می‌شود که مخاطبان مطالب را بهتر بفهمند تا حذف آنها (برای مثال به فلاوردو^۸ و تارژا^۱ ۱۹۹۵ نگاه کنید).

^۱.Microplanning

^۲.Macroplanning

^۳.Lexicalization

^۴.Grice

^۵.Cooperative principle

^۶.Discourse markers

^۷.Fox Tree

^۸.Flowerdew

فاکس تری (۲۰۰۰) دلیل استفاده از گفتمان‌نماها را نشان‌دادن ادب، کاهش تنش بین‌افردی و شناساندن گروه اجتماعی سخنگو به مخاطب ذکر می‌کند. گفتمان‌نماهایی مانند «آه، بعد، حالا، خوب» به شنوندگان کمک می‌کنند که تغییر موضوع توسط سخنگویان را درک کرده و بر آن تمرکز کنند. «به هر حال» نیز برای نشان‌دادن پایان بحث درباره موضوع دیگر و برگشت به موضوع قبلی به کار می‌رود.

مختصه‌های زبرنجیری

جنبه مهم تولید گفتار ارائه سرنخ‌های زبرنجیری است. این سرنخ‌ها شامل ریتم، تکیه و آهنگ است و فهم گفته‌های سخنگویان را برای شنوندگان راحت‌تر می‌کند. لی^۱ (۱۹۷۳) با تحلیل گفتار طبیعی صداها سخنگو متوجه شد که مرزهای نحوی (مثلاً پایان جمله) معمولاً با سرنخ‌های زبرنجیری نشان داده می‌شود.

زمینه مشترک^۲

پیشتر گفته شد که غالباً سخنگویان سرنخ‌های زبرنجیری و گفتمان‌نماها را برای تسهیل ارتباط مؤثر به کار می‌برند. اما غالباً سخنگویان برای تضمین انتقال پیام به شنونده از این هم فراتر می‌روند. به عقیده کلارک (مثلاً کلارک^۳ و کارلسون^۴، ۱۹۸۱) سخنگویان و شنوندگان معمولاً با همکاری با همدیگر زمینه مشترک یعنی باورها، انتظارات را به صورت دوسویه (دوجانبه) به حداکثر برسانند. زمینه مشترک در بافت گفتگوی دونفره یا چندنفره ضروری است.

انواع سخن گفتن

بر اساس راهنمای انجمن ارتباط گفتاری آمریکا، سخن گفتن شامل گفتار غیر رسمی خودانگیخته (مثلاً صحبت کردن به صورت گروهی، واکنش به بحث کلاسی، مشارکت در مصاحبه‌ها) و گفتار رسمی و از قبل آماده شده است. همچنین، به هنگام آموزش سخن گفتن بر رفتارهای مورد انتظار (واکنش‌ها، شیوه ارائه) در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و فرایند تدوین متن گفتاری تأکید می‌شود. اگرچه بلندخوانی، بازی در نمایش و گفتن مطالب از حفظ فعالیت‌های ارزشمندی هستند، اما سخن گفتن محسوب نمی‌شوند و نباید معلمان فرض کنند که برنامه آموزشی تنها با این فعالیت‌های شفاهی استانداردهای سخن گفتن را برآورده می‌کنند. سخن گفتن غیررسمی معمولاً از طریق کارهای گروهی کوچک در قالب کارگاه‌های نوشتن و بحث درباره پیشینه موضوع مورد بحث، به صورت بخشی از برنامه درسی آموزش داده می‌شود (رُست گلدن^۵، ۱۹۹۸).

¹.Tauroza

².Lea

³.Common ground

⁴.Clark

⁵.Carlson

⁶.RostGoulden

بهترین نقطه شروع آموزش برای شکل‌دادن به توانایی‌های گفتاری دانش‌آموزان در بافت سخن‌گفتن غیررسمی (صحبت کردن) است. تمرینات گسترده در زمینه صحبت کردن اکتشافی و پیام‌های کوتاه فی‌البداهه شالوده آمادگی دانش‌آموزان را برای ارائه طولانی در سخنرانی‌های رسمی و انفرادی فراهم می‌آورد.

سخن‌گفتن غیررسمی نیاز چندانی به آموزش مستقیم ندارد. مسئولیت اولیه معلم ایجاد موقعیت‌های کلاسی است که مشارکت فعال دانش‌آموزان را در گفتارهای کلاسی افزایش می‌دهد. بیشتر گفتگوهای غیررسمی کلاس در قالب سخن‌گفتن با بقیه دانش‌آموزان کلاس به صورت نشسته روی صندلی و یا در قالب گروه‌های کوچک انجام می‌شود. برای ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت در سخن‌گفتن غیررسمی توجه به نکات زیر ضرورت دارد (رُست گُلدن، ۱۹۹۸):

(۱) معلم و دانش‌آموزان باید انتظار داشته باشند که هر کدام از دانش‌آموزان هر روز درباره محتوای کلاس به صورت شفاهی سخن بگویند،

(۲) معلم باید ساختارها و تمرینات کلاسی را تدوین کند که سخن‌گفتن همه دانش‌آموزان را در کلاس درس به یک واقعیت تبدیل می‌کند،

و (۳) به دانش‌آموزان باید اطلاعات و ابزارهایی داد که آنها را آماده سخن‌گفتن کند.

زمانی که دانش‌آموزان توانستند آراء و اندیشه‌های خود را در بحث‌های کلاسی به راحتی مطرح کنند، باید به سمت آماده‌کردن و ارائه سخنرانی‌های انفرادی ساده‌ای مانند گفتارها یا روایت‌های نسبتاً ساده (با یک زاویه دید) پیش بروند.

معلمان باید دانش‌آموزان را از طریق آموزش فرایند ساخت گفتار هدایت کنند. آموزش سطح تدوین مقدماتی مطالب باید مبتنی بر آموزش فرایند نوشتن باشد. اما سطح تدوین پیش‌نویس برای مهارت‌های سخن‌گفتن و نوشتن تفاوت‌های مهمی با یکدیگر دارند. به منظور تهیه فهرست گزینه‌های واژگانی و ساختار جمله مناسب برای مخاطب شنونده در مقابل مخاطب خواننده، راحت‌ترین شیوه برای تضمین زبان شفاهی واقعی از طریق تدوین پیش‌نویس شفاهی و ارائه گفتار به منظوره‌های خاص است.

به هنگام ارائه گفتار به منظوری خاص، یک سخنران به برنامه دقیق، تمرین زیاد و یادداشت‌های تکیه می‌کند، اما یک سناریوی نوشتاری تولید نمی‌کند. بعد از اینکه سخنران درباره موضوع موردنظر تحقیق کردند و هدف، نکات مهم، الگوی سازمان‌دهنده و مطالب حمایت‌کننده را انتخاب کردند، برنامه سخنرانی دقیقی را در قالب رئوس مطالب، فهرست، نقشه، یا هر نظام یادداشت‌برداری موردنظر خود تدوین می‌کنند. گام بعدی در سخن‌گفتن، ارائه سخنرانی در یک موقعیت خصوصی با دنبال کردن راهنمای نوشتاری، توقف و شروع مجدد در مواقع مورد نیاز و کشف راه‌های دیگر بیان پیام است. کار سخنران روی متن سخنرانی منجر به تدوین پیش‌نویس شفاهی می‌شود. مرحله بعد، اصلاح متن بر اساس ارزیابی مجدد گزینه‌های اولیه است. سخنگویان همچنان به صورت انفرادی و خصوصی بارها از طریق سخنرانی صحبت می‌کنند و در مواقع مورد نیاز آن را اصلاح می‌کنند.

زمانی که سخنران به این باور می‌رسد که متن سخنرانی تدوین شده است باید متن موردنظر زمان‌بندی شود و یادداشت‌های آن آماده شود. در گام بعد، سخنران‌ها باید از رفتارهای مربوط به ارائه مانند مکان ایستادن، وضعیت بدن در هنگام ایستادن^۱ و بلندی صدای خود آگاه شوند. همچنین، ممکن است بخواهند که در این مقطع از همسالان خود بازخورد بگیرند و پیشنهادات آنها را پیش از ارائه نهایی در سخنرانی خود بگنجانند.

متن نهایی سخنرانی تنها زمانی شکل می‌گیرد که سخنران در حضور مخاطب سخنرانی را ارائه دهد. برای طبیعی و تازه نگهداشتن سخنرانی، سخنران باید سعی کند در هر یک از جلسات تدوین پیش‌نویس شفاهی از زبانی نسبتاً متفاوت استفاده کند. این تنوع زبانی به یادگیری راه‌های متفاوت بیان یک عقیده یا ایده کمک می‌کند. در این صورت، اگر سخنگویان در یادآوری یا یافتن واژه‌ها در حین سخنرانی واقعی دچار مشکل شوند می‌توانند از گزینه‌های واژگانی دیگر استفاده کنند.

اغلب در مراحل آغازین یادگیری سخن‌گفتن رسمی، دانش‌آموزان ایده سخن‌گفتن بدون یک متن نوشتاری را ترسناک می‌یابند. در زمینه ارتباط شفاهی، آموزش فرایند تدوین پیش‌نویس شفاهی، دادن تمرین به دانش‌آموزان و شروع به ارائه سخنرانی‌های کوتاه و ساده به آنها کمک می‌کند تا به شیوه‌ای طبیعی و مخاطب‌محور سخن بگویند.

مهمترین معیار قضاوت درباره مؤثر بودن ارائه این است که آیا سخنران ارتباط مستقیم با مخاطب برقرار کرده یا نه. اگر سخنران و مخاطب نتوانند ارتباط برقرار کنند سخنرانی تأثیر واقعی چندانی بر مخاطب نخواهد داشت. سخنران‌های موفق که طبیعی و راحت به نظر می‌رسند بر پیام و انتقال آن بر مخاطب تأکید می‌کنند نه بر ظاهر و احساس خود.

اگرچه کارشناسان آموزشی فهرست طولانی از بایدها و نبایدهای رفتار مربوط به ارائه رسمی را توصیه نمی‌کنند، با این حال ممکن است بعضی از دانش‌آموزان به بازخورد خاصی نیاز داشته باشند تا بتوانند صدا و مشکلات بدنی خود را که برای مخاطب مشکل‌ساز می‌شود کاهش دهند. بازخوردهای خاص شامل یادآوری به سخنران برای سخن‌گفتن با صدای بلند و واضح است به طوری که مخاطب بتواند بدون تلاش چندانی پیام را بشنود و نیز اینکه سخنران با مخاطبان تماس چشمی برقرار کند. سخنران باید به مدتی کوتاه مستقیماً در چشمان مخاطب نگاه کند نه اینکه تنها سر تکان دهد یا به فضای بالای سر مخاطبان چشم بدوزد. همچنین، هنگامی که دانش‌آموز حین سخنرانی طوری رفتار می‌کند که حواس مخاطب را پرت می‌کند و مانعی بین سخنران و مخاطب می‌شود باید به او بازخورد داد. البته بهتر است این موارد در موقعیت‌های خصوصی به دانش‌آموزان تذکر داده شود زیرا اعتماد به نفس آنها را در جمع از بین می‌برد.

سخنرانی عمومی فرایند سخن‌گفتن با گروهی از افراد به شیوه‌ای ساختاریافته و عمدی است که با هدف اطلاع‌رسانی، تأثیرگذاری یا سرگرم کردن شنوندگان صورت می‌گیرد. سخنرانی عمومی مانند هر صورت دیگر ارتباطی، دارای پنج عنصر اصلی است که اغلب در قالب «چه کسی می‌گوید، چه چیزی را می‌گوید، به چه کسی می‌گوید، با استفاده از چه رسانه‌ای می‌گوید و با چه تأثیری می‌گوید» بیان می‌شود. هدف از

^۱.Posture

سخنرانی عمومی می‌تواند انتقال اطلاعات، برانگیختن مردم به عمل و یا داستان‌گویی و سرگرم کردن دیگران باشد. خطیب خوب باید بتواند احساس شنوندگان را تغییر دهد، نه اینکه تنها اطلاع‌رسانی کند.

شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن

با توجه به مباحث مطرح‌شده دربارهٔ فرایند سخن‌گفتن می‌توان ادعا کرد که سخن‌گفتن صورت آکادمیک صحبت کردن است و به صورت هدفمند برای یادگیری، انتقال و بازنمایی دانش انجام می‌شود. فرایند سخن‌گفتن در محیط‌های آکادمیک با سازماندهی، مدیریت و تنظیم فعالیت‌های یادگیری ارتباط دارد. این فعالیت مشتمل بر فرایندهای رمزگذاری واژه‌های شفاهی و تولید متن شفاهی است. رمزگذاری واژه‌های شفاهی به صورت خودکار انجام می‌شود ولی تولید متن شفاهی مستلزم آموزش آگاهانه است. در ادامه پس از توضیح مختصری دربارهٔ فرایند تولید متن شفاهی به مؤلفه‌های آموزش آن اشاره می‌شود.

گفتار آشکار همیشه در بافتی اجتماعی و به صورت هدفمند (انتقال اطلاعات، برانگیختن مردم به عمل و یا داستان‌گویی و سرگرم کردن دیگران) روی می‌دهد. به عبارت دیگر، به هنگام سخن‌گفتن یک یا چند شنونده را مخاطب قرار می‌دهیم. از طرفی بسته به بافت موقعیت، سخن‌گفتن به دو نوع گفتار غیر رسمی خودانگیخته (مثلاً صحبت کردن به صورت گروهی، واکنش به بحث کلاسی، مشارکت در مصاحبه‌ها) و گفتار رسمی و از قبل آماده شده تقسیم می‌شود (سخن‌گفتن بافت‌مدار).

گفتار غیر رسمی خودانگیخته در کلاس در قالب سخن‌گفتن با بقیه دانش‌آموزان کلاس به صورت نشسته روی صندلی و یا در قالب گروه‌های کوچک انجام می‌شود. اما گفتار رسمی با ارائهٔ سخنرانی‌های انفرادی ساده آغاز می‌شود. به تدریج با یادگیری فرایند ساخت گفتار آنان می‌آموزند که پیش از ارائهٔ گفتار رسمی (سخنرانی) پیش‌نویس تدوین کنند و ارائهٔ آن را زمان‌بندی کنند (سازماندهی متن شفاهی) و رفتارهای مربوط به ارائه مانند مکان ایستادن، وضعیت بدن در هنگام ایستادن و میزان بلندی صدا را رعایت کنند (فن سخن‌گفتن).

گذشته از این‌ها، دانش‌آموزان باید بیاموزند که به هنگام ارائهٔ شفاهی به مخاطبان و واکنش‌های آنان توجه داشته باشند تا بتوانند با آن‌ها برقرار کنند (سخن‌گفتن انتقادی).

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان شاخص‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن را به شرح زیر ارائه کرد:

الف- رمزگذاری واژه‌های شفاهی (به صورت خودکار انجام می‌شود).

ب- تولید متن شفاهی (مستلزم آموزش است).

- سخن‌گفتن بافت‌مدار (رسمی و غیررسمی)

- راهبردهای سخن‌گفتن (فن سخن‌گفتن - سازماندهی متن شفاهی)

- سخن‌گفتن انتقادی

فصل سوم

مروری بر آموزش سخن گفتن

در نظام آموزش و پرورش ایران

مقدمه

فصل حاضر به آموزش سخن‌گفتن در چارچوب نظام آموزش و پرورش ایران در دوره‌های مختلف تحصیلی اختصاص یافته است. از آنجا که برنامه درسی دوره شش ساله ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه (نظام جدید آموزشی) هنوز به نگارش در نیامده است، از این رو، ناگزیریم کتابهای نگاشته شده برای این دوره‌های آموزشی را از منظر آموزش سخن‌گفتن توصیف کنیم. به منظور سهولت مقایسه برنامه آموزشی ایران با برنامه آموزشی کشورهای توسعه‌یافته آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، نیوزیلند و استرالیا (که موضوع فصل ۴ این کتاب است)، در ادامه کتابهای درسی پایان دوره ابتدایی (پایه ششم)، پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم) و پایان دوره دوم متوسطه (پایه سوم) توصیف می‌شوند.

توصیف برنامه آموزش زبان ملی ایران از منظر آموزش سخن‌گفتن

الف. توصیف کتاب‌های فارسی پایان دوره ابتدایی (پایه ششم، ۱۳۹۴)

کتاب فارسی پایه ششم در دو جلد به تفکیک برای مهارت‌های خواندن و نوشتن تدوین شده است. کتاب‌های یادشده مبتنی بر «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، رویکرد شکوفایی فطرت الهی و با توجه به عناصر پنج‌گانه (علم، ایمان، اخلاق، عمل و تفکر) و جلوه‌های آن در چهار پهنه (خود، خلق، خلقت و خالق) و نیز بر پایه چهارچوب «برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی» سازماندهی و تألیف شده‌اند. درباره کتابهای یادشده نکات زیر قابل تأمل است:

۱- رویکرد عام تدوین و سازماندهی محتوا و تألیف کتاب، شکوفایی فطرت با تکیه بر نگرش فرهنگی تربیتی است.

۲- رویکرد خاص آموزشی بر مهارت‌آموزی یا آموزش مهارت‌های زبانی و فرا زبانی استوار است، به همین روی، هم زمان به مهارت‌های خوانداری و نوشتاری و نیز مهارت‌های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) پرداخته شده است.

۳- بر پایه برنامه درسی فارسی، جهت‌گیری زبان‌آموزی از اول دبستان تا پایه ششم حرکتی از زبان به سوی ادبیات است. به همین دلیل است که در فارسی اول دبستان همه چیز در خدمت آموزش و یادگیری نشانه‌های زبانی است و هرچه از پلکان زبان‌آموزی بالاتر می‌آییم به بار فرهنگی ادبی آن افزوده می‌شود. یعنی در پایه اول، زبان خود موضوع و هدف آموزش بوده است ولی در پایه‌های بالاتر مثل ششم، زبان گذرگاهی است برای رفتن به دنیای معانی و مفاهیم علوم گوناگون. همین مسئله سبب شده است کتاب فارسی ششم، پرمایه‌تر و ژرف‌تر به چشم آید. پس انتظار داریم نگرش روش آموزشی نیز از سطح به ژرفا گرایش یابد.

- ۴- کتاب فارسی مهارت‌های خوانداری به قلمرو شفاهی زبان و به بیان دیگر به قلمرو دریافتی یا ادراکی زبان مربوط می‌شود؛ بنابراین، لازم است در فرایند یاددهی یادگیری، عناصر و ریزمهارت‌های خوانداری (دیدن و گوش دادن انتقادی، بهره‌گیری از دیگر حواس ظاهری در پرورش ذهن و زبان، رعایت آهنگ، لحن کلام، تکیه، مکث و درنگ در خوانش متن و تقویت خواندن انتقادی) آموزش داده شوند تا زبان‌آموز را پس از درک و دریافت درست، به تفکر در لایه‌های زیرین متن درس و نقد و تحلیل وادارد.
- ۵- در تدوین کتاب مهارت‌های خوانداری، به موضوع تقویت فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی، پژوهش، اندیشه‌ورزی و پرورش تفکر، نقد و تحلیل توجه کافی شده است.
- ۶- کتاب مهارت‌های نوشتاری به قلمرو نوشتار و نمادهای خطی زبان و به دیگر سخن به پهنه مهارت‌های تولیدی زبان مربوط می‌شود؛ یعنی در کتاب مهارت‌های خوانداری فارسی، زبان‌آموز اطلاعات و معارف را از طریق متن درس‌ها و آموزه‌ها دریافت می‌کند و این کار سبب پرورش ذهن و زبان، گسترش دامنه واژگان و تقویت تفکر و تحلیل دانش‌آموز می‌شود که در گفتار و بیان دیدگاه‌ها و حضور فعال در کارهای گروهی و نقد و تحلیل شفاهی، قابل مشاهده و ارزشیابی است؛ اما در کتاب مهارت‌های نوشتاری فارسی، آموخته‌ها در قالب نوشته، نمایان می‌شوند.
- ۷- در کتاب‌های فارسی از سه نوع خط استفاده شده است: اول خط نسخ یا خط خواندنی، دوم خط تحریری یا خط نوشتنی و سوم خط نستعلیق ساده یا خط هنری. خط خواندن خطی است که در کتاب‌ها و روزنامه‌ها استفاده می‌شود. دانش‌آموز می‌تواند این خط را در بخش «بخوان و ببیند» ببیند. خط تحریری در متن درس آمده است تا دانش‌آموز به‌هنگام رونویسی آن را تمرین کند. برای یاددهی این خط به آموزش جداگانه‌ای نیاز نداریم چرا که هدف اصلی این است که دانش‌آموزان در حین عمل و رونویسی آن را یاد بگیرند. خط نستعلیق ساده یا هنری نیز خطی است که شعرهای کتاب با آن چاپ شده است تا دانش‌آموزان با دیدن آن، با زیبایی‌ها و ظرایف آن انس بگیرند.
- ۸- با توجه به اینکه امروزه در فرایند یاددهی-یادگیری، دانش‌آموز نقش فعالی دارد استفاده از روش‌های فعال و پیشرفته در تدریس و آموزش کتاب فارسی توصیه شده است و فرصت‌هایی برای مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی به منظور تقویت مهارت‌های گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن، نوشتن و اندیشیدن برنامه‌ریزی شده است.
- ۹- با توجه به اینکه اساس و پایه آموزش زبان فارسی بر تفکر و خلاقیت استوار است به آموزگاران توصیه شده است در کلاس درس به این جنبه و نیز تفاوت‌های فردی توجه داشته باشند. برای تقویت خلاقیت، بهتر است از پرسش‌های واگرا و باز پاسخ، استفاده

- گردد و در پاسخ‌های ابداعی و خلاق دانش‌آموز؛ از پیش‌داوری دوری شود تا مانع پرورش و شکوفایی گفتار و نوشتار خلاق آنان نشود.
- ۱۰- برای بهبود آموزش زبان فارسی در طول سال تحصیلی، توصیه شده است در آغاز سال جلساتی با اولیای دانش‌آموزان برگزار شود و نحوه کار با کتاب‌های فارسی به آنان توضیح داده شود. این کار موجب آگاهی بیشتر خانواده‌ها از رویکردها، روش‌ها و ساختار کتاب می‌شود و در نتیجه، تعامل بین مدرسه و خانواده را ارتقا می‌بخشد.
- ۱۱- کارافزارهای آموزشی درس فارسی برای پشتیبانی از محتوای کتاب فارسی تهیه شده است و به کارگیری اجزای آن در حین تدریس موجب تسهیل، تحکیم و غنی‌سازی آموزش و یادگیری زبان و ادبیات فارسی می‌شود.
- ۱۲- به معلمان توصیه شده است که در ارزشیابی از این کتاب‌ها به مهارت‌های چهارگانه زبانی و تفکر و قدرت تحلیل دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی توجه کنند و در امتحانات رسمی پایان ماه یا پایان نوبت نیز مهارت‌های خواننداری و نوشتاری (املا، نگارش و انشاء) را به عنوان فعالیت‌های عملی مورد توجه قرار دهند.
- ۱۳- ویژگی تلفیق آموخته‌ها و مفاهیم یادگیری ایجاب می‌کند تا در آموزش زبان فارسی به دیگر کتاب‌های درسی نیز توجه شود. به همین سبب، بسیاری از مفاهیم اجتماعی، هنری، دینی، علمی و حتی ریاضی در کتاب فارسی با استفاده از شیوه‌های قصه و شعر ارائه شده است.

با توجه به مطالب ذکرشده مشخص می‌شود که در چارچوب این کتاب‌ها آموزش مهارت سخن‌گفتن در دوره ابتدایی مدنظر قرار نگرفته است.

ب. توصیف کتاب‌های فارسی پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم، ۱۳۹۴)

کتاب فارسی پایه نهم در دو جلد به تفکیک برای مهارت‌های خواندن و نوشتن (نگارش و انشاء) تدوین شده است. این کتاب نیز بر بنیاد رویکرد عام «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» یعنی شکوفایی فطرت الهی استوار است و با توجه به عناصر پنجگانه (علم، تفکر، ایمان، اخلاق و عمل) و جلوه‌های آن در چهار پهنه (خود، خلق، خلقت و خالق)، بر پایه اهداف «برنامه درسی فارسی» سازماندهی و تألیف شده است. برای اجرای نیکوتر این برنامه و اثربخشی فرایند آموزش، به دبیران توصیه شده است که به نکات زیر توجه داشته باشند:

- رویکرد خاص برنامه فارسی‌آموزی، رویکرد مهارتی است؛ یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و فرا زبانی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی و پایه‌های هفتم و

هشتم است. به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین گاهی داشته باشند.

- رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت‌بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طرّاحی و به‌کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.
- در بخش مهارت‌های خوانداری، بایسته است. ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه، آهنگ و دیگر خُرده مهارت‌ها به طور مناسب مورد توجه قرار گیرد
- در آموزش، از بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و فرسایش ذهنی دانش‌آموزان منجر می‌شود، پرهیز گردد. این موضوع، به ویژه، در دانش زبانی و ادبی، به طور جدّی رعایت گردد. مباحث دستوری، ادبی و زبانی در سال‌های آینده، با گستردگی بیشتری بیان خواهد شد؛ بنابراین، به همین اندازه و محدوده کتاب، باید بسنده کرد.
- دانش زبانی و ادبی، برگرفته از متن درس است و پیوستگی زیادی با محتوای درس دارد. آموزش این نکات به درک و فهم بهتر متن کمک می‌کند، بنابراین، متن‌محوری در این بخش، از اصول مورد تأکید است.
- روان‌خوانیها، شعرخوانیها و حکایات با هدف پرورش مهارت‌های خوانداری، ایجاد نشاط و طراوت ذهنی، آشنایی با متون مختلف و مهم‌تر از همه، پرورش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، در ساختار فارسی گنجانده شده‌اند. در پایان همه «روان‌خوانی‌ها» بخش «فرصتی برای اندیشیدن» با دو پرسش تدوین شده است. این پرسش‌ها برای تقویت سواد خواندن، توانایی درک و فهم، پرورش روحیه نقد و تحلیل متون تنظیم گردید.
- تقویت توانایی فهم و درک متن، یکی از برجسته‌ترین اهداف آموزشی این درس است. ایجاد فرصت برای تأمل در لایه‌های محتوا و همفکری گروه‌های دانش‌آموزی به پرورش قدرت معناسازی ذهن زبان‌آموزان کمک می‌کند.
- فعالیت‌های بخش «گفت‌وگو» مربوط به قلمرو مهارت‌های گفتاری زبان است، از نوشتن پاسخ در این بخش، خودداری گردد تا فرصت پرورش سخن‌گفتن و تقویت فن بیان فراهم آید و فرهنگ هم‌اندیشی و گفتمان سازنده و روحیه نقدپذیری، نهادینه شود.
- فصل «ادبیات بومی» با درس‌های آزاد، فرصت بسیار مناسب برای توجه به اصل پانزدهم قانون اساسی و تحقق آن است تا با مشارکت دانش‌آموزان عزیز و راهنمایی دبیران گرامی از گنجینه‌های فرهنگ سرزمینی و ادبیات زبان مادری در غنی‌سازی کتاب درسی بهره‌برداری شود. برای تولید محتوای این درسها پیشنهاد می‌گردد به موضوع‌های متناسب با عنوان فصل

در قلمرو فرهنگ، ادبیات بومی، آداب و سُنن محلی، نیازهای ویژه نوجوانان و جوانان و دیگر ناگفته‌های کتاب، پرداخته شود.

■ همهٔ عناصر ساختاری و محتوایی کتاب فارسی، بر بنیان اصول علم برنامه‌ریزی درسی، به صورت یک‌پارچه و درهم تنیده، سازماندهی شده است، از این رو، آموزش این کتاب، می‌باید به یک دبیر واگذار گردد و برنامه‌ریزان محترم آموزشی مدارس، لازم است به این اصل پایبند باشند و از تفکیک ساعات آموزشی و مواد درسی (فارسی)، (املاء) و تقسیم آن میان چند دبیر خودداری شود.

در چارچوب کتاب‌های مربوط به آموزش فارسی در دورهٔ اول متوسطه نیز مهارت سخن‌گفتن تنها در قالب فعالیت بخش «گفت‌وگو» مطرح می‌شود و آموزش آن به صورت مدون مطرح نمی‌شود.

ج. توصیف کتاب‌های فارسی پایان دورهٔ دوم متوسطه (پایهٔ دوازدهم، ۱۳۹۴)

پیش از هر چیزی ذکر این توضیح ضروری است که برای پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم کتاب جدیدی تألیف نشده و هنوز کتاب‌های قدیم تدریس می‌شوند. این کتابها برای شاخهٔ نظری (شامل رشته‌های تجربی و ریاضی به استثنای رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی) و نیز رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی به صورت مجزا تدوین شده‌اند.^۱ بر اساس طرح مصوب برنامهٔ درسی زبان و ادبیات فارسی، برای تسهیل آموزش هر یک از دو مقولهٔ «زبان» و «ادبیات»، محتوای کتاب‌های فارسی، در قالب دو کتاب «زبان فارسی» و «ادبیات فارسی» تهیه و تنظیم شده است. البته توضیح داده می‌شود که این مرزبندی به معنی جدایی زبان از ادبیات نخواهد بود؛ زیرا گسستن این دو عملاً ممکن نیست اما برای آنکه محدودهٔ نسبی این دو در آموزش مشخص شود، برای هر یک رویکردی جداگانه بایسته به نظر می‌رسید. تقویت و به‌کارگیری مهارت‌های زبانی موجب توفیق در فراگیری سایر علوم و معارف از جمله ادبیات خواهد بود و تعمیق و گسترش ادبیات نیز موجب باروری زبان می‌گردد. در پایهٔ دوازدهم که همان پایهٔ سوم متوسطه در نظام قدیم است نیز کتاب فارسی برای تمام رشته‌ها در قالب دو کتاب زبان فارسی و ادبیات فارسی به نگارش درآمده است.

گذشته از ارتباط افقی و عمودی که بین دروس هر کتاب وجود دارد، محتوای کلی کتاب‌ها به گونه‌ای است که دانش‌آموز در هر پایه نسبت به پایه‌های پیشین، اطلاعات، توانایی‌ها و نگرش‌های مورد نظر برنامه را در سطحی وسیع‌تر و عمیق‌تر کسب می‌کند.

^۱ در این کتاب تنها به کتاب‌های فارسی شاخهٔ نظری پرداخته می‌شود.

- برای آگاهی بیشتر از ساختار کتاب‌های این دوره توجه به نکات زیر ضروری است:
- ۱- اگرچه دو مقولهٔ زبان فارسی و ادبیات فارسی را نمی‌توان به طور کامل از یکدیگر تفکیک کرد، اما برای برای تسهیل در آموزش هر یک مقولهٔ «ادبیات» در کتاب «ادبیات فارسی ۳» و مقولهٔ زبان در کتاب «زبان فارسی ۳» برنامه‌ریزی و تألیف شده است.
 - ۲- کتاب «ادبیات فارسی ۳» شامل ده فصل است و برخی از عنوان‌های آن در کتاب‌های دو سال گذشته نیز آمده است که اکنون تکرار می‌شود. هدف از این تکرار گسترش مفاهیم ادبی، افزایش مهارت‌های زبانی و ادبی و تعمیق نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به زبان و ادب فارسی است.
 - ۳- علاوه بر اهداف کلی کتاب، اهداف کلی فصل‌ها نیز، در آغاز هر فصل، تبیین شده است تا معلمان و دانش‌آموزان از انتظارات آموزشی برنامه آگاه شوند.
 - ۴- به منظور رعایت اصل «لزوم ارتباط عمودی و افقی مطالب» تلاش شده است تا محتوای این کتاب با کتاب‌های ادبیات سال‌های قبل و برخی از کتاب‌های پایهٔ سوم ارتباط و هماهنگی منطقی داشته باشد.
 - ۵- خودآزمایی‌ها به منظور فعال کردن ذهن دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های تفکر در آنان است. دبیران محترم خود نیز می‌توانند مشابه این خودآزمایی‌ها را در ارزشیابی‌های کلاسی و پایانی طرح کنند.
 - ۶- اطلاعات مربوط به واژگان، اشخاص، مکان‌ها و منابع به صورت الفبایی در پایان کتاب عرضه شده است. ارجاع به بخش پایانی کتاب نیز روحیهٔ پژوهش و استفاده از منابع و مراجع را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند.
 - ۷- شعرهایی که در پایان برخی از فصول تحت عنوان «حفظ کنیم» آمده است به منظور ایجاد تنوع در آموزش و علاقه‌مند ساختن دانش‌آموزان به شعر فارسی است و نیازی به تدریس آنها در کلاس نیست.

❖ نکات مربوط به تدریس

- ۱- در تدریس کتاب «ادبیات فارسی ۳» از شیوه‌های تدریس فعال مانند بحث گروهی استفاده شود. بهره‌گیری از وسایل و ابزارهای کمک‌آموزشی مانند تصویر، فیلم، نوار صوتی و ... گذشته از تنوع‌آفرینی، در تسهیل فراگیری مؤثر است.

- ۲- برای فعال شدن کلاس می‌توان دانش‌آموزان را در بررسی متون نظم و نثر شرکت داد و با شیوه بحث گروهی پیام‌ها، درون‌مایه و ویژگی‌های ادبی نوشته‌ها را مشخص کرد.
- ۳- یکی از اهداف آموزش کتاب ادبیات، تقویت فن بیان دانش‌آموزان است؛ بنابراین، توجه به این موضوع در تدریس ضروری است و باید جایگاه ارزشیابی‌های شفاهی در طول دوره آموزشی حفظ گردد.
- ۴- نحوه صحیح قرائت متون باید آموزش داده شود و اهمیت آن در طول تدریس و هنگام امتحان مدنظر باشد.
- ۵- از مباحث و مطالب دستوری، به ضرورت و تنها در صورتی که به فهم بیشتر متون کمک کند استفاده شود. برای فهم بیشتر درس‌های دستور تاریخی می‌توان از شواهد نظم و نثر این کتاب نیز بهره گرفت.
- ۶- از مهارت‌های زبانی به ویژه صحبت کردن و نوشتن در این درس بیشتر بهره گرفته شود و جایگاه این مهارت‌ها در فعالیت‌های کلاسی حفظ گردد.
- ۷- به منظور تقویت روحیه پژوهشی و ایجاد علاقه به متون ادبی، دبیران محترم می‌توانند دانش‌آموزان را به تهیه متون مشابه از منابع گوناگون تشویق نمایند. مجموعه فعالیت‌های دانش‌آموزان در این زمینه می‌تواند به شکل مدون برای استفاده دیگر دانش‌آموزان در کتابخانه مدرسه نگهداری شود.
- ۸- از طرح مقولات جزئی و مباحث جنبی دامنه‌دار که با درس ارتباط مستقیم ندارد و گاه در جریان آموزش اختلال ایجاد می‌کند پرهیز شود.
- ۹- برای شرح و توضیح پاره‌ای از آثار ادبی به ویژه سروده‌ها (مانند غزل) نباید تنها در جستجوی معنی و مفهوم بود. هنرهای کلامی از جمله شعر به منشوری می‌ماند با جلوه‌های گوناگون. پس شایسته است هنگام توضیح این گونه آثار، فضایی در کلاس فراهم شود که دانش‌آموز بتواند به ساحت‌های مختلف یک شعر یا یک نثر راه یابد و ذوق خود را از معانی و مفاهیم متنوع آن سرشار سازد.

❖ اهداف کلی کتاب ادبیات فارسی ۳

- ۱- آشنایی با آثار برخی از بزرگان ادبی، دینی، عرفانی و علمی گذشته و معاصر ایران و جهان
- ۲- آشنایی با مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و توانایی به کارگیری درست آنها

- ۳- آشنایی با جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات فارسی (فصول ده گانه)
- ۴- توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال
- ۵- تقویت توانایی تشخیص و به کارگیری نکات بلاغی در متون ادبی
- ۶- تقویت توانایی تطبیق و مقایسه آثار ادبی ایران و جهان
- ۷- تلطیف عواطف و التذاذ ادبی از راه مطالعه متون ادبی

مختصری درباره کتاب «زبان فارسی ۳»

براساس تلفیقی بودن روش برنامه‌ریزی درسی سعی شده است مهارت‌های زبانی، قواعد شناخت زبان فارسی و کاربرد درست آن به گونه درهم تنیده در قالب کتاب «زبان فارسی ۳» ارائه و ارزشیابی شود. مباحث درهم تنیده کتاب، در چهار حوزه زبان‌شناسی، دستور، نگارش و املاء تهیه شده است که ساختار هر یک به تفکیک، در قالب نکاتی اساسی یادآوری می‌شود. البته این تفکیک برای روشن شدن مباحث است و ضرورت دارد در آموزش این کتاب همه مطالب با هم دیده شود. به همین سبب، خودآزمایی‌های هر درس نیز درهم تنیده تنظیم شده است.

الف) زبان شناسی

برای اینکه دانش‌آموزان با مباحثی از علم زبان‌شناسی (غیر از آنچه سال اول و دوم تدریس می‌شود) آشنایی مختصری پیدا کنند، در هر سال، چند درس در نظر گرفته شده است. این مباحث ضمن اینکه درک عمیق و درستی از زبان به دانش‌آموز می‌دهد و او را با مقوله زبان آشنا می‌سازد، به طور غیرمستقیم در فهم دستور نیز یاریگر اوست.

ب) دستور زبان فارسی

کوشش شده است که دستور زبان دوره دبیرستان، بر مبنای نظریه علمی ساخت‌گرایی نوشته شود و در حد امکان دستور سنتی نیز مد نظر قرار گیرد. در تدوین دستور، نکات زیر مورد نظر بوده است.

۱) کتاب «زبان فارسی ۳»، توصیف فارسی نوشتاری امروز در کتاب‌های درسی است؛ نه فارسی گفتاری، نه عامیانه، نه شعر و نه فارسی روزگار گذشته.

۲) علم، به توصیف واقعیات می‌پردازد، در زبان نیز هرچه واقعیت فراگیر دارد در توصیف مورد نظر است. گرچه با گذشته زبان و سلیقه شخصی و زیبایی‌شناسی و حتی منطق مغایرت داشته باشد؛ مثلاً چون در فارسی نوشتاری تحصیل کرده‌های امروز «وجه وصفی» رایج است غلط نیست. همین طور کاربرد «می‌باید رفت»، «باید رفت» و «بایست برود» به

- جای یکدیگر. پس هرچه در فارسی نوشتاری کتاب‌های درسی واقعیت دارد درست است و چیزی که واقعیت زبانی ندارد تجویز نمی‌شود.
- ۳) در دستور ساختاری، توصیف براساس ساخت و صورت است؛ مثلاً در تعریف فعل به جای اینکه بگوییم «فعل کلمه ای است که برانجام کاری یا روی دادن و پذیرفتن حالتی در زمان دلالت کند» گفته می‌شود «فعل کلمه ای است که دارای شناسه باشد» و...
- ۴) در آموزش دستور، اساس کار بر این است که در هر سال، یک دوره دستور فارسی تدریس شود. انتخاب این روش آگاهانه بوده و متناسب با توان دانش‌آموز در نظر گرفته شده است؛ بنابراین، تقاضا می‌شود همکاران گرامی از تدریس مطالب خارج از کتاب هرچند سودمند به نظر آید و نیز از تعریف‌های معنایی خودداری فرمایند.
- ۵) کوشش شده است که قواعد دستوری هرچه ساده‌تر نوشته شود و از اطناب بیهوده جداً پرهیز گردد و تا حد امکان از اصطلاحات دستور سنتی به دلیل انس بیشتر همکاران و مدرسان محترم استفاده شود. مگر در موارد ناگزیر که اصطلاحی با معنی گسترده‌تر یا جدیدتری به کار رفته است
- ۶) به قواعد فعال زبان بیشتر توجه شده است؛ مثل کاربرد «ی» نسبت که با استفاده از آن، از هر اسمی می‌توان صفت ساخت. برخلاف «گان» که تنها چند کلمه با آن ساخته می‌شود یا پسوندهای «ین» و «ینه» که امروز دیگر چندان فعال نیست.
- ۷) تمرین‌های کتاب به گونه‌ای است که دانش‌آموز تنها با فراگرفتن عمیق و دقیق درس می‌تواند بدان‌ها پاسخ مناسب بدهد و از طرفی، انجام تمرین نیز به یادگیری اساسی درس کمک می‌کند. با در نظر گرفتن این تأثیر متقابل، درس و تمرین هر دو اهمیت دارند و شایسته است به شیوه‌ای درخور، به هر دو توجه کافی مبذول شود.
- ۸) سیر مطالب و مباحث از ساده به پیشرفته است و غالب بخش‌ها به منزله پیش‌نیازی برای بخش‌های بعدی است؛ بنابراین، اگر در یادگیری بخش‌های نخست کتاب توجه کافی مبذول گردد در پایان کار نتیجه مطلوب خواهد بود.

پ) بخش نگارش

درس‌های نگارش در ادامه و تکمیل دروس نگارشی دوره اول متوسطه تهیه و تنظیم شده

است.

اهداف کلی آموزش زبان فارسی (۳) عمومی در سال سوم متوسطه

الف) حوزه شناختی

انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب با مسائل و موضوعات زیر آشنا شوند:

- ۱- زبان فارسی معیار و نقش آن در تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی
- ۲- قواعد و فرایندهای زبان فارسی
- ۳- شیوه‌ها و قواعد درست‌خوانی و درست‌نویسی
- ۴- ساختار صرفی و نحوی زبان فارسی معیار
- ۵- ساختمان کلمات و انواع آن در زبان فارسی معیار
- ۶- ساختمان جملات و انواع آن در زبان فارسی معیار

ب) حوزه نگرشی

انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری، به موضوعات زیر علاقه و نگرش مثبت پیدا کنند:

- ۱- طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب گفتار و نوشتار مناسب
- ۲- کاربرد درست زبان فارسی در زندگی روزمره
- ۳- پاسداری از زبان فارسی و تلاش برای گسترش آن
- ۴- مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی

پ) حوزه مهارتی

انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی زیر در دانش‌آموزان تقویت شود:

- ۱- تشخیص راه‌های گوناگون پرورش معانی
- ۲- تشخیص ساختار صرفی و نحوی زبان فارسی
- ۳- تشخیص انواع نوشته‌ها در زبان فارسی
- ۴- تشخیص قواعد درست‌نویسی
- ۵- تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی
- ۶- مقایسه و استدلال در مباحث دستور زبان فارسی
- ۷- به‌کارگیری درست مهارت‌های زبانی
- ۸- درک و فهم متون زبانی و ادبی
- ۹- به‌کارگیری قواعد املائی و نگارشی

- ۱۰- مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی
 ۱۱- به‌کارگیری راه‌های پرورش معانی در نگارش
 ۱۲- ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی
 ۱۳- به‌کارگیری قواعد دستور تاریخی و امروزی در متون مختلف
 ۱۴- مهارت در استفاده درست از منابع تحقیق

به منظور سهولت مطالعه هدف‌های برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه در قالب جدول زیر به تفکیک دوره مطرح شده است:

	<p>هدف‌های کلی آموزش در پایان دوره ابتدایی (پایه ششم ابتدایی)</p>
<p>- توجه به ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه، آهنگ و دیگر خرده مهارت‌ها - پرورش سخن‌گفتن و تقویت فن بیان - نهادینه‌سازی فرهنگ هم‌اندیشی و گفتمان سازنده و روحیه نقدپذیری</p>	<p>هدف‌های کلی برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی در پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم)</p>
<p>❖ اهداف کلی آموزش ادبیات فارسی (عمومی) ۱- توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال</p> <p>❖ اهداف کلی آموزش زبان فارسی (عمومی) الف) حوزه شناختی انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب با مسائل و موضوعات زیر آشنا شوند: ۱- زبان فارسی معیار و نقش آن در تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی ب) حوزه نگرشی انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری، به موضوعات زیر علاقه و نگرش مثبت پیدا کنند: ۱- طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب گفتار مناسب ۲- کاربرد درست زبان فارسی در زندگی روزمره</p>	<p>هدف‌های کلی برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی پایان دوره دوم متوسطه (پایه دوازدهم)</p>

<p>۳- پاسداری از زبان فارسی و تلاش برای گسترش آن</p> <p>۴- مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی</p> <p>پ) حوزه مهارتی</p> <p>انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی زیر در دانش‌آموزان تقویت شود:</p> <p>۱- به کارگیری درست مهارت‌های زبانی</p>	
<p>جدول ۱.۳ - هدف‌های برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی در پایان دوره ابتدایی (پایه ششم)، پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم) و پایان دوره دوم متوسطه (پایه دوازدهم) از منظر آموزش سخن گفتن</p>	

فصل چهارم

مروری بر آموزش سخن گفتن

در نظام آموزش و پرورش برخی کشورهای توسعه یافته

مقدمه

فصل حاضر به آموزش سخن‌گفتن در چارچوب نظام آموزش و پرورش کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، نیوزیلند و استرالیا در دوره‌های مختلف تحصیلی اختصاص یافته است. انتخاب برنامه آموزش زبان ملی کشورهای مورد نظر به این دلیل بود که کشورهای یادشده در رقابت‌های بین‌المللی سواد از جمله پرلز^۱ (۲۰۰۱) (مولیس^۲، مارتین^۳ و گونزالز^۴، ۲۰۰۴) حائز رتبه‌های خوبی گردیدند. از طرفی، برنامه آموزشی استرالیا نیز به لحاظ داشتن استحکام نظری قوی انتخاب گردید. در زمینه برنامه آموزش زبان ملی کشورهای آمریکا، استرالیا و کانادا، برنامه آموزش یک یا چند ایالت از این کشورها انتخاب گردید و دلیل این امر جامعیت برنامه آموزشی کشورهای یادشده به لحاظ کیفیت و کمیت اطلاعات ارائه شده در آنها بود. نکته قابل ذکر دیگر این است که در تمام کشورهای مورد مطالعه، رسانه‌یاددهی - یادگیری، زبان انگلیسی است. علت آن است که زبان یادشده زبان ملی کشورهای پیشرفته دنیا است و از این رو مطالعات متعددی درباره برنامه زبان‌آموزی کشورهای مورد نظر صورت گرفته است. پیش از توضیح درباره اهداف آموزشی و شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی هر کشور، ابتدا توصیفی از برنامه یادشده ارائه می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که به منظور سهولت مقایسه برنامه آموزشی این کشورها با برنامه آموزشی ایران، به هنگام بررسی شاخص‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در دوره‌های مختلف تحصیلی در کشورهای مورد بررسی، دوره‌های مختلف تحصیلی این کشورها با دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران تطبیق داده شدند. مثلاً در استرالیا، دوره‌های مختلف تحصیلی بر اساس دوره‌های رشد دانش‌آموزان تنظیم شده‌اند و از این جهت دوره‌های تحصیلی به آغاز کودکی - اواسط کودکی - آغاز نوجوانی و اواخر نوجوانی (اویل بزرگسالی) تقسیم می‌شوند. به منظور سهولت مقایسه برنامه آموزشی این کشور با برنامه آموزشی ایران، دوره‌های رشدی آغاز و اواسط کودکی معادل دوره ابتدایی ایران، دوره رشدی آغاز نوجوانی معادل دوره راهنمایی ایران و نیز دوره رشدی اواخر نوجوانی معادل دوره متوسطه ایران در نظر گرفته شد.

^۱. PIRLS

^۲. Mullis

^۳. Martin

^۴. Gonzalez

توصیف برنامه آموزش زبان ملی در ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)

برنامه‌های آموزشی آمریکا در قالب استانداردهای محتوایی در برنامه آموزشی مشترک^۱ انتشار یافته است. در چارچوب برنامه آموزشی مشترک، هر زمینه درسی بر ایجاد مهارت‌های تفکر سطح بالا تمرکز دارد و کسب این سطح از مهارت‌ها مستلزم آن است که دانش‌آموزان بخوانند، بنویسند، فکر کنند و بیافرینند. اگرچه استانداردهای محتوایی برای زمینه‌های علمی به صورت مجزا سازماندهی شده‌اند، اما این مطلب به این معنا نیست که نیل به هر استاندارد، تنها از طریق دوره‌های محتوایی خاص امکان‌پذیر باشد. ماهیت یادگیری به گونه‌ای است که از طریق رویکرد تلفیقی بهتر انجام می‌شود و از طریق تجربه‌های خارج از مدرسه مانند خدمات اجتماعی، کارآموزی‌ها و تجربه‌های یادگیری منظم تقویت می‌شود.

در برنامه آموزشی مشترک تصریح می‌شود که هدف همه مدارس باید موفقیت دانش‌آموزان در کسب استانداردهای محتوایی باشد. اما این استانداردها به خودی خود منجر به پیشرفت‌های عمده در دانش‌آموزان نمی‌شوند، مگر اینکه همه مدارس به اجرای آن‌ها متعهد باشند. تغییر برنامه آموزشی یک مدرسه برای تحقق چشم‌انداز این استانداردها فرایندی مداوم و در جریان است. آمادگی معلمان و پیشرفت حرفه‌ای مداوم و با کیفیت در تحقق موفقیت‌آمیز این استانداردها اهمیت کلیدی دارد. برنامه‌های آمادگی معلمان بر محتوا و روش تدریس تأکید دارد. برنامه‌های یادشده بر افزایش پیچیدگی محتوای مطرح‌شده در این استانداردها تمرکز می‌کنند. گذشته از این، مدارس نشان می‌دهند که به پیشرفت حرفه‌ای برنامه‌ریزی شده و پایدار وفادارند. این امر خود منجر به افزایش دانش محتوایی و توانش آموزشی معلمان می‌شود. مدیران مناطق و مدارس برای معلمان فرصت‌هایی فراهم می‌آورند که در آن‌ها به تشریح، بحث، برنامه‌ریزی و تحقق روش‌های خلاقانه بپردازند که دانش‌آموزان به وسیله آن‌ها به مهارت‌های تفکر سطح بالا در در تمام رشته‌ها دست می‌یابند. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که مدارس و معلمان پیشرفت حرفه‌ای با کیفیت را در اولویت قرار دهند.

هدف از وضع استانداردهای محتوایی در ایالت نیوجرسی آن بود که با تعریف شفاف آنچه که دانش‌آموزان در پایان سیزده سال آموزش مدرسه‌ای باید بدانند و بتوانند انجام دهند به پیشرفت آن‌ها کمک کنند. برنامه آموزشی مشترک ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴) مشتمل بر یک مقدمه و استانداردهای محتوایی در ۹ درس (هنرهای دیداری و نمایشی، بهداشت عمومی و تربیت بدنی، سواد مهارت‌های زبانی، ریاضیات، علوم، مطالعات اجتماعی، زبان‌های دنیا، سواد فناوری، آموزش حرفه‌ای و مهارت‌های مصرف‌کننده، خانواده و زندگی) است. نکته قابل ذکر این است که موارد

^۱. Core Curriculum Content Standards

یادشده در برنامه آموزشی ویژه هر درس به صورت مجزا مطرح می‌شوند. استانداردهای محتوایی برنامه درسی مشترک ایالت نیوجرسی آمریکا مبتنی بر آخرین تحقیقات در هر یک از دروس هستند و محور اصلی یادگیری همه دانش‌آموزان را مشخص می‌کنند. آن‌ها برای پایه‌های کودکان تا دوازدهم و به صورتی شفاف، دقیق و مناسب تدوین شده‌اند و توانایی دانش‌آموزان را برای دستیابی به اطلاعات جدید، حل مسائل، به‌کار بستن روش‌های تحقیق و پرسیدن سؤالاتی درباره علوم مختلف تقویت می‌کنند. این استانداردها آن چیزی را توصیف می‌کنند که دانش‌آموزان باید درباره ۹ درس یادشده بدانند و بتوانند انجام دهند. در سند برنامه آموزشی مشترک، برنامه آموزشی هر کدام از ۹ درس با مقدمه‌ای شروع می‌شود که به صراحت چشم‌انداز آن درس را بیان می‌کند و اطلاعاتی را درباره فرایند اصلاحات آموزشی در آن زمینه به دست می‌دهد و به دنبال آن دستورالعملی توصیفی^۱ ارائه می‌شود. در دستورالعمل یادشده به اختصار رؤس مطالب و مهارت‌های برشمرده شده در استانداردها ارائه می‌گردد. استانداردهای محتوایی در واقع به دانشی می‌پردازد که دانش‌آموزان باید طی پایه‌های پیش‌دبستانی تا دوازدهم کسب کنند و مهارت‌هایی که طی این مدت باید در آن‌ها شکل بگیرد. این استانداردها چارچوب زیرشاخه‌های آهر درس و نشانگرهای پیشرفت تدریجی^۲ را در آن زمینه به دست می‌دهند. زیرشاخه‌ها ابزار سازماندهی هستند و به معلمان در تعیین جایگاه مطالب و مهارت‌های خاص کمک می‌کنند و در هر پایه تحت هر زیرشاخه تعدادی نشانگر وجود دارد. نشانگرهای پیشرفت تدریجی، مطالب یا مهارت‌های خاصی را که باید آموزش داده شود و با گذشت زمان بر پیچیدگی آن‌ها افزوده می‌شود به دست می‌دهند. به عبارت دیگر، نشانگرهای پیشرفت از سطح پایه بنیادی شروع می‌شوند، با بزرگ شدن دانش‌آموزان بر پیچیدگی آن‌ها افزوده می‌شود و کسب آن‌ها مستلزم تعامل پیچیده‌تر دانش‌آموزان با مطالب آموزشی است. استانداردهای محتوایی برنامه درسی مشترک ایالت نیوجرسی چشم‌اندازی از مهارت‌ها و شناختی را به دست می‌دهند که همه کودکان نیوجرسی به آن نیاز دارند تا در زندگی روزمره و حرفه‌ای خود موفق باشند.

استانداردهای محتوایی برنامه درسی مشترک ایالت نیوجرسی با هدف ارائه راهنمای برنامه درسی برای سراسر کشور تدوین نشده‌اند، بلکه مناطق آموزشی این ایالت باید از این استانداردها برای شکل دادن و یا همسو کردن برنامه‌های درسی استفاده کنند تا موفقیت دانش‌آموزان را در رسیدن به انتظارات تضمین کنند. مناطق آموزشی موظفند که همه برنامه‌های درسی را با استانداردها همسو کنند؛ تضمین کنند که معلمان آموزش را بر اساس استانداردها ارائه می‌دهند و

^۱.Descriptive statement

^۲.Strands

^۳.Cumulative progress indicators (CPIs)

فرصتهایی برای پیشرفت حرفه‌ای معلمان فراهم آورند که بر استانداردها تمرکز دارد. از زمان پذیرش استانداردهای یادشده، اداره آموزش و پرورش ایالت نیوجرسی به صورت مداوم با آموزش‌دهندگان، نمایندگان تجاری و کارشناسان ملی درباره تأثیر استانداردها بر فعالیتهای کلاسی بحث و تبادل و نظر می‌کند. به این ترتیب، تدوین آموزش و پرورش، چارچوب برنامه‌های درسی را در هر یک از حوزه‌های محتوایی به مناطق آموزشی محلی ارائه می‌کند تا به معلمان و متخصصان برنامه‌های درسی کمک کند برنامه‌های آموزشی را با استانداردها همسو کنند. چارچوب یادشده برای معلمان و متخصصان برنامه‌های درسی نمونه‌ای از راهبردهای تدریس و اطلاعات زمینه‌ای مربوط به هر یک از حوزه‌های محتوایی را فراهم می‌آورد. گذشته از این، آموزش دروس و ارزشیابی آموخته‌های دانش‌آموزان در راستای استانداردهای یادشده به صورت ارزشیابی‌های ملی نیز صورت می‌گیرد. ارزشیابی‌های یادشده به سنجش دانسته‌ها و توانایی دانش‌آموزان در زمینه خواندن و ریاضیات در پایه‌های سوم تا هشتم و نیز در پایه یازدهم می‌پردازد. علوم نیز در پایه‌های چهارم، هشتم و یازدهم ارزشیابی می‌شود. قانون «هیچ کودکی عقب نماند»^۱ ایالت‌ها و مناطق آموزشی را وامی‌دارد که معلمان بسیار با کفایت را برای آموزش دانش‌آموزان به کار گیرند و نیز روش مبتنی بر تحقیق^۲ را در کلاس‌های درس به کار ببرند.

باید دانست استانداردهای یادشده برای همه دانش‌آموزان وضع شده است، اعم از دانش‌آموزانی که صرفاً به مدرسه می‌روند یا آن‌ها که کار نیز می‌کنند، دانش‌آموزان باهوش و با استعداد، کسانی که زبان بومی‌شان انگلیسی نیست، دانش‌آموزان معلول، و دانش‌آموزانی با پیشینه اقتصادی-اجتماعی مختلف. تأکید بر برنامه آموزشی مشترک به معنای آن است که همه دانش‌آموزان، مطالب مطرح‌شده در هر کدام از ۹ زمینه محتوایی را دریافت می‌کنند. البته باید دانست که گروه‌های مختلف دانش‌آموزان، استانداردها را با درجات متفاوت مورد توجه قرار می‌دهند و آموزش‌های مطرح‌شده در برنامه آموزشی مشترک بر اساس جداول زمانی متفاوت طی می‌شوند. بسیاری از دانش‌آموزان بسته به علائق، توانایی‌ها و برنامه‌های حرفه‌ای خود دانش و مهارت‌هایی را کسب می‌کنند که از موارد مطرح‌شده در استانداردهای محتوایی برنامه آموزشی مشترک فراتر می‌رود. با این حال، همه دانش‌آموزان باید تمام دانش‌ها و مهارت‌های مطرح‌شده در برنامه آموزشی مشترک را کسب کنند. استانداردهای محتوایی برای مهارت‌های زبانی در ایالت نیوجرسی شامل تجربه‌های زبانی است که همه کودکان برای رشد ذهنی، اجتماعی و احساسی در کلاس‌های درس به آن‌ها نیاز دارند. هدف از استانداردها ارتقای توانایی‌های دانش‌آموزان برای نیل به معنا در تمام حوزه‌های محتوایی (دروس) است. اگر دانش‌آموزان بیاموزند که بخوانند، بنویسند، سخن بگویند، گوش دهند

^۱.No Child Left Behind Act

^۲.Research-based methodologies

و نگرش انتقادی، راهبردی و خلاقانه داشته باشند، و اگر بیاموزند که از این مهارت‌ها به صورت انفرادی و با دیگران استفاده کنند، مهارت‌های سواد مورد نیاز برای کشف معانی شخصی و مشترک را در سراسر زندگی خواهند داشت. از طرفی، شورای ایالتی ایالت نیوجرسی آمریکا مقرر داشته است که هر پنج سال یک بار استانداردها مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند. فرایند بازنگری با مشارکت معلمان، کارکنان مدارس، دانش‌آموزان، والدین و نمایندگان بخش‌های بازرگانی، آموزش عالی و جامعه انجام می‌شود.

در چارچوب برنامه آموزشی برای سواد مهارت‌های زبانی - یکی از نه برنامه آموزشی تدوین‌شده ذیل برنامه آموزشی مشترک - پنج مهارت خواندن، نوشتن، سخن‌گفتن، گوش‌دادن و مشاهده^۱ و سواد رسانه‌ای^۲ مهارت‌های به هم وابسته‌ای هستند که با فعالیت‌های همزمان تمرین و تکرار، تعمق و یادگیری درهم تنیده شده‌اند. تعریف جداگانه هر کدام فقط جهت بر جسته‌سازی نکات و ویژگی‌های مخصوص هر یک از آن‌ها به هنگام یادگیری آن مهارت است.

نشانگرهای آموزش مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا عبارتند از:

الف. بحث و گفتگو

ب. سؤال پرسیدن و شرکت در بحث و گفتگو

ج. انتخاب واژگان

د. ارائه شفاهی

هدف از آموزش مهارت سخن‌گفتن آن است که همه دانش‌آموزان بتوانند به زبانی شفاف، دقیق و سازمان‌یافته سخن بگویند به طوری که محتوا و صورت آن بسته به مخاطب و منظور فرد از نگارش مطلب متفاوت باشد.

نشانگرها و اهداف آموزش سخن‌گفتن به تفکیک پایه‌های تحصیلی

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن تا پایان پایه ششم (معادل پایان دوره ابتدایی ایران)، پایه نهم (معادل پایان دوره اول متوسطه ایران) و پایه دوازدهم (معادل پایان دوره دوم متوسطه ایران) توصیف می‌شود.

¹. Viewing

². Media literacy

بر پایه دانش و مهارت‌های کسب شده در سطوح قبلی، دانش آموزان تا پایان پایه ششم:
الف) در زمینه بحث و گفتگو (گروه‌های کوچک و همه کلاس)...

- ۱- از جزئیات، مثال و دلیل برای حمایت از ایده اصلی یا توضیح درباره زاویه دید خود استفاده می‌کنند.
- ۲- بر یک موضوع متمرکز می‌شوند و سؤالات مرتبط مطرح می‌کنند.
- ۳- نظرات دیگران را می‌پذیرند و پاسخ مناسبی را ارائه می‌کنند.
- ۴- به صورت شفاهی به ادبیات واکنش نشان می‌دهند.
- ۵- در بحث‌های کلاسی به طور شایسته‌ای شرکت می‌کنند.

ب) در زمینه سوال پرسیدن (تحقیق) و شرکت در بحث...

- ۱- با افزودن سؤالات و نقطه نظرات خود، شفاهاً پاسخ می‌دهند و همزمان دانش خود را تکمیل می‌کنند.
- ۲- از فنون مصاحبه برای ایجاد مهارت در تحقیق استفاده می‌کنند.
- ۳- با توصیف، شرح، یا توضیح اینکه چگونه و چرا وقایع اتفاق می‌افتند، مفاهیم را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهند.
- ۴- در مورد اطلاعاتی که می‌شنوند بحث و گفتگو می‌کنند، نظرات شخصی خود را ارائه می‌دهند و خواستار بازگو شدن مطلب یا توضیحات کلی برای روشن شدن معنا می‌شوند.
- ۵- درباره اطلاعاتی که در نتیجه پرسش و تحقیق یاد گرفته‌اند، فکر کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کنند.
- ۶- از طریق مشارکت گروهی به حل یک مسئله پرداخته یا متوجه معنی یک فعالیت کلاسی می‌شوند.

ج) در زمینه انتخاب واژگان...

- ۱- از گفتگوهای متقاعدکننده استفاده می‌کنند تا در صحنه‌های کوتاهی که شامل موقعیت‌ها یا احساسات آشنا است، ایفای نقش کنند.
- ۲- از واژگان مختلف برای توضیح، بیان، و شرح مبسوط مطالب استفاده می‌کنند.
- ۳- در موقعیت‌های سخن گفتن از زبان مجازی به صورت هدفمند بهره می‌گیرند.
- ۴- واژگان متناسب با مخاطبان گوناگون را انتخاب و استفاده می‌کنند.

(د) در زمینهٔ ارائهٔ شفاهی...

- ۱- برای مخاطبانی نظیر گروه همسالان، دانش‌آموزان کوچکتر و یا اولیا یک سخنرانی رسمی را براساس مضمون اصلی و با در نظر گرفتن توالی منطقی، مقدمه، ایدهٔ اصلی، جزئیات تأییدکننده و اظهارات پایانی، آماده و ارائه می‌کنند.
- ۲- یک سخنرانی رسمی را با رعایت ترتیب منطقی یا پشت سرهم آوردن وقایع و با آوردن بخش آغازین، جزئیات تأییدکننده و عبارت پایانی، آماده کرده، آن را تمرین نموده و در نهایت ارائه می‌کنند.
- ۳- از زبانی روشن، دقیق و سازماندهی شده استفاده می‌کنند که قراردادهای زبان انگلیسی گفتاری را منعکس می‌کند.
- ۴- از ابزارهای بصری، مثل نمودارها یا جداول، به منظور توضیح بیشتر به هنگام ارائه یا سخنرانی بهره می‌برند.
- ۵- به هنگام سخن‌گفتن از تریبون به صورت مؤثری استفاده می‌کنند.
- ۶- در سخنرانی‌های رسمی، با استفاده مناسب از بلندی صدا، سرعت گفتار و تلفظ واضح، توجه مخاطب را به سخنان خود حفظ می‌کنند.
- ۷- از عناصر زبانی و غیر زبانی (مثل تماس چشمی، حالت بدن) برای جلب توجه مخاطب استفاده می‌کنند.
- ۸- متن‌ها را بلند و روان می‌خوانند.
- ۹- معیارهای دستورالعمل سخنرانی را می‌فهمند و از آن‌ها برای بهبود ارائهٔ مطلبی شفاهی بهره می‌گیرند.
- ۱۰- از بازخورد همسالان و پیشنهادات معلم برای تجدید نظر دربارهٔ محتوا، ساماندهی و ارائهٔ مطلب خود بهره می‌گیرند.

بر پایهٔ دانش و مهارت‌های به دست آمده در سطوح قبلی، تا پایان کلاس نهم**دانش‌آموزان:****الف) در زمینهٔ بحث و گفتگو (گروه‌های کوچک و همهٔ کلاس)...**

- ۱- ضمن توجه به دیدگاه‌های مخالف، از موضع خود حمایت می‌کنند.
- ۲- در پاسخ به یک موضوع یا سخنگویان دیگر، به صورت خودجوش ایده‌ها و نظرات خود را ابراز می‌کنند.
- ۳- به هنگام بحث دربارهٔ یک موضوع بحث برانگیز در کلاس یا در جمع یک گروه، قواعد مربوط را به کار می‌گیرند.

- ۴- برای اطمینان از اینکه تکلیف مورد نظر را همه فهمیده و به طور کامل انجام داده‌اند، وظایف گروه را با توافق آن‌ها تعریف می‌کنند.
- ۵- در بحث رسمی (مثل بحث میزگرد) شرکت می‌کنند.
- ۶- به ادبیات به صورت شفاهی واکنش نشان می‌دهند.
- ۷- به شیوه شایسته‌ای در بحث‌های کلاسی مشارکت می‌کنند.

ب) در زمینه سؤال پرسیدن (تحقیق) و شرکت در بحث...

- ۱- برای روشن شدن زاویه دید دیگران، اظهارات آن‌ها را به بیان دیگر می‌گویند.
- ۲- برای روشن شدن نظرات دیگران، سؤال می‌پرسند.
- ۳- اطلاعات مربوط به موضوعات و مسائل مرتبط را که از بحث‌های گروهی و مصاحبه‌ها به دست آمده، برای گزارشات، موضوعات، پروژه‌ها، بحث‌ها و ارائه‌های شفاهی، باهم ترکیب می‌کنند.
- ۴- از طریق مشارکت گروهی، مسئله‌ای را حل کرده یا به فعالیتی پی می‌برند.

ج) در زمینه انتخاب واژگان...

- ۱- موضوع یا ایده‌ای را به بیان دیگر می‌گویند، درباره آن توضیح می‌دهند و یا آن را بسط می‌دهند.
- ۲- واژگان پیشرفته مربوط به یک موضوع را یاد گرفته و به کار می‌گیرند.
- ۳- از زبانی استفاده می‌کنند که توجه مخاطب را بر می‌انگیزد.
- ۴- از ساختارهای گوناگون جملات و دستور درست استفاده می‌کنند.

د) در زمینه ارائه شفاهی...

- ۱- از نوشتار برای برانگیختن بحث و گفتگو استفاده می‌کنند و برنامه‌ریزی بهتری برای ارائه‌های رسمی و غیررسمی دارند.
- ۲- از وسایل کمکی دیداری، وسایل ارتباط جمعی، و/یا فناوری برای کمک به برقراری ارتباط گفتاری استفاده می‌کنند.
- ۳- برای مخاطبان گوناگون و برای نیل به اهداف مختلف، نظیر ارائه خلاصه کتاب و مقاله، داستان و موضوعات متقاعدکننده، طرح پژوهشی و نطق فی‌البداهه سخنرانی برانگیزاننده ایراد می‌کنند.

- ۴- از طریق ارتباط چشمی، به مخاطب توجه کرده و واکنش‌های کلامی مناسبی را برای پاسخ به سؤالات بروز می‌دهند.
- ۵- از بازخورد همسالان و پیشنهادات معلم برای تجدید نظر دربارهٔ محتوا، سازماندهی و ارائهٔ سخنرانی خود بهره می‌گیرند.
- ۶- از فنون تکلم، از جمله زیر و بم کردن صدا، آهنگ کلام، سرعت گفتار، تلفظ واضح و ارتباط چشمی برای ارائهٔ سخنرانی مؤثر استفاده می‌کنند.
- ۷- از دستورالعمل نمره‌گذاری برای آماده‌کردن، ارزیابی و بهبود سخنرانی شفاهی خود و دیگران بهره می‌گیرند.
- ۸- بلند و روان متنی را می‌خوانند.

بر پایهٔ دانش و مهارت‌های به دست آمده در سطوح قبلی، دانش‌آموزان در پایان

کلاس دوازدهم:

الف) در زمینهٔ بحث و گفتگو...

- ۱- با ترکیب و تلفیق چشم‌اندازهای متفاوت، از یک موضع حمایت می‌کنند.
- ۲- با بحث در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ، موضعی را حمایت، تعدیل یا رد می‌کنند.
- ۳- در بحث، پروژه و گردهمایی هدایت‌شده توسط خود دانش‌آموز، نقش رهبر را به عهده می‌گیرند.
- ۴- نتایج احتمالی را خلاصه و ارزیابی می‌کنند و در پیشبرد بحث به مرحلهٔ بعدی پیشقدم می‌شوند.

ب) در زمینهٔ سؤال پرسیدن (تحقیق) و شرکت در بحث...

- ۱- به هنگام مصاحبه و بحث، سؤالات آماده شده و تکمیلی می‌پرسند.
- ۲- مشارکت همسالان را از طریق دادن جزئیات بیشتر و توضیحات گسترش می‌دهند.
- ۳- جریان‌های گروهی را تحلیل و ارزیابی کرده و تغییر می‌دهند.
- ۴- عبارات‌های ادبی را که شخصیت داستان را نمایان می‌کند، مضمون را بسط می‌دهد و عناصر ادبی را توصیف می‌کند انتخاب کرده و دربارهٔ آن‌ها بحث می‌کنند.
- ۵- به صورت انتقادی موضع یا دیدگاه یک نویسنده را زیر سؤال می‌برند.
- ۶- سؤال‌های مخاطب را با ارائهٔ توضیح، مثال، تعریف و توضیح پاسخ می‌دهند.
- ۷- فعالانه در بحث‌های میزگرد، همایش‌ها، و یا گردهمایی در قالب جلسات کاری (مثلاً بررسی یک سؤال و بررسی چشم‌اندازهای مختلف آن) شرکت می‌کنند.

ج) در زمینه انتخاب واژگان...

- ۱- از طریق انتخاب واژگان، تَن صدا را تنظیم و افکار خود را به صورت شفاف بیان می‌کنند.
- ۲- از طریق تمرکز بر ابزارهای ادبی (مثلاً، جناس، کنایه، تجانس آوایی (تکرار)) واژگان بهتری را انتخاب می‌کنند.

د) در زمینه ارائه شفاهی...

- ۱- برای نیل به اهداف مختلف (مثل استدلال کردن، اطلاع‌دادن، سرگرمی، تفسیر ادبی، نمایش دادن و ابراز شخصی) صحبت می‌کنند.
- ۲- از راهبردهای متفاوتی برای ساماندهی سخنان خود (مثل متمرکز کردن فکر، جلب توجه، استدلال‌های قاطع، تکرار، کلمات ربط) استفاده می‌کنند.
- ۳- به‌هنگام صحبت کردن، از فنون کارآمد مربوط به سخنوری و ارائه (مثل ارتباط چشمی، ارتباط غیرکلامی، بلندی صدا، آهنگ صدا، تلفظ) استفاده می‌کنند.
- ۴- پیش‌نویس سخنرانی را هم به طور مستقل و هم در بحث و گفتگو با همسالان بازنویسی و ویرایش می‌کنند.
- ۵- به‌هنگام ارائه شفاهی، ارتباط گفتاری را با درک احساس سردرگمی مخاطب تغییر داده و به صورت فی‌البداهه در آن‌ها تجدید نظر می‌کنند (مثل خلاصه کردن، بازگو کردن مطالب، افزودن توضیحات/جزئیات).
۶. برای خودارزیابی و پیشرفت سخنرانی از دستورالعمل مربوط استفاده می‌کنند.

<p>هدف (استاندارد) کلی آموزش سخن گفتن:</p> <p>هدف از آموزش مهارت سخن گفتن آن است که همه دانش‌آموزان بتوانند به زبانی شفاف، دقیق و سازمان‌یافته سخن بگویند به طوری که محتوا و صورت آن بسته به مخاطب و منظور فرد از نگارش مطلب متفاوت باشد.</p>
<p>مؤلفه‌های آموزش مهارت سخن گفتن:</p> <p>الف. بحث و گفتگو</p> <p>ب. سؤال پرسیدن و شرکت در بحث و گفتگو</p> <p>ج. انتخاب واژگان</p> <p>د. ارائه شفاهی</p>
<p>جدول ۱۰۴ - نشانگرها و هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)</p>

توصیف برنامه آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا

وزارت آموزش و پرورش ایالت‌های آلبرتا، بریتیش کلمبیا، مانیتوبا، ساسکاچوان، سرزمین‌های تحت کنترل شمال غرب و سرزمین‌های تحت کنترل یوکن^۱ با همکاری معلمان و دیگر آموزش دهندگان این ایالت‌ها و سرزمین‌های تحت کنترل شمال غرب و یوکن چارچوب برنامه آموزشی برای مهارت‌های زبان ملی (زبان انگلیسی - کودکستان تا پایه دوازدهم) را برای نیل به هدف‌های زیر تدوین کردند:

- استانداردهای بالای آموزشی
- اهداف آموزشی مشترک
- برداشتن موانع موجود در راه دستیابی به فرصت‌های آموزشی برای دانش‌آموزان شامل افزایش سادگی انتقال از یک منطقه آموزشی^۲ به منطقه آموزشی دیگر
- استفاده بهینه از منابع آموزشی

در تدوین این برنامه، معلمان، مجریان، والدین، دبیران دبیرستان، نمایندگان بخش‌های بازرگانی، و اعضای سازمان‌های مختلف اجتماعی در این کار مشارکت داشتند.

هدف‌های شفاف یادگیری و استانداردهای آموزشی بالا در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی (زبان انگلیسی) طوری طراحی شده‌اند تا دانش‌آموزان را برای نیازهای زبانی حال و آینده آماده سازند. در این برنامه آموزشی تأکید شده است که تغییرات اجتماعی و فناوری‌ها بر شیوه استفاده دانش‌آموزان از زبان برای تفکر، ایجاد ارتباط و یادگیری تأثیر گذاشته و در آینده نیز خواهد گذاشت. از این رو، دانش‌آموزان باید آماده باشند تا با مقتضیات سواد جدید در کانادا و جامعه بین‌المللی مواجه شوند. توانایی استفاده مؤثر از زبان فرصت‌های دانش‌آموزان را برای کسب رضایت شخصی و تبدیل شدن به شهروندان مسئولیت‌پذیر و سهیم در اجتماع افزایش می‌دهد و آن‌ها را به یادگیرندگان مادام‌العمر تبدیل می‌کند.

در برنامه یادشده تأکید می‌شود که زبان پایه و اساس همه ارتباطات و نیز ابزار اولیه تفکر است که از نظام‌های نمادین مرتبط با هم و قاعده‌مند تشکیل شده است. زبان ابزار اجتماعی و منحصرراً انسانی برای کشف و انتقال معنی است. زبان مشخصه فرهنگ و همچنین نشانه بی‌چون و چرای هویت شخصی است، و برای تشکیل روابط بینافردی، افزایش تجربه و تفکر درباره اندیشه و عمل و شرکت در جامعه‌ای مردم‌سالار ضروری است. یادگیری زبان فرآیندی فعال است که از هنگام تولد شروع می‌شود و در تمام زندگی ادامه دارد. ممکن است وقتی که دانش‌آموزان به مدرسه می‌آیند به بیش از یک زبان صحبت کنند یا اینکه در مدرسه زبان دیگری را بیاموزند. از این رو، در برنامه

^۱.Yukon

^۲.Jurisdiction

آموزش زبان مّلی ایالت‌های غربی کانادا، احترام گذاشتن به زبان اوّل دانش‌آموزان و شروع آموزش بر مبنای آن اهمیت دارد. تجربه با یک زبان در یادگیری زبان دیگر بسیار مفید خواهد بود. زبان کودکان در سال‌های اولیه زندگی به صورت غیر رسمی و در محیط زندگی رشد می‌کند. آنان خیلی پیش از اینکه قواعد و قراردادهای صریح زبانی را بفهمند به بازتولید زبانی می‌پردازند که می‌شنوند و زبان را برای ساخت و انتقال معنی به شیوه‌های منحصر به فردی به کار می‌برند. بعدها زبان‌آموزی در بافت‌های خاص و برای نیل به هدف‌های خاصی صورت می‌گیرد، مثلاً یادگیری درباره یک موضوع خاص، مشارکت در اجتماع، جستجوی کار و فعالیت‌های تفریحی. به این ترتیب، رشد زبان کودکان در سراسر زندگی آنان و طی فرایندی مداوم و بازگشتی انجام می‌شود. دانش‌آموزان با کاربرد آگاهانه دانسته‌های خود در بافت‌های جدید و پیچیده‌تر، توانایی زبانی خود را افزایش می‌دهند. آن‌ها با به کار بردن دانش پیشین و تفکر درباره آن، زبان و شناخت خود را بسط داده و آن را تقویت می‌کنند. دانش‌آموزان با یادگیری و افزودن ساختارهای جدید زبانی در خزانه ذهنی خود و استفاده از آن‌ها در بافت‌های مختلف، بسندگی و مهارت زبانی خود را افزایش می‌دهند. تجربیات یادگیری مثبت در محیط‌های غنی زبانی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا مدرسه را با میل به ادامه تحصیل و گسترش دانش، مهارت‌ها و علائق خود ترک کنند.

در چارچوب برنامه آموزشی یادشده مسئولیت یادگیری زبان با مشارکت دانش‌آموزان، والدین، معلمان و جامعه انجام می‌شود. دانش‌آموزان به فرصت‌های مداوم برای استفاده از صورت‌های مختلف زبان نیاز دارند. فرصت‌های یادگیری زبان ابتدا در خانه روی می‌دهد و همچنان که دانش‌آموزان به سمت جامعه‌ای بزرگتر حرکت می‌کنند این فرصت‌ها نیز افزایش می‌یابند. مدارس محیط‌هایی را فراهم می‌آورند که دانش‌آموزان در آن‌ها به گسترش دانش زبانی، مهارت‌ها و راهبردهای خود ادامه می‌دهند تا به اهداف شخصی، اجتماعی و تحصیلی دست یابند.

رشد زبان دانش‌آموزان مسئولیت همه معلمان است. معلمان دروس متفاوت، زبان تخصصی هر درس را تدریس می‌کنند. اما معلمان مهارت‌های زبان انگلیسی به دلیل تمرکز خود بر روی زبان مّلی و صورت و کارکردهای آن نقش خاصی در این زمینه دارند. آن‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا راهبردهایی را برای درک و واکنش به انواع موقعیت‌ها شکل دهند و به کار گیرند.

در چارچوب برنامه آموزش زبان مّلی ایالت‌های غربی کانادا، تفکر، یادگیری و زبان با هم در ارتباطند. دانش‌آموزان طی پایه‌های کودکستان تا پایه دوازدهم از زبان برای فهم و نظم دادن به دنیای اطراف خود استفاده می‌کنند. آن‌ها از زبان برای بررسی تجربیات و دانش جدید مرتبط با دانش، تجربیات و باورهای پیشین خود استفاده می‌کنند. همچنین، به برقراری ارتباط، پیش‌بینی احتمالات، تفکر درباره ایده‌ها و مطالعه درباره آن‌ها می‌پردازند. زبان به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا نقش فعالی را در جوامع مختلف درون و بیرون از کلاس بازی کنند. وقتی دانش‌آموزان سخن

می‌گویند، می‌نویسند و مطلبی را ارائه می‌دهند، به عقاید و تجربیات دیگران نیز گوش فرامی‌دهند، درباره آن‌ها مطلبی را می‌خوانند، و ایده‌ها و تجربیات دیگران را مشاهده می‌کنند. تفکر خلاق و انتقادی و یادگیری از طریق زبان وقتی روی می‌دهد که دانش‌آموزان به تفکر، اندیشه، خلق، تجزیه و تحلیل می‌پردازند. علاوه بر این، زبان رشد آگاهی فراشناختی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند و به این ترتیب، آنان می‌توانند درباره فرایندهای تفکر و یادگیری خود فکر کنند و بر آن‌ها تسلط یابند. زبان به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا آگاهی خود را نسبت به مهارت‌ها و راهکارهای موردنیاز برای تکمیل موفقیت‌آمیز تکالیف یادگیری بالا ببرند و بتوانند مسائلی را که به عنوان یادگیرنده با آن‌ها مواجه می‌شوند بیان کنند.

مطالعه مهارت‌های زبان انگلیسی به هر یک از دانش‌آموزان توانایی درک زبان و استفاده از آن را در موقعیت‌های مختلف برای رضایت شخصی، برقراری ارتباط و یادگیری ماهرانه و با اعتماد به نفس بالا می‌دهد. دانش‌آموزان از طریق فرصت‌های بسیار زیاد برای گوش‌دادن و سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن، مشاهده و بازنمایی به شیوه‌های مختلف و در بافت‌های مرتبط، تبدیل به کاربرانی با اعتماد به نفس و لایق در زمینه شش مهارت زبانی خواندن، نوشتن، گوش‌دادن، سخن‌گفتن، مشاهده‌کردن و ارائه می‌شوند. تمام مهارت‌های زبانی به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند، به طوری که مهارت در یکی، بقیه مهارت‌ها را تقویت و حمایت می‌کند. در هدف‌های آموزشی چارچوب برنامه آموزش زبان انگلیسی، شش مهارت زبانی در قالبی یکپارچه و در هم تنیده مطرح شده‌اند.

درباره خواندن گفته می‌شود که این مهارت، ابزار بسیار قدرتمندی برای یادگیری است و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا دانش و کاربری زبان خود را بسط دهند، درک خود را از یکدیگر و دیگران افزایش دهند، و لذت و رضایت شخصی را تجربه نمایند. خواندن وسیله‌ای را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد تا با آن به عقاید، دیدگاه‌ها و تجربیات دیگران دست یابند. دانش‌آموزان با استفاده از راهبردها و خرده مهارت‌های خواندن به معنای متون دست یافته و سعی می‌کنند متون مختلف را به صورت متفکرانه و انتقادی تفسیر کنند.

درباره مهارت مشاهده‌کردن نیز گفته می‌شود که این مهارت بخش اساسی زندگی امروز است. دانش‌آموزان به کمک این مهارت می‌توانند شیوه‌های ممکن استفاده از تصاویر و زبان را برای انتقال ایده‌ها، ارزشها و عقاید درک کنند. مشاهده‌کردن فرایندی فعال برای درک و اظهار نظر درباره رسانه‌های دیداری همچون تلویزیون، تصاویر تبلیغاتی، فیلم‌ها، نمودارها، نشانه‌ها، عکس‌ها، تصاویر ویدئویی، نمایشنامه‌ها، مجسمه‌ها و نقاشی‌ها است. دانش‌آموزان به کمک این مهارت می‌توانند اطلاعات دیداری را فراگیرند و ایده‌ها و تجربه‌های دیگران را بفهمند. بسیاری از فرایندهای درک

خوانداری^۱ (مثل نگاه اجمالی به متن^۲، پیش‌بینی و استنباط کردن) به هنگام مشاهده کردن به کار می‌روند.

دربارهٔ متون مورد استفاده برای آموزش در برنامهٔ آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا توضیح داده می‌شود که افراد در جوامع پیشرفتهٔ امروزی علاوه بر مواد چاپی با استفاده از دیگر شکل‌های زبانی نیز به اطلاعات دست می‌یابند و از آن‌ها لذت می‌برند. مثلاً، امروزه متون شفاهی و رسانه‌های تصویری بیش از پیش اهمیت می‌یابند. این متون اغلب با همدیگر و به همراه مواد چاپی استفاده می‌شوند. در نتیجه، امروزه متن تنها به مواد چاپ شده اشاره نمی‌کند بلکه به شکل‌های شفاهی و تصویری هم اشاره دارد که می‌توان آن‌ها را مطالعه و تحلیل کرد. بعلاوه، متون تحت تأثیر رسانه‌ای قرار می‌گیرند که با آن‌ها بیان می‌شوند یعنی رایانه، تلویزیون، رادیو، یا کتاب. دانش‌آموزان به دانش، مهارت‌ها و راهبردهای مربوط به همهٔ مهارت‌های زبانی برای تولید، درک و واکنش به چنین متونی نیاز دارند. متون شفاهی شامل داستان شفاهی، گفتگو، سخنرانی و محاوره می‌شود. متون دیداری نیز شامل تصاویر ویدئویی، فیلم‌ها، کارت‌تون‌ها، نمایشنامه و حرکات موزون همراه با موسیقی است.

در چارچوب برنامهٔ آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا شاخص خاصی برای آموزش مهارت سخن گفتن مطرح نمی‌شود. هدف‌های آموزش سخن گفتن در این برنامهٔ آموزشی عبارتند از:

- دانش‌آموزان برای کشف افکار، ایده‌ها، احساسات، و تجربیات دیگران با آن‌ها سخن می‌گویند.
- دانش‌آموزان سخن می‌گویند تا بتوانند متون شفاهی دیگر را درک کرده و به صورت شخصی و منتقدانه به آن‌ها واکنش نشان بدهند.
- دانش‌آموزان سخن می‌گویند تا شفافیت و جنبه‌های هنری ارتباط آن‌ها افزایش یابد.
- دانش‌آموزان برای احترام به جامعه و کمک به ارتقای آن سخن می‌گویند.

اهداف آموزش سخن گفتن به تفکیک پایه‌های تحصیلی

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن در برنامهٔ آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا تا پایان پایهٔ ششم (معادل پایان دورهٔ ابتدایی ایران)، پایهٔ نهم (معادل پایان دورهٔ اول متوسطهٔ ایران) و پایهٔ دوازدهم (معادل پایان دورهٔ دوم متوسطهٔ ایران) توصیف می‌شود.

^۱.Reading comprehension

^۲.Previewing

الف) دانش‌آموزان بتوانند برای کشف افکار، ایده‌ها، احساسات، و تجربیات دیگران با آن‌ها سخن بگویند.

پایه ششم: بتوانند درباره تجربیات شخصی صحبت کنند، تجربیات، احساسات و افکار خود را در قالب طنز بیان کنند، از تجربیات شخصی به عنوان پایه و اساس جستجو، ابراز عقاید، و درک بیشتر استفاده کنند، صورت‌های مطلوب بیان را شناسایی کرده و به کار ببرند، مجموعه شخصی متشکل از متون شفاهی مورد علاقه خود را مورد بازبینی قرار داده و واکنش خود را به صورت‌های مرجح با دیگران در میان بگذارند.

پایه نهم: واکنش‌ها و تفسیرهای شخصی را زیر سؤال برده و درباره آن‌ها فکر کنند؛ نقطه‌نظرات شخصی را در شرایط و موقعیت‌های مختلف بیان کنند، از زبانی به یاد ماندنی به صورتی اثرگذار استفاده کنند و برای بیان فعالانه عقاید خود، شخصیت‌های مختلف را بیازمایند، با همسالان خود درباره متون مورد پسند خود از میان آثار نویسندگان، هنرمندان، داستان‌نویسان و فیلمسازان بحث کنند، با همسالان خود درباره متون و گونه‌های متون مورد پسند خود از میان آثار نویسندگان، هنرمندان، داستان‌نویسان و فیلمسازان بحث کنند.

پایه دوازدهم: اعتبار طیف گسترده‌ای از ایده‌ها، مشاهدات، نظرات، و احساسات را بسنجند تا در موضع‌گیری‌های خود تجدید نظر کرده یا آن‌ها را تأیید کنند، کاربردهای زبان و صورت‌های بیان را تغییر دهند تا دریابند که چگونه این موارد بر روی مفاهیم تأثیر می‌گذارند و قدرت ارتباط را افزایش می‌دهند، چگونگی تأثیرگذاری تجربیات شخصی را بر انتخاب متون خاص و نیز چگونگی اثرگذاری متون بر چشم‌انداز افراد را مورد بررسی قرار دهند.

ب) دانش‌آموزان سخن بگویند تا بتوانند متون شفاهی دیگر را درک کرده و به صورت شخصی و منتقدانه به آن‌ها واکنش نشان بدهند.

پایه ششم: در متون مختلف بین موارد تخیلی و واقع‌گرایانه تمایز قائل شوند، کنجکاوی خود را درباره صداها، واژه‌ها و الگوهای واژگانی نشان بدهند، صداها و ریتم زبان (مانند شعرهای کودکانه، آوازهای شخصی...) را درک کنند، برای برقراری ارتباط و به نمایش گذاشتن درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متون اصیلی (همچون نمایشنامه دراماتیک، تصویر، فیلم، سروده، نمایشنامه...) را خلق کنند، بین زبان شفاهی، متون و تجربیات شخصی ارتباط برقرار کنند، متونی از سنت‌های فرهنگی و ژانرهای مختلف (همچون داستان تاریخی، افسانه، زندگی‌نامه و...) را تجربه کنند، درباره دلیل ترجیح‌دادن انواع خاصی از متون بحث کنند، صورت‌های مختلف متن (همچون شعر، مقاله، گزارش خبری، اسناد و...) را درک کرده و تولید کنند، دریابند که چرا و چگونه معنا و ساختارهای واژگانی تغییر می‌کنند، و با توجه به بافت موقعیت، معنای درست واژه را به کار ببرند،

برای بیان روشن مطالب، الگوهای واژگانی و جملات را آزمایش کنند؛ صنایع بدیعی (مانند تشخیص بخشی^۱) و شیوه‌های انتقال معنا به وسیله آن‌ها را شناسایی کنند، برای برقراری ارتباط و نشان دادن درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متون اصیلی (مانند مجله، پوسترهایی که هنر و نوشتار را با هم تلفیق می‌کنند، شهرفرنگ^۲، سفرنامه^۳) را خلق کنند، تجربیات قبلی، دانش پیشین و متون مختلف را توصیف نموده و بین آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

پایه نهم: متونی از سنت‌های فرهنگی و ژانرهای مختلف (همچون مقالات، تبلیغات بازرگانی، عاشقانه،...) را تجربه کنند، درباره تعابیر مختلف مربوط به یک متن بحث کنند، توضیح بدهند که چه ژانرهای (گونه‌های متون) خاص شفاهی را ترجیح می‌دهند، برای به تصویر کشیدن جنسیت، فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی در متون شفاهی فنون مختلفی (مثل صحنه‌سازی، مجسم‌سازی شخصیت‌ها و...) را به کار ببرند، تنوعات موجود در زبان، لهجه، و گویش در جوامع و مناطق کانادا را درک کنند؛ مشتقات و کاربردهای واژه‌ها، عبارات‌ها و اصطلاحات فنی را بشناسند، کاربردهای خلاقانه زبان را در فرهنگ عامه مردم (مثل تبلیغات، مجلات،...) بررسی کنند؛ مشخص کنند که چگونه فنون و صنایع بدیعی یک اثر، حالت، لحن، و سبک غالب را خلق می‌کنند، برای برقراری ارتباط و نشان دادن درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متون اصیلی (همچون تئاتر مشترک، متون ویدئویی، مباحثات، سرمقاله‌ها، نوارهای صوتی به‌همراه صوت و موسیقی، تبلیغات،...) را خلق کنند، ارتباط بین تجربیات قبلی، دانش پیشین و متون مختلف را تبیین و تحلیل کنند.

پایه دوازدهم: متونی از سنت‌های فرهنگی و گونه‌های مختلف را تجربه کنند، تعابیر مختلف مربوط به این متون را بررسی و تحلیل نمایند تا درکشان اصلاح شده و گسترش یابد، تأثیر صورت‌ها و گونه‌های مختلف متون را بر روی محتوی و هدف ارزیابی کنند، تحلیل کنند که چگونه فنون و عناصر مختلف برای نیل به اهداف خاصی در متون شفاهی مورد استفاده قرار می‌گیرند، تأثیر واژه‌ها و اصطلاحات را در متون تحلیل نمایند؛ مشخص کنند که چگونه می‌توان واژه‌ها و اصطلاحات متنوعی را انتخاب کرده و در جوامع زبانی به کار برد، برای تحت تأثیر قرار دادن افکار، احساسات، و رفتار دیگران از زبان، امکانات بصری و صداها استفاده کنند، برای انتقال مفاهیم و افزایش درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متون اصیلی را خلق کنند، ارتباط بین تجربیات شخصی، دانش پیشین مربوط به زبان و متون را تحلیل کنند تا بتوانند متون مختلف را تفسیر کنند.

¹. Personification

². Diorama

³. Travelogue

ج) دانش‌آموزان یاد بگیرند که به هنگام سخن گفتن جنبه‌های هنری و شفافیت ارتباط را افزایش بدهند.

پایه ششم: دانش‌آموزان یاد بگیرند برای تمرکز بر روی یک موضوع ایده‌های جدید بدهند، با سخن گفتن، داستان‌گویی، نقاشی کردن و آواز خواندن ایده‌ها و تجربیات را با دیگران در میان بگذارند، درباره آثار هنری و داستان‌های خود و دیگران بحث کنند، ایده‌ها و اطلاعاتی که درباره موضوع مورد علاقه خود دارند با دیگران در میان بگذارند، ایده‌ها و اطلاعات خود را با یک گروه در میان بگذارند، با ترکیب ایده‌های مأخوذ از تجربیات و منابع مختلف دیگر، به هنگام سخن گفتن بر روی یک موضوع تمرکز کنند، متناسب با مخاطب و اهداف مختلف صورت‌های مختلفی (همچون داستان خبری، مصاحبه، گزارش و...) را تولید کنند، از تجربیات شنیداری، خواندن، و مشاهده کردن به عنوان مدل‌هایی برای سامان دادن به ایده‌ها در متون شفاهی استفاده کنند، به هنگام تدوین معیارهای مختلف جهت واکنش به آثار هنری شفاهی شرکت نموده، از این معیارها استفاده کرده و اصلاحاتی را پیشنهاد دهند، برای جلب توجه مخاطبان با استفاده از صورت‌های نوشتاری، دیداری- شنیداری و نمایشی اطلاعاتی را درباره یک موضوع آماده کرده و آن اطلاعات را با دیگران در میان بگذارند، برای پیشرفت در ارائه شفاهی از زبان بدن و حالت‌های صورت استفاده کنند؛ از تأکید و سرعت مناسب استفاده کنند؛ فضای ارائه خود را طوری ترتیب دهند که توجه مخاطب را جلب کند.

پایه نهم: از تکنیک‌های مختلفی برای تولید و انتخاب ایده‌های شفاهی استفاده کنند، متناسب با محتوا، مخاطب و هدف صورت‌های خاصی (همچون نقد فیلم و کتاب، سرمقاله، نمودهای چندرسانه‌ای، اخبار رادیو و تلویزیونی و...) را اقتباس کنند، در متون شفاهی خود الگوهای مختلف ساماندهی (همچون مسئله و راه‌حل، بازگویی داستان،...) را شناسایی کرده و به کار ببرند؛ تغییرات اثرگذار ایجاد کنند، درباره ویژگی‌های خاص نمونه‌هایی از مجموعه آثار خود بحث کرده و آن‌ها را با دیگران در میان بگذارند، برای در میان گذاشتن تحقیق و شناخت خود درباره یک موضوع با دیگران، فعالیت‌های کلاسی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند که مستلزم حضور همسالان است، واژگان، عوامل تولید صدا و نشانه‌های غیربیبانی را طوری انتخاب کنند که بتوانند با مخاطبان مختلف به صورت مؤثرتری ارتباط برقرار کنند.

پایه دوازدهم: متناسب با بافت، مخاطب و هدف برای تمرکز و روشن ساختن یک موضوع یا دیدگاه دست به انتخاب، تولید و ارزیابی ایده بزنند، متناسب با بافت، مخاطب و هدف صورت‌هایی را اقتباس نموده و به کار ببرند، در متون شفاهی جهت دستیابی به اهداف خاص برای مخاطبان خاص و نیز برای تضمین انسجام و یکپارچگی، تأثیر بالقوه تکنیک‌ها، تغییرات و ساختارهای سازمان‌دهنده مختلف را ارزیابی کنند، درباره اثر انتخاب‌های مربوط به محتوا، شکل و شیوه ارائه خود و دیگران بحث کرده و آن‌ها را ارزیابی کنند، به هنگام ارائه ایده‌ها و اطلاعات جهت برآوردن نیازهای مخاطبان

از خود اعتماد به نفس و انعطاف‌پذیری نشان دهند؛ سرعت و چگونگی ارائه خود را با هدف، عنوان و مخاطب خود تطبیق بدهند، لحن خود را طوری انتخاب و تنظیم کنند که دانش، نگرش و واکنش مخاطب را در نظر داشته باشند.

د) دانش‌آموزان یادگیرند که برای احترام به جامعه و کمک به ارتقای آن سخن بگویند.

پایه ششم: در خانه، محیط بازی، و کلاس تنوعات گفتاری را بشناسند، برای آفریدن کار هنری و جشن گرفتن با استفاده از شعر گفتن، آهنگ موزون، نماد، تصویر و اجرای نمایش در داستان‌گویی گروهی شرکت کنند، برای آفریدن کار هنری و جشن گرفتن با استفاده از شعر گفتن، آهنگ موزون، نمادها، تصاویر و اجرای نمایش در داستان‌گویی گروهی شرکت کنند، به هنگام برقراری ارتباط گفتاری حساسیت خود را جهت کاربرد زبانی شایسته نشان دهند، زبانی را انتخاب کرده و استفاده کنند که صورت و لحن آن برای شناسایی و احترام گذاشتن به افراد و رویدادها مناسب باشد. پایه نهم: اهمیت برقراری ارتباط موثر به هنگام کارکردن با دیگران را درک کنند، از زبان و اعمال سنجیده‌ای استفاده کنند که افراد دارای نژاد، فرهنگ، جنسیت، سن و توانایی‌های دیگر را نیز تأیید می‌کند، به هنگام برگزاری مراسم برای رویدادهای خاص شرکت کنند، ضمن اینکه اهمیت و تأثیر نفوذ زبان را تشخیص می‌دهند.

پایه دوازدهم: به هنگام کارکردن با دیگران از زبان برای نشان‌دادن انعطاف‌پذیری استفاده کنند، برای گسترش عمق و گستره افکار خود و گروه، استفاده از دیدگاه‌های مختلف را تشویق کنند، درک کنند که چگونه کاربرد و انتخاب‌های زبانی، نواخت کلام و استفاده از سیاق خاص ممکن است موقعیت‌های سودجویانه و تبعیض‌آمیز را تقویت کند یا به مقابله با آن‌ها بپردازد، از زبان و متن‌های مختلف برای جشن گرفتن موقعیت‌ها و دستاوردهای مهم و برای گسترش و تقویت حس وحدت استفاده کنند.

<p>هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن:</p> <ul style="list-style-type: none"> - دانش‌آموزان برای کشف افکار، ایده‌ها، احساسات، و تجربیات دیگران با آن‌ها سخن می‌گویند. - دانش‌آموزان سخن می‌گویند تا بتوانند متون شفاهی دیگر را درک کرده و به صورت شخصی و منتقدانه به آن‌ها واکنش نشان بدهند. - دانش‌آموزان سخن می‌گویند تا شفافیت و جنبه‌های هنری ارتباط آن‌ها افزایش یابد. - دانش‌آموزان برای احترام به جامعه و کمک به ارتقای آن سخن می‌گویند.
<p>مؤلفه‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن:</p> <p>در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا بر هدف‌های آموزشی تأکید می‌شود و شاخص خاصی برای آموزش مهارت‌های زبانی به صورت مجزا بیان نمی‌شود.</p>
<p>جدول ۲.۴- هدف‌ها و مؤلفه‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا (۲۰۰۸-۱۹۹۸)</p>

توصیف برنامه درسی زبان ملی انگلستان (۲۰۰۷)

فهرست مطالب ارائه‌شده در برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی شامل پیش‌گفتاری درباره وضعیت زبان انگلیسی در ساختار برنامه درسی ملی و اهمیت آموزش این زبان، ساختار برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی در سطوح کلیدی (۱، ۲، ۳ و ۴)، شرایط عمومی تدریس زبان انگلیسی و هدف‌های یادگیری زبان انگلیسی^۱ است. در این فصل بجز شرایط عمومی تدریس زبان انگلیسی، سایر موارد به تفصیل مطرح می‌شوند.

برنامه آموزشی و ملی انگلستان (۲۰۰۷) در چهار سطح کلیدی تنظیم شده است (برنامه آموزشی و ملی انگلستان برای سطوح کلیدی ۴-۱، ۲۰۰۷): سطح کلیدی ۱ برای دانش‌آموزان ۷-۵ سال (پایه‌های اول و دوم)، سطح کلیدی ۲ برای دانش‌آموزان ۱۱-۷ سال (پایه‌های سوم تا ششم)، سطح کلیدی ۳ برای دانش‌آموزان ۱۴-۱۱ سال (پایه‌های هفتم تا نهم)، سطح کلیدی ۴ برای دانش‌آموزان ۱۶-۱۴ سال (پایه‌های دهم تا یازدهم). برای سهولت مقایسه هدف‌های آموزشی در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی انگلستان با برنامه آموزش زبان ملی ایران، هدف‌های آموزش زبان ملی این کشور در سطوح کلیدی ۲، ۳ و ۴ مطرح می‌شوند که تقریباً معادل دوره‌های ابتدایی، دوره اول متوسطه و دوره دوم متوسطه ایران است.

در برنامه درسی ملی انگلستان، برنامه مطالعاتی دروس مختلف تعیین می‌کنند که چه چیزی را باید در سطوح کلیدی ۱، ۲، ۳ و ۴ به دانش‌آموزان آموزش داد و اهداف آموزشی، معیارهای مورد

^۱. Attainment targets

انتظار برای عملکرد آن‌ها را تعیین می‌کنند. از طرفی، مدارس انتخاب می‌کنند که چگونه برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی را در برنامه آموزشی خود بگنجانند. البته آن‌ها باید هنگام برنامه‌ریزی، شرایط عمومی تدریس از جمله کاربردهای زبان و فناوری اطلاعات و ارتباطات را نیز در نظر داشته باشند که در کنار برنامه‌های مطالعاتی اعمال می‌شوند.

درباره اهمیت آموزش زبان انگلیسی در برنامه مطالعاتی مربوط تصریح می‌شود که زبان انگلیسی راه اصلی برقراری ارتباط در مدرسه، در زندگی روزمره و در سطح بین‌المللی و نیز شالوده یادگیری تمام دروس است. ادبیات انگلیسی غنی و اثرگذار است، و تجربه افراد، کشورها و ادوار مختلف تاریخی را منعکس می‌کند. به هنگام مطالعه زبان انگلیسی، مهارت‌های سخن‌گفتن، گوش‌دادن، خواندن و نوشتن در دانش‌آموزان شکل می‌گیرد و به آن‌ها توانایی بیان خود به شیوه‌ای خلاقانه و تخیلی و نیز توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران را می‌دهد. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که خوانندگان مشتاق و منتقد داستان، شعر و نمایشنامه و نیز متون غیر داستانی و رسانه‌ای شوند. مطالعه زبان انگلیسی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که با توجه به الگوها، ساختارها و ریشه آن‌ها کاربرد زبان را دریابند. دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از این شناخت انتخاب کنند که در موقعیت‌های مختلف چه بگویند و چه بنویسند و نیز ارزش انتخاب‌های نویسندگان و سخنگویان دیگر را درک کرده و تفسیر کنند.

در هر سطح کلیدی، مهارت‌های سخن‌گفتن و گوش‌دادن، خواندن و نوشتن آموزش داده می‌شود. بعضی از جنبه‌های هر مهارت زبانی متمایز هستند؛ اما به دلیل اینکه رشد زبان به ارتباط درونی آن‌ها بستگی دارد، آموزش بر اساس روابط بین آن‌ها بنا می‌شود. به ویژه، ارتباط زیادی بین زبان انگلیسی معیار، گونه‌های زبانی و ساختارهای زبانی در قسمت‌های مختلف برنامه مطالعاتی وجود دارد. روی هم رفته، اینها پایه و اساس منسجمی را برای مطالعه زبان به دست می‌دهند. نکته دیگر اینکه، آموزش هر کدام از مهارت‌های زبانی در قالب دو قسمت تنظیم شده است: یکی دانش، مهارت و فهم^۱؛ و دیگری گستره مطالعه^۲. منظور از گستره مطالعه، متون و فعالیت‌هایی است که برای ایجاد دانش، مهارت‌ها و شناخت مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر، دانش، مهارت‌ها و شناخت مربوط به زبان انگلیسی با استفاده از متون و فعالیت‌های متعددی شکل می‌گیرند. نکته دیگر اینکه، تدریس باید طوری انجام شود که آموزش گوش‌دادن و سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن به شکل تلفیقی صورت گیرد.

اهداف آموزش زبان انگلیسی به تشریح دانش، مهارت‌ها و شناختی می‌پردازد که انتظار می‌رود دانش‌آموزانی با توانایی‌ها و مراحل رشدی متفاوت تا پایان هر سطح کلیدی کسب کرده

¹. Understanding

². Breadth of study

باشند^۱. اهداف آموزشی متشکل از هشت سطح توصیفی^۲ است که دشواری آن‌ها به ترتیب افزایش می‌یابد. علاوه بر آن دارای توصیفی برای عملکرد ویژه و فراتر از سطح هشتم است. در هر سطح انواع و طیف عملکردهایی توصیف می‌شود که دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در آن سطح باید به طور ویژه نمایش دهند. توصیف سطح به سطح در آموزش زبان انگلیسی کمک می‌کند که بتوان میزان پیشرفت دانش‌آموزان را در نیل به اهداف آموزش گوش دادن و سخن گفتن، خواندن و نوشتن به دقت ارزیابی کرد. درحقیقت، این توصیف‌ها اساس قضاوت درباره عملکرد دانش‌آموزان را در پایان سطوح کلیدی ۱، ۲ و ۳ به دست می‌دهند. در سطح کلیدی ۴، ابزار اصلی ارزشیابی موفقیت در زبان انگلیسی، قابلیت‌های ملی^۳ هستند. از اکثر دانش‌آموزان انگلیسی انتظار می‌رود که عملکرد آن‌ها در طیف سطوح زیر باشد:

- در سطح کلیدی ۱ در سطوح توصیفی ۱-۳ کار کنند و در پایان سطح کلیدی یادشده به سطح توصیفی ۲ برسند.

- در سطح کلیدی ۲ در سطوح توصیفی ۲-۵ کار کنند و در پایان سطح کلیدی یادشده به سطح توصیفی ۴ برسند.

- در سطح کلیدی ۳ در سطوح توصیفی ۳-۷ کار کنند و در پایان سطح کلیدی یادشده به سطح توصیفی ۵-۶ برسند.

همچنین، آموزش زبان انگلیسی در کنار آموزش برنامه‌های مطالعاتی دیگر می‌تواند منجر به رشد روحی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان و نیز ایجاد مهارت‌های کلیدی و مهارت‌های تفکر در آن‌ها شود. مثلاً، زبان انگلیسی فرصت‌هایی را برای رشد موارد زیر فراهم می‌آورد:

- رشد روحی، از طریق کمک به دانش‌آموزان در بازنمایی و تشریح زندگی درونی خود و دیگران در قالب نمایشنامه، تفکر درباره آن‌ها و بحث درباره متون و ایده‌ها
- رشد اخلاقی، از طریق تشریح مسائل درست و غلط، ارزش‌ها و تضاد بین ارزش‌ها به هنگام خواندن مطالب داستانی و غیر داستانی توسط آن‌ها از طریق مباحثه و نمایشنامه
- رشد اجتماعی، از طریق کمک به دانش‌آموزان در همکاری با دیگران برای خلق یا ارائه نمایشنامه طراحی شده، در نظر گرفتن نیازهای مخاطب و اثراتی که مایل‌اند به هنگام انطباق گفتار و نوشتار خود با مخاطب و از طریق خواندن، بازنگری و بحث درباره متونی به دست

^۱. آن طور که بر اساس قانون آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۶، بخش ۳۵۳ الف تعریف شده است.

^۲. سطوح توصیفی هدف‌های آموزشی برای مهارت سخن گفتن در ادامه همین قسمت تشریح می‌شود.

^۳. National qualifications

باید که مسائل و روابط بین افراد و جامعه را در فرهنگ‌ها و ادوار تاریخی مختلف مطرح می‌کنند.

▪ رشد فرهنگی، از طریق کمک به دانش‌آموزان در تفکر و تشریح روش بازنمایی فرهنگ‌ها در داستان‌ها و اشعار با معرفی میراث ادبی زبان انگلیسی به آن‌ها و آموزش درباره گونه‌های زبان انگلیسی و چگونگی ارتباط زبان با هویت‌های ملی، منطقه‌ای و فرهنگی

از طرفی، آموزش زبان انگلیسی فرصت‌هایی را برای شکل‌دادن به مهارت‌های کلیدی زیر در دانش‌آموزان فراهم می‌آورد:

▪ ارتباط، از طریق آموزش مهارت‌های گوش‌دادن و سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن در تمام سطوح کلیدی. برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی به ویژه برای سطوح کلیدی ۳ و ۴ شامل مؤلفه‌های مهارت کلیدی ارتباط است. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

- کمک به بحث، شفاف‌سازی مطالب، گوش‌دادن و ارائه پاسخ متناسب،
- ارائه سخنرانی کوتاه با ساختاری شفاف، سخن‌گفتن به صورت واضح و تشریح نکات اصلی،

- انتخاب، خواندن و خلاصه‌کردن اطلاعات، شناسایی نکات اصلی و کلیدی استدلال‌ها،
- نوشتن به صورتی که از طریق آن اطلاعاتی مرتبط به شیوه‌ای ساختاریافته و به لحاظ فنی صحیح ارائه شود،

▪ فناوری اطلاعات^۱، از طریق ارائه فرصت‌هایی برای کار با صفحه نمایش و با انواع رسانه‌ها و برقراری ارتباط از طریق پست الکترونیکی و اینترنت،

▪ کار با دیگران از طریق همکاری گروهی و نمایشنامه،
▪ بهبود یادگیری و عملکرد خود، از طریق فرایند تهیه پیش‌نویس و تفکر درباره آنچه که گفته می‌شود، اجرا می‌شود، خوانده می‌شود و نوشته می‌شود،
▪ حل مسئله، از طریق کار گروهی و نمایشنامه.

در برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی تصریح می‌شود که زبان انگلیسی می‌تواند در رشد مهارت‌های شهروندی و تفکر نقش داشته باشد، مثلاً:

▪ خواندن، دیدن و بحث درباره متونی که نماینده مسائل و روابط بین گروه‌ها و بین فرد و جامعه در ادوار تاریخی و فرهنگ‌های مختلف است،

^۱.IT

- یادگیری دربارهٔ بافت‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی که متون خواندنی و مورد توجه دانش‌آموزان را شکل داده و بر آن اثرگذار هستند،
 - شکل دادن به توانایی دانش‌آموزان در ارائهٔ نقطه نظر، سؤال، استدلال و بحث، انطباق سخنان خود با مخاطب و تأثیری که مایلند بر مخاطب بگذارد،
 - مطالب خوانده شده، شنیده شده و مشاهده شده را با توجه به معانی صریح و تلویحی، سوداری و ملموس بودن، و واقعیت^۱ و عقیده^۲ به صورت انتقادی ارزیابی کنند،
 - کاربران ماهر زبان انگلیسی معیار گفتاری و نوشتاری شوند که به دانش‌آموزان امکان مشارکت کامل در دنیای وسیعتر از مدرسه، زندگی عمومی و در تصمیم‌گیری را بدهد.
- در برنامهٔ مطالعاتی زبان انگلیسی تعدادی مفهوم کلیدی نیز وجود دارند که زیربنای مطالعهٔ زبان انگلیسی را تشکیل می‌دهد. این مفاهیم کلیدی شامل توانش^۳، خلاقیت، درک فرهنگی و درک انتقادی هستند. دانش‌آموزان باید برای افزایش و گسترش دانش، مهارت‌ها و شناخت خود این مفاهیم را درک کنند. مفاهیم یادشده که برای پیشرفت دانش‌آموزان در زمینهٔ مهارت‌های سخن گفتن و گوش دادن، خواندن و نوشتن ضروری هستند در برنامهٔ مطالعاتی زبان انگلیسی به شرح زیر تشریح شده‌اند.
- توانش: توانش در زمینهٔ مهارت‌های خواندن، نوشتن، سخن گفتن و گوش دادن به دانش‌آموزان امکان موفقیت و برقراری ارتباط با دنیای فراتر از کلاس درس را در موقعیت‌ها و شرایط مختلف می‌دهد. توانش عبارتست از توانایی سخن گفتن و نوشتن به طور صحیح، خواندن و گوش دادن به طور درست و قابل اعتماد، و فراتر از این، توانایی انطباق با نیازهای کار یا مطالعه و موفق بودن. کسب توانش منجر به توانایی دانش‌آموزان در این موارد می‌شود: الف. برقراری ارتباط گفتاری و نوشتاری روشن، منسجم و صحیح، ب. خواندن و فهمیدن انواع متن‌ها، و ارائهٔ واکنش مناسب، ج. نشان دادن درک آن‌ها از قواعد زبان نوشتاری، شامل دستور، املاء و نقطه‌گذاری، د. قابلیت انطباق با طیف گسترده‌ای از موقعیت‌های آشنا و ناآشنا در درون کلاس و فراتر از آن. ه. انتخاب‌های درست دربارهٔ راه‌های تأثیر گذار برقراری ارتباط به طور رسمی و غیررسمی.
- خلاقیت: زمانی که دانش‌آموزان ارتباطات غیرمنتظره برقرار می‌کنند، از تصاویر یا عبارت‌های اصیل و جذاب استفاده می‌کنند، فعالیت‌ها را از زوایای متفاوتی انجام می‌دهند، یا برای متعجب کردن و درگیر کردن خواننده، صورت‌ها را تغییر می‌دهند، از خود خلاقیت نشان داده‌اند. با فراهم آوردن فرصت‌های هدفمند برای دانش‌آموزان به منظور تجربه کردن، پی‌ریزی ایده‌های جدید

¹.Fact

².Opinion

³.Competence

یا دنبال کردن علایق خود، زمینه‌های بروز خلاقیت در آن‌ها ایجاد می‌شود. خلاقیت در زبان انگلیسی از داستان‌پردازی و شعر فراتر رفته و تا صورت‌ها و کاربردهای دیگر زبان گسترش می‌یابد. در برنامه آموزش زبان ملی کشور انگلستان تأکید می‌شود که باید به دانش‌آموزان اجازه داد تا سطوح بالاتر شناخت و استقلال پیش بروند. کسب خلاقیت منجر به توانایی دانش‌آموزان در این موارد می‌شود: الف. ایجاد پیوندهای جدید بین ایده‌ها، تجربیات، متن‌ها و کلمات، به کمک تجربه غنی زبان و ادبیات، ب. استفاده از رویکردهای مبتکرانه برای شکل دادن به معنا، خطرپذیری، بازی با زبان و استفاده از آن برای خلق اثرهای جدید، ج. استفاده از تخیل برای بیان موضوعات، ایده‌ها و استدلال‌ها، حل مسئله، و خلق صحنه‌ها، فضاها و شخصیت‌ها، د. استفاده از رویکردهای خلاقانه برای پاسخ به پرسش‌ها، حل مسائل و پروراندن ایده‌ها.

درک فرهنگی: از طریق زبان انگلیسی، دانش‌آموزان درباره سنت‌های برجسته ادبیات انگلیس و بینش نویسندگان معاصر آن آموزش می‌بینند. با مطالعه زبان و ادبیات، دانش‌آموزان متون فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف را با هم مقایسه می‌کنند. همچنین، درک پیوستگی و انسجام در آن‌ها شکل می‌گیرد و میراث زبانی را درک می‌کنند که به غنای دانش آن‌ها درباره زبان گفتاری و نوشتاری کمک می‌کند. دانش‌آموزان با مقایسه متن‌ها با یکدیگر، امکان توجه به شیوه‌های جدید گسترش فرهنگ‌ها را پیدا می‌کنند. به این ترتیب، آن‌ها می‌توانند فرهنگ جامعه خود، گروه‌هایی که با آن‌ها مشارکت دارند و هویت محلی و ملی را مثلاً از طریق تشریح تفاوت‌های منطقه‌ای و جهانی به شیوه گفتاری مورد بررسی قرار دهند. کسب درک فرهنگی منجر به توانایی دانش‌آموزان در این موارد می‌شود: الف آگاه‌شدن از میراث ادبی انگلیسی و مطالعه متن‌های مهم آن، ب. کاوش در چگونگی و تنوع به تصویر کشیده شدن ایده‌ها، تجربیات و ارزش‌ها در متون فرهنگ‌ها و سنن متفاوت، ج. فهم چگونگی تفاوت زبان انگلیسی در سطوح محلی و جهانی و چگونگی ارتباط این تفاوت‌ها با هویت و تنوعات فرهنگی

درک انتقادی: زمانی که دانش‌آموزان کاربردهای زبان، صورت‌های متفاوت رسانه‌ها و ارتباط اعم از متن‌های ادبی، اطلاعاتی و گفتاری را مورد بررسی قرار می‌دهند، درک انتقادی در آن‌ها شکل می‌گیرد. پروراندن مهارت‌های انتقادی در دانش‌آموزان امکان به چالش گرفتن ایده‌ها، برداشت‌ها و مفروضه‌ها را در زمینه منطق، شاهد یا استدلال می‌دهد و ضروری است که آن‌ها دیدگاه‌های خود را به طور مستقل شکل داده و بیان کنند. کسب درک انتقادی منجر به توانایی دانش‌آموزان در این موارد می‌شود: الف. درگیر شدن با ایده‌ها و متن‌ها، درک و پاسخگویی به مسائل اساسی، ب. سنجش اعتبار و اهمیت اطلاعات و ایده‌های برگرفته از منابع مختلف، ج. کنکاش در ایده‌های دیگران و پروراندن ایده‌های خود، د. تحلیل و ارزیابی زبان گفتاری و نوشتاری برای درک چگونگی شکل دادن به معنا.

در برنامه آموزش زبان ملی کشور انگلستان تأکید می‌شود که دانش‌آموزان باید یادگیرند در تمام دروس اندیشه خود را به درستی و به صورت مناسب بیان کنند و به طور صحیح و روان بخوانند. به دلیل اینکه زبان انگلیسی معیار گفتاری و نوشتاری زبان غالبی است که در انگلستان همه دانش‌ها و مهارت‌ها با آن آموزش داده شده و یاد گرفته می‌شود، دانش‌آموزان باید بیاموزند که زبان انگلیسی معیار را به خوبی تشخیص داده و به کار ببرند.

نوشتن

۱- به‌هنگام آموزش نوشتن باید به دانش‌آموزان آموزش داد که املاهای صحیح واژه‌ها را به کار ببرند و از علائم سجاوندی و قراردادهای دستوری به درستی استفاده کنند. همچنین، باید به آن‌ها آموزش داد که نوشته خود را به صورت منطقی و منسجم سازماندهی کنند.

سخن‌گفتن

۲- به هنگام آموزش سخن‌گفتن باید به دانش‌آموزان آموزش داد که از زبان دقیق و متقاعدکننده استفاده کنند.

گوش‌دادن

۳- به هنگام آموزش گوش‌دادن باید به دانش‌آموزان آموزش داد که به دیگران گوش فرادهند، و به طور سازنده‌ای به ایده‌ها و دیدگاه‌های دیگران واکنش نشان داده و ایده‌ها و دیدگاه‌های خود را بر پایه آن‌ها بنا کنند.

خواندن

۴- به هنگام آموزش خواندن باید به دانش‌آموزان راهبردهایی را آموزش داد که همراه با درک و فهم بخوانند، جایگاه اطلاعات را تعیین کرده و آن‌ها را به کار ببرند، فرایندی را دنبال کنند یا استدلال کرده و خلاصه آن‌ها را ارائه دهند و نیز آموخته‌های خود را از مطالب خوانده شده با هم تلفیق کرده و با یکدیگر تطبیق دهند.

۵- دانش‌آموزان باید درباره واژگان فنی و تخصصی دروس متفاوت و نیز شیوه استفاده و نگارش درست آن‌ها آموزش دریافت کنند. همچنین، آن‌ها باید الگوهای زبانی مهم برای درک و بیان دروس متفاوت را بیاموزند. این الگوها شامل ساخت جملات، پاراگراف‌ها و متونی است که غالباً در یک درس مورد استفاده قرار می‌گیرد (مثلاً، کاربرد زبان برای بیان رابطه علت و

معلولی، ترتیب زمانی، منطق، اکتشاف، فرضیه، مقایسه، و چگونگی پرسیدن سؤال و شکل دادن به استدلال‌ها)

درباره کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمام دروس در برنامه آموزش زبان ملی کشور انگلستان تأکید می‌شود که:

۱- باید فرصت‌هایی^۱ را برای دانش‌آموزان فراهم کرد تا برای افزایش یادگیری خود در تمام دروس (به استثنای تربیت بدنی در سطوح کلیدی ۱ و ۲) از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده کرده و توانایی خود را برای استفاده از آن افزایش دهند.

۲- باید برای دانش‌آموزان فرصت‌هایی فراهم آورد تا با آموختن موارد زیر، از آثار و فعالیت‌های خود حمایت کنند:

الف) از منابع گوناگونی اطلاعات به دست آورند، برای برآورده کردن نیازهای خود اطلاعات مورد نظر را انتخاب و با هم ترکیب کنند و توانایی پرسش درباره درستی، سوگیری^۲ و قابل اطمینان بودن آن‌ها را در خود ایجاد کنند.

ب) با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، ایده‌های خود را پیروانند تا کار یا اثر خود را اصلاح و ویرایش کنند و کیفیت و صحت آن را بهبود ببخشند.

پ) به صورت مستقیم و از طریق ابزارهای الکترونیکی اطلاعات را مبادله کنند.

ت) کیفیت اثر خود را در حین پیشرفت به صورت انتقادی مورد بازبینی قرار داده، آن را تغییر داده و ارزیابی کنند.

شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۱ و ۲ عبارتند از: سخن گفتن، بحث گروهی و تعامل، نمایشنامه، زبان انگلیسی معیار و تنوعات زبانی. همچنین، شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۳ و ۴ عبارتند از: راهبردهای ارائه مطلب به صورت از قبل آماده شده و رسمی؛ بحث در قالب گروهی به صورت غیررسمی یا بحث‌های دو نفره؛ بداهه‌گویی و اجرای فردی و گروهی و طراحی، تدوین و اجرای نمایش‌ها

^۱ در سطح کلیدی ۱، در برنامه‌های آموزشی، هیچ اجباری برای آموزش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دروس پایه و فرعی (non-core foundation subjects) وجود ندارد. در این سطح کلیدی، معلمان می‌بایست بر مبنای قضاوت و نظر خود تصمیم بگیرند که در این دروس، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات را آموزش دهند یا خیر. در سایر مراحل کلیدی، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در همه دروس، به استثنای تربیت بدنی، اجباری است.

^۲ bias

در برنامه درسی زبان ملی انگلستان، هدف‌های آموزشی تحقق‌پذیر در زمینه مهارت سخن‌گفتن، دانش، مهارت‌ها و شناختی را تعیین می‌کند که انتظار می‌رود تا پایان هر سطح کلیدی^۱، دانش‌آموزانی با توانایی‌ها و سطح بلوغ متفاوت در حیطه این مهارت به دست آورند. این هدف‌ها در ۸ سطح مختلف ارائه می‌شوند که هر سطح نسبت به سطح قبل دشوارتر است. علاوه بر آن، برای عملکرد ویژه و فراتر از سطح هشتم توصیف جداگانه‌ای ارائه می‌شود. این هدف‌های آموزشی به تفکیک سطح در زیر مطرح می‌شوند.

سطح ۱ - دانش‌آموزان باید یاد بگیرند درباره موضوعاتی که به صورت آبی برایشان پیش می‌آید سخن بگویند. آن‌ها یاد می‌گیرند معانی ساده را به شنوندگان مختلف انتقال بدهند، رسا سخن بگویند و کم‌کم با ارائه برخی جزئیات، ایده‌ها یا توصیف خود را گسترش دهند.

سطح ۲ - دانش‌آموزان باید به تدریج یاد بگیرند که به هنگام سخن‌گفتن، به خصوص در مواقعی که موضوعات برایشان جالب است، نشان دهند که اعتماد به نفس دارند. گاهی، از طریق ارائه جزئیات مربوط نشان بدهند نیازهای شنونده را می‌دانند. همچنین، به هنگام توضیح ایده‌های خود واضح صحبت کنند و از واژگان جدیدتر و بیشتری استفاده کنند. و به تدریج متوجه شوند که در برخی موقعیت‌ها، واژگان و لحن رسمی‌تری به کار می‌رود.

سطح ۳ - دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که در موقعیت‌های مختلف، با اعتماد به نفس صحبت کنند و به انتقال افکار و ایده‌ها بپردازند. به تدریج یاد بگیرند که گفته‌های خود، واژگان و سطح جزئیات را با نیازهای شنونده تطبیق بدهند. همچنین، نسبت به زبان انگلیسی معیار و موارد کاربرد آن آگاهی پیدا کنند.

سطح ۴ - دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که در موقعیت‌های مختلف، با اعتماد به نفس سخن بگویند. گفتاری منطبق با هدف مورد نظر خود داشته باشند: ایده‌های خود را بسط و گسترش بدهند، رویدادها را توصیف کرده و عقاید خود را به وضوح بیان کنند. به هنگام بحث، با دقت تبادل نظر کرده و سؤالاتی را در واکنش به افکار و دیدگاه‌های دیگران مطرح کنند. همچنین بیاموزند که برخی از ویژگی‌های واژگان و دستور زبان انگلیسی معیار را به درستی استفاده کنند.

سطح ۵ - دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که در موقعیت‌های مختلف از جمله موقعیت‌های رسمی با اعتماد به نفس سخن بگویند. به هنگام صحبت کردن، با تغییر لحن و واژگان، توجه شنونده را برانگیزند. به هنگام بحث‌ها، برای شکل‌دادن به افکار و ایده‌ها سؤال بپرسند و با توجه به دیدگاه‌های دیگران در بحث‌ها شرکت کنند. همچنین بیاموزند که به تدریج در موقعیت‌های رسمی از زبان انگلیسی معیار استفاده کنند.

^۱همانطور که در بیانیه آموزش (Education Act) ۱۹۹۶، قسمت ۳۵۳ الف تعریف شده است.

سطح ۶ - دانش‌آموزان باید یادگیرند که با اعتماد به نفس بیشتری، سخن خود را با الزامات موقعیت‌های مختلف سازگار کنند؛ سخنان آن‌ها از طریق انواع واژگان و اصطلاحات، توجه شنونده را به خود جلب کند؛ فعالانه در بحث‌ها شرکت کنند و حساسیت و درک خود را نسبت به افکار و ایده‌ها و دیگران به معرض نمایش بگذارند. همچنین بیاموزند که به سهولت از زبان انگلیسی معیار در موقعیت‌های رسمی استفاده کنند.

سطح ۷ - دانش‌آموزان باید یادگیرند که با اعتماد به نفس، سخنان خود را با مقتضیات موقعیت‌های گوناگون سازگار می‌کنند. از واژگان با دقت استفاده کنند و به منظور برقراری ارتباط به طور واضح و روشن، صحبت‌های خود را نظم دهند. آنان باید یادگیرند که با تغییر کیفیت و زمان مشارکت خود، مشارکت چشمگیری در بحث و گفتگوها داشته و ایده‌ها و افکار دیگران را ارزیابی کنند. همچنین، با اعتماد به نفس، در مواقع لازم از زبان انگلیسی معیار استفاده کنند.

سطح ۸ - دانش‌آموزان باید یادگیرند که در موقعیت‌های گوناگون، به صورتی هدفمند سخن بگویند؛ صحبت‌های خود را به روشنی سازماندهی می‌کرده و از واژگان، آهنگ و تکیه کلام مناسب استفاده کنند. مشارکت آن‌ها حاکی از آن است که نسبت به بسط و گسترش بحث حساسیت به خرج داده‌اند. همچنین بیاموزند که در موقعیت‌های مختلف با اعتماد به نفس از زبان انگلیسی معیار استفاده کنند و در مواقع لازم آن را سازگار با موقعیت به کار ببرند.

سطح عملکرد ویژه

دانش‌آموزان باید یادگیرند که در موقعیت‌های گوناگون، ساختارها، سبک‌ها و گونه‌های کاربردی را به درستی انتخاب کرده و از آن‌ها استفاده کنند؛ برای نیل به اهداف مختلف با اعتماد به نفس واژگان و شیوه بیان خود را تغییر دهند؛ به طرق مختلف بحث را شروع کرده و آن را پویا نگه می‌دارند و در بحث‌ها، نقش هدایت‌کننده را ایفا کنند. همچنین، در موقعیت‌های گوناگون و برای نیل به اهداف متفاوت از زبان انگلیسی معیار به صورتی روان استفاده کنند.

اهداف و شاخص‌های آموزش سخن گفتن به تفکیک سطوح کلیدی آموزش

در ادامه هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۲، ۳ و ۴ (معادل دوره های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران) توصیف می‌شود. دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم برای یادگیری سخن گفتن در سطح کلیدی ۲ در قالب پنج شاخص آموزش داده می‌شود که عبارتند از: سخن گفتن، بحث گروهی و تعامل، نمایشنامه، زبان انگلیسی معیار و تنوعات زبانی. در زیر تک تک این شاخص‌ها تشریح می‌شوند.

سطح کلیدی ۲

شاخص سخن‌گفتن

برای اینکه دانش‌آموزان در موقعیت‌های گوناگون با اعتماد به نفس صحبت کنند و گفتار خود را برای اهداف و مخاطبان متناسب کنند، باید یاد بگیرند که: الف) با شیوه بیان و آهنگ مناسب صحبت کنند، ب) کلمات را با دقت انتخاب کنند، پ) آنچه را که قصد دارند بگویند، سازماندهی کنند، ت) بر نکات اصلی تمرکز کنند، ث) جزئیات مربوط را بگنجانند، ج) از نحو و واژگانی استفاده کنند که به آن‌ها امکان بیان معانی پیچیده‌تری را می‌دهد، چ) توجه و واکنش مخاطبان مختلف را جلب و حفظ کنند (برای مثال، با اغراق، شوخی طبیعی، تغییر سرعت کلام و استفاده از زبان متقاعدکننده برای نیل به تأثیرهای خاص)، ح) مطالبی را انتخاب کنند که مرتبط به موضوع و مخاطبان است، خ) مطالب را با سازماندهی شفاف و در قالب یک مقدمه و نتیجه ارائه دهند، د) با استفاده از زبان انگلیسی معیار گفتاری در بافت‌های رسمی، رسا و واضح صحبت کنند، ذ) گفتار خود را ارزیابی کرده و درباره تنوعات آن فکر کنند.

شاخص بحث‌ها و تعاملات گروهی

برای اینکه دانش‌آموزان به شیوه مؤثری به عنوان اعضای گروه سخن بگویند باید بیاموزند که: الف) نوبتی صحبت کنند، ب) صحبت‌هایشان در راستای آن چیزی باشد که پیشتر گفته شد، پ) دیدگاه‌های متفاوت را در نظر بگیرند، ت) با مباحثه، ایده‌های خود را گسترش دهند، ث) برای نظرات و کارهای خود دلیل ارائه دهند، ج) در ارتباط با موضوع مورد بحث و با رعایت نوبت در بحث‌ها شرکت کنند، چ) با در نظر گرفتن فعالیت و هدف مورد نظر در بحث‌ها شرکت کنند، از جمله اینکه هنگام گردآوری ایده‌ها، به صورت آزمایشی و محتاطانه اظهار نظر کنند و هنگام رسیدن بحث به نتیجه یا عمل، به صورت ارزیابانه و مستدل نظر بدهند، ح) بعد از گوش دادن به سؤالات یا بیانات دیگران، افکار خود را تعدیل کرده یا آن را موجه جلوه دهند، خ) با نظرات مخالف مؤدبانه برخورد کنند و این امکان را فراهم آورند که بحث ادامه یابد، د) نقش‌های مختلفی را ایفا کرده و آن‌ها را حفظ کنند، و آن‌ها را به تناسب موقعیت تغییر دهند از جمله ریاست، منشی‌گری و سخنگویی، ذ) از روش‌های مختلفی برای پیشبرد گروه استفاده کنند، از جمله خلاصه کردن نکات اصلی، مرور آنچه گفته شده، شفاف‌سازی، جلب توجه دیگران، رسیدن به توافق، در نظر گرفتن گزینه‌های دیگر و پیش‌بینی پیامدها.

شاخص فعالیت‌های نمایشی

برای اینکه دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف نمایشی شرکت کنند و سهم خود و دیگران را ارزیابی کنند، باید بیاموزند که: الف) برای تشریح و بیان موقعیت‌ها، شخصیت‌ها و احساسات از زبان و حرکات بدنی استفاده کنند، ب) به صورت فردی و در تعامل با دیگران، به آفرینش و حفظ نقش‌ها بپردازند، پ) درباره نمایشی که تماشا کرده‌اند یا در آن شرکت داشته‌اند، نظری سازنده ارائه دهند، ت) به صورت انفرادی و گروهی نقش‌های مختلفی را خلق کرده، خود را با آن‌ها وفق داده و آن‌ها را حفظ کنند، ث) در نمایشنامه‌هایی که خلق کرده و می‌نویسند، برای انتقال داستان، موضوع، احساسات و ایده‌های موجود در آن‌ها از شخصیت‌ها، حرکات و رفتار آن‌ها و هنر داستان‌سرایی استفاده کنند، ج) برای تشریح شخصیت‌ها و مسائل، از فنون نمایشی استفاده کنند (برای مثال صندلی داغ^۱، پس نگاه^۲)، چ) سهم خود و دیگران را در اثربخشی کلی اجراها ارزیابی کنند.

شاخص زبان انگلیسی معیار

به هنگام آموزش زبان انگلیسی معیار، آموزش ساختار زبان، تنوعات زبانی و شایع‌ترین کاربردهای غیرمعیار در زبان انگلیسی از جمله موارد مطابقت فاعل و فعل (they was)، ساخت زمان گذشته (I done, have fell)، ساخت منفی (ain't)، ساخت قیدها (come quick)، استفاده از ضمائر اشاره (them books) نیز ضروری است. همچنین، دانش‌آموزان باید با برخی از مختصه‌های اصلی زبان انگلیسی گفتاری معیار آشنا شده و این دانش را به شیوه مناسبی در بافت‌های گوناگون به کار ببرند.

شاخص تنوعات زبانی

دانش‌آموزان باید بیاموزند که چگونه گفتار تغییر می‌کند: الف) براساس موقعیت و هدف (برای مثال، چگونگی تغییر واژگان مورد استفاده در موقعیت‌های رسمی)، ب) توجه به مخاطبان (شنوندگان) مختلف (برای مثال ایجاد تغییر در گفتار خود به هنگام سخن گفتن با افراد ناشناس)، پ. تمایز میان صورت‌های معیار و محلی زبان (مثلاً در نمایشنامه)، ت. تمایز میان صورت‌های گفتاری و نوشتاری زبان (برای مثال، تفاوت‌های بین گفتار آوا نویسی شده، گفتار مستقیم و گفتار نقل شده).

¹. Hot seating

². Flashback

سطح کلیدی ۳

دانش آموزان در سطح کلیدی ۳ در زمینه مهارت سخن گفتن یاد می‌گیرند که ... :
 الف. اطلاعات و دیدگاه‌های خود را به طور شفاف و مناسب در موقعیت‌های مختلف ارائه دهند و متناسب با اهداف و مخاطبان مختلف صحبت کنند، ب. از راه‌های گوناگونی برای ساختاردهی و سازماندهی گفتار خود برای حمایت از اهداف و راهنمایی شنونده استفاده نمایند، پ. واژگان، ساختار و دستور زبان را برای بیان معنی تغییر دهند، از جمله اینکه به طور روان به زبان انگلیسی معیار سخن بگویند، ت. با استفاده از انواع تکنیک‌ها، مخاطب را در بررسی، غنی‌سازی و تشریح ایده‌های خود درگیر سازند، ث. به صورت‌های مختلف در گروه‌ها مشارکت داشته باشند، پاسخ مناسب به دیگران بدهند، ایده‌های خود را بیان کرده و سؤال بپرسند، ج. در سازماندهی، برنامه‌ریزی و تداوم گفتگو در گروه‌ها نقش‌های مختلفی را به عهده بگیرند، چ. مهمترین نکات را جدا کرده، خلاصه نموده و به کار ببرند، ح. از رویکردهای نمایشی متفاوتی برای تشریح ایده‌ها، متن‌ها و مسائل استفاده نمایند، خ. از تکنیک‌های نمایشی مختلفی برای بیان عمل، شخصیت و کشمکش‌ها استفاده نمایند، د. روش‌های تلفیق واژه‌ها، اعمال، صداها و نمایش برای خلق لحظات نمایشی را تشریح نمایند.

همچنین در حاشیه برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی برای فرایند کلیدی سخن گفتن در سطح کلیدی ۳ مطالبی به شرح ذیل ذکر شده است:

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که گفتار خود را به لحاظ زمانی، منطقی، به ترتیب اهمیت، با نکته اصلی/ نکته فرعی^۱ یا پرسش/ پاسخ ساختاردهی و سازماندهی کنند.

آن‌ها باید بیاموزند که واژگان، ساختار و دستور را به این شرح تغییر دهند: استفاده از زبان فنی یا محاوره‌ای در موارد مناسب، تغییر سیاق‌های رسمی و غیررسمی برای اثرگذاری، اصطلاحات وجهی برای انتقال نقاط قوت و اطمینان گفته‌ها (مثلاً ممکن است، احتمال دارد، شاید) و نشانه‌های شکل و ساختار گفتگو مانند عبارت‌های راهنما (مثلاً اکنون، بنابراین، ابتدا) و نشانگرهای کلامی برای تعیین مرز بین یک موضوع و موضوع بعدی در یک گفتگو (مثلاً به هر حال، درست است، باشد).

به هنگام آموزش زبان انگلیسی معیار، به خاطر داشتن رایج‌ترین کاربردهای غیرمعیار در انگلستان برای مطابقت فعل - فاعل (they was)، ساخت زمان گذشته، (have felt, I done)، ساخت منفی (ain't)، ساخت قیدها (come quick)، کاربرد ضمیرهای اشاره (them books)، کاربرد ضمایر (meand him went)، و کاربرد حروف اضافه (out the door) مفید است.

^۱. Point/counterpoint

دانش‌آموزان باید یادگیرند که طیفی از این تکنیک‌ها را در گفتار خود به کار ببرند: لحن، حالت چهره، تکرار، بازگشت به نکات کلیدی یا ایده‌ها، مطلب معترضه، خطاب مستقیم، ایما و اشاره و حرکات بدنی و همچنین استفاده از تصاویر، کمک‌های دیداری و عکس‌ها، شواهد و حکایات. همچنین، دانش‌آموزان باید یادگیرند که به منظور سازماندهی، برنامه‌ریزی و تداوم گفتگو نقش‌های مختلفی را از جمله: رهبری، معارفه، ریاست، میانجی‌گری، ثبت‌کردن، خلاصه‌کردن و به طور مؤثری به چالش طلبیدن به عهده بگیرند.

رویکردهای نمایشی متفاوت دانش‌آموزان شامل این موارد است: صحنه‌ای متشکل از افراد ساکت و بی‌حرکت^۱، قرار گرفتن در موقعیت حساس (صندلی داغ)، ایفای نقش^۲ و سالن تئاتر^۳.

تکنیک‌های نمایشی مختلف نیز عبارتند از: تغییر دادن بلندی، لحن و سرعت گفتار، استفاده از مکث، حرکات دست و صورت، تحرک و چگونگی اجرا، سخن‌گفتن گروهی، تک‌گویی و طنز نمایشی. باید دانش‌آموزان یادگیرند که اینها را در هر دو نوع اجرای از روی نوشته و اجرای فی‌البداهه به کار بگیرند.

سطح کلیدی ۴

دانش‌آموزان باید در سطح کلیدی چهارم در زمینه مهارت سخن‌گفتن این موارد را یاد بگیرند: الف. روان صحبت کنند، سخن خود را با انواع اهداف و موقعیت‌های آشنا و ناآشنا از جمله در موقعیت‌های مستلزم استفاده روان و با اعتماد به نفس از انگلیسی معیار تطبیق دهند، ب. با انتخاب مناسب‌ترین راه برای سازماندهی گفتار خود برای رساندن آن به حداکثر وضوح و تأثیر، اطلاعات را به صورتی شفاف و متقاعدکننده برای دیگران ارائه کنند، پ. برای منطبق کردن سخن با شرایط مختلف به صورتی انعطاف‌پذیر از میان راهبردها انتخاب کنند، ت. درباره عملکرد خود و دیگران به طور انتقادی بیندیشند و اظهار نظر کنند، ث. در سازماندهی، طرح‌ریزی و ادامه گفتگو در طیفی از موقعیت‌های رسمی و غیررسمی نقش‌های گوناگونی بپذیرند، ج. به طور هدفمند در گروه‌ها همکاری کنند، چ. برای کامل کردن فعالیت‌ها یا رسیدن به توافق، روی مشارکت دیگران تکیه کنند و در این باره با یکدیگر گفتگو کنند، ح. از انواع رویکردهای نمایشی برای بررسی ایده‌های پیچیده، متن‌ها و مسائل در آثار از پیش نوشته شده و فی‌البداهه ساخته شده استفاده نمایند، خ. تکنیک‌های

¹.Tableaux

².Teacher in role

³.Forum theatre

نمایشی مختلف را برای بیان عمل، شخصیت و کشمکش‌ها انتخاب نموده و برای انتخاب خود دلیل بیاورند. د. اجرای نمایش‌هایی را که تماشا کرده یا در آن شرکت داشته‌اند ارزیابی نمایند. همچنین در حاشیه برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی برای فرایندهای کلیدی سخن گفتن در سطح کلیدی ۴ مطالبی به شرح ذیل ذکر شده است:

موقعیت‌های آشنا و ناآشنا: سخن گفتن در موقعیت‌های آشنا می‌تواند شامل سخن گفتن در کلاس درس با همکلاسی یا افرادی باشد که دانش‌آموزان آن‌ها را به خوبی می‌شناسند. سخن گفتن در موقعیت‌های ناآشنا عبارتند از: سخن گفتن با گروه‌های دانش‌آموزان کم سن و سال تر، سخنرانی رسمی مثلاً برای گروه‌های جوان، سخن گفتن با کارمندان یا اعضای یک اجتماع وسیع‌تر و انجام مصاحبه.

زبان/انگلیسی معیار: به هنگام آموزش زبان انگلیسی معیار، به خاطر داشتن رایج‌ترین کاربردهای غیرمعیار در انگلستان مفید است، مثلاً مطابق فعل - فاعل (they was)، ساختن زمان گذشته (have fall, I done)، منفی کردن (I ain't)، ساختن قیدها (come quick)، کاربرد ضمیرهای اشاره (them books)، کاربرد ضمیر (me and him went) و کاربرد حروف اضافه (out the door).

سازماندهی گفتار: عبارت است از سازماندهی مطالب به لحاظ زمانی، به لحاظ منطقی، به ترتیب اهمیت، مطلب اصلی/مطلب فرعی یا پرسش/پاسخ. این مورد همچنین قضاوت درباره استفاده مناسب از فناوری اطلاعات و ارتباطات را به عنوان وسیله‌ای برای ارائه در برمی‌گیرد. راهبردها: در موقعیت‌هایی مثل برقراری ارتباط در یک مکالمه تلفنی استفاده می‌شوند که انواع سرنخ‌های بافتی در دسترس نیستند. راهبردها شامل تغییر لحن و سرعت، تکرار، سؤال پرسیدن و بازگو کردن برای وضوح بخشیدن به کلام هستند.

به عهده گرفتن نقش‌های گوناگون: این امر در موقعیت‌های رسمی، عبارتست از مدیریت، معرفی یا خلاصه کردن یک بحث یا گفتگو. این مورد در موقعیت‌های غیررسمی شامل مداخله، داوری یا مذاکره برای رسیدن به توافق و رفع اختلاف است. به عهده گرفتن نقش‌های گوناگون به دانش‌آموزان امکان انواع مشارکت و به چالش گرفتن سازنده ایده‌ها را برای به پیش بردن مباحث می‌دهد.

انواع رویکردهای نمایشی: شامل صحنه‌ای متشکل از افراد بی حرکت و صامت، در موقعیت حساسی قرار گرفتن (صندلی داغ)، ایفای نقش، ایفای نقش توسط معلم، ذهن خوانی^۱، ارائه در میدان عمومی تئاتر.

^۱.Thought tracking

تکنیک‌های نمایشی مختلف: عبارتند از: تغییر بلندی، لحن و سرعت صدا، استفاده از مکث، حالت و حرکت سر و دست، حرکت و زمینه‌سازی، سخن گفتن به صورت گروهی، تک‌گویی و طنز نمایشی. این موارد در هر دو نوع اجرای از پیش نوشته شده یا فی‌البداهه ساخته شده به کار برده می‌شوند. *ارزیابی اجرای نمایش‌ها*: این مورد دربرگیرنده قضاوت آگاهانه و ارزیابانه درباره تأثیر اجرای نمایش روی مخاطبان، مرتبط ساختن تجربه دانش قبلی و مقایسه برداشتهای مختلف با یکدیگر است. این امر مستلزم درک چگونگی مشارکت اجزای یک نمایش در اثر کلی نمایش است.

هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن:

هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن در ۸ سطح مختلف ارائه می‌شوند که هر سطح نسبت به سطح قبیل دشوارتر است. این هدف‌ها به شرح زیر مطرح می‌شوند:

دانش‌آموزان باید.....

- یاد بگیرند که درباره موضوعاتی که به صورت آنی برایشان پیش می‌آید سخن بگویند؛ معانی ساده را به شنوندگان مختلف انتقال بدهند، رسا سخن بگویند و کم کم با ارائه برخی جزئیات، ایده‌ها یا توصیف خود را گسترش بدهند.
- یاد بگیرند که به تدریج به هنگام سخن گفتن از طریق ارائه جزئیات مربوط نیازهای شنوندگان را رفع کنند؛ به وضوح ایده‌های خود را توضیح داده و از واژگان جدیدتر و بیشتری استفاده کنند. همچنین، متوجه باشند که در برخی موقعیت‌ها، واژگان و لحن رسمی‌تری به کار می‌رود.
- یاد بگیرند که در موقعیت‌های مختلف، با اعتماد به نفس صحبت کنند و به انتقال افکار و ایده‌ها بپردازند. همچنین، گفته‌های خود، واژگان و سطح جزئیات را با نیازهای شنونده تطبیق داده و به تدریج نسبت به زبان انگلیسی معیار و موارد کاربرد آن آگاهی پیدا کنند.
- یاد بگیرند که گفتار خود را با هدف مورد نظر منطبق کنند. همچنین، ایده‌های خود را بسط و گسترش بدهند، رویدادها را توصیف کرده و عقاید خود را به وضوح بیان کنند. بعلاوه، یاد بگیرند که به هنگام بحث، با دقت تبادل نظر کرده، سؤالاتی را در واکنش به افکار و دیدگاه‌های دیگران مطرح کرده و برخی از ویژگی‌های واژگان و دستور زبان انگلیسی معیار را به درستی استفاده کنند.
- یاد بگیرند که در صحبت‌های خود با تغییر لحن و واژگان توجه شنونده را برانگیزند؛ به هنگام بحث، برای شکل دادن به افکار و ایده‌ها سؤال بپرسند و با توجه به دیدگاه‌های دیگران در بحث‌ها شرکت کنند. همچنین، به تدریج در موقعیت‌های رسمی از زبان انگلیسی معیار استفاده کنند.
- یاد بگیرند که با اعتماد به نفس بیشتری سخن خود را با الزامات موقعیت‌های مختلف سازگار کنند؛ فعالانه در بحث‌ها شرکت کرده؛ حساسیت و درک خود را نسبت به افکار و ایده‌ها و دیگران به معرض نمایش گذاشته و نیز به سهولت از زبان انگلیسی معیار در موقعیت‌های رسمی استفاده کنند.
- یاد بگیرند که با اعتماد به نفس، سخنان خود را با مقتضیات موقعیت‌های گوناگون سازگار کرده، از واژگان با دقت استفاده کنند و به منظور برقراری ارتباط به طور واضح و روشن، صحبت‌های خود را نظم

<p>بدهند. همچنین بیاموزند که با تغییر کیفیت و زمان مشارکت خود، سهم زیادی در بحث و گفتگوها داشته و ایده‌ها و افکار دیگران را ارزیابی کنند. گذشته از این، با اعتماد به نفس، در مواقع لازم از زبان انگلیسی معیار استفاده کنند.</p> <p>- یاد بگیرند که در موقعیت‌های گوناگون، به صورتی هدفمند سخن بگویند؛ صحبت‌های خود را به روشنی سازماندهی کنند و از واژگان، آهنگ و تکیه کلام مناسب استفاده کنند. بعلاوه، بتوانند در مواقع لازم زبان انگلیسی معیار را سازگار با موقعیت به کار ببرند.</p> <p>- یاد بگیرند که در موقعیت‌های گوناگون، ساختارها، سبک‌ها و گونه‌های کاربردی را به درستی انتخاب کرده و از آن‌ها استفاده کنند؛ برای نیل به اهداف مختلف با اعتماد به نفس واژگان و شیوه بیان خود را تغییر بدهند؛ به شیوه‌های مختلف بحث را شروع کرده و آن را پویا نگه دارند؛ در بحث‌ها، نقش هدایت‌کننده را ایفا کنند و همچنین در موقعیت‌های گوناگون و برای نیل به اهداف متفاوت از زبان انگلیسی معیار به صورتی روان استفاده کنند.</p>
<p>شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۱ و ۲ عبارتند از: سخن‌گفتن، بحث گروهی و تعامل، نمایشنامه، زبان انگلیسی معیار و تنوعات زبانی</p> <p>شاخص‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۳ و ۴ عبارتند از:</p> <p>راهبردهای ارائه‌مطلب به صورت از قبل آماده شده و رسمی؛ بحث در قالب گروهی به صورت غیررسمی یا بحث‌های دو نفره؛ بداهه‌گویی و اجرای فردی و گروهی و طراحی، تدوین و اجرای نمایش‌ها</p>
<p>جدول ۳.۴ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی انگلستان (۲۰۰۷)</p>

توصیف برنامه درسی زبان ملی نیوزیلند (۲۰۰۷)

نسخه سال ۲۰۰۷ برنامه درسی نیوزیلند اصلاحیه‌ای بر برنامه پیشین بوده و برون‌دادمحور است. برنامه آموزشی یاد شده، بیان خط‌مشی رسمی در مدارس است که رسانه یاددهی و یادگیری آن‌ها زبان انگلیسی است. ته ره مائوری^۱ و زبان اشاره نیوزیلندی زبان‌های رسمی نیوزیلند هستند. زبان انگلیسی نیز رسانه یاددهی و یادگیری در بیشتر مدارس نیوزیلند است و به واسطه کاربرد گسترده‌اش جزء زبان‌های رسمی نیوزیلند محسوب می‌شود. سه زبان یادشده در برنامه درسی نیوزیلند اهمیت خاصی دارند. ته ره مائوری زبان بومیان مستعمره وایتانگی^۲ است که منبع اولیه

^۱.Te Rea Maori

^۲.Waitangi

دانش و هویت ملت نیوزیلند را تشکیل می‌دهد. با فهمیدن و به کار بردن زبان یادشده، نیوزیلندی‌ها از نقش زبان بومی و فرهنگ بومی خود در تعریف و تبیین وجه تفاوت خود با فرهنگ و زبان بومی ملل دیگر جهان آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند. با یادگیری زبان ته ره مائوری، دانش‌آموزان مائوری هویت خود را بهتر می‌شناسند. در عین حال، دانش‌آموزان غیرمائوری به شناخت فرهنگی مشترکی دست می‌یابند. همه کسانی که این زبان را یاد می‌گیرند، به غنی، زنده و پویا ماندن این زبان کمک می‌کنند. از آنجا که ته ره مائوری و زبان اشاره نیوزیلندی نیز جزء زبان‌های رسمی نیوزیلند هستند، برای آن‌ها نیز به موازات برنامه آموزشی فوق‌الذکر برنامه‌های آموزشی مشابهی تنظیم شده است. همزمان با یادگیری، دانش‌آموزان درمی‌یابند که تنوع کلید وحدت است.

نقطه شروع برنامه درسی جدید نیوزیلند ارائه چشم‌اندازی از جوانان نیوزیلندی به صورت یادگیرندگان مادام‌العمری است که دارای اعتماد به نفس و خلاقیت هستند و با همدیگر فعالانه کار می‌کنند. برنامه یادشده مشتمل بر اصولی است که تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی بر آن‌ها مبتنی می‌شود. همچنین ارزش‌هایی که باید مورد تشویق قرار گیرد، بر اساس آن اصول تعیین می‌شود. در این برنامه درسی بر آموزش پنج توانش کلیدی به دانش‌آموزان تأکید می‌شود که برای یادگیری مادام‌العمر و مشارکت مؤثر در جامعه حیاتی است: تفکر، استفاده از زبان، نمادها و متون، مدیریت خود، ارتباط با دیگران و مشارکت و کمک‌کردن. نیوزیلندی‌ها معتقدند یادگیرندگان موفق، همچنان که این توانش‌ها را شکل می‌دهند، ترغیب می‌شوند که آن‌ها را به کار ببرند و تشخیص بدهند که چه وقتی و چگونه آن‌ها را به کار ببرند و چرا. آن‌ها فرصت‌هایی را برای شکل دادن به این توانش‌ها در بافت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان می‌دهند. همچنین، به اختصار توضیح داده می‌شود که هر زمینه یادگیری درباره چیست و یادگیری در آن حوزه چگونه شکل می‌گیرد. از طرفی، مجموعه اهداف آموزشی توسط تیمی متشکل از دانشگاهیان و معلمان به دقت اصلاح شده است تا بروندهایی مرتبط و به روز باشد و به خوبی برای دانش‌آموزان تعریف شده باشد.

در زیربنای تصمیم‌گیری‌ها در برنامه‌های آموزشی نیوزیلند اصولی قرار دارد که دانش‌آموزان را در مرکز یادهی - یادگیری قرار می‌دهد. بر اساس این اصول، برنامه آموزشی باید دانش‌آموزان را درگیر کرده و به چالش بگیرد، آینده‌نگر و جامع^۱ باشد و نیز هویت واحد نیوزیلند را تحکیم ببخشد.

همه برنامه‌های آموزشی نیوزیلند باید با هشت اصل زیر هماهنگ باشند:

^۱ یعنی برای همه دانش‌آموزان تدوین شده باشد.

- ۱- کمک به تعالی شخصی دانش‌آموزان
- ۲- فراگرفتن دانش زبان ته ره مائوری و احترام به شالوده دو فرهنگی نیوزیلند
- ۳- انعکاس تنوعات فرهنگی نیوزیلند و احترام به تاریخچه و آداب و رسوم همه مردم کشور،
- ۴- تضمین توجه به هویت‌ها، زبان‌ها، توانایی‌ها، استعدادها و نیازهای یادگیری دانش‌آموزان
- ۵- ترغیب همه دانش‌آموزان به تفکر درباره فرایندهای یادگیری و یادگرفتن چگونگی یادگیری
- ۶- برقراری ارتباط بین دانش‌آموزان و زندگانی آن‌ها و جلب حمایت خانواده‌ها و جوامع آن‌ها
- ۷- ارائه آموزشی گسترده و منسجم به دانش‌آموزان به طوری که بین مطالب آموزشی زمینه‌های یادگیری و مطالب آموزشی درون هر زمینه یادگیری ارتباط برقرار شود
- ۸- ترغیب دانش‌آموزان به آینده‌نگری یا تشریح مسائل مهم آینده نظیر قابلیت تداوم، شهروندی و جهانی‌شدن

در برنامه‌های آموزشی نیوزیلند ارزش‌ها نیز مطرح می‌شوند. ارزش‌ها اعتقادات عمیقی دربارهٔ موارد مهم یا مطلوب هستند. آن‌ها از طریق شیوهٔ تفکر و عملکرد مردم بیان می‌شوند. هر تصمیم مربوط به برنامهٔ آموزشی و هر تعاملی که در مدرسه روی می‌دهد حاکی از ارزش‌های افراد و نیز ارزش‌های کلی نهاد مربوط است. ارزش‌های ارائه شده در زیر از اقبال عمومی برخوردارند زیرا با اعتقاد به این ارزش‌ها و عمل به آن‌ها است که می‌توانیم با همدیگر زندگی کنیم. فهرست یادشده نه جامع و نه مانع است.

دانش‌آموزان ترغیب می‌شوند که ... را ارج بنهند:

- تعالی، با داشتن هدف والا و حفظ برتری در مواجهه با مشکلات
- نوآوری، تحقیق و کنجکاوی، با تفکر نقادانه، خلاقانه و متفکرانه
- تنوع، آن طور که در فرهنگ‌ها، زبان‌ها و میراث نیوزیلند یافت می‌شود
- تساوی از طریق انصاف و عدالت اجتماعی
- جامعه و مشارکت برای رفاه عمومی
- قابلیت تداوم بوم‌شناختی که شامل مراقبت از محیط زیست نیز می‌شود.
- تلفیق که مستلزم درستکاری، مسئولیت، پاسخگویی، عملکرد با رعایت اصول اخلاقی و احترام به خود، دیگران و حقوق بشر است.

ارزش‌های یاد شده در هر مدرسه پس از گفتگو بین اولیای مدرسه و جامعه محلی معنا می‌یابند.

از طریق تجربه‌های یادگیری، دانش‌آموزان دربارهٔ موارد زیر می‌آموزند:

- ارزش‌های خود و دیگران
- انواع متفاوت ارزش‌ها، مانند اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، زیبایی‌شناختی و اقتصادی

- ارزش‌هایی که سنت‌های فرهنگی و نهادی نیویزیلند بر آن‌ها بنا نهاده می‌شود
 - ارزش‌های گروه‌ها و فرهنگ‌های دیگر
- از طریق تجربه‌های یادگیری، دانش‌آموزان توانایی خود را در زمینه موارد زیر شکل می‌دهند:
- بیان ارزش‌های دیگران با ابراز همدردی
 - تحلیل نقادانه ارزش‌ها و عملکردهای خود بر اساس تجربه‌های یادگیری
 - بحث درباره اختلافات ناشی از تفاوت‌های ارزشی و مذاکره درباره راه‌حل‌ها
 - اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی و عمل بر اساس آن‌ها
- همه ارزش‌های فهرست‌شده در بالا را می‌توان به صورت خوشه‌هایی از ارزش‌های مرتبط تدوین کرد. مثلاً، جامعه و مشارکت برای رفاه عموم با ارزش‌ها و مفاهیمی نظیر صلح و شهروندی همراه می‌شود.

از طرفی، برای نیل به توانایی‌های زندگی و یادگیری مادام‌العمر در برنامه درسی نیویزیلند پنج توانش کلیدی مطرح می‌شود:

- تفکر
- استفاده از زبان، نمادها و متون
- مدیریت خود
- ارتباط با دیگران
- مشارکت و کمک‌کردن

افراد از این توانش‌ها برای زندگی، یادگیری، کار و کمک به دیگران به عنوان اعضای فعال جامعه خود استفاده می‌کنند. همچنین، توانش‌های یادشده، دانش، نگرش‌ها و ارزش‌ها را طوری ترسیم می‌کنند که منجر به عمل شود و موارد یادشده کلید یادگیری در تمام حوزه‌های یادگیری هستند. شکل دادن به توانش‌های نامبرده هم به خودی خود یک هدف است و هم ابزاری است که با آن اهداف دیگر کسب می‌شود. یادگیرندگان موفق، همچنان که این توانش‌ها را شکل می‌دهند، برانگیخته می‌شوند که آن‌ها را به کار ببرند و تشخیص بدهند که چه وقتی و چگونه آن‌ها را به کار ببرند و چرا. فرصت‌هایی برای شکل دادن به توانش‌ها در بافت اجتماعی به دانش‌آموزان داده می‌شود. افراد فعالیت‌هایی را می‌پذیرند و انجام می‌دهند که توسط نزدیکان آن‌ها انجام شده و ارزشمند محسوب می‌شود. این امر باعث می‌شود که این فعالیت‌ها بخشی از هویت و مهارت آن‌ها را تشکیل بدهد. با گذشت زمان و تعامل با افراد، مکان‌ها، ایده‌ها و اشیای دیگر، این توانش‌ها شکل

می‌گیرند. به این ترتیب باید زمینه‌هایی فراهم شود که دانش‌آموزان بتوانند در بافت‌هایی بسیار گسترده و پیچیده تعامل داشته باشند که این توانش‌های کلیدی به بهترین وجهی در آن‌ها شکل بگیرند. در زیر تک تک توانش‌های کلیدی تشریح می‌شوند.

تفکر: تفکر در زمینه استفاده از فرایند خلاقانه، نقادانه و فراشناختی در فهم اطلاعات، تجربیات و ایده‌ها است. این فرایندها را می‌توان برای اهدافی مانند فهمیدن، تصمیم‌گیری، عمل و شکل‌دادن به دانش به کار بست. کنجکاوی ذهنی در بطن این توانش قرار دارد. دانش‌آموزانی که ماهرانه فکر می‌کنند و مسائل را حل می‌کنند، فعالانه به دنبال دانش هستند، آن را به کار می‌برند و همین‌طور دانش را خلق می‌کنند. آن‌ها درباره یادگیری خود فکر می‌کنند، به دانش و شم شخصی خود متوسل می‌شوند، سؤالاتی را مطرح می‌کنند و اساس فرضیات و مفاهیم را به چالش می‌گیرند.

استفاده از زبان، نمادها و متون: استفاده از زبان، نمادها و متون در زمینه کاربرد گدهایی است که دانش با آن‌ها بیان می‌شود و نیز درباره درک معنا و مفهوم آن گدهاست. زبان‌ها و نمادها نظام‌هایی برای بازنمایی و انتقال اطلاعات، تجربیات و ایده‌ها هستند. افراد از زبان‌ها و نمادها برای تولید متونی از انواع متفاوت- نوشتاری، شفاهی/شنیداری و دیداری؛ اطلاع‌دهنده و تخیلی؛ غیر رسمی و رسمی، ریاضی‌گونه، علمی و فناورانه استفاده می‌کنند. دانش‌آموزانی که زبان، نمادها و متون را ماهرانه به کار می‌برند، می‌توانند واژه‌ها، اعداد، تخیلات، حرکات بدنی، استعاره (مجاز) و فناوری‌ها را در بافت‌های مختلف تفسیر کرده و به کار ببرند. آن‌ها تشخیص می‌دهند که چگونه انتخاب‌های زبانی، نمادی و متنی، درک و شناخت افراد و نیز روش‌های واکنش به ارتباطات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آن‌ها با اعتماد به نفس از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دستیابی به اطلاعات و برقراری ارتباط با دیگران استفاده می‌کنند.

مدیریت خود: این توانش با انگیزه شخصی- توانایی انجام کار- و نیز با بینش دانش‌آموزان از خود به صورت یادگیرندگان توانا همراهی دارد. دانش‌آموزانی که خود را مدیریت می‌کنند، افرادی بلندپرواز، کاردان، قابل اعتماد و انعطاف‌پذیر خواهند بود. آن‌ها اهدافی را برای خود در نظر می‌گیرند، برنامه‌ریزی می‌کنند، طرح‌ها را مدیریت می‌کنند و استانداردهای بالایی را وضع می‌کنند. آن‌ها برای برخورد با چالش‌ها راهبردهایی دارند و می‌دانند چه موقعی رهبری کنند، چه موقعی دنباله‌رو باشند، و چه وقت و چگونه مستقل عمل کنند.

ارتباط با دیگران: ارتباط با دیگران در زمینه تعامل مؤثر با طیف متنوعی از افراد در بافت‌های مختلف است. این توانش مشتمل بر توانایی گوش‌دادن فعال، تشخیص نقطه‌نظرهای (دیدگاه‌های)

مختلف، مذاکره و در میان گذاشتن ایده‌هاست. دانش‌آموزانی که به خوبی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، آمادگی دارند که مطالب جدید را بیاموزند و نقش‌های متفاوتی را در موقعیت‌های مختلف به عهده بگیرند. آن‌ها می‌دانند که چگونه واژه‌ها و عملکرد آن‌ها، دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنان می‌دانند چه زمانی مناسب است که رقابت کنند و چه زمانی، زمان مشارکت و همکاری با دیگران است. با کار مؤثر با یکدیگر، آن‌ها به رویکردها، ایده‌ها و شیوه‌های جدید تفکر دست می‌یابند.

مشارکت و کمک به دیگران: این توانش به مشارکت فعال در جامعه مربوط می‌شود. جامعه شامل خانواده، مدرسه و مکان‌هایی است که دارای علائق یا فرهنگ مشترک هستند. ممکن است که همه این جوامع به منظور یادگیری، کار، جشن یا بازآفرینی یکی شوند. این جوامع می‌توانند در سطوح محلی، ملی یا جهانی باشند. توانش مشارکت و کمک به دیگران به معنای توانایی کمک به دیگران به عنوان عضوی از یک گروه یا توانایی برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد فرصت‌هایی برای اعضای دیگر گروه است. دانش‌آموزانی که در جوامع مختلف مشارکت دارند و به آن‌ها کمک می‌کنند، به آن‌ها احساس تعلق خاطر پیدا کرده و برای مشارکت در بافت‌های جدید اعتماد به نفس دارند. آن‌ها اهمیت تعادل بین حقوق و مسئولیت‌ها و کمک به کیفیت و تداوم محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و اقتصادی را درک می‌کنند.

در برنامه درسی نیویورک، هشت زمینه یادگیری پیش‌بینی شده است: زبان انگلیسی، هنرها، تربیت بدنی و بهداشت، زبان‌های دیگر، ریاضیات و آمار، علوم، علوم اجتماعی و فناوری. یادگیری در هر یک از این زمینه‌ها، بخشی از آموزش گسترده و کلی است و شالوده تخصص‌های بعدی را فراهم می‌آورد. این زمینه‌های یادگیری مانند توانش‌های کلیدی هم هدف و هم وسیله هستند: به خودی خود ارزشمند هستند و از طرفی به لحاظ بازکردن مسیرهایی برای یادگیری‌های دیگر نیز ارزش دارند.

ارائه زمینه‌های یادگیری به صورت مجزا به معنای محدود کردن مدارس در ارائه تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان نیست. در تمام موارد باید ارتباط طبیعی بین زمینه‌های یادگیری حفظ شود و بین این زمینه‌ها و توانش‌های کلیدی و ارزش‌ها نیز رابطه برقرار شود.

هر زمینه یادگیری زبان یا زبان‌های خاص خود را دارد. همان طور که دانش‌آموزان چگونگی استفاده از آن‌ها را کشف می‌کنند، در می‌یابند که می‌توانند به شیوه‌های متفاوت فکر کنند، به

زمینه‌های جدید دانش دست یابند و دنیای خود را از چشم‌اندازهای جدید ببینند. در هر یک از زمینه‌های یادگیری، دانش‌آموزان در یادگیری موارد زیر به کمک معلمان خود نیاز دارند:

- واژگان تخصصی آن زمینه
- چگونگی خواندن و فهم متون
- چگونگی انتقال دانش و ایده‌ها به شیوه‌های مناسب
- چگونگی گوش‌دادن و خواندن انتقادی و ارزیابی آنچه که می‌شنوند یا می‌خوانند.

علاوه بر اینها، دانش‌آموزانی که به تازگی یادگیری زبان انگلیسی را شروع کرده‌اند یا برای نخستین بار به محیطی وارد شده‌اند که رسانه ارتباطی آن، زبان انگلیسی است، به آموزش صریح و گسترده‌ای درباره‌ی واژگان انگلیسی، صورت‌های واژه‌ها، ساختار جمله، متن و کاربردهای زبانی نیاز دارند. به دلیل اینکه زبان، محور یادگیری و زبان انگلیسی رسانه بیشتر یادگیری‌ها در برنامه درسی نیویورک است، سواد زبان انگلیسی در این برنامه از اهمیت زیادی برخوردار است.

در زمینه یادگیری زبان ملی (زبان انگلیسی)، دانش‌آموزان زبان انگلیسی و ادبیات آن را که به صورت‌های شفاهی، دیداری و یا نوشتاری و برای هدف‌ها و مخاطبان متفاوت و در انواع متون تدوین شده است مطالعه کرده، به کار می‌گیرند و از آن لذت می‌برند.

موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی، شالوده موفقیت در تمام زمینه‌های یادگیری را در برنامه درسی نیویورک تشکیل می‌دهد. آموزش همه‌زمینه‌های یادگیری (احتمالاً به استثنای زمینه یادگیری زبان انگلیسی) مستلزم آن است که دانش‌آموزان با استفاده از زبان انگلیسی به عنوان رسانه، ایده‌ها یا اطلاعات را دریافت و پردازش کرده و نیز ارائه دهند. زبان انگلیسی را می‌توان هم به عنوان زبان موروثی^۱ و هم به عنوان زبان اضافی مطالعه کرد. زبان انگلیسی به دانش‌آموزان فرصت درگیر شدن با توانش‌های کلیدی در بافت‌های مختلف و نیز فرصت شکل‌دادن به آن‌ها را می‌دهد.

در چارچوب این برنامه آموزشی، آموزش زبان انگلیسی حول دو شاخه مرتبط به یکدیگر (آموزش از طریق زبان و آموزش درباره زبان) دور می‌زند و هر یک از آن‌ها شامل صورت‌های

^۱.Heritage Language

شفاهی نوشتاری و دیداری زبان می‌شوند. این شاخه‌ها در موارد زیر در شیوه عملکرد دانش‌آموزان تمایز ایجاد می‌کنند:

- استخراج معنا از ایده‌ها یا اطلاعاتی که دریافت می‌کنند (گوش‌دادن، خواندن و مشاهده کردن)
- خلق معنا برای خود یا دیگران (سخن گفتن، نوشتن و ارائه دادن)
- هدف‌های آموزشی درون هر شاخه حاکی از پیشرفت دانش‌آموزان در برقراری ارتباط شفاهی، نوشتاری و دیداری است. دانش‌آموزان با استفاده از فرایندها و راهبردهای زیربنایی، دانش، مهارت‌ها و شناخت مربوط به موارد زیر را شکل می‌دهند:
 - اهداف و مخاطبان متن
 - ایده‌های درون بافت‌های زبانی
 - مختصه‌های زبانی که متون را تقویت می‌کند
 - ساختار و سازمان متون

لازم است که دانش‌آموزان استخراج و خلق معنا را در هر یک از سطوح برنامه درسی تمرین کنند. این ضرورت در شیوه سازماندهی اهداف آموزشی انعکاس یافته است. همانطور که دانش‌آموزان پیشرفت می‌کنند، با استفاده از مهارت‌های خود به تکالیف و متن‌هایی می‌پردازند که تا حد زیادی پیچیده و چالش برانگیز است و آن‌ها در این زمینه بسیار عمیق عمل می‌کنند. در چارچوب برنامه آموزشی نیویورک، شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن شامل فرایندها و راهبردها، منظورها و مخاطبان، ایده‌ها، مختصه‌های زبانی و ساختار برای هشت سطح تحصیلی مطرح می‌شوند. سطح اول شامل پایه‌های اول تا سوم، سطح دوم شامل پایه‌های چهارم و پنجم، سطح سوم شامل پایه‌های ششم و هفتم، سطح چهارم شامل پایه‌های هشتم و نهم، سطح پنجم شامل پایه دهم، سطح ششم شامل پایه یازدهم، سطح هفتم شامل پایه دوازدهم و سطح هشتم شامل پایه سیزدهم است.

در ادامه این برنامه آموزشی هدف‌ها و شاخص‌های آموزش سخن گفتن برای هشت سطح تحصیلی به تفکیک مطرح می‌شود که برای سهولت مقایسه هدف‌های آموزشی در برنامه آموزش زبان ملی این کشور با برنامه آموزش زبان ملی ایران، در این فصل تنها هدف‌های آموزشی در سطوح دوم، چهارم و هشتم مطرح می‌شوند که تقریباً معادل دوره ابتدایی، و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران است.

هدف‌های کلی آموزش سخن‌گفتن:

- الف- دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که منابع اطلاعاتی، فرایندها و راهبردها را به صورتی هدفمند، با اعتماد به نفس و دقیق برای شناسایی، شکل دادن و بیان ایده‌های نسبتاً پیچیده تلفیق کنند.
- ب- با استفاده از این فرایندها و راهبردها، دانش‌آموزان به هنگام سخن‌گفتن نشان می‌دهند که تشخیص می‌دهند چگونه متون را برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل دهند.
- ج- ایده‌های هدفمندی را درباره موضوعات مختلف انتخاب کرده، شکل داده و منتقل می‌کنند.
- د- مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق می‌کنند.
- ه- با استفاده از ساختارهای مناسب، منسجم و مؤثر، متونی را سازماندهی می‌کنند.

اهداف و شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن به تفکیک سطوح تحصیلی

در ادامه، هدف‌های آموزش سخن‌گفتن در چارچوب برنامه آموزشی نیوزیلند در سطح دوم (پایه‌های چهارم و پنجم)، سطح چهارم (پایه‌های هشتم و نهم) و سطح هشتم (پایه سیزدهم) توصیف می‌شود که به ترتیب تقریباً معادل دوره ابتدایی، و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران هستند.

هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان انگلیسی- سطح دوم (پایه‌های چهارم و پنجم)

فرایندها و راهبردها

دانش‌آموزان ... :

- به تدریج از منابع، فرایندها و راهبردهای اطلاعاتی برای شناسایی، شکل دادن و بیان ایده‌ها استفاده می‌کنند،

نشانگرها

- به هنگام تولید متن از روابط بین زبان شفاهی، نوشتاری و دیداری آگاهی دارند،
- با استفاده از معنا، ساختار و منابع اطلاعاتی دیداری، و خطی-آوایی، دانش قبلی و بعضی از راهبردهای پردازشی با اعتماد به نفس متونی را خلق می‌کنند،
- بازخورد می‌گیرند و تغییراتی در متن به عمل می‌آورند،
- دربارهٔ تولید متون خود فکر می‌کنند،
- پیشرفت خود را در کار نظارت کرده و آن را شخصاً مورد ارزیابی و توصیف قرار می‌دهند.

دانش‌آموزان به هنگام سخن گفتن با استفاده از این فرایندها و راهبردها ... :

منظورها و مخاطبان

- تشخیص می‌دهند که چگونه متون را به یک منظور و برای یک مخاطب تدوین کنند.

نشانه‌ها

- متونی را ایجاد می‌کنند که نشانهٔ آگاهی مختصر آن‌ها از منظور و مخاطب از طریق انتخاب مناسب محتوا، زبان و صورت متن است،
- انتظار دارند دیگران متونی را که آن‌ها خلق می‌کنند بفهمند، بدان واکنش نشان دهند و تحسین کنند،
- در موارد مناسب، لحن شخصی خود را شکل داده و منتقل می‌کنند.

ایده‌ها

- دربارهٔ موضوعات مختلف ایده‌هایی را تدوین کرده و دربارهٔ آن‌ها سخن می‌گویند.

نشانه‌ها

- معمولاً بر اساس تجربیات و اطلاعات شخصی ایده‌ها و اطلاعات ساده را تدوین کرده و دربارهٔ آن‌ها سخن می‌گویند،
- به تدریج از ایده‌ها به تفصیل حمایت می‌کنند.

مختصه‌های زبانی

- از مختصه‌های زبانی استفاده می‌کنند و نشان می‌دهند که بعضی از اثرات آن‌ها را تشخیص می‌دهند.

نشانگرها

- از مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا و اثرگذاری بر مخاطب استفاده می‌کنند،
- از واژه‌های پربسامد، موضوعی و واژه‌های محتوایی شخصی برای خلق معنا استفاده می‌کنند،
- از بعضی از قراردادهای دستوری مقدماتی مانند شدت، شفافیت، و نواخت و نمادهای ساده استفاده می‌کنند.

ساختار

- با استفاده از ساختارهای ساده متونی را سازماندهی می‌کنند.

نشانگرها

- از اطلاعات مربوط به ترتیب واژه‌ها و جمله‌ها برای انتقال معنا در متون ساده استفاده می‌کنند،
- به تدریج ایده‌ها و اطلاعات را پی در پی ارائه می‌دهند،
- از جملات ساده با تنوعاتی در آغاز آن‌ها استفاده می‌کنند،
- ممکن است سعی کنند که از جملات مرکب و پیچیده استفاده کنند.

هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان انگلیسی - سطح چهارم (پایه‌های هشتم و نهم)

فرایندها و راهبردها

دانش‌آموزان:

با اعتماد به نفس منابع اطلاعاتی، فرایندها و راهبردها را برای شناسایی، صورت‌بندی و بیان ایده‌ها تلفیق می‌کنند.

نشانه‌ها:

- به هنگام تدوین متون از درک رابطه میان زبان شفاهی، نوشتاری و دیداری استفاده می‌کنند،
 - با اعتماد به نفس از طریق تلفیق منابع اطلاعاتی و راهبردهای پردازشی انواع متون را تدوین می‌کنند،
 - در پی بازخورد هستند و برای افزایش شفافیت، معنا و تأثیر در متون تغییر ایجاد می‌کنند،
 - درباره تولید متون خود تأمل می‌کنند: بر پیشرفت خود نظارت کرده و آن را مورد خود-ارزیابی قرار می‌دهند، و درباره یادگیری خود با اعتماد به نفس سخن می‌گویند.
- دانش‌آموزان به هنگام سخن گفتن با استفاده از این فرایندها و راهبردها
- هدفها و مخاطبان*
- نشان می‌دهند که درک می‌کنند چگونه متون را برای هدفها و مخاطبان متفاوت تدوین کنند.

نشانه‌ها

- متونی را تدوین می‌کنند که حاکی از آگاهی از هدف و مخاطب از طریق انتخاب عمدی محتوا، زبان و صورت متن است،
 - در موارد مناسب لحن شخصی را منتقل کرده و حفظ می‌کنند.
- ایده‌ها*
- ایده‌هایی را در زمینه موضوعات متفاوت انتخاب کرده، گسترش داده و منتقل می‌کنند.

نشانه‌ها:

- ایده‌ها و اطلاعات را به وضوح صورت‌بندی کرده و منتقل می‌کنند و به انواع منابع متوسل می‌شوند،

- جزئیات و اظهارنظرها را در حمایت از ایده‌ها اضافه کرده یا تغییر می‌دهند و نشان می‌دهند که فرایندها را متفکرانه انتخاب کرده‌اند،
- ایده‌ها حاکی از ابعاد یا زاویه‌های دید متفاوتی هستند.

مختصه‌های زبانی

از انواع مختصه‌های زبانی به صورت مناسبی استفاده می‌کنند و نشان می‌دهند که اثرات آن‌ها را به وضوح درک می‌کنند.

نشانه‌ها:

- از انواع مختصه‌های شفاهی برای خلق معنا، تأثیرگذاری و ادامه توجه به متن استفاده می‌کنند،
- از انواع واژگان برای انتقال معنای دقیق استفاده می‌کنند،
- از انواع قراردادهای متن از جمله قراردادهای دستوری به صورت مناسب، مؤثر و درست استفاده می‌کنند.

ساختار

- متون را با استفاده از انواع ساختارهای مناسب سازماندهی می‌کنند.

نشانه‌ها:

- به هنگام تدوین متون به انسجام و کامل بودن آن توجه می‌کنند،
- از ساماندهی و توالی ایده‌ها و اطلاعات برای نیل به یک هدف یا تأثیر خاص استفاده می‌کنند،
- از انواع ساختارهای جمله، پاراگراف آغازین و طول جمله برای نیل به تأثیر خاصی استفاده می‌کنند.

هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان انگلیسی - سطح هشتم (پایه سیزدهم)

فرایندها و راهبردها

دانش‌آموزان ... :

- منابع، فرایندها و راهبردهای اطلاعاتی را به شکل هدفمند و با اعتماد به نفس برای شناسایی، شکل‌دادن و بیان ایده‌های نسبتاً پیچیده تلفیق می‌کنند.

نشانه‌ها

- به هنگام تدوین متون از درک خود در زمینه روابط بین زبان شفاهی، نوشتاری و دیداری بهره‌مند می‌شوند،
- با تلفیق منابع اطلاعاتی و راهبردهای پردازشی متون متنوع و پیچیده و منسجمی را خلق می‌کنند،
- بازخورد می‌گیرند و برای افزایش وضوح، معنا و اثرگذاری، تغییراتی در متن به عمل می‌آورند،
- درباره تولید متون توسط خود فکر می‌کنند: پیشرفت خود را در کار نظارت کرده، آن را شخصاً مورد ارزیابی و توصیف قرار می‌دهند و درباره یادگیری خود با اعتماد به نفس صحبت می‌کنند.

دانش‌آموزان به هنگام سخن گفتن با استفاده از این فرایندها و راهبردها ... :

منظورها و مخاطبان

- تشخیص می‌دهند که چگونه متون را برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل دهند.

نشانه‌ها

- متونی را تدوین می‌کنند که نشانه آگاهی آن‌ها از منظور و مخاطب از طریق انتخاب مناسب محتوا، زبان و صورت متن است،
- در موارد مناسب، لحن شخصی خود را منتقل کرده و حفظ می‌کنند.

ایده‌ها

- ایده‌های هدفمندی را درباره موضوعات مختلف انتخاب کرده، شکل داده و منتقل می‌کنند.

نشانه‌ها

- ایده‌ها، اطلاعات و تجربیات نسبتاً پیچیده‌ای را شکل داده و منتقل می‌کنند،

- با افزودن جزئیات یا ربط‌دادن آن‌ها به ایده‌ها و جزئیات دیگر، متونی منسجم و برنامه‌ریزی شده را شکل می‌دهند،
- ایده‌ها حاکی از درک، عمق تفکر و آگاهی آن‌ها از ابعاد یا زوایای دید متفاوت است.

مختصه‌های زبانی

- مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق می‌کنند.

نشانه‌ها

- به صورتی منسجم، روان و مسلط از مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا و جلب توجه مخاطب استفاده می‌کنند،
- از واژه‌های متنوعی برای انتقال دقیق معنا استفاده می‌کنند.

ساختار

- با استفاده از ساختارهای مناسب، منسجم و مؤثر، متونی را سازماندهی می‌کنند.

نشانه‌ها

- با تسلط خود در زمینه استفاده از ویژگی‌ها و قراردادهای انواع صورت‌های متن، ایده‌ها و اطلاعات را برای منظور یا اثرگذاری خاصی سازماندهی کرده و شکل می‌دهند.

<p>هدف‌های آموزش سخن گفتن:</p> <p>الف- دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که منابع اطلاعاتی، فرایندها و راهبردها را به صورتی هدفمند، با اعتماد به نفس و دقیق برای شناسایی، شکل‌دادن و بیان ایده‌های نسبتاً پیچیده تلفیق کنند.</p> <p>ب- با استفاده از این فرایندها و راهبردها، دانش‌آموزان به هنگام سخن گفتن نشان می‌دهند که تشخیص می‌دهند چگونه متون را برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل دهند.</p> <p>ج- ایده‌های هدفمندی را دربارهٔ موضوعات مختلف انتخاب‌کرده، شکل داده و منتقل می‌کنند.</p> <p>د- مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق می‌کنند.</p> <p>ه- با استفاده از ساختارهای مناسب، منسجم و مؤثر، متونی را سازماندهی می‌کنند.</p>
<p>در چارچوب برنامهٔ آموزشی نیوزیلند، هدف‌های آموزش سخن گفتن در قالب شاخص‌های فرایندها و راهبردها، منظورها و مخاطبان، ایده‌ها، مختصه‌های زبانی و ساختار مطرح می‌شوند.</p>
<p>جدول ۴.۴ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن در چارچوب برنامهٔ آموزش زبان ملی نیوزیلند (۲۰۰۷)</p>

توصیف برنامهٔ درسی زبان ملی سنگاپور (۲۰۰۶)

زبان انگلیسی یکی از چهار زبان رسمی سنگاپور است که به عنوان زبان ادارات دولتی، آموزش و پرورش، تجارت، علم و تکنولوژی، و ارتباطات جهانی به کار می‌رود و رسانه‌ای است که بیشتر سنگاپوری‌ها با آن به اطلاعات و دانش در سراسر جهان دست می‌یابند. بنابراین، در این کشور توانایی سخن گفتن و نوشتن به زبان انگلیسی به مهارت اصلی در محل کار تبدیل شده است و تسلط بر زبان انگلیسی برای دانش‌آموزان سنگاپوری حیاتی است.

برنامهٔ درسی زبان ملی سنگاپور تحت تأثیر دیدگاه‌های زیر دربارهٔ ماهیت زبان شکل گرفته است:

- زبان نظامی برای ساختن معناست.
- زبان ابزار برقراری ارتباط و بیان است.
- زبان به گونه‌ای متناسب با هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ تعیین می‌شود.
- زبان دارای دستور، الگوها و ساختارهای زبانی است، بسته به اینکه چه دستور، الگو یا ساختار زبانی انتخاب شود منجر به خلق صورت‌های کلامی یا انواع متون می‌شود. باید فراگیران آموزش داد که این موارد را متناسب با هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ انتخاب کنند.

برنامه درسی زبان ملی به دانش‌آموزان سنگاپوری کمک می‌کند که یادگیرندگان مادام‌العمر و مستقلی شوند، بتوانند خلاقانه فکر کنند، مسائل خود را حل کنند و بتوانند به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند. برای نیل به این هدف، در برنامه درسی یادشده، فعالیت‌های زیادی برنامه‌ریزی شده است که دانش‌آموزان را وادار می‌کند زبان انگلیسی را در موقعیت‌ها و بافت‌های مختلف به کار ببرند. در چارچوب این برنامه، دانش‌آموزان مطالب زیادی را می‌خوانند، یاد می‌گیرند که چگونه زبان رسانه‌ها را تحلیل و ارزیابی کنند و خلاقانه به مسائل مختلف و فناوری‌های جدید واکنش نشان بدهند. از طرفی، به هنگام یادگیری زبان انگلیسی، آن‌ها در معرض فرهنگ‌های موجود در سنگاپور و نیز فرهنگ‌های دیگر خارج از سنگاپور و گونه‌های معیار متفاوت زبان انگلیسی - که در قسمت‌های دیگر جهان تکلم می‌شود- قرار می‌گیرند.

رشد سواد در بطن برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی در مدرسه قرار دارد. توانایی خواندن و نوشتن سواد پایه^۱ را تشکیل می‌دهد و همه دانش‌آموزان باید به هنگام فراغت از تحصیلات مدرسه-ای بتوانند بخوانند و بنویسند. فراگیری سواد به آموزش تلفیقی گوش‌دادن، خواندن، مشاهده کردن، سخن گفتن و نوشتن و نیز میزان درگیر شدن فراگیرندگان در این مهارت‌ها بستگی دارد. در چارچوب رویکرد تلفیقی این برنامه به رشد سواد؛ خواندن، مشاهده کردن و نوشتن تئام با ارتباط شفاهی آموزش داده می‌شود به گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند درباره چیزهایی که می‌دانند سخن بگویند و نیز بتوانند درباره آنچه سخن می‌گویند، بخوانند و بنویسند. در چارچوب این برنامه آموزشی فرصت‌های زیادی برای گوش‌دادن، خواندن، مشاهده کردن، سخن گفتن و نوشتن در سطوح ابتدایی تا متوسطه فراهم می‌شود که به دانش‌آموزان کمک می‌کند شنوندگان و خوانندگانی ماهر و منتقد و سخنگویان و نویسندگانی دارای اعتماد به نفس شوند.

همچنین، پیش‌بینی می‌شود که در پایان آموزش در دوره‌های ابتدایی و متوسطه، دانش‌آموزان سنگاپوری بتوانند به طور مؤثر به زبان انگلیسی ارتباط برقرار کنند. آن‌ها باید بتوانند:

- طیف گسترده‌ای از متون داستانی و غیرداستانی را از منابع چاپی و الکترونیکی گوش فرا داده، خوانده و مشاهده کرده، آن‌ها را درک کنند، به صورت انتقادی تجزیه و تحلیل کنند و نیز واکنش مناسبی نسبت به آن‌ها نشان بدهند.
- به زبان انگلیسی دستوری، روان و متناسب با هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ صحبت کنند، بنویسند و ارائه دهند، زبانی که به لحاظ بین‌المللی قابل قبول باشد (یعنی زبان انگلیسی معیار یا سیاق رسمی زبان انگلیسی که در قسمت‌های مختلف دنیا استفاده

^۱.Basic literacy

می‌شود). دانش‌آموزانی که به سطح بالاتری از مهارت دست یافته‌اند، خواهند توانست با استفاده از زبان تخیلی و با بیان خلاقانه به دلایل آکادمیک سخن بگویند و بنویسند.

- برای تحلیل چگونگی کارکرد زبان در برانگیختن واکنش و ساختن معنا؛ چگونگی ارائه اطلاعات؛ و چگونگی خلق اثرات متفاوت ناشی از شیوه‌های متفاوت ارائه متن، متون داستانی و غیرداستانی را از منابع چاپی و الکترونیکی تشخیص داده، تفسیر و ارزیابی کنند.

- با افرادی از فرهنگ خود و یا فرهنگ‌های متفاوت به شیوه مؤثری تعامل برقرار کنند.

همچنین، یاددهی و یادگیری زبان ملی سنگاپور در چارچوب اصول زیر انجام می‌شود:

- یادگیرنده محوری^۱: یادگیرنده مرکز فرایند یادگیری است. رویکردهای تدریس، درس‌ها و مطالب برنامه درسی بر اساس نیازها و توانایی‌های یادگیرندگان متمایز می‌شوند.
- جهت‌گیری فرایندی^۲: مهارت‌های زبانی مهارت‌های فرایندی هستند. تدریس و مدل‌سازی فرایندهای خواندن، نوشتن، و ارتباط شفاهی در این برنامه آموزشی اهمیت زیادی دارد.
- تلفیق: تلفیق خواندن، نوشتن و ارتباط شفاهی و نیز تلفیق مطالب زبانی و زمینه‌های کاربرد زبان در یک درس یا بافت به یادگیری معنادار کمک می‌کند.
- بافت‌مداری^۳: مهارت‌های زبانی، آیت‌ها و ساختارهای دستوری در بافت کاربرد زبان آموزش داده شده و یادگرفته می‌شود. بافت‌مداری بدان معناست که هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ، سیاق یا تناسب گفتار و نوشتار را در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی تعیین می‌کنند.
- پیشرفت مارپیچی: مهارت‌های زبانی، آیت‌ها و ساختارهای دستوری، انواع متن و مؤلفه‌های دیگر زبان در سطوح فزاینده‌ای از دشواری و پیچیدگی آموزش داده شده و اصلاح می‌شوند.
- تعامل: مشارکت و تعامل یادگیرندگان در یادگیری زبان، تقویت اعتماد به نفس و روابط اجتماعی در میان دانش‌آموزانی از پیشینه‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت اهمیت دارد. چنین روابط و تعاملی که در بافت یادگیری زبان انگلیسی روی می‌دهد، در دانش‌آموزان حس هویت مشترکی به نام هویت سنگاپوری ایجاد می‌کند.

از طرفی، در چارچوب برنامه آموزشی یاد شده تأکید می‌شود که محیط یادگیری، فراگیری زبان و کاربرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مدرسه و کلاس درس انواع تجربه‌های زبانی را برای ارائه درونداد زبانی محرک و غنی فراهم می‌آورند. معلمان نیز در یادگیری دانش‌آموزان نقش حیاتی

^۱.Learner centredness

^۲.Process orientation

^۳.Contextualisation

دارند. آن‌ها باید مدل‌هایی از کاربرد مناسب زبان در مدرسه ارائه دهند. دانش‌آموزان از طریق معلمان با مدل‌های خوبی از زبان انگلیسی گفتاری و نوشتاری آشنا می‌شوند. به منظور حفظ تداوم در تدریس زبان و امکان انعطاف پذیری بیشتر در برآورده کردن نیازهای دانش‌آموزان، برنامه‌ی درسی زبان ملی سنگاپور به صورت سندی واحد برای سطوح ابتدایی و متوسطه تنظیم شده است. در برنامه‌ی یاد شده بر کاربرد زبان، هدف‌های آموزشی، انواع متن و دستور تأکید می‌شود. در ادامه تک تک این موارد تشریح می‌شوند.

۱. کاربرد زبان

دانش‌آموزان سنگاپوری باید بدانند که چگونه به زبان انگلیسی ارتباط روان، متناسب و مؤثر برقرار کنند. آن‌ها باید بدانند که نظام زبانی چگونه عمل می‌کند، چگونه قراردادهای زبانی بر اساس هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ متنوع‌اند و این دانش را در گفتار و نوشتار در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی به کار ببرند. یادگیری و یاددهی زبان ملی سنگاپور حول سه زمینه‌ی اصلی کاربرد زبان سازماندهی می‌شود که عبارتند از:

- زبان برای کسب اطلاعات

یادگیرنده به عنوان گوینده، نویسنده، خواننده و مشاهده‌کننده به اطلاعات برگرفته از منابع چاپی، غیرچاپی و الکترونیکی دسترسی داشته، آن را بازیابی و ارزیابی کرده و به کار می‌برد. وی یاد می‌گیرد که اطلاعات یادشده را چگونه ارائه بدهد.

- زبان برای واکنش و بیان ادبی

یادگیرنده به عنوان گوینده، نویسنده، خواننده و مشاهده‌کننده به صورت خلاقانه و منتقدانه به متون ادبی واکنش نشان می‌دهد و آن‌ها را به تجربیات شخصی، فرهنگ و جامعه و به کاربرد خلاقانه زبان برای بیان خود و هویت خود مرتبط می‌کند.

- زبان برای برقراری تعامل اجتماعی

یادگیرنده به عنوان گوینده، نویسنده، خواننده و مشاهده‌کننده، ضمن در نظر گرفتن هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ، زبان انگلیسی را به خوبی در قالب‌های گفتاری و نوشتاری برای ایجاد و حفظ روابط بینافردی مثبت به کار می‌گیرد.

۲. هدف‌های آموزشی

هدف‌های آموزشی، هدف‌هایی هستند که انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان هر دوره دوساله به آن‌ها نائل شوند. معلمان، زمان و انعطاف‌پذیری لازم را برای تدوین برنامه در جهت برآورده کردن نیازهای آموزشی، تحقق هدف‌های آموزشی و نیز توانا ساختن دانش‌آموزان دارند. هدف‌های آموزشی خاص، قابل اندازه‌گیری و یا قابل نمایش، قابل تحقق، مرتبط به یکدیگر و زمان‌مند هستند. این مجموعه هدف‌های آموزشی به معلمان دیدگاه کلی درباره پیوستار یادگیری زبان انگلیسی از سطوح ابتدایی تا متوسطه را می‌دهند. دوره‌های تحصیلی در نظام آموزش و پرورش سنگاپور عبارتند از:

- ابتدایی شامل

- دوره اول ابتدایی (دوره دوساله اول)^۱
- دوره دوم ابتدایی (دوره دوساله دوم)^۲
- دوره سوم ابتدایی (دوره دوساله سوم)^۳

- متوسطه شامل

- دوره اول متوسطه (دوره دوساله خاص، فوری، عادی)^۴
- دوره اول متوسطه (دوره دوساله عادی فنی)
- دوره دوم متوسطه (دوره دو تا سه ساله خاص، فوری، عادی)
- دوره دوم متوسطه (دوره دوساله عادی فنی)

مهارت‌های زبانی، راهبردها و نگرش‌هایی که فهرست آن‌ها در زیر هر هدف آموزشی ارائه شده است به هنگام تصمیم‌گیری درباره مواد و محتوای آموزشی به معلمان کمک می‌کند. این امر در نهایت، تحقق هدف‌های آموزشی را برای دانش‌آموزان تسهیل می‌کند.

برای سهولت مقایسه هدف‌های آموزشی در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی سنگاپور با برنامه آموزش زبان ملی ایران، هدف‌های آموزش زبان ملی این کشور در پایان دوره سوم ابتدایی، دوره اول متوسطه (دوره دوساله خاص، فوری، عادی) و دوره دوم متوسطه (دوره دوساله خاص، فوری، عادی) مطرح می‌شوند که تقریباً معادل پایان دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران است.

۳. انواع متن

^۱.Primary two

^۲.Primary four

^۳.Primary six (EM1 & EM2)

^۴.Secondary two (special / express / normal academic)

نوع متن آموزشی متناسب با هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ انتخاب می‌شود. انواع متون چاپی، غیرچاپی و الکترونیکی که دانش‌آموزان به آن‌ها گوش می‌دهند، می‌خوانند و مشاهده می‌کنند، تضمین می‌کند که آن‌ها به شیوه مؤثری به زبان انگلیسی سخن بگویند و بنویسند.

متون مورد استفاده برای آموزش سخن‌گفتن تا پایان دوره سوم ابتدایی: فهرست انواع متونی که باید برای آموزش سخن‌گفتن از منابع چاپی (نوشتاری)، غیرچاپی (غیرنوشتاری) و الکترونیکی در کلاس‌های درس تا پایان دوره سوم ابتدایی مورد استفاده قرار گیرند در سه زمینه کاربرد زبان عبارتند از:

متون مورد استفاده برای آموزش سخن‌گفتن (برای کسب اطلاعات)

- توضیحات مثلاً تشریح نحوه انجام کارها
- بازگویی بر اساس حقیقت مثلاً داستان‌های خبری، تعریف شاهدان
- گزارش‌های خبری مثلاً گزارش‌های علمی، بروشورها، آگهی‌های تبلیغاتی
- آموزش‌ها مثلاً بسته‌های چگونگی انجام کارها

متون مورد استفاده برای آموزش سخن‌گفتن (برای واکنش و بیان ادبی)

- تفسیر مثلاً مرور کتاب، فیلم
- روایت مثلاً داستانها، توصیف افراد
- بازگویی شخصی مثلاً حکایت شفاهی، خاطرات روزانه، مدخل و بیوگرافی شخصی

متون مورد استفاده برای آموزش سخن‌گفتن (برای تعامل اجتماعی)

- محاوره مثلاً تقاضا کردن، توضیح دادن، اطلاع‌رسانی درباره جامعه، گفتگو با بزرگترهای آشنا در موقعیت‌های رسمی
- متن کارکردی کوتاه مثلاً نامه رسمی و غیررسمی، کارت پستال، پست الکترونیکی و اطلاعیه

متون مورد استفاده برای آموزش سخن‌گفتن تا پایان دوره اول متوسطه: فهرست انواع متونی که باید برای آموزش سخن‌گفتن از منابع چاپی (نوشتاری)، غیرچاپی (غیرنوشتاری) و الکترونیکی در کلاس‌های درس تا پایان دوره اول متوسطه مورد استفاده قرار گیرند در سه زمینه کاربرد زبان عبارتند از:

متون مورد استفاده برای آموزش سخن‌گفتن (برای کسب اطلاعات)

- بازگویی بر اساس واقعیت مثلاً چگونگی غذا دادن به حیوانات
- آموزش مثلاً قوانین کار گروهی
- فهرست ها مثلاً بانک‌های واژگانی
- آلبوم بریده روزنامه‌ها و مجلات

متون مورد استفاده برای آموزش سخن گفتن (برای واکنش و بیان ادبی)

- تفسیر مثلاً نقد کتاب، برنامه تلویزیونی
- روایت مثلاً داستان، توصیف افراد
- بازگویی شخصی مثلاً حکایت شفاهی، مدخل خاطرات

متون مورد استفاده برای آموزش سخن گفتن (برای تعامل اجتماعی)

- محاورات مثلاً کندوکاو کردن، اطلاع رسانی درباره خانواده
- متن کارکردی کوتاه مثلاً نامه غیر رسمی، کارت پستال و آدرس الکترونیکی

متون مورد استفاده برای آموزش مهارت سخن گفتن تا پایان دوره دوم متوسطه: فهرست انواع

متونی که باید برای آموزش خواندن از منابع نوشتاری، غیرنوشتاری و الکترونیکی در کلاس‌های درس تا پایان دوره دوم متوسطه مورد استفاده قرار گیرند در سه زمینه کاربرد زبان عبارتند از:

متون مورد استفاده برای آموزش سخن گفتن (برای کسب اطلاعات)

- توضیح مثلاً تشریح شیوه و دلیل انجام کارها
- تفسیر مثلاً بحث
- بازگویی بر اساس حقیقت مثلاً گزارش تاریخی
- گزارش اطلاع‌دهنده مثلاً بروشور، مستندات و مدخل دانشنامه‌ای
- روش، مثلاً چگونگی انجام یک تکلیف

متون مورد استفاده برای آموزش سخن گفتن (برای واکنش و بیان ادبی)

- تفسیر مثلاً نقد کتاب و فیلم؛ توصیف افراد، مکان‌ها و اشیاء
- روایت مثلاً داستان
- بازگویی شخصی مثلاً حکایت شفاهی، مدخل خاطرات و بیوگرافی شخصی

متون مورد استفاده برای آموزش سخن گفتن (برای تعامل اجتماعی)

- محاوره مثلاً پیشنهاد کردن، ارائه اطلاعاتی دربارهٔ خود، خانواده و جامعه، آدرس دادن
- تفسیر مثلاً خلاصهٔ یک بحث
- متن کارکردی کوتاه مثلاً نامهٔ رسمی و غیررسمی، کارت پستال، پست الکترونیکی، اطلاعیه

۴. دستور

دانش دستوری و چگونگی عملکرد آن به کاربرد مؤثر زبان کمک می‌کند. مطالعهٔ مختصه‌های دستوری و واژگان با مطالعهٔ انواع متن رابطهٔ نزدیکی دارد. دستور و واژگان به تشکیل معنای متن کمک می‌کنند. در بخش قراردادهای دستوری، فهرستی از آیتم‌های دستوری و ساختارهایی ارائه می‌شود که باید طی هر دورهٔ دوساله - یعنی در دوره‌های اول، دوم و سوم ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه - آموزش داده شود. معلمان در سطح متوسطه می‌توانند از این قسمت به عنوان مرجعی برای اصلاح و تقویت دانش دستوری دانش‌آموزان خود استفاده کنند. بخش مختصه‌های دستوری متن بر شالوده‌ای بنا نهاده می‌شود که در سطح ابتدایی شکل گرفته است. آیتم‌ها موارد و ساختارهای دستوری همراه با انواع متن در بافت آموزش خواندن، نوشتن و ارتباط شفاهی آموزش داده می‌شوند. معلمان سطح ابتدایی می‌توانند از این قسمت به عنوان مرجع یا منبع بسط دانش دستوری دانش‌آموزان در سطوح بالاتر دورهٔ ابتدایی^۱ استفاده کنند.

از طرفی، مهارت‌های تفکر و فناوری اطلاعات در برنامهٔ درسی زبان ملی در حوزه‌های کاربرد زبان، هدف‌های آموزشی، مهارت‌ها و انواع متن گنجانده شده‌اند.

در چارچوب این برنامهٔ آموزشی شاخص خاصی برای آموزش مهارت سخن‌گفتن مطرح نمی‌شود. هدف‌های آموزش این مهارت زبانی به گونه‌ای تدوین شده‌اند که در پایان آموزش مدرسه‌ای دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که:

- (الف) دربارهٔ موضوعات مختلف به شیوه‌ای روان و مؤثر سخن بگویند،
- (ب) ایده‌ها را در قالب گفتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط دهند،
- (ج) در قالب گفتار نشان بدهند که توانایی فراگیری و استفاده از دانش را به منظورهای مختلف دارند،
- (د) با افرادی از فرهنگ خود یا فرهنگ‌های متفاوت به شیوهٔ مؤثری ارتباط برقرار کنند.

هدف‌های آموزش سخن‌گفتن به تفکیک دوره‌های تحصیلی

^۱Upper primary

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن تا پایان دورهٔ سوّم ابتدایی (معادل دورهٔ ابتدایی ایران)، دورهٔ اوّل متوسطه (معادل دورهٔ اوّل متوسطهٔ ایران) و دورهٔ دوّم متوسطه (معادل دورهٔ دوّم متوسطهٔ ایران) توصیف می‌شود.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت سخن گفتن تا پایان دورهٔ سوّم ابتدایی دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که :

- دربارهٔ موضوعات مختلف به شیوه‌ای روان و مؤثر سخن بگویند،
- الف) از الگوهای تکیه و آهنگ زبان انگلیسی به شیوهٔ مناسبی استفاده کنند،
- ب) از تلفظی که در سطح بین‌المللی قابل قبول است استفاده کنند،
- ج) از سیاق مناسب استفاده کنند،
- د) در مواقع مورد نیاز زیربومی، نواخت، سرعت و بلندی صدا را تغییر بدهند،
- ه) از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع استفاده کنند،
- و) سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و به شیوهٔ مناسبی آن‌ها را به کار ببرند،
- ایده‌ها را به شکل مؤثر، به منظورهای مختلف و برای مخاطبان متفاوت ارائه بدهند
- الف) با راهنمایی معلم دربارهٔ موضوعات آشنا سخنرانی‌های ساده‌ای را برنامه‌ریزی و سازماندهی کنند،
- ب) به هنگام سخن گفتن با راهنمایی معلم بر نکات خاصی تمرکز کنند،
- ج) با استفاده از منابع شفاهی/دیداری و نوشتاری از ایده‌های مطرح‌شده حمایت کنند،
- د) برای تضمین رسایی صدا و قابلیت رؤیت به ارائهٔ شفاهی/ازبرخوانی همسالان با دقت توجه کنند
- با افرادی از فرهنگ خود یا فرهنگ‌های متفاوت به شیوهٔ مؤثر ارتباط برقرار کنند
- الف) از زبان، لحن خطاب، نواخت و انتخاب واژگان مناسب استفاده کنند،
- افراد آشنا را متناسب با سن، جنسیت و وضعیت مورد خطاب قرار داده و با آن‌ها روبرو شوند.
- دربارهٔ مردم، مکان‌ها و اشیاء سؤال مطرح کرده یا گفتگو کنند.
- اجازه بگیرند.
- سپاسگزاری کرده و آرزوهای خوب را بیان کنند.
- دربارهٔ خود، خانواده و جامعه اطلاعاتی به‌دست بدهند.
- دربارهٔ چگونگی انجام کارها آموزش بدهند.
- افراد را دعوت کنند.
- پیام بگذارند.
- تقاضا کرده و کندوکاو کنند.

توضیح بدهند که چگونه و چرا چیزی روی می‌دهد
- عقیده، نارضایتی و احترام را بیان کنند.

- (ب) در بحث‌ها شرکت کنند
- کمک‌های دیگران را بپذیرند.
- در زمان مناسب موافقت یا مخالفت خود را اعلام کنند.
- با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی به شیوه مناسبی پاسخ بدهند.
- به نوبت سخن بگویند.
- به نفع تمام گروه آنچه را که گفته شده خلاصه کنند.
- از ایده‌ها و عقاید با اقامه دلیل حمایت کنند.
- سرخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و به شیوه مناسبی مورد استفاده قرار بدهند.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت سخن‌گفتن تا پایان دوره اول متوسطه

- (الف) درباره موضوعات مختلف به شیوه‌ای روان و مؤثر سخن بگویند
- از الگوهای تکیه و آهنگ انگلیسی به شیوه مناسبی استفاده کنند.
- از تلفظی استفاده کنند که در سطح بین‌المللی قابل قبول باشد.
- از سیاق مناسب استفاده کنند.
- زیر و بمی، سرعت و بلندی صدای خود را متناسب با هدف تغییر بدهند.
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع و بافت موقعیت استفاده کنند.
- سرخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و به شیوه مناسبی به کار ببرند.

- (ب) ایده‌ها را در قالب گفتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط دهند
- یک قطعه ادبی یا یک گفتگو را بر اساس هدف، مخاطب، موقعیت و رسانه برنامه‌ریزی کرده و سازماندهی کنند.
- کانون و قالب مناسب را انتخاب کرده و ایده‌های اصلی را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که مربوط به موضوع مورد نظر باشد و از عقیده مربوط به آن حمایت کند.
- ایده‌های اصلی را با منابع شنیداری، دیداری و نوشتاری حمایت کنند.
- برای جلب توجه مخاطب بر ارائه شفاهی خود نظارت کرده و آن را با مخاطب مورد نظر انطباق بدهند.
- بر نکات برجسته تأکید کنند.

- برای ارتباط دادن ایده‌های یک ارائه شفاهی از ابزارهای انسجام استفاده کنند.
- به سؤالات مطرح شده در جریان ارائه شفاهی به شیوه مناسبی پاسخ بدهند.

ج) در قالب گفتار نشان بدهند که توانایی فراگیری و استفاده از دانش را به منظوره‌های مختلف دارند

- با استفاده از انواع الگوهای سازمان‌دهنده مانند توالی، مقایسه، تقابل، دسته‌بندی، علت و معلول و زمان‌بندی اطلاعات شفاهی را سازماندهی و خلاصه کرده و با هم تلفیق کنند.
- عوامل احتمالی مربوط به یک مسئله یا موضوع مانند علل، پیامدها و دلایل آن را تشریح کنند.
- دلایلی برای حمایت از یک واکنش، زاویه دید یا عقیده به دست دهند.
- اطلاعات را به لحاظ صدق، اعتبار، اغراق یا متقاعدکننده بودن زبان آن ارزیابی کنند.
- اعتبار منابع اطلاعاتی را ارزیابی کنند.
- دلایلی در حمایت از یک واکنش، زاویه دید و یک عقیده به دست بدهند.
- متون را به لحاظ تناسب ایده‌ها و زبان متقاعدکننده آن ارزیابی کنند.
- عوامل احتمالی مربوط به انگیزه‌های شخصیت‌ها و رویدادهای یک داستان تشریح کنند: علل، پیامدها و دلایل.
- فنون مورد استفاده در رسانه‌های متفاوت برای نیل به هدف‌های متفاوت را شناسایی و تحلیل کنند: اثرات خاص، موسیقی، استفاده از زبان.
- ایده‌ها و مضامین مطرح‌شده را خلاصه کنند.
- راهبردهای مورد استفاده برای تأثیرگذاری بر مخاطبان مثلاً واژه‌های عاطفی و زبان بدن را شناسایی کرده و به کار ببرند.

د) با افرادی از فرهنگ خود یا فرهنگ‌های متفاوت به گونه‌ای مؤثر ارتباط برقرار کنند.

- از زبان مناسب، صورتهای خطاب، نواخت و انتخاب واژگان در موارد زیر استفاده کنند: سلام و احوال‌پرسی با افراد بر اساس سن، جنسیت و وضعیت اجتماعی؛ گفتگو با افراد درباره مکان‌ها و چیزها؛ اجازه گرفتن؛ سپاسگزاری و بیان آرزوهای خوب؛ آدرس‌دادن، اطلاع‌رسانی درباره خود، خانواده و جامعه؛ آموزش دادن درباره چگونگی انجام کارها؛ دعوت از افراد؛ پیام گذاشتن؛ تقاضا کردن؛ تشویق دیگران به انجام کارها؛ توضیح درباره علت و چگونگی بروز رخدادها؛ بیان مؤدبانه یک عقیده/ناراضایتی؛ ادامه محاوره‌ای کوتاه با یک مهمان در یک موقعیت رسمی.
- در بحث‌ها مشارکت کنند:

کمک دیگران را بپذیرند؛ در مواقع مناسب موافقت و مخالفت کنند؛ دیدگاه‌های خود را توضیح بدهند؛ سؤال بپرسند و پاسخ مرتبط بدهند؛ با در نظر گرفتن قوانین رایج و ارزش‌های اجتماعی به شیوه مناسبی به دیگران پاسخ بدهند؛ ایده‌های خود را با یکدیگر در میان بگذارند؛ نوبتی سخن بگویند؛ گفته‌ها را به نفع کل گروه خلاصه کنند؛ با ارائه دلیل از ایده‌های خود حمایت کنند و یا عقیده خود را تغییر بدهند؛ سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را به شیوه مناسبی درک کرده و به کار ببرند.

- به عنوان اعضای گروه موارد زیر را بیاموزند:

از قواعد کارهای گروهی پیروی می‌کنند؛ مؤدبانه و به وضوح نظر می‌دهند؛ مسئولیت‌ها را میان خود تقسیم می‌کنند؛ بر پیشرفت کار خود نظارت می‌کنند و برای برآورده کردن هدف‌های فردی و گروهی تغییراتی در آن به وجود می‌آورند؛ برای نیل به هدف‌های گروهی با یکدیگر کار می‌کنند؛ در تعامل گروهی نقش‌های مختلف می‌پذیرند.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت سخن‌گفتن تا پایان دوره دوم متوسطه
دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که :

- الف) به صورتی روان و اثرگذار درباره موضوع‌های مختلف سخن بگویند
- از الگوهای تکیه و آهنگ زبان انگلیسی به شیوه مناسبی استفاده کنند.
- از تلفظی استفاده می‌کنند که در سطح بین‌المللی قابل قبول است.
- از سیاق مناسب استفاده کنند.
- متناسب با هدف زیروبمی، نواخت، سرعت و بلندی صدای خود را تغییر بدهند.
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع و بافت استفاده کنند.
- سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و آن‌ها را به شیوه مناسبی به کار ببرند

ب) ایده‌ها را در قالب گفتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف به شیوه مؤثری ارائه کرده و بسط بدهند

- برای ارائه خلاصه‌ای از یک بحث یا نمایش گروهی برای هدف و مخاطب خاصی برنامه‌ریزی کرده و آن را سازماندهی کنند.
- کانون و قالب خاصی را انتخاب کنند و ایده‌های مرتبط با موضوع را شکل پیروانند.
- ایده‌های مطرح‌شده را با منابع شنیداری، دیداری و نوشتاری حمایت کنند.
- بر اساس بازخورد معلم و ارزیابی همسالان، سخنرانی خود را مورد نظارت قرار داده و با آن‌ها تطبیق بدهند.

- نکات مهم را مورد تأکید قرار بدهند.
 - از ابزارهای انسجام برای ارتباط دادن ایده‌های درون یک سخنرانی استفاده کنند.
 - به سؤال‌های مطرح‌شده در طی ارائه شفاهی به شیوه مناسبی پاسخ بدهند.
- ج) به شیوه مؤثری با افراد فرهنگ خود یا افرادی از فرهنگ‌های متفاوت تعامل برقرار کنند
- ۱) از زبان، لحن خطاب، نواخت و واژگان مناسب استفاده کنند؛ مثلاً:
 - افراد را متناسب با سن، جنسیت و وضعیت مورد خطاب قرار داده و با آن‌ها روبرو شوند،
 - درباره مردم، مکان‌ها و اشیاء سؤال مطرح کرده یا گفتگو کنند،
 - اجازه بگیرند و توضیح بدهند که چرا و چگونه چیزی رخ داده است،
 - مؤدبانه عقیده خود را در مواردی از جمله نارضایتی، رد کردن، مخالفت بیان کنند،
 - سپاسگزاری کرده و آرزوهای خوب را بیان کنند،
 - آدرس بدهند،
 - درباره خود، خانواده و جامعه اطلاعاتی به دست بدهند،
 - درباره چگونگی انجام کارها آموزش بدهند؛ افراد را دعوت کنند؛ پیام بگذارند؛ تقاضا کرده و کندوکاو کنند،
 - افراد دیگر را به انجام کارها تشویق کنند،
 - در پی شفاف‌سازی بوده و طی یک موقعیت رسمی گفتگوی خود را با بزرگترها آغاز کرده و ادامه بدهند،
 - ۲) در بحث‌ها شرکت کنند، مثلاً
 - کمک‌های دیگران را بپذیرند؛
 - در زمان مناسب موافقت یا مخالفت خود را اعلام کنند،
 - دیدگاه‌های خود را تشریح کنند،
 - سؤال مطرح‌کرده و مرتبط پاسخ دهند،
 - با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی به شیوه مناسبی پاسخ بدهند،
 - ایده‌های خود را با دیگران در میان گذاشته و آن را شفاف مطرح کنند،
 - به نوبت سخن بگویند،
 - به نفع تمام گروه آنچه را که گفته شده خلاصه کنند،
 - از ایده‌ها و عقاید با اقامه دلیل حمایت کنند،
 - سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را فهمیده و از آن‌ها استفاده کنند.
 - ۳) به عنوان اعضای گروه چیزهایی را یاد گرفته و به دیگران کمک کنند، مثلاً

- در تعامل گروهی نقش‌های مختلفی را بپذیرند،
- برای کار گروهی از قوانین مورد توافق پیروی کنند،
- عقیده‌های خود را به وضوح و با رعایت ادب مطرح کنند،
- بر پیشرفت کارها نظارت کرده و برای برآورده کردن هدف‌های فردی و گروهی تغییراتی ایجاد کنند؛ مسئولیت‌ها را تقسیم کرده و برای نیل به هدف‌های گروه کار کنند.
- ۴) طی یک مصاحبه رفتار مناسبی بروز بدهند، مثلاً
 - سؤال‌های مرتبط بپرسند؛
 - اثربخشی یک مصاحبه را ارزیابی کنند؛
 - اطلاعات را منتقل کرده و به شیوه‌ای مؤثر به سؤال‌ها پاسخ بدهند.

<p>هدف‌های آموزش سخن‌گفتن:</p> <p>دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:</p> <p>الف) درباره موضوعات مختلف به شیوه‌ای روان و مؤثر سخن بگویند،</p> <p>ب) ایده‌ها را در قالب گفتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط دهند،</p> <p>ج) در قالب گفتار نشان بدهند که توانایی فراگیری و استفاده از دانش را به منظورهای مختلف دارند،</p> <p>د) با افرادی از فرهنگ خود یا فرهنگ‌های متفاوت به شیوه‌ای مؤثر ارتباط برقرار کنند.</p>
<p>در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی سنگاپور بر هدف‌های آموزشی تأکید می‌شود و شاخص خاصی برای آموزش مهارت‌های زبانی به صورت مجزا بیان نمی‌شود.</p>
<p>جدول ۵.۴ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی سنگاپور (۲۰۰۶)</p>

توصیف برنامه آموزش زبان ملی در غرب استرالیا (۱۹۹۸)

چارچوب برنامه آموزشی غرب استرالیا برای پایه‌های کودکان تا دوازدهم و در قالب یک دستورالعمل کلی و ۸ دستورالعمل برای ۸ زمینه یادگیری (هنر، زبان انگلیسی، تربیت بدنی و سلامت، زبان‌هایی غیر از انگلیسی، ریاضیات، علوم، جامعه و محیط زیست و فناوری و کار) تدوین شده است. چارچوب یادشده دو مختصه کلیدی دارد: یکی تمرکز آن بر هدف‌های یادگیری و دیگری رویکرد برنامه‌ریزی هماهنگ برای پایه‌های کودکان تا دوازدهم. در چارچوب برنامه‌های آموزشی به جای تأکید بر آنچه باید آموزش داده شود، چگونگی و زمان آموزش آن، بر این نکته تأکید می‌شود که هر دانش‌آموز عملاً چه چیزی را یاد می‌گیرد. در این چارچوب مجموعه‌ای از

هدف‌های یادگیری تعیین می‌شوند که همه دانش‌آموزان باید در نتیجه آموزش و تجربه ناشی از برنامه‌های آموزشی بدانند، درک کنند، برای آن‌ها ارزش قائل شوند و بتوانند انجام دهند. همچنین، تأکید می‌شود که با گذشت سال‌های مدرسه دانش‌آموزان به سطوح پیچیده‌تری از هدف‌های یادگیری موردنظر دست می‌یابند. از طرفی، رویکرد تمرکز بر هدف‌های یادگیری به معلمان مدارس امکان می‌دهد که با انعطاف‌پذیری بیشتری برنامه‌های یاددهی - یادگیری را تدوین نمایند. گذشته از اینها، هدف‌های یادگیری پایه و اساس شفاف‌ی را برای نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و گزارش‌دهی به والدین ایجاد می‌کنند.

در دستورالعمل کلی چارچوب برنامه‌های آموزشی هفت اصل کلیدی زیربنای چارچوب برنامه درسی مطرح شده و هدف‌های یادگیری کلی برای همه حوزه‌های یادگیری توصیف می‌شود. همچنین، در این دستورالعمل کلی، راهبردهای یادگیری و ارزشیابی هماهنگ با چارچوب برنامه درسی مطرح می‌شود که موفقیت دانش‌آموزان را در نیل به هدف‌ها افزایش می‌دهند. همچنین، مجموعه‌ای از ارزش‌های اصلی و مشترک^۱ نیز تدوین شده‌اند که زیربنای چارچوب برنامه‌های آموزشی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌های تعیین‌شده شامل مواردی هستند که اعضای جامعه چندفرهنگی استرالیا آن‌ها را قبول دارند. این ارزش‌ها عبارتند از:

- دنبال کردن دانش و تلاش برای بالفعل نمودن توانایی‌های بالقوه
- پذیرش خود و احترام به خود
- توجه و احترام به دیگران و حقوق آن‌ها
- پذیرش مسئولیت اجتماعی و شهروندی
- پذیرش مسئولیت زیست‌محیطی

در دستورالعمل کلی هر یک از ارزش‌های مطرح‌شده تشریح می‌شوند. بر اساس نخستین ارزش، دانش‌آموزان باید پیوسته به دنبال کسب دانش و فهم دنیای اجتماعی و طبیعی اطراف خود باشند و سعی کنند توانایی‌های بالقوه خود را از طریق تفکر انتقادی و خلاقانه بالفعل کنند. آنان، همچنین باید سعی کنند که ارزش‌های خود و جهان‌بینی‌ها را به خوبی درک کنند. به دلیل اهمیت این ارزش، در زیر ارزش یادشده با جزئیات بیشتری مطرح می‌شود.

^۱. Core shared values

دنبال‌کردن دانش و تلاش برای بالفعل نمودن توانایی‌های بالقوه:

گرایش مادام‌العمر برای جستجوی دانش، همانطور که هر شخص تلاش می‌کند دنیای اجتماعی و طبیعی را بفهمد و به بهترین وجهی به آن کمک کند. هر شخص ترغیب می‌شود که توانایی‌های بالقوه خود را از طریق تفکر انتقادی و خلاقانه به طور همه‌جانبه بالفعل کند و به درک گسترده‌ای درباره ارزش‌های خود و جهان‌بینی‌ها دست یابد. به عبارت دیگر،

- هر شخصی باید ترغیب شود که تمام مسئولیت‌های خود را به بهترین وجهی انجام دهد و به موفقیت‌های دیگران احترام بگذارد.

- هر شخص باید ترغیب شود که همه زمینه‌های تجربه بشری اعم از فیزیکی، احساسی، ذهنی، زیبایی‌شناختی، اجتماعی، اخلاقی و روحی را بفهمد.

- هر شخص باید ترغیب شود که روحیه تفکر انتقادی، تصور خلاقانه، مهارت‌های بینافردی و حرفه‌ای و توانش‌های پایه را در خود ایجاد کند.

- هر شخص باید ماهیت موقتی و محدود دانش را تشخیص دهد.

- هر شخص باید فرصت تشریح ارزش‌های متفاوت و حق ایجاد نظام ارزشی شخصی را داشته باشد.

- هر شخص باید ترغیب شود که در هر دو زمینه میراث فرهنگی و نگرش‌ها و ارزش‌های زیربنای روندها و نهادهای اجتماعی رایج به صورت انتقادی فکر کند.

- هر شخص باید به ابزار بررسی انتقادی جهان‌بینی‌ها (هم مذهبی و هم غیرمذهبی) تجهیز شود.

از طرفی، در زیربنای چارچوب برنامه‌های آموزشی برای مدارس استرالیای غربی هفت اصل کلیدی قرار دارد که راهنمای مدارس در برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های آموزشی هستند. اصول یادشده عبارتند از:

۱- دیدگاه فراگیر نسبت به برنامه‌های آموزشی (اینکه برنامه‌های آموزشی چیزی بیش از طرح درس بوده و دربرگیرنده محیط یادگیری، شیوه‌های تدریس، منابع فراهم آمده برای

یادگیری، سیستم‌های ارزشیابی، ویژگی‌های مدرسه و شیوه‌های رفتار دانش‌آموزان و کارمندان با یکدیگر هستند)

۲- بیان صریح ارزش‌های اصلی: ارزش‌های افراد رفتار آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به زندگی آن‌ها معنا و هدف می‌دهد. انواع مواضع ارزشی در جامعهٔ تکثرگرای استرالیا وجود دارد. ارزش‌های اصلی زیربنای برنامه‌های آموزشی استرالیا پیشتر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۳- شمول^۱ (چارچوب برنامه‌های آموزشی برای همهٔ دانش‌آموزان مدارس غرب استرالیا با هر میزان توانایی (سالم یا معلول جسمی)، هر نوع فرهنگ، نژاد، طبقه و جنسیت تدوین شده است)

۴- انعطاف‌پذیری (برنامه‌های آموزشی باید با نیازهای خاص مدارس و جوامع مختلف قابل انطباق باشند. همچنین، باید نسبت به تغییرات اجتماعی و فناوری‌ها نیز حساسیت داشته و نیازهای دانش‌آموزان- نیازهای ناشی از فرایند تغییر- را برآورده کنند)

۵- تلفیق، گستره و تعادل (برنامهٔ آموزشی باید به دانش‌آموزان امکان ارتباط بین ایده‌ها، افراد و چیزها، و نیز برقراری ارتباط میان رویدادها و پدیده‌های محلی، ملی و جهانی را بدهد. همچنین، باید دانش‌آموزان را تشویق کند تا صورت‌های متفاوت دانش را به صورتی مرتبط و به عنوان بخشی از یک کُل ببینند. از طرفی، در ضمن فراهم کردن فرصت‌هایی برای رشد استعدادها و علائق خاص دانش‌آموزان، آن‌ها باید درک گستردای از زمینه‌های مختلف دانش و تلاش برای تولید دانش جدید داشته باشند. همچنین، لازم است که ارتباط چیزهای مختلف را با یکدیگر تجربه کنند که به آن‌ها در فهم زندگی خود و دنیای پیرامون آن‌ها کمک می‌کند)

۶- رویکرد رشدی (ضمن اینکه دانش‌آموزان به میزان متفاوت و به شیوه‌های مختلف رشد کرده و می‌آموزند، برای اینکه دانش و شناخت لازم را برای برقراری ارتباط یادگیری خود با تجربه‌های پیشین کسب کنند، باید آموزش آنان متناسب با سطح رشدی آن‌ها انجام شود)

^۱.Inclusivity

۷- همکاری و مشارکت (آموزش مسئولیت مشترک دانش‌آموزان، معلمان، والدین و جامعه است. کاربست موفقیت آمیز چارچوب برنامه های آموزشی مستلزم همکاری همه مسئولان در برنامه ریزی و مسئولیت همه دانش‌آموزان در نیل به هدف های یادگیری است) در ادامه، تجربیات یادگیری دانش‌آموزان در مراحل مختلف رشد کودک [آغاز کودکی (پایه- های کودکستان تا سوم)- اواسط کودکی (پایه‌های سوم تا هفتم - آغاز نوجوانی (پایه‌های هفتم تا دهم - اواخر نوجوانی (پایه‌های دهم تا دوازدهم)] مورد بحث قرار می‌گیرد. در این قسمت بر راه‌های پیشرفت یادگیری در مراحل رشد تأکید می‌شود، ضمن اینکه گفته می‌شود مراحل رشد بر یکدیگر همپوشی دارند. همچنین، در همین قسمت اشاره می‌شود که موارد مطرح‌شده تجویزی نیستند. برای سهولت مقایسه هدف‌های آموزشی در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی استرالیا با برنامه آموزش زبان ملی ایران در این گزارش تنها هدف‌های آموزشی در مراحل رشدی اواسط کودکی، اوایل نوجوانی و اواخر نوجوانی (اوایل بزرگسالی) مطرح می‌شود که تقریباً معادل دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران است

تبیین تجربیات یادگیری دانش‌آموزان در مراحل مختلف رشد به دست اندرکاران کمک می‌کند که در هر مرحله رشد درباره انواع تجربیات یادگیری مورد نیاز دانش‌آموزان برای نیل به هدف‌های یادگیری بیشتر بدانند. آن‌ها درمی‌یابند که هر دانش‌آموز در سطوح مختلف به شیوه‌های مختلف و با سرعت‌های متفاوت رشد کرده و به هدف‌های یادگیری دست می‌یابد. گذشته از اینها، دستورالعمل مربوط به هر زمینه یادگیری در رابطه با هدف‌ها و محتوای خاص آن شکل می‌گیرد. در ادامه چارچوب برنامه‌های آموزشی غرب استرالیا، هدف‌های یادگیری جامعی^۱ توصیف می‌شوند که همه دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به یادگیرندگان مدام‌العمر، بالفعل کردن پتانسیل خود در زندگی شخصی و کاری و ایفای نقش فعال در زندگی شهری و اقتصادی باید به آن‌ها دست یابند. این موارد هدف‌هایی هستند که در تمام زمینه‌های یادگیری مدنظر قرار می‌گیرند. هدف‌های یادگیری فراگیر عبارتند از:

دانش‌آموزان باید...

- ۱- از زبان برای درک، تدوین و انتقال ایده‌ها و اطلاعات و تعامل با دیگران استفاده کنند،
- ۲- مفاهیم و فنون عددی و فضایی را انتخاب، تلفیق و به کار گیرند،
- ۳- تشخیص بدهند که چه زمانی چه اطلاعاتی مورد نیاز است، آن‌ها را از انواع منابع به دست آورده و ارزیابی کنند، از آن‌ها استفاده کرده و با دیگران در میان بگذارند،
- ۴- فناوری‌ها را انتخاب کرده و آن‌ها را متناسب با نیاز خود به کار بگیرند،

^۱.Overarching learning outcomes

- ۵- به منظور درک، تفسیر، تبیین و پیش‌بینی درباره‌الگوها، ساختارها و روابط، آن‌ها را توصیف و درباره‌ آن‌ها استدلال کنند،
- ۶- پیامدها را مجسم کرده، چندجانبه فکر کنند، فرصت‌ها و پتانسیل‌ها را تشخیص داده و آماده‌ آزمون شق‌های مختلف چیزها یا کارها باشند،
- ۷- دنیای فیزیکی، زیست‌شناختی و نیز دنیای مبتنی بر فناوری را درک کرده و برای آن‌ها ارزش قائل شوند و دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی را برای تصمیم‌گیری درباره‌ آن‌ها داشته باشند،
- ۸- بافت‌های فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود را درک کنند و دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های ضروری برای مشارکت فعال به منظور زندگی در استرالیا را دارند،
- ۹- با افراد و فرهنگ‌های غیر از فرهنگ خود تعامل برقرار کنند و آماده کمک به جامعه جهانی شوند،
- ۱۰- فعالیت خلاقانه انجام دهند و در کار هنری، فرهنگی و ذهنی دیگران نیز همکاری کنند،
- ۱۱- برای اقداماتی ارزش قائل شوند و آن‌ها را تحقق ببخشند که منجر به رشد و سعادت آن‌ها می‌شود،
- ۱۲- به هنگام یادگیری اعتماد به نفس داشته، خودانگیزه بوده و بتوانند به صورت انفرادی و دسته جمعی کار کنند،
- ۱۳- تشخیص بدهند که همه حق دارند احساس کنند که برای دیگران ارزش داشته و امنیت دارند و از این جهت حقوق و اجبارهای خود را درک کرده و مسئولانه رفتار کنند.
- در ادامه، برنامه آموزشی زبان انگلیسی و قسمت‌های مختلف آن در چارچوب برنامه‌های آموزشی غرب استرالیا مطرح شده و بر هدف‌های یادگیری و آموزش مؤلفه‌های زبان انگلیسی تأکید می‌شود. در نهایت، سعی شده است که معلوم شود هدف‌های یادگیری و مؤلفه‌های آموزش زبان انگلیسی در برنامه آموزشی زبان ملی این کشور در چارچوب کدام رویکرد (مستقل از بافت یا بافت‌مدار) تدوین شده‌اند.
- در چارچوب برنامه آموزشی زبان انگلیسی، دانش‌آموزان درباره‌ زبان انگلیسی و چگونگی استفاده مؤثر از آن یاد می‌گیرند. در دستورالعمل مربوط تصریح می‌شود که مطالعه زبان انگلیسی نقش بسیار مهمی در رشد سواد ایفا می‌کند، یادگیری دانش‌آموزان را در تمام زمینه‌های برنامه آموزشی تقویت می‌کند و برای آن‌ها مهارت‌های عملکردی (ارتباطی) و انتقادی را فراهم می‌آورد که برای مشارکت فعال در جامعه ضروری است.
- در چارچوب برنامه آموزشی زبان انگلیسی دانش‌آموزان درباره این زبان دو نکته را یاد می‌گیرند: چگونگی عملکرد و چگونگی استفاده مؤثر از آن. آن‌ها می‌فهمند که زبان به چه روش‌هایی به عنوان

فعالیتی اجتماعی عمل می‌کند و اینکه چگونه زبان را به صورت‌های متفاوت و در موقعیت‌های مختلف به کار ببرند. آن‌ها می‌آموزند که به شیوه‌ای مؤثر مشاهده کنند و بخوانند.

همچنین، دانش‌آموزان از طریق درگیر شدن با متون و مطالعه آن‌ها، دربارهٔ زبان و چگونگی استفادهٔ مؤثر از آن آموزش می‌بینند. اصطلاح «متن» به هر نوع ارتباط نوشتاری، گفتاری یا دیداری (برنامه‌های تلویزیونی، تصاویر، نمودارها، پوسترها، علائم، کتاب‌های مصور، روزنامه‌ها، مجلات، نمایش‌های کم‌دی، آگهی و متون تولیدشده توسط ابزارهای الکترونیکی مانند رایانه‌ها) اشاره می‌کند که متکی به زبان است. متونی که از طریق آن‌ها دانش‌آموزان دربارهٔ زبان انگلیسی می‌آموزند گسترده و متنوع است. مطالعهٔ متون خاص، ابزاری است که دانش‌آموزان به کمک آن به هدف‌های مطلوب در زمینهٔ آموزش زبان انگلیسی دست می‌یابند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که خود متونی را خلق کنند و همچنین متونی را که دیگران تولید کرده‌اند مطالعه کنند.

هدف‌های مورد انتظار از آموزش زبان انگلیسی نه مورد هستند که چارچوبی را برای قضاوت دربارهٔ پیشرفت دانش‌آموزان در زمینهٔ یادگیری زبان انگلیسی فراهم می‌آورند. هدف‌های یادشده همگی به یکدیگر مرتبط هستند و پیشرفت در یک هدف به پیشرفت در هدف‌های دیگر بستگی دارد. چهار هدف اول به درک و مهارت‌هایی مربوط می‌شود که به طور کلی در زبان کاربرد دارند. پنج هدف آخر به مهارت‌های خاص زبانی شامل گوش‌دادن، سخن‌گفتن، مشاهده‌کردن، خواندن و نوشتن مربوط می‌شود. از طرفی، ترتیب ارائهٔ هدف‌ها حاکی از اهمیت نسبی آن‌ها نیست و همگی آن‌ها اهمیت یکسانی دارند. چهار هدف اول یادگیری در برنامهٔ آموزش زبان انگلیسی (زبان ملی) در استرالیای غربی عبارتند:

۱- درک زبانی: دانش‌آموزان باید متوجه شوند که شیوهٔ استفاده از زبان بر طبق بافت متنوع است. دانش‌آموزان باید دریابند که زبان تحت تأثیر بافت موقعیت و بافت اجتماعی- فرهنگی قرار می‌گیرد؛ اینکه قراردادهای زبان بسته به انواع متن، موقعیت و هدف متفاوت می‌شود؛ و اینکه ممکن است بسته به پیشینهٔ اجتماعی- فرهنگی مخاطب، زبان به شیوهٔ متفاوتی به کار رفته یا تفسیر شود. آن‌ها باید تأثیر جامعه، تاریخ و فناوری را بر زبان و ارتباط درک کرده و به روش‌های اثرگذاری این موارد بر زبان توجه کنند.

دانش‌آموزان باید یادگیرند که زبان و راهبردهای تفسیر خود را از متون مختلف با انواع متن، هدف‌ها و موقعیت‌ها تطبیق بدهند. آن‌ها باید ارزش متون مختلف را درک کرده و این متون را از چشم‌اندازهای مختلفی تفسیر کنند.

دانش‌آموزان باید یادگیرند که ماهیت طبیعی قراردادهایی که به واسطهٔ آن‌ها معنای متون شفاهی، دیداری و نوشتاری شکل می‌گیرند را درک کنند؛ اینکه قراردادهای جامعه بر شیوهٔ تولید و تفسیر متون اثر می‌گذارد؛ و اینکه این قراردادهای شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و جهان‌بینی‌ها

است. آن‌ها باید دریابند که این قراردادها با گذشت زمان تغییر می‌کنند و اینکه ممکن است قراردادهای متفاوت و گاهی متناقض برای تولید و تفسیر متون شفاهی وجود داشته باشد. مثلاً، ممکن است دانش‌آموزان الفاظ (مانند الفاظ توصیف‌کننده روابط خانوادگی یا الفاظ بیانگر مهر و محبت) مورد استفاده در خانواده خود را با الفاظ مورد استفاده در خانواده‌های دانش‌آموزان دیگر مقایسه کنند؛ زبان خود را با موقعیت‌های رسمی منطبق کنند؛ تأثیر مخاطب را بر زبان مورد استفاده در یک آگهی مشخص کنند؛ روش‌های تفسیر یک برنامه تلویزیونی توسط افرادی با نگرش‌های خاص را مورد بحث قرار دهند؛ یا درباره ارزش‌های اجتماعی منعکس‌شده در یک متن بحث کنند.

۲- نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات: دانش‌آموزان باید یادگیرند که زبان اثر مهمی بر دیدگاه آن‌ها نسبت به خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند دارد.

دانش‌آموزان باید دریابند که زبان و چگونگی استفاده از آن در یک بافت خاص می‌تواند اعتقادات، نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های مردم را تحت تأثیر قرار دهد؛ و اینکه واژه‌ها معمولاً خنثی نیستند بلکه حامل معانی ضمنی هستند که بازتاب نگرش‌ها و شیوه‌های خاص تفکر هستند.

آن‌ها باید دریابند که می‌توان افراد، گروه‌ها و مفاهیم را در متون متفاوت به شیوه‌های متفاوت بازنمایی کرد و اینکه تفاوت در بازنمایی‌ها حاکی از تفاوت در عقاید و باورهاست. آن‌ها باید تحلیل کنند که چگونه متون و شیوه‌های خواندن، دانش‌آموزان را به شیوه‌های خاصی از تفکر ترغیب می‌کنند و شیوه‌های دیگر تفکر را نادیده گرفته یا درحاشیه قرار می‌دهند. آن‌ها باید روش‌های تقویت مفاهیم اولیه درباره بعضی از گروه‌های اجتماعی و کم توجهی به مفاهیم اولیه گروه‌های اجتماعی دیگر را به کمک کلیشه‌ها دریابند.

دانش‌آموزان باید شیوه‌های انعکاس، تولید، به چالش گرفتن، اصلاح یا تغییر شیوه‌های تفکر درباره جهان را از طریق متون و تمرین‌های خواندن درک کنند. آن‌ها باید توضیحات یا نسخه‌های مختلف یک رویداد یا پدیده را در متون شناسایی کرده و نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات را در متون شنیداری، دیداری و خوانداری شناسایی کرده و درباره نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعتقاداتی که تفسیرها و واکنش‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد فکر می‌کنند. مثلاً، دانش‌آموزان باید بتوانند تأثیر منفی ناسزاگویی را بر عزت نفس افراد مشخص کنند؛ تشخیص دهند که نگرش منفی درباره یک گروه اجتماعی با کلیشه‌سازی در یک کارتون ترغیب می‌شود؛ نشان بدهند که چگونه کاربرد ساخت مجهول در یک گزارش خبری مانع از ذکر نام مسئول یک عمل می‌شود؛ بحث کنند که چگونه فیلم‌های استرالیایی مفاهیم خاص هویت ملی را منعکس می‌کنند؛ یا ساختار جنسیت را در یک شعر تجزیه و تحلیل کنند.

۳- قراردادهای دانش‌آموزان باید یادگیرند که از قراردادهای انگلیسی معیار استرالیا با درک و آگاهی انتقادی استفاده کنند.

زبان انگلیسی معیار استرالیایی به آن صورت‌ها و کاربردهای زبان انگلیسی استرالیایی اشاره می‌کند که زبان غالب دولت، تجارت، آموزش و پرورش و زندگی عامه مردم استرالیا را تشکیل می‌دهد. این زبان هم صورت گفتاری و هم صورت نوشتاری دارد.

دانش‌آموزان باید یادگیرند که از قراردادهای نوشتاری (مانند املاء، دستور، علائم سجاوندی، صفحه‌آرایی و واژگان)، و قراردادهای گفتاری (مانند واژگان، نواخت و حالت خطاب) استفاده کرده و خود را به شیوه مؤثری با زبان انگلیسی ساده بیان کنند. آن‌ها باید یادگیرند که قراردادهای اسناد عمومی، مکاتبات رسمی، صورت‌های اداری، برهان‌ها، گزارشات و مقالات را فهمیده، به کار برده و تفسیر کنند.

دانش‌آموزان باید بتوانند تشخیص بدهند که چه زمانی باید از قراردادهای زبان انگلیسی معیار استرالیایی استفاده کرده و آن‌ها را به شیوه مؤثری در این موقعیت‌ها به کار ببرند. همچنین، آن‌ها باید درک کنند که پیروی از قراردادهای زبان انگلیسی معیار استرالیایی ارتباط را آسان‌تر کرده و درک عمومی را تضمین می‌کند.

آن‌ها همچنین باید درک کنند که بسیاری از قراردادهای زبان انگلیسی معیار استرالیایی ارزش بالایی دارند، غالباً دنبال کردن آن‌ها مزایایی دارد و دنبال نکردن آن‌ها به معنای قضاوت منفی درباره آن‌ها یا تبعیض منفی بر علیه آن‌ها است. استفاده دانش‌آموزان از زبان انگلیسی معیار استرالیایی شامل تشخیص ارزش صورت‌های دیگر زبان انگلیسی است. آن‌ها باید درک کنند که قراردادهای زبان انگلیسی معیار استرالیایی با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ اینکه گاهی مردم بر سر اینکه کدام قراردادها مناسب هستند اتفاق نظر ندارند؛ و اینکه قراردادهای خاص با نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای همراهند. دانش‌آموزان همچنین باید درک کنند که بعضی از قراردادهای نگرش‌ها، ارزش‌ها یا اعتقاداتی را منعکس می‌کنند که مردم با آن‌ها موافق نیستند و اینکه این موارد می‌توانند به تغییر فعالیت‌های جاری کمک کنند. آن‌ها باید بیاموزند که برای صحبت کردن درباره زبان، قراردادها و دستور آن از واژگان مناسب استفاده کنند.

مثلاً دانش‌آموزان باید بیاموزند به فردی که از مدرسه به طور رسمی دیدار می‌کند به شیوه مناسبی خوشامد بگویند؛ املاي نوشته خود را در یک نامه چک کنند؛ به شیوه مناسبی نامه شکایت‌آمیز برای یک سازمان بنویسند؛ یک سند رسمی را با درک و فهم بخوانند؛ با نماینده یک سازمان دولتی به شیوه مناسبی سخن بگویند؛ گزارشی را برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان بنویسند؛ یا با استفاده از قراردادهای جاری دانشگاه مقاله‌ای بنویسند.

۴- فرایندها و راهبردها: دانش‌آموزان باید با انتخاب فرایندها و راهبردهای مناسب نشان دهند که شیوه عملکرد زبان را برای منظوره‌های مختلف و در بافت‌های مختلف درک می‌کنند.

دانش‌آموزان باید بیاموزند که درباره چگونگی استفاده از زبان و کاربرد راهبردهای زبانی مختلف بسته به هدف خود، بافت و مخاطب تعمق کنند. آن‌ها باید یادگیرند که از زبان به عنوان راه نیل به ایده‌های جدید، رفع مشکلات یا حل مسائل استفاده کرده، از راهبردهایی مانند بارش مغزی و بحث به عنوان راهی برای شکل‌دادن به ایده‌های جدید بهره بگیرند، آزمایش کنند، ریسک کرده و به زبان به عنوان راهی برای گسترش مهارت‌های زبانی خود متوسل شوند.

آن‌ها باید بتوانند اطلاعات خاص و مدنظر خود را جستجو کنند و نیز از جستجوی کلیدواژه و شناخت خود از قراردادهای متون اطلاعاتی مانند فهرست مطالب، عنوان، نمایه، پیش‌گفتار و فهرست واژگان برای کمک به تعیین جایگاه اطلاعات استفاده کنند.

دانش‌آموزان باید بتوانند فایده اطلاعات را برای منظوره‌های خاص ارزیابی کرده، به اطلاعات و ایده‌ها به صورت انتقادی توجه کرده و اطلاعات را با توجه به اعتبار و رواج آن‌ها ارزیابی کنند، یادداشت برداشته، اطلاعات را در قالب نمودار بیان کنند و از طریق خلاصه کردن، مقایسه و آمیختن اطلاعات منابع مختلف، آن‌ها را در قالب یک کل منسجم تلفیق کنند.

دانش‌آموزان باید یادگیرند که به هنگام کاربرد ایده‌ها و اطلاعات درباره ملاحظات اخلاقی فکر کنند و اهمیت توصیف منبع ایده‌ها و اطلاعات و نیز ارائه ایده‌ها و اطلاعات به شیوه‌هایی که همراه‌کننده نباشد را تشخیص بدهند، از علائم نقل قول و قراردادهای ارجاع‌دهی به شیوه مناسبی استفاده کنند و اثرات احتمالی ارائه ایده‌ها و اطلاعات را در نظر بگیرند. مثلاً دانش‌آموزان باید یادگیرند که راهبردهای تعیین معنای واژه‌های ناآشنا را مورد بحث قرار بدهند؛ چارچوب‌های احتمالی را برای یک قطعه نوشتاری که باید تدوین کنند مورد بحث قرار دهند؛ از یادداشت‌ها و نمودارهای درون متن برای درک مفاهیم جدید استفاده کنند؛ راهبردهای زبانی متناسب با فناوری‌های متفاوت را مورد بحث قرار دهند؛ یک مسئله اجتماعی را بررسی کرده و پیشنهاداتی را برای عمل ارائه دهند؛ اعتبار و ارزش متون را با یکدیگر مقایسه کنند؛ برای ارائه یک طرح اطلاعاتی را از انواع منابع مختلف استخراج کنند و یا اطلاعات را در قالب خاصی ارائه بدهند.

در ادامه برنامه آموزش زبان انگلیسی (به عنوان زبان ملی)، تصریح می‌شود که برای شکل‌دادن به تجربه‌های یادگیری مناسب برای دانش‌آموزان در نیل به هدف‌ها، لازم است که معلمان به دو نکته مهم توجه داشته باشند: نخستین مورد طیف متونی است که لازم است دانش‌آموزان تجربه کرده و مطالعه کنند تا کاربران ماهر زبان شوند. دومین مورد به مراحل رشد دانش‌آموزان مربوط می‌شود. از طرفی، تذکر داده می‌شود که موفقیت دانش‌آموزان در نیل به هدف‌های آموزش زبان

انگلیسی علاوه بر سطح بلوغ و توانایی‌های آن‌ها به ماهیت برنامه‌های درسی ارائه شده بستگی دارد. در ادامه، دو مورد یادشده تشریح می‌شوند.

متون مورد استفاده برای آموزش دانش‌آموزان

دانش‌آموزان از طریق مشاهده و مطالعه متون به هدف‌های آموزش زبان انگلیسی دست می‌یابند، کاربران ماهر زبان می‌شوند و درباره زبان می‌آموزند. متن‌ها به عنوان ابزاری برای آشنایی با زبان و فرهنگ به کار می‌روند. کار دانش‌آموزان با متون مشتمل بر خواندن و مشاهده متون تولید شده توسط دیگران می‌شود. محتوای زبان انگلیسی شامل زبان و فهمیدن نکاتی درباره زبان است. متون ابزاری هستند که دانش‌آموزان به وسیله آن‌ها به هدف‌ها دست می‌یابند.

دانش‌آموزان باید بیاموزند که متن‌ها را نه به صورت مجزا بلکه با توجه به بافتی که در آن تولید و دریافت شده‌اند مطالعه کنند. آن‌ها به مسائلی از جمله زمان و چگونگی استفاده از متون، مخاطبان، موقعیت‌های استفاده از متون و دلیل استفاده از متون در این موقعیت‌ها، زمان، چگونگی و دلیل تولید متن و اینکه توسط چه کسانی تولید می‌شوند توجه کنند. آن‌ها همچنین باید یادگیرند که متون را مقایسه کرده و توجه کنند که درک و شناخت آن‌ها از یک نوع متن، درک و شناخت آن‌ها را از متون دیگر افزایش می‌دهد.

متونی که محتوای زمینه یادگیری زبان انگلیسی را تشکیل می‌دهد شامل متون روزمره، متون اطلاعاتی، متون رسانه‌های گروهی و متون ادبی است. متون روزمره مواردی هستند که بخشی از زندگی اجتماعی و کاری روزانه مردم را تشکیل می‌دهند. متون اطلاعاتی متونی هستند که با خواندن آن‌ها اطلاعاتی به خواننده منتقل می‌شود. متون رسانه‌های گروهی متونی هستند که توسط رسانه‌های گروهی تولید و منتشر می‌شوند. متون ادبی شامل طیف گسترده‌ای از نوشته‌های خلاقانه، تخیلی و کنش شفاهی است که به شناخت میراث فرهنگی دانش‌آموزان و میراث فرهنگ‌های دیگر کمک می‌کند.

دسته‌بندی متون در قالب متون روزمره، متون اطلاعاتی، متون رسانه‌های گروهی و متون ادبی تنها برای سهولت کار است و در عمل بسیاری از متون به بیش از یکی از مقولات یادشده تعلق دارند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که مرز بین مقولات متون مبهم است و جای بحث دارد. آن‌ها ماهیت و ویژگی‌های انواع متون را در سراسر دوران مدرسه بررسی می‌کنند.

بسیاری از متونی را که دانش‌آموزان مطالعه می‌کنند متون استرالیایی هستند. دانش‌آموزان نقش مهمی را که زبان در تحول مداوم هویت استرالیایی ایفا می‌کند درمی‌یابند. متون مورد نظر تنوع جمعیت استرالیا را منعکس می‌کند و شامل متونی است که انعکاس تجربیات، موفقیت‌ها و دستاوردهای بومیان و افرادی از پیشینه نژادی و فرهنگی متنوع است. متونی که بازتاب تجربیات،

موفقیت‌ها و دستاوردهای افراد ساکن استرالیای غربی است در میان این متون استرالیایی گنجانده شده است. تجربیات و مطالعه دانش‌آموزان با مطالعه متونی از کشورها، ملیت‌ها و فرهنگ‌های دیگر متعادل می‌شود.

متونی که دانش‌آموزان آن‌ها را مطالعه می‌کنند، بازتابی از علائق و ارزش‌های مردان و زنان و انواع دیدگاه‌ها و چشم‌اندازها در موضوعات متفاوت است.

دانش‌آموزان هم متون معاصر و هم متون کلاسیک را مطالعه می‌کنند. آن‌ها متونی را مطالعه می‌کنند که تجربه آن‌ها را منعکس می‌کند و به چالش می‌گیرد و همچنین متونی را مطالعه می‌کنند که تجربیات و ارزش‌های جدید را به آن‌ها ارائه می‌کند. مطالعه طیف گسترده‌ای از متون به دانش‌آموزان فرصتی برای تفکر درباره ارزش‌های مختلف و سیستم‌های ارزشی می‌دهد و به آن‌ها در شکل‌دادن به ارزش‌های خود کمک می‌کند. مثلاً، ممکن است برای تشریح مسائل مرتبط به درک شخصی، حقوق دیگران، مسئولیت اجتماعی و سؤالات زیست محیطی از متون مختلف استفاده شود.

اگرچه پیچیدگی مفهومی و زبان‌شناختی متون طی دوره آموزش زبان انگلیسی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، یک متن یا یک نوع متن را می‌توان در سطوح مختلف مدرسه و به منظورهای متفاوت به کار برد. می‌توان متونی که ساده به نظر می‌رسند برای منظورهای پیچیده و متون ظاهراً پیچیده را برای منظورهای ساده به کار برد.

در ادامه این برنامه آموزشی، تجربیات آموزشی دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌های زبان انگلیسی در مراحل مختلف رشد (آغاز کودکی، اواسط کودکی، اوائل بلوغ و اواخر بلوغ) توصیف می‌شود. به این ترتیب، معلمان و دیگران ایده روشن‌تری از مفهوم دنبال‌کردن هدف‌های زبان انگلیسی در مدرسه و سطوح کلاسی به دست می‌آورند. تجربیات توصیف‌شده در این بخش جنبه تجویزی ندارند و نیز باید به خاطر داشت که نرخ رشد هر یک از دانش‌آموزان با بقیه متفاوت است.

نکته دیگر اینکه در تمام مراحل رشد تمام هدف‌های آموزش زبان انگلیسی مورد توجه قرار گرفته است. درحالی‌که توصیف هر مرحله - که در ادامه می‌آید - توصیفی از رویکردهای آموزشی و ویژگی‌های رفتاری دانش‌آموزان در هر مرحله به دست می‌دهد، در تمام مراحل دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که به زبان بومی^۱ خود ارجح نهند؛ توانش آن‌ها در کاربرد زبان انگلیسی معیار استرالیایی شکل می‌گیرد؛ با مشارکت در تعیین اهداف و ارزیابی شخصی مسئولیت یادگیری خود را می‌پذیرند؛ در فعالیت‌های یادگیری مشارکتی و گروهی درگیر می‌شوند؛ به صورت انتقادی درباره فرایندهای زبانی و راهبردهای مورد استفاده فکر می‌کنند؛ زبان را به عنوان ابزاری برای یادگیری،

^۱. Home language

شکل‌دادن به ایده‌ها و شفاف کردن افکار و ارزش‌ها به کار می‌برند و اثرات فناوری‌های متفاوت را بر زبان تشریح می‌کنند.

در چارچوب این برنامه آموزشی شاخص خاصی برای آموزش مهارت سخن‌گفتن مطرح نمی‌شود. هدف کلی آموزش سخن‌گفتن آن است که دانش‌آموزان با منظور و برای اثرگذاری در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند.

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

- به منظور برقراری تعامل اجتماعی، انتقال ایده‌ها و اطلاعات، قصه‌گویی، فکر کردن درباره تجربیات و ارزش‌های خود، تشریح ایده‌ها، بیان افکار، احساسات و ایده‌های خود و برای کسب لذت سخن بگویند. همچنین، از سخن‌گفتن به عنوان ابزار ارتباط و شیوه یادگیری استفاده کنند.
- از قراردادهای محاوره رسمی و غیررسمی، حل مسأله به صورت دسته‌جمعی، بحث گروهی و سخن‌گفتن به صورت عمومی استفاده کنند؛ با وضوح و شفافیت سخن بگویند؛ از ابزار دیداری استفاده کنند و برای چک کردن برداشت خود در موارد مناسب سؤالاتی را مطرح کنند؛ از زبان بدن، واژگان و لحن صدای مرتبط با اهداف، مخاطبان و موقعیت‌های متفاوت استفاده کنند؛ اظهار نظر افراد دیگر را بپذیرند، به عقاید دیگران احترام بگذارند و برای نقطه‌نظرهای دیگر احترام قائل شوند.
- به صورتی تأثیرگذار در گروه‌های کوچک و بزرگ سخن بگویند؛ در فعالیت‌هایی مانند بازی نمایشی، قصه‌گویی، شعرخوانی، بحث گروهی، مناظره‌ها، خبررسانی و دیدارهای کلاسی شرکت کنند؛ مکالمه با اعضای جدید کلاس را آغاز کنند؛ صدای خود را برای به تصویر کشیدن شخصیت یک نمایش تغییر دهند؛ هنگام روبرو شدن با یک مشکل از دیگران کمک بگیرند؛ شرح بدهند که چگونه کاری را انجام داده‌اند؛ از یک سخنران مهمان تشکر کنند؛ یک سخنرانی متقاعدکننده ارائه بدهند؛ یا برای نیل به هدف‌های موردنظر خود با افراد مختلف مذاکره کنند.

اهداف و شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن به تفکیک مراحل رشد دانش‌آموزان

در ادامه این قسمت تجربیات یادگیری دانش‌آموزان استرالیایی در مراحل رشدی اواسط کودکی (معادل دوره ابتدایی ایران)، اوائل نوجوانی (معادل دوره راهنمایی ایران) و اواخر نوجوانی (معادل دوره متوسطه ایران) در زمینه مهارت سخن‌گفتن توصیف می‌شود. تجربیات توصیف‌شده در این بخش جنبه تجویزی ندارند و نیز باید به خاطر داشت که نرخ رشد هر یک از دانش‌آموزان با بقیه متفاوت است.

در زمینه سخن‌گفتن در اواسط کودکی (پایه‌های سوم تا هفتم) سخن‌گفتن در پایه‌های کودکی تا پایه سوم در قالب «صحبت کردن و تعامل اجتماعی» مطرح می‌شود، اما در مراحل

بعدی رشد یعنی اواسط کودکی، اوائل نوجوانی، اواخر نوجوانی در قالب پیچیده‌تر «سخن گفتن» مطرح می‌شود. کودکانی که تازه وارد مدرسه شده‌اند تجربه‌های زیادی در استفاده از زبان شفاهی برای منظورهای متفاوت دارند. تجربه‌های یاددهی و یادگیری باید فرصت‌هایی را برای پیشرفت جنبه‌های اجتماعی و شناختی زبان شفاهی دانش‌آموزان فراهم آورد. معلمان تجربه‌هایی را برنامه‌ریزی می‌کنند که تعامل را تقویت می‌کند و اطلاعات دانش‌آموزان را برای کاربرد زبان در بافت‌های مختلف افزایش می‌دهد. به دانش‌آموزان فرصت‌هایی داده می‌شود که از سخن گفتن برای مذاکره، تصمیم‌گیری، حل مسئله، فرضیه‌سازی و ارزیابی استفاده کنند. با گذشت زمان، دانش‌آموزان زبان فنی مربوط به زمینه‌های یادگیری خاص یاد می‌گیرند و به این وسیله می‌توانند درباره دانش و اطلاعات خود صحبت کنند. دانش‌آموزان علاوه بر مشارکت فعال در فعالیت‌های شفاهی غیر رسمی، در فعالیت‌های شفاهی مانند بحث‌های گروهی کوچک، گزارش‌دهی رسمی، و تولیدات شفاهی و نمایشی فی‌البداهه نیز شرکت می‌کنند که مستلزم ابتکارات شخصی است. اعتماد به نفس دانش‌آموزان باید از طریق معرفی، سپاسگزاری، سخنرانی‌های کوتاه، آوازخوانی به صورت گروه‌گر و نمایش‌ها و از طریق مشارکت در گردهمایی‌ها شکل بگیرد به طوری که بتوانند در موقعیت‌های رسمی سخنرانی کنند. بر هدف‌گذاری، تفکر درباره مخاطب، برنامه‌ریزی و تمرین سخنرانی (ارائه‌های شفاهی) تأکید بیشتری می‌شود. آزمایش دانش‌آموزان با زبان از طریق تولید متون تخیلی و اطلاعاتی طولانی‌تر و پیچیده‌تر ادامه می‌یابد.

فرصت‌هایی برای استفاده از زبان شفاهی برای مباحثه و قانع کردن، تفکر درباره ارزش‌های آن‌ها، بیان عقاید، نتیجه‌گیری، ارزیابی و قضاوت و استفاده از واژگان تخصصی مناسب در موقعیت‌های متفاوت به دانش‌آموزان داده می‌شود. همچنین آن‌ها تشویق می‌شوند که از زبان شفاهی به عنوان ابزار یادگیری در جهت جستجو، شکل‌دادن و اصلاح شناخت خود استفاده کنند.

به‌هنگام آموزش سخن گفتن در اوایل نوجوانی (پایه هفتم تا پایه دهم) فعالیت‌های شفاهی، مانند نمایش، بحث در گروه‌های کوچک و تکالیف گروهی گسترده همچنان نقش مهمی ایفا می‌کنند. دانش‌آموزان در کارهای گروهی پرمسئولیتی مشارکت می‌کنند که مستلزم کار و مذاکره با دیگران برای تکمیل تکالیف و نیل به اهداف است. کار گروهی شفاهی مستلزم اینست که دانش‌آموزان متن‌های پیچیده‌تری مانند نمایشنامه، نوار ویدئویی و نوارهای صوتی بسازند که به برنامه‌ریزی زیاد، تقویت و آزمودن نیاز دارند. دانش‌آموزان با به عهده گرفتن نقش‌ها، شخصیت‌ها و لحن‌های متفاوت در کار گروهی آن‌ها را آزمایش می‌کنند.

مهارت‌های زبان شفاهی از طریق معرفی قراردادهای مشارکت در سخنرانی‌های رسمی و گسترده مانند مناظره‌ها و گردهمایی‌ها در دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. دانش‌آموزان می‌آموزند که

پیش‌نیازهای متفاوت سخنرانی‌های شفاهی و نوشتاری را به تفصیل در نظر بگیرند و به اهمیت شکل‌دادن به زبان شفاهی به منظورهای مختلف و برای مخاطبان متفاوت توجه کنند. به‌هنگام آموزش سخن‌گفتن در اواخر نوجوانی / اوائل بزرگسالی (پایهٔ دهم تا پایهٔ دوازدهم) بحث به صورت گروه‌های کوچک و بزرگ به عنوان ابزار یادگیری و شیوه ایجاد مهارت‌های سخن‌گفتن نقش مهمی بازی می‌کند. کار گروهی تا حد زیادی پیچیده و دشوار شده و مستلزم آن است که دانش‌آموزان بتوانند تیم را مدیریت کنند. آن‌ها باید بتوانند به طور مستقل قراردادهای بحث گروهی را کنترل کنند.

تجربه و آشنایی دانش‌آموزان با ارائه‌های رسمی مانند مناظره‌ها، سخنرانی‌ها و گردهمایی‌ها افزایش می‌یابد. آن‌ها می‌آموزند که شرایط متفاوت ارائه‌های شفاهی و نوشتاری و اهمیت شکل‌دادن به زبان شفاهی را به منظورهای مختلف و برای مخاطبان متفاوت به تفصیل در نظر بگیرند. آن‌ها همچنین یاد می‌گیرند که دربارهٔ مسائل مختلف چشم‌اندازهای متفاوت را شناسایی کرده و در نظر بگیرند و سخنرانی‌های مستدل، متقاعدکننده و به خوبی سازمان‌یافته ارائه دهند.

هدف آموزش سخن‌گفتن:

هدف کلی آموزش سخن‌گفتن آن است که دانش‌آموزان با منظور و برای اثرگذاری در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند.

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

- به منظور برقراری تعامل اجتماعی، انتقال ایده‌ها و اطلاعات، قسه‌گویی، فکر کردن دربارهٔ تجربیات و ارزش‌های خود، تشریح ایده‌ها، بیان افکار، احساسات و ایده‌های خود و برای کسب لذت سخن بگویند. همچنین، از سخن‌گفتن به عنوان ابزار ارتباط و شیوهٔ یادگیری استفاده کنند.

- از قراردادهای محاورهٔ رسمی و غیررسمی، حل مسأله به صورت دسته‌جمعی، بحث گروهی و سخن‌گفتن به صورت عمومی استفاده کنند؛ با وضوح و شفافیت سخن بگویند؛ از ابزار دیداری استفاده کنند و برای چک کردن برداشت خود در موارد مناسب سؤالاتی را مطرح کنند؛ از زبان بدن، واژگان و لحن صدای مرتبط با اهداف، مخاطبان و موقعیت‌های متفاوت استفاده کنند؛ اظهار نظر افراد دیگر را بپذیرند، به عقاید دیگران احترام بگذارند و برای نقطه‌نظرهای دیگر احترام قائل شوند.

- به صورتی تأثیرگذار در گروه‌های کوچک و بزرگ سخن بگویند؛ در فعالیت‌هایی مانند بازی نمایشی، قسه‌گویی، شعرخوانی، بحث گروهی، مناظره‌ها، خبررسانی و دیدارهای کلاسی شرکت کنند؛ مکالمه با اعضای جدید کلاس را آغاز کنند؛ صدای خود را برای به تصویر

<p>کشیدن شخصیت یک نمایش تغییر دهند؛ هنگام روبرو شدن با یک مشکل از دیگران کمک بگیرند؛ شرح بدهند که چگونه کاری را انجام داده‌اند؛ از یک سخنران مهمان تشکر کنند؛ یک سخنرانی متقاعدکننده ارائه بدهند؛ یا برای نیل به هدف‌های موردنظر خود با افراد مختلف مذاکره کنند.</p>
<p>در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی غرب استرالیای بر هدف‌های آموزشی تأکید می‌شود و مؤلفه خاصی برای آموزش مهارت‌های زبانی به صورت مجزا بیان نمی‌شود.</p>
<p>جدول ۴.۶ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی غرب استرالیا (۱۹۹۸)</p>

فصل پنجم

مقایسه رویکردهای آموزشی ایران و چند کشور

توسعه یافته به آموزش سخن گفتن

مقدمه

در این فصل ابتدا رویکرد زیربنای آموزش مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی در ایران و سپس کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند، سنگاپور و استرالیا مطرح می‌شود و سپس وجوه شباهت آموزش سخن‌گفتن در کشورهای پیشرفته یادشده با یکدیگر استخراج شده و در قالب جدول ارائه می‌شود.

با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره آموزش سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران (که شرح آن در فصل ۳ گذشت) می‌توان گفت در دوره ابتدایی تمهیدی برای آموزش سخن‌گفتن دیده نشده است و در دوره اول متوسطه هم به ذکر کوتاهی از این مهارت زبانی بدون برنامه‌ریزی مشخص برای آموزش آن بسنده شده است. در دوره دوم متوسطه نیز آموزش سخن‌گفتن تنها در حد شعار آن هم در لفافه لفظ «مهارت‌های چهارگانه زبانی» باقی می‌ماند چرا که تعریف این مهارت زبانی و خرده‌مهارت‌های آن مطرح نمی‌شوند. با این توضیح باید گفت متأسفانه در برنامه آموزش زبان ملی ایران در دوره‌های مختلف آموزش مدرسه‌ای، آموزش سخن‌گفتن اصلاً مطرح نیست و نمی‌توان درباره رویکرد زیربنای آموزش آن سخنی بر زبان آورد.

همچنین، با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره آموزش سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند، سنگاپور و استرالیا (که شرح آن در فصل ۴ گذشت) می‌توان گفت شباهت کلی برنامه درسی زبان ملی کشورهای یاد شده به لحاظ هدف آموزش سخن‌گفتن آن است که در چارچوب همه این برنامه‌ها قرار است دانش‌آموزان یاد بگیرند به صورت هدفمند در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند. شباهت دیگر این‌که این هدف به اهداف ریزتری خرد شده و در تمام دوران آموزش مدرسه‌ای به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده - متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی - دنبال می‌شود.

نکته دیگر این‌که در تمام این برنامه‌های درسی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس به روشنی بیان شده است. به بیان دیگر در چارچوب این برنامه‌های درسی انواع متونی که دانش‌آموزان باید در جریان گذر از سالهای مدرسه تجربه کنند به صراحت معرفی می‌شود. همچنین، انواع فعالیت‌های آموزشی که از طریق آنها دانش‌آموزان دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم را در مهارت سخن‌گفتن کسب می‌کنند به تفکیک دوره‌های تحصیلی ارائه می‌شود. این امر در برنامه درسی زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی)، ایالت‌های غربی کانادا و نیز سنگاپور به تفصیل برای پایه‌های مختلف تحصیلی ارائه می‌شود، در نیوزیلند و انگلستان برای سطوح مختلف تحصیلی و در غرب استرالیا برای سطوح متفاوت رشد دانش‌آموزان ارائه می‌شود. وجه شباهت دیگر برنامه‌های درسی یاد شده این است که آموزش هر دو نوع سخن‌گفتن (سخن‌گفتن در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی) مورد نظر است. همچنین، در برنامه درسی زبان ملی کشورهای یاد شده

سخن گفتن به صورتی در هم تنیده با مهارت‌های زبانی دیگر آموزش داده می‌شود و گاه مانند برنامه درسی زبان ملی انگلستان، کاربرد خرده مهارت‌ها و راهبردهای این مهارت در دروس دیگر نیز به صراحت آموزش داده می‌شود.

می‌توان گفت آموزش سخن گفتن در این کشورها در چارچوب رویکرد بافت‌مدار برنامه‌ریزی

شده است. اتخاذ این رویکرد پیامدهایی برای این برنامه‌های درسی داشته است از جمله این‌که:

- آموزش سخن گفتن در تمام کشورهای موردنظر به صورتی متناسب با بافت موقعیت آموزش داده می‌شود. مثلاً قرار است دانش‌آموزان یاد بگیرند که واژه‌های چندمعنایی را در بافت زبانی مناسب به کار ببرند، متناسب با مخاطب و هدف خود صورت‌های گفتاری متفاوتی (مانند داستان، مصاحبه، گزارش، متون چندسبکی و ...) تولید کنند، به هنگام برقراری ارتباط زبان خود را متناسب با موقعیت و جایگاه اجتماعی افراد طرف گفتگو انتخاب کنند، سیاق گفتار خود را به تناسب موقعیت به صورت رسمی و غیررسمی تغییر دهند تا به تأثیر موردنظر خود دست یابند، برای منطبق کردن سخن با شرایط مختلف به صورتی انعطاف‌پذیر از میان راهبردها انتخاب کنند (راهبردها شامل تغییر لحن و سرعت، تکرار، سؤال پرسیدن و بازگو کردن برای وضوح بخشیدن به کلام هستند)، با توجه به بازخوردهایی که از مخاطبان می‌گیرند برای افزایش شفافیت معنایی و تأثیرگذاری تغییراتی در گفتار خود ایجاد کنند، به صورتی منسجم، روان و مسلط از مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا و جلب توجه مخاطب استفاده کنند و بالاخره یاد بگیرند که برای نیل به هدفهای خود با افراد متفاوت به صورتی اثرگذار مذاکره کنند.

- آموزش سخن گفتن به صورت انتقادی انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که تأثیر صورت‌ها و گونه‌های مختلف متون را بر روی محتوی و هدف متن ارزیابی کنند، با بحث در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ، موضعی را حمایت، تعدیل یا رد کنند، سؤال‌های مخاطب را با ارائه توضیح، مثال، تعریف و توضیح پاسخ دهند، فعالانه در بحث‌های میزگرد، همایش، و یا گردهمایی در قالب جلسات کاری (مثلاً بررسی یک سؤال و بررسی چشم‌اندازهای مختلف آن) شرکت کنند، از راهبردهای متفاوتی برای ساماندهی سخنان خود (مثل متمرکز کردن فکر، جلب توجه، استدلال-های قاطع، تکرار، کلمات ربط) استفاده کنند، به هنگام ارائه شفاهی، ارتباط گفتاری را با درک احساس سردرگمی مخاطب تغییر داده و به صورت فی‌البداهه در آنها تجدید نظر کنند (مثل خلاصه کردن، بازگو کردن مطالب، افزودن توضیحات/جزئیات)، سخنرانی‌های مستدل و متقاعدکننده ارائه دهند و به هنگام سخن گفتن به عقاید دیگران احترام گذاشته و برای نقطه‌نظرهای متفاوت ارزش قائل شوند. این ویژگی در برنامه درسی زبان ملی انگلستان به اوج خود می‌رسد.

- آموزش سخن‌گفتن با توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که از وسایل کمکی دیداری، رسانه‌ها، و رایانه برای کمک به برقراری ارتباط گفتاری استفاده کنند، متناسب با مخاطب و هدف خود صورت‌های گفتاری متفاوت (مانند داستان، مصاحبه، گزارش، متون چندرسانه‌ای و ...) را تولید کنند و به‌هنگام ارائه سخنرانی به صورتی هدفمند از فناوری اطلاعات و ارتباطات به طرز مناسبی استفاده کنند.

در چارچوب همه این برنامه‌ها قرار است دانش‌آموزان یاد بگیرند به‌صورت هدفمند در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند.
هدف کلی آموزش سخن‌گفتن به اهداف جزئی‌تری خرد شده و در تمام دوران آموزش مدرسه‌ای به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده - متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی - دنبال می‌شود.
در تمام این برنامه‌های درسی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس به روشنی بیان شده است.
آموزش هر دو نوع سخن‌گفتن (سخن‌گفتن در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی) مورد نظر است.
سخن‌گفتن به‌صورتی در هم تنیده با مهارت‌های زبانی دیگر آموزش داده می‌شود.
آموزش سخن‌گفتن در این کشورها در چارچوب رویکرد بافت‌مدار برنامه‌ریزی شده است.
اتخاذ رویکرد بافت‌مدار پیامدهایی برای این برنامه‌های درسی داشته است: از جمله این‌که آموزش سخن‌گفتن در تمام کشورهای موردنظر به‌صورتی متناسب با بافت موقعیت آموزش داده می‌شود؛ آموزش آن به صورت انتقادی انجام می‌شود و نیز آموزش این مهارت با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود.
جدول ۱.۵ - شباهت میان برنامه درسی زبان ملی در آمریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند، سنگاپور و استرالیا به‌لحاظ آموزش سخن‌گفتن

بخش سوم

سیاست‌گذاری آموزش نوشتن

در ایران و سایر کشورها

فصل ششم

مفهوم نوشتن

مقدمه

نوشتن عملی اجتماعی است که در بافت موقعیت صورت می‌گیرد، هدف خاصی را برآورده می‌کند و به طرز متناسب با مخاطب و بافت موقعیت شکل می‌گیرد (هامپ-لاینز^۱ و کرول^۲، ۱۹۹۷). نوشتن بنا به ماهیت آن کنشی ارتباطی است. هایز^۳ (۱۹۹۶) اشاره می‌کند که نوشتن به منظور برقراری ارتباط با انسان‌های دیگر انجام می‌شود. متون نوشتاری به هر منظوری که تولید شوند برای بافت اجتماعی یا مخاطبان خاصی نوشته می‌شوند. منظور از نگارش، تولید متونی است که انتظارات خاصی را برآورده می‌کنند و دانش‌نگارنده را نمایش می‌دهند (مثلاً به کانر^۴، ۱۹۹۶ نگاه کنید). به عبارت دیگر، به هنگام نوشتن بر انتقال دانش تأکید می‌شود نه تولید دانش (هماهنگ با انتظاری که از دانش‌آموزان می‌رود). معمولاً از دانش‌آموزان انتظار می‌رود درباره دانشی که دارند کسب می‌کنند بنویسند نه اینکه دانش جدید خلق کنند، در حالی که در محیط‌های دانشگاهی از دانشجویان دانشگاه انتظار می‌رود دانش جدید خلق کنند. آن‌ها باید بتوانند اطلاعات و تجربیات جدید را با اطلاعات و تجربیات پیشین خود تلفیق کرده و خلاصه‌ای از آن‌ها ارائه دهند و یا آن‌ها را مجدداً صورت‌بندی کنند (لانگر^۵ و آپل بی^۶، ۱۹۸۷). در مجموع، در این موارد بیشتر بر کسب توانایی‌های زبانی و نگارشی تأکید می‌شود تا تولید دانش و بیان خلاقانه.

مهارت نوشتن طی دو مرحله کسب می‌شود: رمزگذاری واژه‌ها (املاء) و تولید متن نوشتاری. اولین مرحله نوشتن که تحقیقات زیادی درباره آن صورت گرفته است املاء^۷ است (برای مثال به تین توریر^۸ و راپ^۹، ۲۰۰۱ نگاه کنید). راپ، اپستین^{۱۰} و تین توریر (۲۰۰۲) فرایند شناختی دخیل در نوشتن واژه‌های شنیده شده را در قالب دو مسیر پردازشی به شرح زیر بیان می‌کنند:

میان شنیدن یک واژه و نوشتن آن دو مسیر پردازشی اصلی وجود دارد: مسیر واژگانی و مسیر غیرواژگانی. نوشتن واژه‌ها از طریق مسیر واژگانی مستلزم اطلاعات مورد نیاز برای ارتباط دادن بازنمایی واج‌شناختی، معناساختی و نوشتاری واژه‌ها با یکدیگر است. نوشتن یک واژه شنیداری از طریق این مسیر مستلزم دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر درباره همه ویژگی‌ها یا مختصه‌های واژه

^۱.Hamp-Lyons

^۲.Kroll

^۳.Hayes

^۴.Connor

^۵.Langer

^۶.Applebee

^۷.Spelling

^۸.Tainturier

^۹.Rapp

^{۱۰}.Epstein

موردنظر از حافظه است. مسیر پردازشی یادشده به طور طبیعی به هنگام نوشتن واژه‌های آشنا، واژه‌های قاعده‌مند {واژه‌هایی که بین واحدهای صوتی (واج‌ها) و واحدهای نوشتاری (نگاره‌ها یا حروف الفبا) انطباق یک به یک برقرار باشد مانند سال، شیر، زور} و حتی به هنگام نوشتن واژه‌های بی‌قاعده (مانند خواهر) فعال می‌شود.

از طرفی، نوشتن واژه‌ها از طریق مسیر غیرواژگانی مستلزم دسترسی به اطلاعات دقیق درباره صداها، معنا و املاي واژه‌های شنیده شده نیست و از این جهت با مسیر واژگانی فرق دارد. در عوض، نوشتن واژه‌ها از طریق این مسیر پردازشی مستلزم تبدیل صداها یا واج‌ها به گروه‌هایی از حروف یا نگاره‌هاست. این مسیر پردازشی به طور طبیعی به هنگام نوشتن واژه‌های ناآشنا و ناواژه‌ها فعال می‌شود. هنگامی که رابطه بین واج‌ها و نگاره‌ها قاعده‌مند (یک به یک) باشد (مانند کلمه «بار») این مسیر منجر به املاي صحیح واژه‌ها می‌شود. اما هنگامی که رابطه یادشده بی‌قاعده باشد (مثلاً «خواهر») منجر به اشتباهات املاي می‌شود.

تولید متن نوشتاری از جهات مهمی با سه مهارت زبانی دیگر (خواندن، گوش‌دادن و سخن‌گفتن) فرق دارد؛ زیرا نوشتن تلاشی زایاست، مستلزم کاربرد خرده‌مهارت‌های متعدد و انواع منحصربه‌فرد دانش است و در عین حال به هنگام نوشتن بسیاری از منابع شناختی مشترک با مهارت‌های دیگر مانند سخن‌گفتن نیز به کار گرفته می‌شود.

متن نوشتاری صورت‌های مختلفی دارد: فهرست‌نویسی، تدوین رئوس مطالب، طرح، پیشنهاد، پیش‌نویس، تفسیر. نوشتن تا حدودی به میزان ابتکار فرد نیز بستگی دارد و مستلزم استفاده از منابع متعدد از قبیل اسناد قبلی، مدل‌های گونه‌های ادبی و منابع دیگر و البته دانش و تجربه‌های پیشین نویسنده است. از طرفی، گونه نوشتاری سبک متن یا زبان نوشتاری است،^۱ هر نوع آن هدفی را دنبال می‌کند و مخاطبی دارد یعنی متناسب با بافت موقعیت تدوین می‌شود (نوشتن بافت‌مدار). در جریان گذر از سال‌های مدرسه کودکان باید بیاموزند که گونه‌های متفاوتی را بنویسند. در سال‌های آغازین مدرسه هنگامی که مهارت نوشتن آن‌ها در سطح ابتدایی است، آنان باید بیاموزند که گونه‌های نوشتاری متفاوت را درک کرده و متون ساده‌ای را بنویسند. کودکان خردسال از طریق کتاب‌ها و مطالب خواندنی متفاوتی که در کلاس می‌خوانند با گونه‌های نوشتاری متفاوت آشنا می‌شوند.

انواع گونه نوشتاری ادبی عبارت است از: بازگویی شخصی^۲، روایت^۳، شعر.

^۱مطالب مربوط به گونه نوشتاری برگرفته از منبع زیر است:

<http://www.kidsandlearning.com/types-of-genres.html>

^۲Personal recount

^۳Narrative

بازگویی شخصی: بازگویی شخصی در اصل بازگویی رویدادهایی است که اتفاق افتاده است. معمولاً کودکان پس از یک سفر میدانی یا پس از چند روز تعطیلی آن‌ها را بازگو می‌کنند. رئوس مطالب بازگویی شخصی عبارتند از:

- جهت‌گیری - چه زمانی و کجا روی داده است و چه کسی در آنجا بوده است.
- توالی رویدادها - اینکه رویدادها با چه ترتیبی اتفاق افتاده‌اند.
- پایان - اینکه چگونه تجربه موردنظر به پایان می‌رسد و نظر شخصی درباره رویدادها مطرح می‌شود.

در یک بازگویی شخصی از فعل‌ها استفاده می‌شود، رویدادها توصیف می‌شوند و واژه‌های ربطی مانند بعد، سپس، و که به کار می‌روند.

روایت: روایت در اصل داستانی مبتنی بر واقعیت یا تخیل است. متون روایتی انواع متعددی دارند شامل داستان‌های کوتاه، داستان‌های معماگونه، سرگذشت، نمایشنامه و افسانه‌های پریان. رئوس مطالب یا ساختار یک روایت شامل جهت‌گیری، مسئله و حل مسئله است.

- جهت‌گیری - ابتدای داستان معرفی می‌کند که شخصیت‌های اصلی چه کسانی هستند، صحنه مشخص می‌شود و توصیف می‌شود که چه زمانی و کجا داستان مورد نظر اتفاق می‌افتد.

- مسئله - چیزی اشتباه می‌شود یا مسأله‌ای مطرح می‌شود. مانند بیشتر داستان‌هایی که خوانده می‌شوند، چیزی برای یکی از شخصیت‌های اصلی روی می‌دهد. در این قسمت اطلاعاتی نوشته می‌شود که مسئله یا پیچیدگی را شکل داده و توصیف می‌کند.

- حل مسأله - مسأله یا پیچیدگی رفع می‌شود. این کار منجر به رفع مسأله به صورت خوب یا بد می‌شود. در این قسمت پایان داستان نیز مطرح می‌شود.

شعر: گونه‌ای ادبی شامل قطعات قافیه‌دار^۱، تصنیف عاشقانه^۲، آواز^۳، اشعار سه سطری (هایکو)^۴ انواع گونه‌های نوشتاری غیرادبی را می‌توان به تبادلی، روپه‌ای، گزارشی و توضیحی تقسیم کرد. تبادلی: این مورد شامل تبریک، دعوت، عذرخواهی، مقدمه کتاب، قدردانی، گفتگوی تلفنی، نامه شخصی و آگهی هستند.

روپه‌ای: شامل دستورالعمل، فهرست، آزمایش علمی و قواعد بازی است.

راهنما^۵: می‌تواند نوشتاری یا گفتاری باشند. راهنماها شامل این موارد هستند:

^۱.Rhyming verse

^۲.Ballad

^۳.Song

^۴.Haiku

^۵.Direction

- هدف: به کجا می‌خواهید بروید
 - مراحل: مراحل مورد نیاز برای رسیدن به هدف
- دستورالعمل: برای ساختن چیزها یا انجام کارها به کار می‌رود. دستورالعمل شامل نسخه و آزمایش علمی است و شامل ساختار زیر است:
- هدف: می‌خواهید به چه چیزی دست یابید
 - مواد/محتوا: فهرستی از چیزهایی که برای نیل به هدف خود نیاز دارید
 - مراحل: توالی مراحل مورد نیاز
- دستورالعمل‌ها اغلب شامل چندین فعل کنشی هستند و به زمان حال نوشته می‌شوند.
- گزارشی: شامل گزارش‌های اطلاعاتی، گزارش‌های روزانه، توصیف‌ها و گزارش‌های خبری است. گزارش‌های اطلاعاتی: گزارش‌های اطلاعاتی اغلب در مدارس برای اطلاع‌رسانی دربارهٔ حیوانات، گیاهان یا مکان‌ها نوشته می‌شوند. ساختار مورد نیاز در یک گزارش اطلاعاتی شامل این موارد است:
- عنوان - آنچه که درباره‌اش نوشته می‌شود
 - مقدمه - توصیف یا تعریفی دربارهٔ یک موضوع به دست می‌دهد
 - متن اصلی - متن اصلی را می‌توان به مقولاتی تقسیم کرد که هر کدام یک عنوان فرعی دارند
 - نمونه‌ها، تصاویر و نمودارها - برای کمک به توصیف موضوع
 - نتیجه‌گیری
 - واژه‌نامه - می‌توان آن را شامل فهرستی از واژه‌ها دانست که خاص موضوع هستند و نیاز به تعریف دارند.
- گزارش‌های اطلاعاتی از مراحل آغازین در مدرسه نوشته می‌شوند. البته از کودکان انتظار می‌رود که یک یا دو جمله را از هر مقوله بنویسند. اما به کودکان آموزش داده می‌شود که چگونه تحقیق کنند، اطلاعات را از کجا بیابند و چگونه آن را بنویسند.
- توضیحی: انواع گونه‌های توضیحی شامل توضیحات و آگهی‌ها است.
- توضیحات: توضیحات برای تشریح چگونگی و چرایی چیزها نوشته می‌شوند. ساختار اصلی یک توضیح شامل این موارد است:
- عنوان - چگونگی یا چرایی دستورالعمل یا پرسش
 - یک دستورالعمل اصلی - تعریف اصلی دربارهٔ موضوع عنوان
 - توضیح - فرایند دستورالعمل یا پرسش را مانند عنوان در مراحل منطقی توضیح می‌دهد.

هرچند که برای برقراری ارتباط، دانستن قراردادهای زبان انگلیسی معیار نوشتاری لازم است ولی کافی نیست (کومینگ^۱، کانتور^۲، پاورز^۳، سانتوس^۴ و تایلر^۵، ۲۰۰۰). اساس نوشتن تولید ایده‌ها و تبدیل ایده‌ها به واژه نوشتاری است. نوشتن مستلزم بازیابی و سازماندهی اطلاعات ذخیره‌شده در حافظه درازمدت است. گذشته از این، نوشتن خلاقانه مستلزم فرایندهای تفکر پیچیده است. هایز^۶ و فلاور^۷ (۱۹۸۶) نوشتن را فرایندی سه مرحله‌ای می‌دانند به شرح زیر:

- مرحله برنامه‌ریزی شامل تولید ایده‌ها و سازماندهی آن‌ها در طرحی نوشتاری برای برآورده کردن هدف‌های نویسنده است. در این مرحله، هدف‌ها وضع می‌شوند، ایده‌ها تولید می‌شوند، اطلاعات از حافظه درازمدت بازیابی شده و در قالب طرحی برای نگارش سازماندهی می‌شوند.
- مرحله تولید جمله که مستلزم تبدیل طرح نوشتاری به نگارش واقعی جملات است.
- مرحله اصلاح که مستلزم ارزیابی نوشته است و دامنه آن می‌تواند تک تک واژه‌ها و نیز انسجام ساختاری کلی نوشته باشد.

توالی طبیعی فرایند نوشتن شامل برنامه‌ریزی، تولید جمله و اصلاح است، اما گاهی نویسنده‌ها این توالی را نادیده می‌گیرند. از طرفی، فرایند نوشتن تا حد زیادی به دانش نویسنده بستگی دارد. الکساندر^۸، شالرت^۹ و هیر^{۱۰} (۱۹۹۱) سه نوع دانش را در این زمینه شناسایی کردند:

- دانش مفهومی: اطلاعاتی درباره مفاهیم و طرحواره‌های ذخیره‌شده در حافظه درازمدت،
- دانش اجتماعی - فرهنگی: اطلاعاتی درباره زمینه یا بافت اجتماعی،
- دانش فراشناختی: دانشی درباره آنچه فرد می‌داند.

هایز و فلاور (۱۹۸۶) معتقدند دانش راهبردی^{۱۱} نیز نقش مهمی در ساخت یک طرح نوشتاری بازی می‌کنند. دانش راهبردی به شیوه سازماندهی هدف‌های اصلی و فرعی نوشتن برای ایجاد یک طرح نوشتاری منسجم مربوط می‌شود. آن‌ها دریافتند که نویسندگان ماهر از دانش راهبردی به صورتی انعطاف‌پذیر استفاده می‌کنند که اغلب منجر به تغییر در ساختار طرح نوشتاری در طول نگارش می‌شود.

¹.Cumming

².Cantor

³.Powers

⁴.Santos

⁵.Taylor

⁶.Hayes

⁷.Flower

⁸. Alexander

⁹. Schallert

¹⁰.Hare

¹¹.Strategic knowledge

چند عامل نویسنده ماهر را از نویسنده کم‌توان تمیز می‌دهد. تفاوت در سطح برنامه‌ریزی در این زمینه اهمیت خاصی دارد (آیزنر و کین، ۲۰۰۵). نویسنده‌های خوب به جای بازگویی دانش خود، می‌توانند آن را دستکاری کنند (بریتزر^۱ و اسکاردامالیا^۲، ۱۹۸۷) و برخلاف نویسنده‌های کم‌توان می‌توانند طرح‌های مناسبی را سازماندهی کنند. آن‌ها درباره طرح‌های خود انعطاف‌پذیرتر هستند و با به دست آوردن اطلاعات جدید یا هنگامی که ناکارآمدی طرح مشخص می‌شود آن را تغییر می‌دهند (هایز و فلاور، ۱۹۸۶).

فاصله بین طرح نوشتاری و نوشتن جملات واقعی معمولاً زیاد است. کافر^۳، هایز و فلاور (۱۹۸۶) دریافتند که مقالات همیشه حداقل هشت بار طولانی‌تر از رئوس مطالب هستند. مطالعه کافر و همکاران (۱۹۸۶) نشان داد که نویسندگان ماهر واژه‌های بیشتری را در جملات خود به کار می‌برند تا نویسنده‌های با مهارت متوسط (۱۱/۲ واژه برای نویسندگان ماهر در مقابل ۷/۳ واژه برای نویسندگان دارای مهارت متوسط).

اصلاح، فرایند کلیدی مهارت نوشتن است. نویسندگان ماهر بیشتر وقت مربوط به نوشتن را به اصلاح آن اختصاص می‌دهند تا نویسنده‌های مبتدی (هایز و فلاور، ۱۹۸۶). دلیل این امر تا حدودی آن است که آن‌ها بیشتر بر مسائل پیچیده‌ای مانند انسجام و ساختار مباحث بیان‌شده تمرکز می‌کنند.

همانطور که پیشتر نیز گفته شد برنامه‌ریزی، تولید جمله و اصلاح همگی فرایندهای مهم دخیل در نگارش هستند. بعضی از نظریه‌پردازان بین اصلاح و بازنگری^۴ تمایز قائل می‌شوند. نکته مهم دیگر آن است که سه فرایند برنامه‌ریزی، تولید جمله و اصلاح را نمی‌توان به وضوح جدا کرد. به ویژه فرایندهای برنامه‌ریزی و تولید جمله اغلب بسیار در هم تنیده‌اند.

کلوگ^۵ (۱۹۹۰) معتقد است که نگارش بیشتر از آنچه هایز و فلاور (۱۹۸۶) پیشنهاد می‌کنند فعالیتی اجتماعی محسوب می‌شود. رویکرد اجتماعی به جای تمرکز بر فرایندهای شناختی، نویسنده را نماینده یک جامعه باسواد در نظر می‌گیرد. این ایده توسط هایز (۲۰۰۰) گسترش یافت. او استدلال کرد مهمترین قسمت محیط اجتماعی که باید نویسنده‌ها در نظر داشته باشند مخاطب موردنظر متونی است که تولید می‌کنند. هنگامی که نویسنده اطلاعات شخصی درباره مخاطب ندارد این موضوع پیچیده‌تر نیز می‌شود.

¹.Bereiter

².Scardamalia

³.Kaufer

⁴.Reviewing

⁵.kellogg

از طرفی، نویسندگانی که دانش بیشتری درباره موضوع مورد نگارش داشته باشند مقالات بهتری می‌نویسند. گذشته از این، تفاوت‌های فردی در توانایی نگارش تا حد زیادی به فرایند برنامه‌ریزی بستگی دارد. بریتر و اسکاردامالیا (۱۹۸۷) دو راهبرد اصلی مورد استفاده در مرحله برنامه‌ریزی را شناسایی کردند.

- راهبرد بازگویی اطلاعات^۱

- راهبرد تبدیل اطلاعات^۲

نویسندگان با استفاده از راهبرد بازگویی اطلاعات هر چیزی را که درباره یک موضوع می‌دانند بدون برنامه‌ریزی یادداشت می‌کنند. متنی که قبلاً تولید شده سرنخ‌های بازیابی را برای تولید بقیه متن فراهم می‌آورد.

راهبرد تبدیل اطلاعات مستلزم استفاده از فضای ادبی و فضای محتوایی است. فضای ادبی به میزان موفقیت در نیل به اهداف نوشتن مربوط می‌شود (مثلاً می‌توانیم بحث را قوی‌تر ارائه کنیم) و فضای محتوایی به اطلاعات خاصی که باید نوشته شود مربوط می‌شود. نکته اینجاست که باید ارائه اطلاعات به گونه‌ای باشد که میان فضای محتوایی و فضای ادبی تعادل برقرار شود. این امر اغلب درباره نویسندگانی ماهر که از راهبرد تبدیل اطلاعات استفاده می‌کنند روی می‌دهد. بریتر و اسکاردامالیا (۱۹۸۷) فرض کردند که احتمال تولید نکات اصلی و حاوی مضامین مهم با راهبردهای تبدیل اطلاعات بیشتر از راهبردهای بازگویی اطلاعات است.

کاربرد موفقیت‌آمیز فرایند برنامه‌ریزی نیز به دانش مرتبط نویسنده درباره موضوع مورد نظر بستگی دارد. نویسندگان ماهر از لحاظ توانایی استفاده از فرایند اصلاح نیز با نویسندگان مبتدی فرق دارند.

پاپ (۲۰۰۲) به فرایند نوشتن انتقادی اشاره می‌کند. نوشتن انتقادی توجه به چگونگی برقراری ارتباط از طریق زبان نوشتاری با دیگران است. نوشتن انتقادی در جریان فرایندی انجام می‌شود که در خلوت خود و پیش از ثبت آن در قالب نوشته با زبان انجام می‌دهیم. این فرایند مستلزم فعالیتی زمان‌مند است که در آن خواندن انتقادی بر نوشتن انتقادی تقدم دارد. در واقع، هنگامی که متن نوشتاری خود را تحلیل، تفسیر و ارزیابی می‌کنیم نوشتن را به صورت انتقادی و در جریان فرایندی پویا انجام می‌دهیم. موفقیت در نوشتن انتقادی به عملکرد و نیز محتوای آن بستگی دارد. نوشته‌ای انتقادی است که پذیرای واکنش باشد و برای اینکه چنین باشد باید شفاف و واضح نوشته شود.

^۱. Knowledge telling strategy

^۲. Knowledge transforming strategy

به منظور شفاف‌نویسی، نویسنده باید لحظاتی درباره نوشتن فکر کند. اغلب به محتوای آنچه نوشته می‌شود اهمیت بیشتری داده می‌شود تا به خود فرایند نوشتن و در نتیجه محتوا واضح و شفاف بیان نمی‌شود. به این ترتیب، متنی ایجاد می‌شود که ممکن است کسی آن را نخواند. برای شفاف‌نوشتن باید نویسنده خود را به جای مدیر صحنه فیلم‌برداری قرار دهد و به جای اینکه نگران عملکرد خود به عنوان نویسنده باشد درباره عملکرد واژه‌ها از دید مخاطب خود فکر کند. با تأکید نویسنده بر فرایند نوشتن و پذیرش نقش مدیر و جهت‌دهنده، او می‌تواند رابطهٔ بهتری با نوشتهٔ خود برقرار کند.

از طرفی، علائم سجاوندی (نقطه، ویرگول، نقطه‌ویرگول، دو نقطه، علامت تعجب، خط فاصله و ...) راهی برای هدایت متن هستند و در عین حال کمک می‌کنند که زبان نوشته صریح و بدون ابهام باشد. حذف این علائم یا استفادهٔ نابجا از آن‌ها نیز اثرات چشمگیری به‌جا می‌گذارد (پاپ، ۲۰۰۲).

همچنین باید توجه داشت که واژه‌ها بیش از ابزاری برای بیان افکار ما هستند، آن‌ها فعالانه معنا را منتقل می‌کنند (استات^۱ و چپمن^۲، ۲۰۰۱). به عقیدهٔ آنان واژه‌ها نه تنها معنا را منتقل می‌کنند بلکه نقش‌های مختلفی را در نوشتار ایفا می‌کنند. آنان معتقدند بسیاری از واژه‌ها بازیگران خوبی هستند که چند نقش متفاوت را بازی می‌کنند، همچنین آن‌ها دستور را در قالب نقش‌ها و نه قواعد تبیین می‌کنند. مثلاً آن‌ها به طبقات واژگانی بنیادی (اسم‌ها، ضمائر، صفات، فعل‌ها، حروف اضافه، حروف ربط و وابسته‌های اسمی) در قالب نقش‌های واژگانی اشاره می‌کنند. به نظر آنان یک نویسندهٔ خوب در صورتی می‌تواند واژه‌ها را به خوبی جهت بدهد که نقش و کارکرد آن‌ها را به خوبی دریابد. اگر واژه‌ها به خوبی در متن هدایت شوند منجر به متنی شفاف و واضح می‌شوند.

اما اگر نویسنده بخواهد کارکرد واژه‌ها را هدایت کند باید دریابد که جمله‌ها چگونه تشکیل می‌شوند و چه کارکردی دارند. همچنین، می‌توان به کمک علائم سجاوندی واژه‌ها را میان یک حرف بزرگ و یک نقطه به یکدیگر متصل کرد (گاه به جای نقطه از علامت تعجب و یا علامت سؤال استفاده می‌شود). به این ترتیب، واژه‌ها هدایت می‌شوند.

آگاهی از ساختار جمله‌ها مستلزم تحلیل جمله‌واره‌ها است؛ اینکه واژه‌های جمله‌ها چه تصویری در ذهن ایجاد می‌کنند. نباید واژه‌ها را ابزاری زبانی و بی‌روح تلقی کرد که باید کنترل شوند. نویسندهٔ منتقد واژه‌ها را هدایت می‌کند نه اینکه آن‌ها را کنترل کند. به هنگام نوشتن باید به مفاهیم قدرت و سلسله مراتب توجه داشت. کاربرد زبان، نوشتن و فهم دستور مستلزم تدبیر و اندیشه است.

¹.Stott

².Chapman

نقش جمله به کارکرد آن مربوط می‌شود. اگر واژه‌ها را مانند بازیگرانی تصور کنیم که در اختیار نویسنده هستند؛ جملات صحنه بازی را مهیا می‌کنند. داستان‌های متفاوت مستلزم شخصیت‌های متفاوت در صحنه‌های متفاوت هستند. اگر شخصیت‌ها شناخته شده باشند شناسایی صحنه متناسب با آن‌ها کار دشواری نیست. توانایی انطباق شخصیت و صحنه، یا به عبارتی توانایی انطباق واژه و جمله به نویسنده در وضوح و شفافیت نوشته او کمک می‌کند.

یکی از مهمترین شیوه‌های نیل به انطباق واژه و جمله از طریق نحو^۱ است. نحو ترتیب رخداد واژه‌ها را در جمله توصیف می‌کند و بر کاربرد صحیح نقش‌های دستوری حاکم بر ساخت جمله تکیه می‌کند. کارکرد صحیح جملات مستلزم ساختاربندهی صحیح آن‌ها است. نحو تضمین می‌کند عملکرد جملات به گونه‌ای باشد که مخاطبان در جای خود می‌خکوب شوند.

از ترکیب جملات پاراگراف‌ها شکل می‌گیرند. پاراگراف‌ها گروه‌هایی از جملات هستند که روی هم یک واحد معنایی را شکل می‌دهند. این واحدها را می‌توان به گونه‌ای سازماندهی کرد که واحد معنایی بزرگتر و پیچیده‌تری را خلق کند. نویسنده نباید همه چیز را در قالب یک تک‌گویی طولانی و پرهیجان به مخاطب بگوید (آن‌ها هم چنین انتظاری ندارند). او باید نوشته خود را در قالب چندین پاراگراف تدوین کند تا به مخاطب- خواننده خود زمان کافی برای درک و تفکر درباره نوشته خود را بدهد. به عبارت دیگر، نویسنده با استفاده از پاراگراف‌ها نوشته خود را در ذهن مخاطب هدایت می‌کند.

بیشتر پاراگراف‌ها دارای جمله موضوعی^۲ هستند. جملات موضوعی جملاتی هستند که نویسنده از طریق آن‌ها معنای پاراگراف‌ها را به صراحت بیان می‌کند، اغلب نخستین جمله یک پاراگراف هستند و جوهره کل پاراگراف را تشکیل می‌دهند. جملات موضوعی به خواننده کمک می‌کنند که معنای نوشته را درک کند.

عوامل اثرگذار بر مهارت نوشتن

نوشتن را می‌توان با توجه به نقش‌های کلامی آن (مثلاً مباحثه‌ای، روایتی و انعکاسی)، بار شناختی و ماهیت اجتماعی آن نیز مورد بررسی قرار داد (پوروس^۳، ۱۹۹۲). این فرایند فعالیتی ذهنی است که مستلزم فرایندهای شناختی است (مانند حافظه درازمدت و فعال)، اما یک جنبه عاطفی نیز دارد که شامل انگیزه است (هایز، ۱۹۹۶).

^۱.Syntax

^۲.Topic sentence

^۳.Purves

مدل‌های شناختی متعددی شکل گرفته که نشان می‌دهد اگرچه می‌توان بر محصول نوشتن تمرکز کرد، نوشتن به صراحت مستلزم یک فرایند است. این فرایند را نمی‌توان در قالب مراحل متوالی و مشخص و افزایشی توصیف کرد. ترجیحاً فرایند نوشتن ماهیت بازگشتی تکراری و غیرخطی دارد. نوشتن تنها از این جهت افزایشی است که واژه‌های انتخاب شده به تدوین جملات معنی‌دار کمک می‌کنند و آن‌ها نیز به نوبه خود قطعات بزرگ معنایی را تشکیل می‌دهند (مثلاً پاراگراف‌ها، قسمت‌ها، فصول و مجلدات).

مدل شناختی اخیر که توسط هایز (۱۹۹۶) مطرح شد دو مؤلفه اصلی دارد: محیط تکلیف و فرد. محیط تکلیف متشکل از مؤلفه‌ای اجتماعی (شامل مخاطب، محیط و منابع دیگری است که ممکن است ضمن نوشتن به آن‌ها دستیابی داشته باشد) و مؤلفه‌ای فیزیکی (شامل متنی که نویسنده تاکنون نوشته و رسانه مورد استفاده برای تولید آن، مثلاً پردازشگر واژه) است. مؤلفه فرد شامل موارد زیر است:

- انگیزه و عاطفه
 - فرایندهای شناختی (تفسیر متن، تفکر و تولید متن)
 - حافظه فعال، و
 - حافظه درازمدت (شامل دانش مربوط به موضوعات، گونه‌های ادبی، مخاطب و ... است)
- برنامه‌ریزی جنبه مهمی از تمام مدل‌های شناختی را تشکیل می‌دهد. پیامد آن اینست که نوشتن بیشتر مستلزم تفکر و تأمل است نه واکنش فی‌البداهه. نوشتن تا حد زیادی یک اقدام اجتماعی است. مثلاً مستلزم همکاری میان نویسنده‌های متعدد است. اما جنبه اجتماعی آن رابطه‌اش با مخاطبان (خواننده‌ها) است.
- نوشته خوب را می‌توان با توجه به تأثیر کلی آن روی خواننده تعریف کرد. از این جهت، هر آنچه که مانع درک خواننده شود منجر به نوشته بد می‌شود. یک نویسنده خوب از مهارت‌ها و راهبردهای انتقال معنا استفاده می‌کند و از کاربرد مواردی که معنا را مخدوش می‌کند اجتناب می‌کند. البته باید دانست معیارها و استانداردهای چنین قضاوت‌هایی با توجه به بافت موقعیت، هدف و انتظار نوشته و نیز نقش‌های بینافردی نویسنده‌ها و خواننده‌ها متنوع است. مثلاً پیام پست الکترونیکی کوتاه برای قرار گذاشتن با یک دوست و گزارش فنی ارائه‌شده برای یک درس دانشگاهی احتمالاً تا حد زیادی به لحاظ کیفیت تعیین‌کننده صراحت، قدرت اقناع و رضایت‌مندی با یکدیگر فرق دارند.

به طور کلی بیشتر برداشت‌های رایج درباره نوشتن بر توانایی سازماندهی افکار، بیان چیزی که خواننده را درگیر می‌کند و به یک معنا نمایش عمق مطلب، مرتبط به موضوع ماندن و فراهم آوردن حس نزدیکی تأکید می‌کنند. تنوع، ارائه واضح یک موضوع یا مضمون، روابط میان ایده‌ها و

سازمان‌دهی آن‌ها، جزئیات و پیچیدگی‌ها- در موارد ضروری- و روانی مطلب از دیگر ویژگی‌های یک نوشته خوب هستند.

اهمیت حافظه فعال در فرایند نوشتن

نوشتن برای بیشتر افراد دشوار و طاقت‌فرسا است. کلوگ (۲۰۰۱) استدلال می‌کند این امر به دلیل آن است که حافظه فعال به هنگام نوشتن زیاد به کار می‌آید. به نظر او بسیاری از انواع تکالیف نوشتن بار زیادی را بر حافظه فعال تحمیل می‌کنند و حافظه فعال مسئول پردازش و ذخیره اطلاعات بر مبنایی کوتاه‌مدت است.

مؤلفه کلیدی نظام حافظه فعال، اجراکننده مرکزی است که فرایند توجه را کنترل می‌کند و در سازماندهی و هماهنگ کردن فعالیت‌های شناختی دخالت دارد. مؤلفه‌های دیگر نظام حافظه فعال شامل محفظه دیداری- فضایی^۲ (دخیل در پردازش دیداری و فضایی) و محفظه واج‌شناختی^۳ (دخیل در بازگویی کلامی) است. همه این مؤلفه‌ها گنجایش محدودی دارند (بدلی^۴ و هیچ^۵، ۱۹۷۴). شواهدی وجود دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان ادعا کرد هر کدام از این مؤلفه‌های حافظه فعال یا همه آن‌ها در نوشتن دخالت دارند.

شاخص‌های آموزش نوشتن

با توجه به مباحث مطرح‌شده درباره فرایند نوشتن می‌توان ادعا کرد که نوشتن کنشی ارتباطی است و به طرز متناسب با مخاطب و بافت موقعیت شکل می‌گیرد. مهارت نوشتن طی دو مرحله آموزش داده می‌شود: املاء و تولید متن نوشتاری. املاء مستلزم تبدیل واج‌ها به حروف الفباست، اما تولید متن نوشتاری مستلزم تبدیل ایده‌های ذهنی به جملات واقعی در قالب متنی منسجم است. معمولاً متون به صورت هدفمند و برای بازنگهداشتن کانال ارتباط یا انتقال اطلاعات و متناسب با بافت موقعیت نوشته می‌شوند (نوشتن بافت‌مدار). دانش‌آموزان باید بتوانند اطلاعات و تجربیات جدید را تلفیق کرده، خلاصه‌ای از آن‌ها ارائه دهند و یا آن‌ها را مجدداً صورت‌بندی کنند. البته، برای برقراری ارتباط دانستن قراردادهای زبان معیار نوشتاری نیز لازم است (فن نوشتن). نوشتن مستلزم توانایی تولید ایده‌ها، سازماندهی آن‌ها در طرحی نوشتاری و بازیابی اطلاعات از حافظه درازمدت است (سازماندهی متن). تدوین طرحی منسجم مستلزم سازماندهی ایده‌های اصلی

^۱.Central executive

^۲.Visuo-spatial sketchpad

^۳.Phonological loop

^۴.Baddeley

^۵.Hitch

و فرعی متن است. این مورد با میزان توانایی فرد در دستکاری اطلاعات و میزان دانش فرد دربارهٔ موضوع مورد نگارش نیز بستگی دارد.

نوشتن باید انتقادی نیز باشد. به عبارت دیگر، نویسنده باید به چگونگی برقراری ارتباط از طریق زبان نوشتاری با دیگران توجه کند. او باید متن نوشتاری خود را در جریان فرایندی پویا تحلیل، تفسیر و ارزیابی کند.

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان شاخص‌های مهارت نوشتن را به صورت زیر ارائه کرد:

الف- املاء

ب- تولید متن نوشتاری

- نوشتن بافت‌مدار

- راهبردهای نوشتن (فن نوشتن - سازماندهی متن)

- نوشتن انتقادی

فصل هفتم

مروری بر آموزش نوشتن

در نظام آموزش و پرورش ایران

مقدمه

فصل حاضر به آموزش نوشتن در چارچوب نظام آموزش و پرورش ایران در دوره‌های مختلف تحصیلی اختصاص یافته است. از آنجا که برنامه درسی دوره شش ساله ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه (نظام جدید آموزشی) هنوز به نگارش در نیامده است، از این رو، ناگزیریم کتاب‌های نگاشته شده برای این دوره‌های آموزشی را از منظر آموزش نوشتن توصیف کنیم. به منظور سهولت مقایسه برنامه آموزشی ایران با برنامه آموزشی کشورهای توسعه‌یافته آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، نیوزیلند و استرالیا (که موضوع فصل ۴ این کتاب است)، در ادامه کتاب‌های درسی پایان دوره ابتدایی (پایه ششم)، پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم) و پایان دوره دوم متوسطه (پایه دوازدهم) توصیف می‌شوند.

توصیف برنامه آموزش زبان ملی ایران از منظر آموزش سخن‌گفتن

الف. توصیف کتاب‌های فارسی پایان دوره ابتدایی (پایه ششم، ۱۳۹۴)

همان‌طور که در فصل ۳ گفته شد، کتاب فارسی پایه ششم در دو جلد به تفکیک برای مهارت‌های خوانداری و نوشتاری تدوین شده است. کتاب مهارت‌های نوشتاری به قلمرو نوشتار و نمادهای خطی زبان و به دیگر سخن به پهنه مهارت‌های تولیدی زبان مربوط می‌شود؛ یعنی در کتاب مهارت‌های خوانداری فارسی، زبان‌آموز اطلاعات و معارف را از طریق متن درس‌ها و آموزه‌ها دریافت می‌کند و این کار سبب پرورش ذهن و زبان، گسترش دامنه واژگان و تقویت تفکر و تحلیل دانش‌آموز می‌شود که در گفتار و بیان دیدگاه‌ها و حضور فعال در کارهای گروهی و نقد و تحلیل شفاهی، قابل مشاهده و ارزشیابی است؛ اما در کتاب مهارت‌های نوشتاری فارسی، آموخته‌ها در قالب نوشته، نمایان می‌شوند. ۷. کتاب مهارت‌های نوشتاری چهار بخش دارد:

الف) فعالیت‌های درس، نخستین تمرین‌های نوشتاری هستند و با هدف سنجش و ارزشیابی از آموخته‌های کتاب خوانداری و بر پایه متن درس طراحی شده‌اند.

ب) املاء: این قسمت، پرسش‌هایی با تکیه بر درس فارسی آمده که ماهیت املائی دارند، بنابراین، ضروری است به بهانه پاسخ به پرسش‌ها، آموزه‌های املائی، نخست آموزش داده شوند.

پ) نگارش: در این قسمت، نوشتن اولیه و ساده آموزش داده می‌شود و سیر از کلمه تا کلام را دنبال می‌کند. یعنی، نخست انتخاب و کاربرد کلمه، سپس گسترش واژه و ترکیب‌سازی، در پی آن، عبارت‌نویسی، پس از آن جمله‌نویسی و سرانجام بندنویسی مورد توجه قرار می‌گیرد. البته همه این کارها به طور پنهان و غیرمستقیم و در قالب پرسش‌های نگارشی سازماندهی شده است ولی در آموزش، لازم است همکاران محترم به فراخور شکل‌گیری مهارت‌های نگارشی توجه داشته باشند.

ت) کارگاه نویسندگی: در حقیقت، اصلی‌ترین بخش کتاب مهارت‌های نوشتاری، همین قسمت است. به بیان دیگر، سه قسمت نخست، مراحل تکرار، تمرین، دست‌ورزی، نرمش ذهن و زبان و قلم است برای دستیابی به مهارت نوشتن و روی آوردن به یک کار خلاقانه و آفرینشی.

کارگاه نویسندگی خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

- آموزش: اولین چیزی که در کارگاه نویسندگی آمده، آموزش و یادگیری نکات مهمی است که دانستن آنها برای نویسندگی لازم است. در این بخش برخی از هنجارهای درست‌نویسی و شگردهای پرورش ذهن، به کوتاهی بیان شده است.
- کاربست: یعنی به‌کارگیری نکاتی که در آموزش بخش نخست گفته شده، برای این کار معمولاً یک یا دو پرسش طرح شده است که دانش‌آموزان گرامی در تولید انشای خود باید از آن آموزه‌ها بهره بگیرند.
- ضرب‌المثل: در هر کارگاه نویسندگی، یک ضرب‌المثل، هماهنگ با محتوای فصل انتخاب شده است. ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاه و معمولاً تصویری و سرشار از معانی و مفاهیم و حکمت هستند و ذهن زبان‌آموز را بارور و سیراب می‌سازند، به همین سبب در این قسمت هر کسی فهم و دریافت خود را از ضرب‌المثل می‌نویسد. این کار باعث می‌شود هم ضرب‌المثل در ذهن، جاگیر شده و به حافظه سپرده شود و هم دست‌مایه‌ای در گفتار و نوشتار باشد.
- تحلیل: در این بخش، یک پرسش تحلیلی با رویکرد واگرا آمده که فقط در پایان فصل‌ها قرار گرفته است و هدف از این تمرین نوشتاری، یادآوری آموخته‌ها، پرورش حافظه و یادسپاری درازمدت، تقویت توانایی درک و دریافت، رشد قدرت جمع‌بندی و تحلیل نهایی دانش‌آموزان است.

در کتاب‌های فارسی از سه نوع خط استفاده شده است: اول خط نسخ یا خط خواندنی، دوم خط تحریری یا خط نوشتنی و سوم خط نستعلیق ساده یا خط هنری. خط خواندن خطی است که در کتاب‌ها و روزنامه‌ها استفاده می‌شود. دانش‌آموز می‌تواند این خط را در بخش «بخوان و ببیند» ببیند. خط تحریری در متن درس آمده است تا دانش‌آموز به‌هنگام رونویسی آن را تمرین کند. برای یاددهی این خط به آموزش جداگانه‌ای نیاز نداریم چرا که هدف اصلی این است که دانش‌آموزان درحین عمل و رونویسی آن را یاد بگیرند. خط نستعلیق ساده یا هنری نیز خطی است که شعرهای کتاب با آن چاپ شده است تا دانش‌آموزان با دیدن آن، با زیبایی‌ها و ظرایف آن انس بگیرند.

با توجه به اینکه امروزه در فرایند یاددهی-یادگیری، دانش‌آموز نقش فعالی دارد استفاده از روش‌های فعال و پیشرفته در تدریس و آموزش کتاب فارسی توصیه شده است و فرصت‌هایی برای

مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی به منظور تقویت مهارت‌های گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن، نوشتن و اندیشیدن برنامه‌ریزی شده است. با توجه به اینکه اساس و پایه آموزش زبان فارسی بر تفکر و خلاقیت استوار است به آموزگاران توصیه شده است در کلاس درس به این جنبه و نیز تفاوت‌های فردی توجه داشته باشند. برای تقویت خلاقیت، بهتر است از پرسش‌های واگرا و باز پاسخ، استفاده گردد و در پاسخ‌های ابداعی و خلاق دانش‌آموز؛ از پیش‌داوری دوری شود تا مانع پرورش و شکوفایی گفتار و نوشتار خلاق آنان نشود. به معلمان توصیه شده است که در ارزشیابی از کتاب به مهارت‌های چهارگانه زبانی و تفکر و قدرت تحلیل دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی توجه کنند و در امتحانات رسمی پایان ماه یا پایان نوبت نیز مهارت نوشتن (املا، نگارش و انشاء) را به عنوان فعالیت‌های عملی مورد توجه قرار دهند.

ب. توصیف کتاب‌های فارسی پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم، ۱۳۹۴)

کتاب فارسی پایه نهم نیز در دو جلد به تفکیک برای مهارت‌های خوانداری و نوشتاری (نگارش و انشا) تدوین شده است. در کتاب ویژه آموزش نوشتن فرصت‌ها و فعالیت‌های نوشتاری به گونه‌ای طراحی و سازماندهی شده‌اند تا یادگیری و تثبیت آموخته‌ها و کاربرد صحیح آنها به درستی محقق شود. فعالیت‌های نوشتاری، تمرینی برای درست‌نویسی و تقویت سواد ادراکی محتوای کتاب فارسی است. فعالیت‌های نوشتاری باید در دفتر پاسخ داده شوند. نوشتن پاسخ برخی از فعالیت‌های نوشتاری در کلاس به صورت گروهی به پرورش تفکر جمعی دانش‌آموزان کمک می‌کند و روحیه مشورت‌پذیری و هم‌اندیشی را شکوفا می‌سازد. درس نگارش و انشاء که در پرورش ذهن، خلاقیت و تقویت توان نویسندگی بسیار مؤثر است از مهرماه سال ۱۳۹۳ در قالب کتابی جداگانه طراحی شده است؛ به همین سبب، فعالیت‌هایی که ماهیت نگارشی دارند؛ در این کتاب دیده نمی‌شوند. همه عناصر ساختاری و محتوایی کتاب فارسی، بر بنیان اصول علم برنامه‌ریزی درسی، به صورت یک‌پارچه و درهم تنیده، سازماندهی شده است، از این رو، آموزش این کتاب، می‌باید به یک دبیر واگذار گردد و برنامه‌ریزان محترم آموزشی مدارس، لازم است به این اصل پایبند باشند و از تفکیک ساعات آموزشی و مواد درسی (فارسی)، (املاء) و تقسیم آن میان چند دبیر جداً خودداری کنند. در مقدمه کتاب آموزش مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا) نیز نوشتن یکی از مهارت‌های بهتر زیستن معرفی شده است. از دید نگارندگان این کتاب، نوشتن در پهنه یادگیری، بعد از آشنایی با الفبا و مهارت در خواندن آغاز می‌شود. آنان مهارت نوشتن را نتیجه و محصول خواندن می‌دانند و بر این باورند که خواندن دقیق کتاب‌های مناسب، می‌تواند سرمشق درست‌اندیشی و آسان‌نویسی باشد. به بیان دیگر، نوشتن، فرزند خواندن است. هرچه بیشتر بخوانیم، توانایی‌های ذهن ما بیشتر نیرو می‌گیرد و کار نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود. سخن دیگر اینکه، هدف از

خواندن تنها روخوانی متن نوشته‌ها نیست؛ هرچیزی که ذهن را به درنگ وادارد و فکر را به کار اندازد؛ متن است و قابل خواندن و اندیشیدن. هر یک از رویدادها، متنی هستند که ذهن را به خوانش و تفسیر فرامی‌خوانند. هر تصویر، یک متن است. هنگامی که موضوع نگارش یک تصویر، نقاشی یا یک صحنه از رویدادهای اجتماعی باشد، مانند یک نوشته یا داستان، نخست بر همه اجزا، نقش‌ها و رنگ‌ها و پیکره آن، خیره می‌شویم، سپس درباره نقش عناصر آن، گفت و گو و تأمل می‌کنیم و آنچه به ذهنمان می‌آید، می‌نویسیم.

در آموزش محتوای کتاب مهارت‌های نوشتاری، تأکید بر بهره‌گیری از روش‌های فعال و تقویت روحیه مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان است. گفت و گو، هم‌افزایی، بازاندیشی، کتابخوانی، رایزنی، بازسازی و بازپروری فکر، از بهترین شیوه‌ها برای رسیدن به ذهن چالاک و زایا است. به‌کارگیری روش‌هایی چون زایش و برخورد اندیشه‌ها (روشن‌سازی طرز تلقی)، بارش فکری، نوآفرینی (بدیعه‌پردازی) و حل مسئله، در آموزش مفاهیم این کتاب، اثربخش و کارا خواهد بود. یادآور می‌شود که بنیاد نوشتن و تولید متن، فعالیت فردی است؛ اما مراحل پیش از نوشتن و پس از نوشتن بهتر است جمعی و گروهی باشد. بنابراین، فرایند سه مرحله‌ای پیش رو داریم:

الف) پیش از نوشتن (ب) نوشتن (پ) پس از نوشتن

مرحله نخست، فرصت‌سازی برای هم‌اندیشی، زایش ذهن و بارش فکری گروه‌های دانش‌آموزی است. گفت و گو درباره موضوع، تبادل اطلاعات، طراحی نقشه ذهنی و ... همه در این مرحله انجام می‌گیرد. مرحله دوم، زمان تولید نوشته است. هرکس به سراغ دفتر و قلم خود می‌رود و با توجه به خوانده‌ها و اندوخته‌های پیشین و نقشه ذهنی طراحی شده، نوشتن را آغاز می‌کند. مرحله سوم، هنگام بازیابی و ویرایش است. این کار هم می‌تواند با مشارکت گروهی و با همفکری انجام گیرد. آنچه درباره ارزشیابی از آموزه‌های «مهارت‌های نوشتاری» یادآوری می‌شود این است که رویکرد برنامه و محتوای این کتاب، «مهارتی» است؛ یعنی برای کسب مهارت نوشتن ضروری است فرایند آموزش، زایش و بارش فکری، سازماندهی ذهنی، تولید، تمرین و تکرار طی شود. بدین سبب، این درس کاملاً ورزیدنی و عملی است و در ارزشیابی از آن جایی برای طرح پرسش‌های شناختی و حفظ‌کردنی نیست. یکی از اصلی‌ترین دلایل کم بودن حجم و تعداد درس‌ها همین است؛ کمتر حرف بزنیم و بیشتر به نوشتن فرصت بدهیم. در هر درس، سنجه‌ها و معیارهایی برشمرده شده‌اند که لازم است در نوشته‌های دانش‌آموزان و ارزشیابی از آنها مورد توجه قرار گیرند.

هدف اصلی کتاب مهارت‌های نوشتاری تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در مهارت نوشتن است. شناخت معنا و ظرفیت واژگان و کاربست درست آن در قالب مناسب نوشته، از گام‌های بنیادین در دستیابی به این هدف، به‌شمار می‌آید. در پی هر درس، همچون کتاب آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه هفتم و هشتم، تمرین‌های نوشتنی با عنوان «فعالیت‌های نگارشی»،

«درست‌نویسی»، «تصویرنویسی»، «حکایت‌نگاری» و «مَثَل‌نویسی» سازماندهی شده است. «فعالیت‌های نگارشی» با نظمی علمی و آموزشی به دنبال هم آمده‌اند؛ شماره یک با هدف تقویت توانایی بازشناسی (تشخیص)، شماره دو با هدف پرورش آفرینشگری (تقویت توانایی نوشتن و تولید دانش‌آموزان) و شماره سه با هدف تقویت داوری (توانایی بررسی، تحلیل و نقدنویسی) طراحی شده است. «درست‌نویسی» با هدف آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار در ساختار کتاب گنجانده شده است. «تصویرنویسی» یعنی نوشتن درباره اجزا و عناصر تصویر، لازمه خوب نوشتن در این بخش، دقت در نگاره‌ها، بررسی، خوانش و درک عناصر بصری است. در حقیقت، هر تصویر، بهانه بسیار مناسبی برای پویایی ذهن و سپس دست‌مایه‌ای برای نوشتن است. از هر تصویر، موضوع‌های فراوانی را می‌توان برگزید و درباره‌اش نوشت. مهم نیست که کدام بخش از تصویر را موضوع نوشتن قرار می‌دهیم. آنچه در این کار ارزش دارد، چگونگی بیان و درک و تفسیر ما از تصویر و قدرت پرورش موضوع است. «حکایت‌نگاری» بخشی دیگر از فعالیت‌هاست. در حکایت‌نگاری، تأکید بر بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی است. «مَثَل‌نویسی» تمرینی برای بازآفرینی و گسترش مثل است. در مثل‌نویسی، دانش‌آموزان با افزودن شاخ و برگ به اصل مثل، نوشته جدیدی را خلق می‌کنند.

حکایت و مَثَل در بارورسازی ذهن و زبان و پرورش حافظه و تقویت خوب سخن‌گفتن و زیبا نوشتن، بسیار مؤثر است. مایه‌های طنز نهفته در برخی از حکایت‌ها و مَثَل‌ها، طراوت ویژه‌ای به فضای ذهن اهل زبان می‌بخشد و نشاطی تازه بدان می‌افزاید که در خلاقیت و نوآفرینی بسیار نقشمند و اثرگذار است. مَثَل‌ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی، کارمایه و نیروی شگرفی دارند. یکی از ویژگی‌های این کتاب در بخش تدوین، گزینش و سازماندهی محتوا، آوردن نمونه‌های فراوان از نویسندگان ایران و ادبیات جهان است. این کار، افزون بر آشنایی خوانندگان با نویسندگان و آثارشان، آنها را به طور عملی با شیوه‌های گوناگون نوشتن نیز آشنا می‌سازد. این نمونه‌های برگزیده از بی‌شمار آثار، گلچینی رنگارنگ از سرمشق مهارت نوشتن هستند. نمونه‌متن‌هایی که بی‌نشان هستند از قلم مؤلفان این کتاب تراویده‌اند.

ج. توصیف کتاب‌های فارسی پایان دوره دوم متوسطه (پایه دوازدهم، ۱۳۹۴)

پیش از هر چیزی ذکر این توضیح ضروری است که برای پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم کتاب جدیدی تألیف نشده و هنوز کتابهای قدیم تدریس می‌شوند. در پایه دوازدهم که همان پایه سوم متوسطه در نظام قدیم است نیز کتاب فارسی برای تمام رشته‌ها در قالب دو کتاب زبان فارسی و ادبیات فارسی به نگارش درآمده است.

گذشته از ارتباط افقی و عمودی که بین دروس هر کتاب وجود دارد، محتوای کلی کتاب‌ها به گونه‌ای است که دانش‌آموز، در هر پایه نسبت به پایه‌های پیشین، اطلاعات، توانایی‌ها و نگرش‌های مورد نظر برنامه را در سطحی وسیع‌تر و عمیق‌تر کسب می‌کند. توصیه شده است که در تدریس کتاب «ادبیات فارسی ۳» از مهارت‌های زبانی به ویژه صحبت کردن و نوشتن در این درس بیشتر بهره گرفته شود و جایگاه این مهارت‌ها در فعالیت‌های کلاسی حفظ گردد.

❖ اهداف کلی کتاب ادبیات فارسی ۳ در زمینه مهارت نوشتن

- ۸- آشنایی با مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و توانایی به‌کارگیری درست آن‌ها،
- ۹- آشنایی با جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات فارسی،
- ۱۰- توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال،
- ۱۱- تقویت توانایی تشخیص و به‌کارگیری نکات بلاغی در متون ادبی.

در باره کتاب «زبان فارسی ۳» باید گفت براساس تلفیقی بودن روش برنامه‌ریزی درسی سعی شده است مهارت‌های زبانی، قواعد شناخت زبان فارسی و کاربرد درست آن به گونه درهم تنیده در قالب کتاب «زبان فارسی ۳» ارائه و ارزشیابی شود. مباحث درهم تنیده کتاب، در چهار حوزه زبان‌شناسی، دستور، نگارش و املاء تهیه شده است که ساختار هر یک به تفکیک، در قالب نکاتی اساسی یادآوری می‌شود. البته این تفکیک برای روشن شدن مباحث است و ضرورت دارد در آموزش این کتاب همه مطالب با هم دیده شود. به همین سبب، خودآزمایی‌های هر درس نیز درهم تنیده تنظیم شده است.

الف) زبان شناسی

برای اینکه دانش‌آموزان با مباحثی از علم زبان‌شناسی (غیر از آنچه سال اول و دوم تدریس می‌شود) آشنایی مختصری پیدا کنند، در هر سال، چند درس در نظر گرفته شده است. این مباحث ضمن اینکه درک عمیق و درستی از زبان به دانش‌آموز می‌دهد و او را با مقوله زبان آشنا می‌سازد، به طور غیرمستقیم در فهم دستور نیز یاریگر اوست.

ب) دستور زبان فارسی

کوشش شده است که دستور زبان دوره دبیرستان، بر مبنای نظریه علمی ساخت‌گرایی نوشته شود و در حد امکان دستور سنتی نیز مد نظر قرار گیرد. در تدوین دستور، نکات زیر مورد نظر بوده است. کتاب «زبان فارسی ۳»، توصیف فارسی نوشتاری امروز در کتاب‌های درسی است؛ نه فارسی گفتاری، نه عامیانه، نه شعر و نه فارسی روزگار گذشته. همچنین، سیر مطالب و مباحث از ساده به

پیشرفته است و غالب بخش‌ها به منزله پیش‌نیازی برای بخش‌های بعدی است؛ بنابراین، اگر در یادگیری بخش‌های نخست کتاب توجه کافی مبذول گردد در پایان کار نتیجه مطلوب خواهد بود.

پ) بخش نگارش

درس‌های نگارش در ادامه و تکمیل دروس نگارشی دوره اول متوسطه با توجه به نکات زیر تهیه و تنظیم شده است:

- درس‌ها عمدتاً به شیوه استقرایی و به کمک تحلیل نمونه‌ها و استفاده از شیوه مقایسه نگاشته شده است.
- به جنبه‌های کاربردی و عملی و تقویت مهارت‌های نگارشی توجه شده است.
- در این شیوه فرصت‌های مناسب برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری فراهم آمده است.
- مطالب با تکیه بر آموخته‌های قبلی و از ساده به پیشرفته تنظیم شده است.
- در بخش تمرین و نگارش، فرصت‌های بازآموزی و کاربردی فراوانی پیش‌بینی شده است.
- تمرین‌ها ناظر به سطوح مختلف یادگیری است.
- از شیوه ارزشیابی تکوینی در درس‌ها استفاده شده است.
- در دروس از نمونه‌های نثر امروز به عنوان شاهد مثال و نیز به قصد ارائه نمونه‌های فارسی معیار که با مسائل آموزشی مرتبط است استفاده شده است.
- نکته‌های نگارشی با عنوان «بیاموزیم» در درس‌ها آمده است.

ت) املاء

یکی از اهداف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، آشنایی دانش‌آموزان با شیوه‌ها و قواعد درست نوشتن، ایجاد مهارت در کاربرد صحیح کلمات و زیبانویسی، تندنویسی و درست‌نویسی است. برای تحقق این هدف مهم، به طور مشخص در هر سال، چهار درس املاء در نظر گرفته شده است که ضمن آموزش چند نکته املائی و بحث و گفت‌وگو درباره آنها، از گروه کلمه هر دو کتاب زبان فارسی ۳ و ادبیات فارسی ۳ املائی تقریری گفته می‌شود. علاوه بر این، در درس‌ها نیز نکته املائی با عنوان «بیاموزیم» گنجانیده شده است تا دانش‌آموزان به تدریج با قواعد نظری درست‌نویسی آشنا شوند. کلیه «بیاموزیم» ها به خط تحریری چاپ شده تا دانش‌آموزان ضمن آشنایی با نمونه‌های عملی، مهارت بکارگیری خط تحریری را نیز کسب کنند. نظر به اینکه درست‌نویسی کلمات و ترکیبات تازه کلیه کتاب‌های درسی در هر پایه تحصیلی (نه تنها درس فارسی) هدف درس املاست، لازم است از دانش‌آموزان خواسته شود کل کتاب‌های پایه را با چنین

هدفی مطالعه کنند. ارزشیابی از بخش دَوَمِ املا به کمک گروه کلمه عملی خواهد بود. مقدار متن پیشنهادی برای املاء در مجموع حدود بیست سطر چاپی مناسب به نظر می‌رسد. اهداف کلی آموزش زبان فارسی (۳) عمومی در سال سوّم متوسطه الف) حوزه شناختی

انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب با مسائل و موضوعات زیر آشنا شوند:

- زبان فارسی معیار و نقش آن در تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی
- قواعد و فرایندهای زبان فارسی
- شیوه‌ها و قواعد درست‌نویسی
- ساختار صرفی و نحوی زبان فارسی معیار
- ساختمان کلمات و انواع آن در زبان فارسی معیار
- ساختمان جملات و انواع آن در زبان فارسی معیار

ب) حوزه نگرشی

انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری، به موضوعات زیر علاقه و نگرش مثبت پیدا کنند:

- طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب نوشتار مناسب
- مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی

پ) حوزه مهارتی

انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی زیر در دانش‌آموزان تقویت شود:

- تشخیص انواع نوشته‌ها در زبان فارسی
- تشخیص قواعد درست‌نویسی
- تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی
- به‌کارگیری درست مهارت‌های زبانی
- به‌کارگیری قواعد املایی و نگارشی
- مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی
- به‌کارگیری راه‌های پرورش معانی در نگارش
- ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی
- به‌کارگیری قواعد دستور تاریخی و امروزی در متون مختلف

به منظور سهولت مطالعه، هدف‌های برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه در زمینه آموزش نوشتن در قالب جدول زیر به تفکیک دوره مطرح شده است:

<ul style="list-style-type: none"> - آموزش نوشتن اولیه و ساده - آموزش انتخاب و کاربرد کلمه، - آموزش گسترش واژه و ترکیب‌سازی، - آموزش عبارت‌نویسی - آموزش جمله‌نویسی - آموزش برخی از هنجارهای درست‌نویسی و شگردهای پرورش ذهن - تولید انشا 	<p>هدف‌های کلی آموزش مهارت نوشتن در پایان دوره ابتدایی (پایه ششم ابتدایی)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با متون مختلف - تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در مهارت نوشتن - شناخت معنا و ظرفیت واژگان و کاربرد درست آن در قالب مناسب نوشته - آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار - نوشتن درباره اجزا و عناصر تصویر - بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی - بازآفرینی و گسترش مثل - آشنایی با شیوه‌های گوناگون نوشتن 	<p>هدف‌های کلی برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی در پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ❖ اهداف کلی آموزش ادبیات فارسی (عمومی) - آشنایی با مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و توانایی به کارگیری درست آنها - آشنایی با جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات فارسی - توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال - تقویت توانایی تشخیص و به کارگیری نکات بلاغی در متون ادبی <ul style="list-style-type: none"> ❖ اهداف کلی آموزش زبان فارسی (عمومی) الف) حوزه شناختی انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب با مسائل و موضوعات زیر آشنا شوند: - زبان فارسی معیار و نقش آن در تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی 	<p>هدف‌های کلی برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی پایان دوره دوم متوسطه (پایه دوازدهم)</p>

<ul style="list-style-type: none"> - قواعد و فرایندهای زبان فارسی - شیوه‌ها و قواعد درست‌نویسی - ساختار صرفی و نحوی زبان فارسی معیار - ساختمان کلمات و انواع آن در زبان فارسی معیار - ساختمان جملات و انواع آن در زبان فارسی معیار <p>(ب) حوزه نگارشی</p> <p>انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری، به موضوعات زیر علاقه و نگرش مثبت پیدا کنند:</p> <ul style="list-style-type: none"> - طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب نوشتار مناسب - مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی <p>(پ) حوزه مهارتی</p> <p>انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی زیر در دانش‌آموزان تقویت شود:</p> <ul style="list-style-type: none"> - تشخیص انواع نوشته‌ها در زبان فارسی - تشخیص قواعد درست‌نویسی - تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی - بکارگیری درست مهارت‌های زبانی - بکارگیری قواعد املائی و نگارشی - مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی - بکارگیری راه‌های پرورش معانی در نگارش - ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی - بکارگیری قواعد دستور تاریخی و امروزی در متون مختلف 	
<p>جدول ۱.۷ - هدف‌های برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه در زمینه آموزش نوشتن</p>	

فصل هشتم

مروری بر آموزش نوشتن در نظام آموزش و پرورش

برخی کشورهای توسعه یافته

مقدمه

فصل حاضر به آموزش نوشتن در چارچوب آموزش زبان ملی در آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، نیوزیلند و استرالیا در دوره‌های مختلف تحصیلی اختصاص یافته است. در فصل چهار برنامه آموزش زبان ملی کشورهای موردنظر توصیف شدند. از این رو بدون هیچ توضیح اضافی، اهداف آموزشی و شاخص‌های آموزش نوشتن در برنامه آموزشی هر یک از کشورهای فوق‌الذکر در ادامه ارائه می‌شود.

نشانگرها و اهداف آموزش نوشتن به تفکیک پایه‌های تحصیلی در برنامه آموزش زبان ملی در ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)

مهارت نوشتن (نگارش) در ایالت نیوجرسی آمریکا در قالب ۴ شاخص آموزش داده می‌شود.

الف) نوشتن به عنوان یک فرایند (فعالیت‌های مربوط به قبل از نوشتن، پیش‌نویسی، بازنویسی، ویرایش و مراحل بعد از نوشتن)

ب) نوشتن به عنوان یک محصول (که منجر به محصول یا نوشته‌ای چاپ‌شده می‌گردد)

پ) فن نوشتن، املاء و دستخط

ت) صورت‌های نوشتاری، مخاطبان و اهداف (کشف صورت‌های متفاوت نوشتن)

هدف از آموزش نوشتن در چارچوب برنامه آموزشی ایالت نیوجرسی آمریکا اینست که همه دانش‌آموزان به زبانی شفاف، دقیق و سازمان‌یافته بنویسند به طوری که محتوا و صورت آن بسته به مخاطب و منظور فرد از نگارش مطلب موردنظر متفاوت باشد.

اهداف و مؤلفه‌های آموزش نوشتن به تفکیک پایه‌های تحصیلی

در ادامه هدف‌های آموزش مهارت نوشتن تا پایان پایه ششم (معادل پایان دوره ابتدایی ایران)، پایه نهم (معادل پایان دوره اول متوسطه ایران) و پایه دوازدهم (معادل پایان دوره دوم متوسطه ایران) توصیف می‌شود.

تا پایان پایه ششم دانش‌آموزان:

الف) درباره نوشتن به عنوان یک فرایند (فعالیت‌های مربوط به قبل از نوشتن، تدوین پیش‌نویس، بازنویسی، ویرایش و مراحل بعد از نوشتن) باید یاد بگیرند...

۱- تشخیص بدهند که افکار و صحبت‌ها را می‌توان با واژه‌ها روی کاغذ آورد.

۲- معلم را در حین نوشتن مشاهده کنند.

- ۳- ایده‌ها و تجربیات خود را برای یک داستان مطرح و با هم در میان گذارند.
- ۴- ایده‌های خود را با استفاده از عکس، املاء یا متن قراردادی به نگارش درآورند.
- ۵- نام و نام خانوادگی خود را بنویسند.
- ۶- در فعالیت‌های نوشتاری گروهی مثل داستان تجربی، نوشتن تعاملی و نوشتن گروهی شرکت کنند.
- ۷- برای نگارش، با استفاده از عکس، املاء یا متن متداول، شروع به ساماندهی وقایع یک داستان کنند.
- ۸- داستانی چندپاراگرافی بنویسند که به یک موقعیت یا طرح داستان می‌پردازد، زمان یا محل رویداد را توصیف می‌کند و شامل بخش پایانی است.
- ۹- انشای اطلاعاتی چند پاراگرافی بنویسند که در آن ایده‌های مهم، جزئیات و پاراگراف پایانی مطرح می‌شود.
- ۱۰- از طریق گوش‌دادن، صحبت‌کردن، یادآوری تجربیات، شنیدن داستان، خواندن، بحث درباره‌ی مدل‌های نوشتن، پرسیدن سؤال و بارش مغزی، ایده‌های احتمالی را برای نوشتن بپرورانند.
- ۱۱- درباره‌ی صورت، ساختار و بیان نویسنده در گونه‌های گوناگون متون آگاهی پیدا کنند.
- ۱۲- راهبردهایی مانند سازمان‌دهنده‌ی تصویری و تدوین رؤس مطالب را برای تشریح و سازماندهی افکار در هنگام نوشتن به کار بگیرند.
- ۱۳- پیش‌نویسی به یک گونه‌ی متن با ساختار حمایت‌کننده و منطبق با پیام موردنظر، مخاطب و هدف نوشتن تهیه کنند.
- ۱۴- درباره‌ی کاربرد دقیق مقوله‌های زبانی از جمله صفت، قید، فعل و جزئیات خاص تصمیم گرفته و گزینه‌های منتخب را توجیه کنند.
- ۱۵- پیش‌نویس خود را از طریق بازخوانی برای درک معنای متن، محدود کردن تمرکز، شرح و حذف، همچنین بازنویسی ساختار، مقدمه، موخره، انتخاب واژه‌ها و هماهنگی طرز بیان اصلاح کنند.
- ۱۶- نوشتار خود را با سایرین مرور کنند تا به زاویه‌ی دید خواننده پی ببرند و برای بازنویسی، ایده‌های مختلف را بررسی و در نوشته‌ی خود بگنجانند.
- ۱۷- نوشته‌ی خود را از لحاظ املاء، کاربرد، وضوح، ساختار و روان بودن، مرور و ویرایش کنند.
- ۱۸- برای بازنویسی کار خود از منابع گوناگونی استفاده کنند.
- ۱۹- در فرایند نوشتن از کاربردهای نوشتاری رایانه بهره بگیرند.

۲۰- عناصر دستورالعمل نمره‌دادن را برای بهترکردن و ارزیابی نوشته خود درک کرده و به کاربرند.

۲۱- ضمن توجه به نقاط قوت نوشته خود و تدوین هدف برای پیشرفت آن، روی آن تعمق کنند.

ب) درباره نوشتن به عنوان یک محصول (که منجر به محصول یا نوشته ای چاپ شده می‌گردد) باید یاد بگیرند...

۱- نمونه‌های نوشتاری که شامل عکس یا متن متداول است را به همدیگر نشان داده و درباره آن با هم صحبت کنند.

۲- نمونه‌های نوشتاری مورد علاقه خود را جمع‌آوری کرده و در پوشه نوشته‌جات شخصی خود قرار دهند.

۳- اطلاعات خود را درباره ویژگی‌ها و ساختار گونه‌های متون افزایش بدهند.

۴- انواع مقاله‌های متناسب با سطح کلاس را (مثلاً مقاله متقاعدکننده، شخصی، توصیفی، موضوع‌محور) بنویسند.

۵- نوشته توضیحی چندپاراگرافی بنویسند (مثلاً مسئله/ راه حل، علت/ معلول، فرضیه/نتیجه، سر مقاله، نقد، گزارش تحقیق).

۶- انواع مختلف نثر از قبیل داستان کوتاه، زندگی‌نامه، زندگینامه شخصی یا یادنامه بنویسند که شامل عناصر روایی است.

۷- ایده اصلی، موضوع یا مضمون نوشته خود را با ارائه واقعیت، مثال یا توضیح از جمله اطلاعات به دست آمده از منابع متعدد، تقویت و پشتیبانی کنند.

۸- با در نظر گرفتن ارتباط جزئیات منظور شده و افزودن، حذف و سازماندهی مجدد مطالب به صورت مناسب، تمرکز خود را بیشتر کرده و انسجام متن را افزایش بدهند.

۹- با استفاده از اسامی خاص، افعال و واژه‌های توصیفی، جملات گوناگونی از لحاظ طول و پیچیدگی بنویسند.

۱۰- صفحه‌ای با عنوان آثار مورد توجه برای گزارش‌ها و مقالات تحقیقی آماده کنند.

۱۱- با اصلاح ساختار سازمانی و جا به جایی ایده‌ها، توالی منطقی را در سراسر اثری چندپاراگرافی رعایت کنند.

۱۲- با استفاده از جمله آغازین جالب، ترتیب منطقی و نتیجه رضایت‌بخش، توجه خواننده را از ابتدا تا انتهای متن جلب کنند.

پ) درباره فن نوشتن، املاء و دست خط باید یاد بگیرند ...

- ۱- در تلاش برای نوشتن برخی کلمات از اطلاعات حرف/صدا استفاده کنند.
- ۲- نام خود را هجی کنند.
- ۳- به تدریج متوجه جهت‌دار بودن نگارش از چپ به راست و بالا به پایین و فاصله بین کلمات در هنگام نوشتن شوند.
- ۴- به تدریج دست خط بهتری پیدا کنند، از جمله در گرفتن مداد و تنظیم محل کاغذ و حرکات آغازین بهتر شوند.
- ۵- از روی نمونه معلم، تمام حروف بزرگ و کوچک الفبا را بنویسند.
- ۶- در همه نوشته‌ها از قواعد زبان انگلیسی معیار در ساختار جمله، دستور و کاربرد، نقطه-گذاری، روش کاربرد حروف بزرگ، املاء و دستخط استفاده کنند.
- ۷- برای بیان افکار خود از ساختار و نحو پیچیده‌تری استفاده کنند.
- ۸- برای بیان مؤثر افکار از دانش خود درباره دستور زبان انگلیسی و کاربرد واژه‌های آن بهره بگیرند.
- ۹- در سرتاسر نوشته، حروف بزرگ و علائم سجاوندی از جمله ویرگول و دو نقطه را درست به کار ببرند.
- ۱۰- از علامت نقل قول و علائم نقطه‌گذاری (سجاوندی) مربوط، به‌درستی در متون دیالوگ استفاده کنند.
- ۱۱- از اطلاعات خود درباره ریشه، پیشوند، پسوند و الگوی املاي زبان انگلیسی برای درست نوشتن واژه‌ها استفاده کنند.
- ۱۲- نمونه‌های متون روایی و توضیحی را مطالعه کنند تا علت و چگونگی استفاده از پاراگراف‌ها و توگذاری‌ها^۱ را متوجه شوند.
- ۱۳- متن را از نظر کاربرد صحیح دستور، استفاده از حروف بزرگ، نقطه‌گذاری و املاء ویرایش کنند.
- ۱۴- از منابع متفاوتی از قبیل فرهنگ لغت، کتاب قواعد و/یا منابع اینترنتی/ نرم‌افزاری برای ویرایش متن نوشتاری استفاده کنند.
- ۱۵- برای برآورده کردن معیارهای آموزشی، چه با حروف بزرگ و جدا از هم و چه به صورت سرهم (شکسته) خوانا بنویسند.

¹.Indentation

ت) دربارهٔ صورت‌های نوشتاری، مخاطبان و اهداف (کشف صورت‌های متفاوت نوشتن) باید یادگیرند...

- ۱- واکنش شخصی خود را به ادبیات از طریق نقاشی، گفتن یا نوشتن منتقل کنند.
- ۲- نمونهٔ کار مورد علاقهٔ خود (نقاشی یا نوشتن) را به معلم و خانواده خود نشان داده و با آن‌ها دربارهٔ آن صحبت کنند.
- ۳- برای نیل به اهداف مختلف (مثلاً بیان افکار، اطلاع‌رسانی، سرگرم‌کردن، واکنش به ادبیات، متقاعدکردن، پرسش‌کردن، تفکر، شفاف‌سازی و در میان گذاشتن ایده‌ها) و مخاطبان گوناگون (مانند خود، همسالان و عامه) بنویسند.
- ۴- اطلاعات متناسب با یک موضوع، کار و مخاطب را گردآوری، گزینش و سازماندهی کنند.
- ۵- دربارهٔ گونه‌های مختلف متون از جمله متن توضیحی، روایی، متقاعدکننده، شعر، نقد و نوشته‌های روزمره/اداری اطلاعات کسب کرده و از این اطلاعات استفاده کنند.
۶. میان پاراگراف‌ها و درون آن‌ها پیوند برقرار کنند.
- ۷- پاراگراف‌های متن خود را با استفاده از جملات بنیادین سازماندهی کنند.
- ۸- با تنظیم طرح داستان یا کشمکش^۱، زمان یا محل رویداد، شخصیت‌های داستان، دیدگاه و گره‌گشایی داستان، متون روایی (داستانی) بنویسند.
- ۹- از فنون روایی (مثل گفت‌وگو، رفتارهای ویژه شخصیت‌ها، توصیف‌های حسی، و بیان افکار و احساسات شخصیت‌ها) استفاده کنند.
- ۱۰- بر مبنای تحقیقی با گسترهٔ محدود، گزارشی تهیه و ایده یا موضوع اصلی را با حقایق، مثال و توصیف‌ها تقویت کنند.
- ۱۱- انشای استدلالی بنویسند که در آن به منظور اثبات، استدلال‌ها و نتایج، مواضع یا دیدگاه‌ها به طور روشن بیان گردیده و با شواهد منظم و مربوط تقویت شده و در قسمت‌های مورد نیاز هم از منابع لازم استفاده گردیده است.
- ۱۲- توانایی خود را دربارهٔ نوشتن نامهٔ دوستانه/تجاری، با صفحه‌آرایی و سبک منسجم به معرض نمایش بگذارند.
- ۱۳- برای سازماندهی نوشتار خود از راهبردهای گوناگون از جمله توالی، زمان‌بندی، علت/معلول، مسئله/راه حل و ترتیب اهمیت استفاده کنند.
- ۱۴- به هنگام پاسخگویی به سؤالات باز پاسخ و توضیحی در زمینه‌های محتوایی یا واکنش به ادبیات، از مهارت‌های تفکر برتر و وضوح نوشتاری استفاده کنند.

¹.Conflict

- ۱۵- در نوشتار، از آثار گرافیکی مرتبط استفاده کنند (مثلاً نقشه، نمودار، تصویر، منحنی و عکس).
- ۱۶- نوشته آن‌ها نشانگر پیدایش سبک و بیان شخصی آن‌ها است.
- ۱۷- ملاک‌های نمره‌دادن را بر اساس روال مربوطه بازنگری کنند.
- ۱۸- مجموعه‌ای از نوشته‌های خود را گردآوری کنند (مثلاً پوشه اطلاعات، مجموعه نقاشی‌ها یا تصاویر).

بر مبنای دانش کسب‌شده در کلاس‌های پایین‌تر، دانش‌آموزان در پایان کلاس نهم:

- الف) درباره نوشتن به عنوان یک فرایند (فعالیت‌های مربوط به قبل از نوشتن، تدوین پیش‌نویس، بازنویسی، ویرایش و مراحل بعد از نوشتن) باید یادگیرند...
- ۱- داستان یا نمایشنامه را با شخصیت‌ها، زمان و محل رویداد، گفت‌وگو، کشمکش و گره‌گشایی روشن و جزئیات توصیفی کافی بنویسند.
 - ۲- انشای چندپاراگرافی بنویسند که پردازش موضوعی واضح، سازماندهی منطقی، کاربرد موثر جزئیات و ساختار جمله‌ای متنوع دارد.
 - ۳- با استفاده از انواع راهبردها (مثل سازمان‌دهنده تصویری، بارش مغزی، فرایندهای مبتنی بر فناوری) به تولید و محدود کردن موضوع‌ها بپردازند.
 - ۴- با بازخوانی به لحاظ محتوا و سازمان، کاربرد، ساختار جمله، فن نوشتن و انتخاب واژه پیش‌نویس خود را اصلاح و ویرایش کنند.
 - ۵- از دستورالعمل نمره‌گذاری ثبت‌شده نیوجرسی برای پیشرفت و ارزیابی نوشته خود و همسالان خود بهره بگیرند.
 - ۶- با استفاده از نرم‌افزار واژه‌پرداز مناسب نوشته خود را تدوین، اصلاح، ویرایش و منتشر کنند.
 - ۷- با توجه به نقاط قوت و تعیین هدف برای پیشرفت نوشته خود، درباره آن تعمق کنند.

ب) درباره نوشتن به عنوان یک محصول (که منجر به محصول یا نوشته‌ای چاپ شده می‌گردد) باید یادگیرند...

- ۱- اطلاعات خود را درباره ویژگی‌های خاص، ساختار، بیان و لحن مناسب گونه‌های مختلف متن بسط دهند و این اطلاعات را برای خلق اثر نوشتاری با در نظر گرفتن هدف، مخاطب و بافت نوشته به کار ببرند.

- ۲- انواع مختلف نثر مانند داستان کوتاه، زندگینامه، زندگینامه شخصی، یا یادنامه‌ای بنویسند که دارای عناصر روایی است.
- ۳- گزارش و قطعات غیرداستانی متناسب با موضوع را بر اساس تحقیق بنویسند و در آن نقل قول و ارجاع بگنجانند.
- ۴- انواع مقاله‌ها اعم از مقاله متقاعدکننده، مقاله مبتنی بر حدس و گمان، توصیفی شخصی یا مسئله محور بنویسند.

پ) درباره فن نوشتن، املا و دست خط باید یادبگیرند...

- ۱- از قراردادهای زبان انگلیسی معیار مانند ساختار جمله، دستور و کاربرد، علائم سجاوندی و املاء در تمام نوشته‌ها استفاده کنند.
- ۲- از انواع جمله شامل تلفیق جملات وابسته و مستقل، گروه‌های حرف اضافه‌ای و قیدی و جمله‌های آغازین مختلف برای ایجاد سبک شخصی زنده و مؤثر استفاده کنند.
- ۳- از طریق کاربرد ناهمپایه‌سازی، همپایه‌سازی، بدل و ابزارهای دیگر رابطه میان ایده‌ها را اصلاح کنند.
- ۴- از واژه‌های ربطی برای تقویت توالی منطقی ایده‌ها استفاده کنند.
- ۵- با استفاده از دستور، کاربرد واژه‌های متنوع، استفاده از حروف بزرگ و علائم سجاوندی املائی نوشته خود را ویرایش کنند.
- ۶- از انواع منابع مانند فرهنگ لغت، دستور و یا منابع اینترنتی/نرم‌افزاری برای ویرایش اثر نوشتاری استفاده کنند.
- ۷- برای برآورده کردن معیارهای آموزشی، چه با حروف بزرگ و جدا از هم و چه به صورت سرهم (شکسته) خوانا بنویسند.

ت) درباره صورت‌های نوشتاری، مخاطبان و اهداف (کشف صورت‌های متفاوت نوشتن) باید یاد بگیرند ...

- ۱- مؤثرترین اطلاعات متناسب با یک موضوع، تکلیف و مخاطب را گردآوری، انتخاب و سازماندهی کنند.
- ۲- اطلاعات و راهبردهایی را برای نوشتن قسمت‌های مختلف انواع متن به کار ببرند (مثلاً نوشته روایی، توضیحی، متقاعدکننده، شعری و روزمره/کاری یا فنی)
- ۳- در واکنش به ادبیات بنویسند و درباره تفسیرهای دیگران از متون ادبی بینش به دست آورند.

- ۴- روایت شخصی، داستان کوتاه، یادنامه، شعر و متن متقاعدکننده و توضیحی بنویسند که رویدادها یا موقعیت‌های شفاف و منسجم را از طریق کاربرد جزئیات مشخص به یکدیگر مربوط می‌کند.
- ۵- از فنون نوشتاری روایی و توصیفی استفاده کنند که حاوی دیالوگ، ابزارهای ادبی، واژه‌ها و عبارت‌های حسی، اطلاعات زمینه‌ای، افکار و احساسات شخصیت‌ها، و مقایسه و تقابل شخصیت‌ها است.
- ۶- به هنگام نگارش یک گزارش پژوهشی از انواع منابع اولیه و ثانوی برای انتقال ارزش آنها استفاده کنند.
- ۷- گزارشی را بر اساس پژوهش بنویسند و در آن نقل قول و صفحه‌ منبع ذکر شده را بگنجانند.
- ۸- ایده اصلی یا مضمون یک متن اطلاعاتی را تشریح کرده و با جزئیات مقاله موردنظر یا تجربیات شخصی از تحلیل خود حمایت کنند.
- ۹- به هنگام پاسخ‌دادن به سؤال‌های بازپاسخ و تشریحی، واضح و با استفاده از شواهد حمایت‌کننده بنویسند.
- ۱۰- موضعی را به وضوح بیان کنند و با بیان مسئله، ارائه واقعیت، نمونه و جزئیات در حمایت از یک موقعیت، مقاله‌ای متقاعدکننده بنویسند و در موارد مناسب منابعی را ذکر کنند.
- ۱۱- به هنگام نگارش یک مقاله متقاعدکننده، با کمک نمونه برای توجیه و حمایت از استدلال‌های خود شواهدی را ارائه بدهند.
- ۱۲- برای ارائه مؤثر یک موضوع، زاویه دید یا استدلال از راهبرد سازمان‌دهنده مناسب مانند علت/معلول، برله و برعلیه و تقلید اغراق‌آمیز^۱ استفاده کنند.
- ۱۳- در حمایت از هدف و جلب توجه مخاطب یک قطعه نوشتاری از سبک نوشتاری و بیان شخصی مؤثری استفاده کنند.
- ۱۴- مجموعه‌ای از نوشته‌ها (مثلاً یک پوشه اطلاعاتی، یا یک مجموعه تصویر یا نقاشی) را نگهداری کنند.
- ۱۵- ملاک‌های نمره‌گذاری دستورالعمل‌های مربوط را مورد بازنگری قرار بدهند.

بر مبنای دانش کسب‌شده در کلاس‌های پایین‌تر، دانش‌آموزان در پایان کلاس دوازدهم:

^۱.Parody

الف) درباره نوشتن به عنوان یک فرایند (فعالیت‌های مربوط به قبل از نوشتن، تدوین پیش‌نویس، بازنویسی، ویرایش و مراحل بعد از نوشتن) باید یاد بگیرند ...

- ۱- با نوشتن روزانه و به صورت مداوم به فرایند نگارش به طور کامل بپردازند.
 - ۲- از راهبردهایی مانند سازمان‌دهنده‌های گرافیکی و تدوین رئوس مطالب برای برنامه‌ریزی و تهیه پیش‌نویس بر اساس پیام، مخاطب و هدف نگارش استفاده کنند.
 - ۳- برای بهینه‌سازی سبک، تمرکز و سازماندهی، انسجام، شفافیت مطلب، انتخاب واژه پیشرفته و نوع جمله، ریزه‌کاری‌های معنایی نوشته خود را تحلیل و اصلاح کنند.
 - ۴- نوشته خود را به لحاظ املاء، کاربرد واژه‌ها، شفافیت، روان بودن تصحیح کنند.
 - ۵- از رایانه و نرم‌افزار واژه‌پرداز برای نوشتن، اصلاح، ویرایش و انتشار یک نوشته استفاده کنند.
 - ۶- از یک راهنمای نمره‌گذاری برای ارزیابی و پیشرفت نوشته خود و دیگران استفاده کنند.
 - ۷- درباره نوشته خود فکر کرده و برای رشد و ارتقای آن هدف‌هایی را وضع کنند.
- ب) درباره نوشتن به عنوان یک محصول (که منجر به محصول یا نوشته‌ای چاپ‌شده می‌گردد) باید یاد بگیرند ...

- ۱- ویژگی‌ها، ساختار، لحن و مختصه‌های زبانی گونه‌های زبانی منتخب را تحلیل کرده و این اطلاعات را در نوشته خود به کار ببرند.
- ۲- آثار منتشرشده را به لحاظ اصالت و اعتبار نقد کنند.
- ۳- پیش‌نویس یک پایان‌نامه را تهیه کرده و از طریق ایده‌ها و محتوا، سازمان و تدوین پاراگراف به صورت بسیار پیشرفته از آن حمایت و دفاع کنند.
- ۴- با استفاده از راهبردهای مختلف برای تدوین ایده اصلی (مثلاً علت-معلول، مسئله/راه حل، فرضیه/نتایج، سؤال‌های ادبی، ساخت‌های همگون)، متنی پیچیده و چندپاراگرافی بنویسند.
- ۵- انواع مقالات و متون توضیحی مانند مقالات متقاعدکننده، تحلیلی یا انتقادی را تدوین کنند.
- ۶- مقاله پژوهشی-ادبی بنویسند که در آن برای حمایت از نوشته خود داده‌ها را با استفاده از فناوری اطلاعات تلفیق کنند.
- ۷- از منابع اولیه و ثانوی مانند نشریه ادواری، مصاحبه‌ها، کلام و رسانه‌های الکترونیکی برای ارائه شواهد، تبیین یا بسط یک موضع و ذکر منابع استفاده کنند.
- ۸- نیاز خواننده‌ها را پیش‌بینی کرده و از طریق راهبردهایی مانند استفاده از زبان دقیق، جزئیات خاص، تعریف، توصیف، مثال، حکایت، قیاس و فکاهی و نیز پیش‌بینی و برشمردن مسائل و استدلال‌ها و مطرح کردن یک موضع توجه خواننده‌ها را جلب کنند.
- ۹- در نوشته خود از جملات آغازین اثرگذار و جملات پایانی مستدل استفاده کنند.

- ۱۰- برای حمایت از ایده اصلی نوشته، هنرهای گرافیکی (مثلاً نمودارها، سازمان‌دهنده‌های تصویری، تصاویر، برنامه تولیدشده با رایانه) را به کار بگیرند.
- ۱۱- برای بازبینی محتوا، سازمان متن و کاربرد واژه‌ها برای انتشار نوشته موردنظر از واکنش دیگران استفاده کنند.
- ۱۲- برای ارائه سخنرانی قطعات نوشتاری را از پوشه اطلاعات حاوی گونه‌های مختلف متن انتخاب کنند.
- پ) درباره فن نوشتن، املاء و دست‌خط باید یاد بگیرند...
- ۱- از قراردادهای زبان انگلیسی معیار مانند ساختار جمله، دستور و کاربرد واژه‌ها، علائم سجاوندی، کاربرد حروف بزرگ و املاء در تمام نوشته‌ها استفاده کنند.
 - ۲- برای بیان ایده‌ها به سبکی زنده و اثرگذار، نشان دهند که درباره نحو زبان انگلیسی اطلاعات خوبی دارند.
 - ۳- برای نشان دادن روابط میان ایده‌ها از ناهمپایگی، همپایگی، بدل و ابزارهای دیگر به طری اثرگذار استفاده کنند.
 - ۴- برای تقویت روند منطقی ایده‌ها از واژه‌های ربطی استفاده کنند.
 - ۵- جزئیات فرعی، ایده‌های تکراری و ناهماهنگی‌ها را برای بهتر شدن نوشته خود حذف کنند.
 - ۶- از اطلاعات خود درباره قراردادهای زبان انگلیسی معیار برای ویرایش نوشته خود و دیگران استفاده کنند.
 - ۷- از انواع منابع مرجع مانند فرهنگ لغت، کتاب دستور و یا منابع اینترنتی/ نرم‌افزاری برای ویرایش اثر نوشتاری استفاده کنند.
 - ۸- برای برآورده کردن معیارهای آموزشی با حروف بزرگ و جدا از هم یا به صورت شکسته با خطی خوانا بنویسند.
- ت) درباره صورت‌های نوشتاری، مخاطبان و اهداف (کشف صورت‌های متفاوت نوشتن) باید یاد بگیرند...
- ۱- اثرگذارترین قالب‌ها و راهبردهای نوشتاری را متناسب با هدف و مخاطب خود به کار بگیرند.
 - ۲- نشان بدهند که بر انواع گونه‌های متن مانند مقاله متقاعدکننده، روایت شخصی، مقاله پژوهشی ادبی، مقاله توصیفی، نقد، واکنش به ادبیات، تقلید یک سبک روایتی خاص (مثل، اسطوره، داستان کوتاه) و شعر تسلط دارند.

- ۳- تأثیر تصمیمات یک نویسنده را دربارهٔ لحن، انتخاب واژه، سبک، محتوا، زاویهٔ دید، عناصر ادبی و ارزش ادبی ارزیابی کرده و تفسیری از اثرگذاری کلی آن به دست بدهند.
- ۴- همه قوانین مربوط به حق چاپ را که در اثر نوشتاری استفاده می‌شود به کار بگیرند.
- ۵- به هنگام نگارش، ساختارهایی مانند واژه‌های ربطی، زمان‌بندی، سلسله مراتب یا توالی، و صورت‌هایی مانند عناوین اصلی و فرعی را برای کمک به خواننده به کار بگیرند.
- ۶- اطلاعاتی مانند درخواست کار، پیشینهٔ شغلی و آموزشی، نامه‌های تجاری، و درخواست برای کار در کالج را برای اهداف روزمره و کاری گردآوری و تلفیق کنند.
- ۷- برای حمایت از هدف نوشته و جلب توجه مخاطب، سبک شخصی و لحن آن را به طرز اثرگذاری نشان بدهند.
- ۸- قطعات نوشتاری را از پوشهٔ اطلاعات حاوی گونه‌های مختلف متون برای ارائهٔ سخنرانی انتخاب کنند.

<p>هدف کلی آموزش نوشتن:</p> <p>هدف از آموزش نوشتن در چارچوب برنامهٔ آموزشی ایالت نیوجرسی آمریکا این است که همهٔ دانش‌آموزان به زبانی شفاف، دقیق و سازمان‌یافته بنویسند به طوری که محتوا و صورت آن بسته به مخاطب و منظور فرد از نگارش مطلب موردنظر متفاوت باشد.</p>
<p>شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن:</p> <p>الف) نوشتن به عنوان یک فرایند (فعالیت‌های مربوط به قبل از نوشتن، پیش‌نویسی، بازنویسی، ویرایش و مراحل بعد از نوشتن)</p> <p>ب) نوشتن به عنوان یک محصول (که منجر به محصول یا نوشته‌ای چاپ‌شده می‌گردد)</p> <p>پ) فن نوشتن، املاء و دستخط</p> <p>ت) صورت‌های نوشتاری، مخاطبان و اهداف (کشف صورت‌های متفاوت نوشتن)</p>
<p>جدول ۸.۱- هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامهٔ آموزش زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)</p>

اهداف و شاخص‌های آموزش نوشتن به تفکیک پایه‌های تحصیلی در برنامه آموزش زبان ملّی ایالت‌های غربی کانادا

در چارچوب این برنامه درسی شاخص خاصی برای آموزش مهارت نوشتن مطرح نمی‌شود.

هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان ملّی ایالت‌های غربی کانادا عبارتند از:
 الف) دانش‌آموزان باید برای کشف افکار، ایده‌ها، احساسات، و تجربیات آن‌ها را بنویسند
 (جستجو و اکتشاف ایده‌ها، شفاف کردن و بسط دادن ایده‌ها)
 ب) دانش‌آموزان باید بنویسند تا بتوانند متون چاپی و دیگر متون رسانه‌ای را درک کرده و به
 صورت شخصی و منتقدانه به آن‌ها واکنش نشان بدهند (واکنش به متون، درک صورت‌ها و
 فنون مختلف، استفاده از راهبردها و سرنخ‌ها)
 ج) به جنبه‌های هنری و شفافیت متن به هنگام برقراری ارتباط نوشتاری توجه کنند (مطرح
 کردن ایده‌ها و تمرکز بر آن‌ها، تقویت و پیشرفت، توجه به قراردادهای زبان)
 در ادامه هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در ایالت‌های غربی کانادا تا پایان پایه ششم (معادل
 پایان دوره ابتدایی ایران)، پایه نهم (معادل پایان دوره اول متوسطه ایران) و پایه دوازدهم (معادل
 پایان دوره دوم متوسطه ایران) توصیف می‌شود.
 الف) دانش‌آموزان باید برای کشف افکار، ایده‌ها، احساسات، و تجربیات خود آن‌ها را بنویسند
 (جستجو و اکتشاف ایده‌ها، شفاف کردن و بسط دادن ایده‌ها)
 در راستای نیل به این هدف، دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

پایه ششم: تجربیات، احساسات و افکار خود را با یک نویسنده در میان بگذارند، درباره نوشتن داستان
 صحبت کنند، مفاهیم و اطلاعات را به لحاظ مفهومی دسته‌بندی کنند صورت‌های مطلوب بیان را
 شناسایی کرده و به کار ببرند، هدف‌های شخصی را برای افزایش یادگیری و کاربرد زبان تعیین
 کنند، اطلاعات و ایده‌ها را به شیوه‌ای سامان دهند که مسائل را شفاف کرده و منجر به درک آن‌ها
 شود.

پایه نهم: از زبان به صورتی اثرگذار استفاده کنند و فعالانه شخصیت‌های مختلف را برای بیان عقاید
 خود بیازمایند، درباره نیل به اهداف شخصی برای یادگیری مؤثر زبان و کاربرد آن بیندیشند، ایده‌ها
 و اطلاعات را سازماندهی و بازسازی کنند تا درک کنونی خود را افزایش داده و چشم‌اندازهای
 شخصی خود را نسبت به دنیا گسترش دهند.

پایه دوازدهم: کاربردهای زبان و صورت‌های بیان را تغییر دهند تا دریابند که چگونه این موارد بر روی مفاهیم تأثیر می‌گذارند و قدرت ارتباط را افزایش می‌دهند، درباره رشد شخصی و موفقیت در یادگیری زبان فکر کنند و نقش و اهمیت یادگیری زبان را به هنگام بسط اهداف و برنامه‌های شخصی در نظر بگیرند، هنگام تولید متون یا واکنش به آن‌ها، روش‌هایی را در نظر بگیرند که از طریق آن‌ها روابط میان ایده‌ها به آن‌ها بینش می‌دهد.

ب) دانش‌آموزان باید بنویسند تا متون چاپی و دیگر متون رسانه‌ای را درک کرده و به صورت شخصی و منتقدانه به آن‌ها واکنش نشان بدهند (واکنش به متون، درک صورت‌ها و فنون مختلف، استفاده از راهبردها و سرخ‌ها)

پایه ششم: احساساتی را که با انواع متون نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر برانگیخته می‌شود، با دیگران در میان بگذارند، در متون مختلف بین موارد تخیلی و واقع‌گرایانه تمایز قائل شوند، از طریق تجربیات گوش‌دادن، خواندن و مشاهده کردن حس داستان را در خود به وجود بیاورند، کنجکاوی خود را درباره حروف، صداها، واژه‌ها و الگوهای واژگانی نشان بدهند، برای برقراری ارتباط و به نمایش گذاشتن درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متون اصیلی (همچون نمایشنامه‌های دراماتیک، تصاویر، فیلم‌ها، سرودها، نمایشنامه‌ها...) را خلق کنند، بین زبان شفاهی، متون و تجربیات شخصی ارتباط برقرار کنند، زبان توصیفی و مجازی را در انواع متون نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر شناسایی کنند، صورت‌های مختلف متون (همچون شعر، مقالات، گزارش‌های خبری، اسناد و...) را درک کرده و به کار ببرند، عناصر کلیدی (شامل طرح داستان، زمینه، شخصیت‌پردازی و...) و فنون مختلف (همچون رنگ، موسیقی، سرعت...) را در متون مختلف شناسایی کرده و تأثیر آن‌ها را بررسی نمایند، دریابند که چرا و چگونه معنا و ساختارهای واژگانی تغییر می‌کنند و با توجه به بافت معنای درست واژه را به کار ببرند، برای بیان روشن مطالب، الگوهای واژگانی و جملات را آزمایش کنند، صنایع بدیعی (مانند شخصیت‌بخشی) و شیوه‌های انتقال معنا به وسیله آن‌ها را شناسایی کنند، تجربیات قبلی، دانش پیشین و متون مختلف را توصیف نموده و بین آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

پایه نهم: درباره تأثیر انتخاب واژگان و چینش جملات در متون مختلف نوشتاری و متون رسانه‌ای (مثلاً نمایشنامه) بر اهداف و مخاطبان خود بحث کنند، توضیح بدهند که چه گونه‌های خاص نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر را ترجیح می‌دهند، برای به تصویر کشیدن جنسیت، فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی در متون نوشتاری و متون رسانه‌ای فنون مختلفی (مثل صحنه‌سازی، مجسم‌سازی شخصیت‌ها، کلیشه‌ای نوشتن...) را به کار ببرند، مشتقات و کاربردهای واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات فنی را بشناسند، کاربردهای خلاقانه زبان را در فرهنگ عامه مردم (مثل

تبلیغات، مجلات،...) بررسی کنند و مشخص کنند که چگونه فنون و صنایع بدیعی یک اثر، حالت، لحن، و سبک غالب را خلق می‌کنند. همچنین، برای برقراری ارتباط و نشان‌دادن درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متون اصلی (همچون تئاتر مشترک، متون ویدئویی، مباحثه، سرمقاله، نوار صوتی به همراه صوت و موسیقی، تبلیغات،...) را خلق کنند و ارتباط بین تجربیات قبلی، دانش پیشین و متون مختلف را تبیین و تحلیل کنند.

پایه دوازدهم: تحلیل کنند که چگونه انتخاب سبک و زبان در متون نوشتاری و متون رسانه‌ای باعث انتقال معنا و ایجاد تأثیر مورد نظر می‌گردد، تأثیر صورت‌ها و گونه‌های مختلف متون را بر روی محتوی و هدف ارزیابی کنند، تحلیل کنند که چگونه فنون و عناصر مختلف برای نیل به اهداف خاصی در متون نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند، تأثیر واژه‌ها و اصطلاحات را در متون تحلیل کنند، برای تحت تأثیر قرار دادن افکار، احساسات، و رفتار دیگران از زبان، امکانات بصری و صداها استفاده کنند، برای انتقال مفاهیم و افزایش درک خود از صورت‌ها و فنون مختلف، متونی را به نگارش درآورند، و به منظور تفسیر متون مختلف، ارتباط بین تجربیات شخصی، دانش پیشین مربوط به زبان و متون را تحلیل کنند.

ج) باید به جنبه‌های هنری و شفافیت متن به هنگام برقراری ارتباط نوشتاری توجه کنند(تولید

ایده‌ها و تمرکز بر آن‌ها، تقویت و پیشرفت، توجه به قراردادهای زبان)

در راستای نیل به این هدف، دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

پایه ششم: با ترکیب ایده‌های برگرفته از تجربیات و منابع مختلف دیگر، در متون نوشتاری بر روی یک موضوع تمرکز کنند، متناسب با مخاطب و اهداف مختلف صورت‌های مختلفی (همچون داستان خبری، مصاحبه، گزارش و نمودار و...) را به کار ببرند، از تجربیات شنیداری، خواندن، و مشاهده کردن به عنوان مدل‌هایی برای سامان‌دادن به ایده‌ها در متون نوشتاری استفاده کنند، در تدوین معیارهای مختلف جهت واکنش به آثار هنری نوشتاری شرکت نموده، از این معیارها استفاده کرده و اصلاحاتی را پیشنهاد دهند، محتوا، سازماندهی و میزان شفافیت آن را اصلاح کنند، برای نیل به معانی ضمنی مناسب از میان واژه‌ها دست به انتخاب بزنند و از جملاتی با طول و ساختارهای مختلف (شامل جملات مرکب) استفاده کنند، به هنگام نوشتن و ویرایش آن خوانا بنویسند و از برنامه پردازشگر واژه استفاده کنند، با استفاده از سازمان‌دهنده‌های از پیش تعیین‌شده؛ انشاهای، ارائه‌ها، گزارش‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی ساماندهی شده‌ای را تدوین کنند، برای حذف تکه‌ها و جملات در رفته، متن را ویرایش کنند، قواعد املائی زبان ملی را بشناسند و هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی با استفاده از راهبردهای مختلف (همچون تحلیل ساختاری، شیوه هجابندی،...) آن قواعد را به کار ببرند، برای

تأیید صحت املاء با استفاده از منابع مختلف املائی واژه‌های ناشناخته را پیش‌بینی کنند، یاد بگیرند که چه زمانی در جملات، عناوین، و تیتراها از حروف بزرگ استفاده کرده و چگونه از علائم سجاوندی در آن‌ها استفاده کنند و این قواعد را هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی متون هم به کار ببرند.

پایه نهم: از فنون مختلفی برای تولید و انتخاب ایده‌های نوشتاری استفاده کنند، متناسب با محتوا، مخاطب و هدف صورت‌های خاصی (همچون نقد فیلم و کتاب، سرمقاله‌ها، نمودهای چندرسانه‌ای، اخبار رادیو و تلویزیونی و...) را اقتباس کنند، در متون نوشتاری خود الگوهای ساماندهی مختلفی (همچون مسئله و راه‌حل، پس‌نمایی،...) را شناسایی کرده و به کار ببرند؛ تغییرات اثرگذار ایجاد کنند، درباره ویژگی‌های خاص نمونه‌هایی از مجموعه آثار خود بحث کرده و آن‌ها را با دیگران در میان بگذارند، برای تصحیح چگونگی برقراری ارتباط و تقویت بیان فردی خود پیش‌نویس‌های قبلی خود را بازبینی کنند، به هنگام نوشتن و ویرایش برای خوانا نوشتن آن را صفحه‌آرایی کنند و از برنامه پردازشگر واژه به صورت موثر و بهینه استفاده نمایند، برای تلفیق عناصر چاپی و دیداری از عناصر طراحی الکترونیکی استفاده نمایند، با الگوهای متفاوت جمله‌بندی و زبان مجازی کار کنند، هنگام ویرایش مطالب جهت افزایش شفافیت و جنبه هنری آن از جزئیات حمایت‌کننده استفاده کنند؛ انشاء، ارائه، گزارش، مقاله و پروژه تحقیقاتی را با جزئیات کافی و نظم معناداری آماده کنند تا مخاطبان بتوانند آن‌ها را به راحتی درک کنند، ساختارهای موازی را ویرایش کنند، از کارافزارهای ربطی و شفاف‌کننده استفاده کنند، مجموعه‌ای از قواعد املائی زبان ملی را بشناسند و به هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی، آن قواعد را به کار ببرند، به هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی از منابع مختلفی استفاده کنند، کاربرد علائم سجاوندی و با حروف بزرگ‌نویسی را یاد بگیرند و به هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی محاوره، نقل قول، پانوش و فهرست منابع آن‌ها را به کار ببرند.

پایه دوازدهم: متناسب با بافت، مخاطب و هدف برای تمرکز و روشن‌ساختن یک موضوع یا دیدگاه دست به انتخاب، تولید و ارزیابی ایده بزنند، متناسب با بافت، مخاطب و هدف صورت‌هایی را اقتباس نموده و به کار ببرند، در متون نوشتاری جهت دستیابی به اهداف خاص برای مخاطبان خاص و نیز برای تضمین انسجام و یکپارچگی، تأثیر بالقوه فنون، تغییرات و ساختارهای سازمانی مختلف را ارزیابی کنند، درباره اثر انتخاب‌های مربوط به محتوا، شکل و شیوه ارائه خود و دیگران بحث کرده و آن‌ها را ارزیابی کنند، پیش‌نویس‌های قبلی خود را مرور و ارزیابی کنند تا مطمئن شوند زبان و محتوای مناسبی را انتخاب کرده‌اند و دقت، انسجام و پیوستگی آن را افزایش دهند، جهت افزایش خوانایی و جنبه هنری برای مخاطبان، اهداف و بافت‌های خاص مشخصه‌های متنی را انتخاب کنند، برای ایجاد تعادل، تأثیرگذاری و ابتکار از زبان، جلوه‌های ویژه و صداها استفاده کنند و نیز ایده‌ها را مرتب کرده و در کنار هم مطرح کنند، تأثیر ارائه خود را با استفاده از راهبردها و کارافزارهای مناسب افزایش دهند، متون را تحلیل کرده و آن‌ها را به لحاظ شفاف‌سازی و

تأثیرگذاری و دستیابی به جنبه‌های هنری از لحاظ انتخاب واژگانی، ساختارهای دستوری، و سیاق ویرایش کنند، قواعد املایی زبان ملی را یاد بگیرند و آن‌ها را برای مجموعه کاملی از واژگان و نظارت بر درست‌نویسی آن‌ها به کار ببرند، املاهای ابتکاری را بشناسند و برای ایجاد تأثیرات خاص از آن‌ها استفاده کنند، ضمن ارجاع به سبک نگارش مناسب و منابع دیگر، علائم سجاوندی و با حروف بزرگ‌نویسی را برای روشن کردن معنای مورد نظر خود یاد بگیرند.

<p>هدف‌های آموزش مهارت نوشتن:</p> <p>الف) دانش‌آموزان باید برای کشف افکار، ایده‌ها، احساسات، و تجربیات آن‌ها را بنویسند (جستجو و اکتشاف ایده‌ها، شفاف کردن و بسط دادن ایده‌ها)</p> <p>ب) دانش‌آموزان باید بنویسند تا متون چاپی و دیگر متون رسانه‌ای را درک کرده و به صورت شخصی و منتقدانه به آن‌ها واکنش نشان بدهند (واکنش به متون، درک صورت‌ها و فنون مختلف، استفاده از راهبردها و سرنخ‌ها)</p> <p>ج) باید جنبه‌های هنری و شفافیت متن را به هنگام برقراری ارتباط افزایش بدهند (تولید ایده‌ها و تمرکز بر آن‌ها، تقویت و پیشرفت، توجه به قراردادهای زبان)</p>
<p>شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن:</p> <p>در چارچوب این برنامه آموزشی شاخص خاصی برای آموزش مهارت نوشتن مطرح نمی‌شود.</p>
<p>جدول ۲.۸ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی ایالت‌های غربی کانادا (۲۰۰۸-۱۹۹۸)</p>

اهداف و شاخص‌های آموزش نوشتن به تفکیک سطوح آموزشی کلیدی در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان

همان‌طور که در فصل چهارم به تفصیل گفته شد، نظام آموزشی کشور انگلستان به چهار سطح کلیدی تقسیم شده است. مهارت نوشتن در سطوح کلیدی ۱ و ۲ در قالب شاخص‌های انشاء، برنامه‌ریزی و تهیه پیش‌نویس، علائم سجاوندی، املاء، سبک دست‌نویسی و ارائه، زبان انگلیسی معیار و ساختار زبانی آموزش داده می‌شود. همچنین، در سطوح کلیدی ۳ و ۴ مهارت نوشتن در قالب دو مؤلفه انشاء و صحت فنی آموزش داده می‌شود.

هدف‌های آموزشی تحقق‌پذیر در زمینه مهارت نوشتن، دانش، مهارت‌ها و شناختی را تعیین می‌کند که انتظار می‌رود تا پایان هر سطح کلیدی، دانش‌آموزانی با توانایی‌ها و سطح بلوغ متفاوت در حیطه این مهارت به دست آورند. این هدف‌ها در ۸ سطح مختلف ارائه می‌شوند که هر سطح نسبت به سطح قبل دشوارتر است. علاوه بر آن، برای عملکردهای استثنایی که از سطح ۸ فراتر

می‌رود، توصیف جداگانه‌ای ارائه می‌شوند. در توصیف هر سطح، نوع و تنوع عملکرد دانش‌آموزان در زمینه مهارت یادشده در آن سطح مطرح می‌شود.

سطوح توصیفی هدف‌های آموزش نوشتن:

سطح ۱ - دانش‌آموزان باید به هنگام نوشتن، با استفاده از واژگان و عبارات ساده، به انتقال معنا بپردازند. کم کم به هنگام خواندن یا نوشتن، نشان می‌دهند که می‌دانند نقطه چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حروف را اغلب به شکلی واضح و با اسلوب صحیح می‌نویسند.

سطح ۲ - دانش‌آموزان باید بتوانند در نوشتار خود، هم در گونه‌ی داستانی و هم غیر داستانی، با استفاده از واژگان مناسب و تا حدودی با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطب، معنا را منتقل کنند. آن‌ها باید یادگیرند افکار خود را در قالب یک سری جمله که گاهی با حروف بزرگ و نقطه از هم جدا شده‌اند، بسط و گسترش دهند. همچنین باید بتوانند کلمات ساده و صحیح تک‌هجایی را به درستی بنویسند و در مواقعی که خطای املائی رخ می‌دهد، واژه مورد نظر با وجود املائی غلط، تلفظ صحیحی دارد. در زمینه سبک دست‌نویسی نیز باید بتوانند حروف را به درستی و با اندازه‌های یکدست بنویسند.

سطح ۳ - نوشتار دانش‌آموزان، باید غالباً مرتب و واضح بوده و حاکی از خلاقیت آن‌ها باشد، آن‌ها باید مشخصه‌های اصلی انواع مختلف نوشتار به درستی رعایت کرده و به تدریج متناسب با ویژگی‌های مخاطبان متفاوت تنظیم کنند؛ سری جملات و ایده‌ها را به صورتی منطقی بسط بدهند و از واژگان مختلف برای تنوع و گیرایی آن جملات استفاده کنند، ساختار زیر بنایی جملات را اغلب درست در نظر بگیرند، املاء آن‌ها نیز معمولاً دقیق و شامل کلمات چندهجایی رایج است، به هنگام مشخص کردن جملات از علائم سجاوندی مثل نقطه، حروف بزرگ و علامت سؤال به درستی استفاده کرده و دستخط آن‌ها به صورت شکسته^۱ و خوانا است.

سطح ۴ - دانش‌آموزان باید یادگیرند به صورت‌های مختلف و به شیوه‌ای پویا و متفکرانه بنویسند، سیر افکار خود را اغلب حفظ کرده و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطب مورد نظر، به شیوه‌های جالبی بسط دهند، اغلب واژگان جدید را انتخاب کرده و از آن‌ها برای نیل به تأثیر مورد نظر استفاده کنند، به تدریج از جملات مرکب، برای بسط معنا استفاده کنند، کلمات از جمله کلمات معمولی چند سیلابی را معمولاً بی‌اشتباه بنویسند؛ از نقطه، حروف بزرگ و علامت سؤال و به تدریج از علائم سجاوندی به درستی در جملات استفاده کرده و با سبک دستخط روان، پیوسته و خوانا بنویسند.

^۱.Joined

سطح ۵- دانش‌آموزان باید یادگیرند متنوع و جذاب نوشته و معنا را به صورت‌های مختلف و برای خوانندگان گوناگون انتقال بدهند، در مواقع لازم از سبک رسمی بهره بگیرند، واژگان را خلاقانه انتخاب کرده و از کلمات با دقت استفاده کنند، جملات ساده و مرکب در پاراگراف‌ها سازماندهی کنند، کلماتی که قالب پیچیده‌ای دارند را درست بنویسند، اغلب از علائم سجاوندی مختلف، از جمله ویرگول، آپاستروف (علامت مالکیت) و علامت نقل قول به درستی استفاده کنند، به صورت پیوسته، واضح و روان و متناسب با نوع فعالیت بنویسند.

سطح ۶- دانش‌آموزان باید یادگیرند طوری بنویسند که نوشتار آن‌ها غالباً توجه خواننده را به خود جلب کرده و این ویژگی را در سرتاسر متن رعایت کنند. در صورت‌های مختلف متن، سبک و طرز بیان را تا حدودی مطابقت دهند و در مواقع مناسب هم از سبک غیرشخصی استفاده کنند، از ساختار مختلف جملات و واژگان متنوع برای ایجاد تأثیر مورد نظر استفاده کنند، کلمات از جمله کلمات بی‌قاعده را معمولاً صحیح و با دستخطی تمیز و خوانا بنویسند، اغلب از انواع علائم سجاوندی برای روشن کردن معنا به درستی استفاده کرده و افکار خود را هم در قالب پاراگراف‌ها سازماندهی کنند.

سطح ۷- آثار نوشتاری دانش‌آموزان باید حاکی از اعتماد به نفس و در انواع مختلف نوشتار نشان‌دهنده انتخاب سبک مناسب باشند، آن‌ها باید یادگیرند در گونه داستانی، شخصیت‌ها، زمان و مکان وقوع حادثه را به خوبی به‌روراند و در گونه غیر تخیلی نیز افکار را به صورت منظم و منسجم ارائه کنند، ویژگی‌های دستوری و واژگان به درستی و به گونه‌ای تأثیرگذار استفاده شوند، کلماتی با املا بی‌قاعده مرکب را صحیح بنویسند، اثر نوشتاری، با دستخطی خوانا ارائه شوند، از پاراگراف‌بندی و علائم سجاوندی درست استفاده کنند تا ترتیب رویدادها یا افکار در نظر خواننده منسجم و روشن باشد.

سطح ۸- اثر نوشتاری دانش‌آموزان باید نشان‌دهنده انتخاب (جنبه‌ها) مشخصه‌ها یا عبارات به خصوصی است تا تأثیر خاصی را منتقل کند و توجه خواننده را به خود جلب کند، آثار نوشتاری داستانی آن‌ها باید حاکی از تسلط بر شخصیت‌ها، رویدادها و زمان‌ها و مکان‌های حادثه بوده و ساختارهای گوناگونی را نشان بدهد، آثار نوشتاری غیر تخیلی آن‌ها نیز باید منسجم بوده و زوایای دید را به وضوح ارائه بدهد. آن‌ها باید یادگیرند که کاربرد واژگان و دستور، باعث ایجاد تفاوت‌های دقیق یا تأکید بر نکات خاصی می‌شود و نوشتار آن‌ها باید حاکی از کاربرد صحیح علائم سجاوندی و پاراگراف‌بندی باشد.

سطح عملکرد ویژه- اثر نوشتاری دانش‌آموزان باید شکیل بوده و اثرگذار باشد و ضمن جلب توجه خواننده در سراسر متن، نشان‌دهنده تسلط آن‌ها بر انواع سبک‌ها باشد، در آثار داستانی، از ساختار و

واژگان مختلفی استفاده کنند تا تأثیر خلاقانه ایجاد کند، آثار غیر تخیلی هم منسجم، مستدل و مجاب‌کننده باشند؛ از ساختارهای دستوری و علائم سجاوندی گوناگون، به درستی، با دقت و به صورتی متناسب استفاده کنند و پاراگراف‌ها به خوبی ساخته و به هم مرتبط شده باشند تا ساختار کلی اثر نوشتاری واضح باشد.

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۲، ۳ و ۴ (معادل دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران) توصیف می‌شود.

سطح کلیدی ۲

املاء

دانش‌آموزان باید درباره راهبردهای املاء و بازبینی املاهای واژه‌ها یاد بگیرند که:

در زمینه راهبردهای املاء...

الف) واج‌ها را تلفظ کنند، ب) هر یک از حروف الفبا را بنویسند، پ) از دانش خود درباره روابط صدا / نماد و الگوهای واج‌شناختی (مثلاً خوشه‌های همخوان و واکه) استفاده کنند، ت) الگوهای ساده املائی را تشخیص داده و از آن‌ها استفاده کنند، ج) زنجیره حروفی که معمولاً با یکدیگر به کار می‌روند بنویسند، چ) واژگان رایج را بنویسند، ح) واژگانی را که پیشوند و وند صرفی مشترک دارند بنویسند، خ) واژه‌ها را به بخش‌های تشکیل‌دهنده آنها تحلیل کنند، د) دانش مربوط به قراردادهای املائی را به کار ببرند، ذ) از دانش خود درباره زنجیره رایج حروف، الگوهای دیداری و قیاس استفاده کنند، ر) با استفاده از گنجینه واژگان، لغت‌نامه و مرورگر املائی واژه‌ها^۱ املائی خود را کنترل کنند، ز) دانش خود را درباره واژگان و الگوهای املائی اصلاح کرده و نیز افزایش دهند.

در زمینه بازبینی املائی واژه‌ها...

الف) درستی املائی خود را با استفاده از بانک کلمات و فرهنگ لغت بررسی کنند، ب) از دانش خود درباره کلمات هم‌خانواده و سایر واژگان استفاده کنند، پ) دلایل غلط‌های املائی خود را مشخص کنند، از اطلاعات خود درباره ساختار استفاده کنند، به عبارت دیگر، به ...

- معنا، کاربرد و املائی پیشوندها و پسوندهای رایج توجه کنند،

- املائی کلماتی که وندهای صرفی دارند توجه کنند،

- ارتباط بین کلمات هم‌خانواده، ریشه‌ها و منشأ واژگان توجه کنند،

- به کاربرد اصطلاحات مناسب از جمله واکه، همخوان، هم‌آوا و بخش توجه کنند.

^۱.Spellcheckers

یافته

در زمینه سبک دست‌نویسی و ارائه...

سبک دست‌نویسی:

الف) چگونه قلم/خودکار را دست بگیرند، ب) از چپ به راست و از بالا به پایین صفحه کاغذ بنویسند، پ) نوشتن حروف را به طور صحیح شروع کرده و به پایان برسانند، ت) حروف را با اندازه و شکل معمول بنویسند، ث) بین حروف و کلمات به طور منظم فاصله بگذارند، ج) طرز نوشتن حروف کوچک و بزرگ را یاد بگیرند، چ) طرز اتصال حروف را به یکدیگر یاد بگیرند.

ارائه:

الف) اهمیت ارائه واضح و ماهرانه برای انتقال اثرگذار معنای مدنظر آن‌ها را یاد بگیرند.

ب) هم در سبک سرهم نویسی، هم در سبک چاپی بیش از پیش سریع، روان و خوانا بنویسند. پ) از صورت‌های متفاوت دست‌نویسی برای منظوره‌های متفاوت استفاده کنند (مثلاً برای نامگذاری روی نقشه یا نمودار از دستخط چاپی، برای نوشته تمام شده و ارائه شده از دستخطی خوانا و برای یادداشت‌برداری از دستخط شکسته استفاده کنند).

در زمینه انشاء...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

الف) از واژگان جدید و متنوع استفاده کنند، ب) رویدادها را پشت سر هم قرار داده و آن‌ها را با جزئیات مناسب بازگو کنند، پ) افکار خود را در قالب جملات بیان کنند، ت) از ساختار واضحی برای سازماندهی نوشتار خود استفاده کنند، ث) نوشتار خود را متناسب با اهداف و خوانندگان تغییر دهند، ج) از متونی که می‌خوانند به عنوان الگویی برای نوشتار خود استفاده کنند، چ) صورت و محتوا را متناسب با هدف مورد نظر انتخاب کنند (مثل یادداشت‌هایی برای خواندن یا سازماندهی فکر، برنامه‌هایی برای فعالیت، شعر برای لذت‌بردن)، ح) واژگان خود را گسترش داده و مبتکرانه از آن استفاده کنند، خ) از زبان و سبک متناسب با خواننده استفاده کنند، د) با توسل به مطالب خواننده‌شده، ویژگی‌های یک صورت نوشتاری را مورد استفاده قرار داده و از آن اقتباس کنند، ذ) از ویژگی‌های صفحه‌آرایی، ارائه و سازماندهی به طرز مفیدی استفاده کنند.

در زمینه علائم سجاوندی ...

دانش‌آموزان درباره موارد زیر یاد بگیرند:

الف) کمک علائم سجاوندی به خواننده در فهم نوشتار، ب) روابط بین علائم سجاوندی و ساختار جمله، آهنگ صدا و تکیه کلام، پ) استفاده از حروف بزرگ، نقطه، علامت‌های سؤال و تعجب،

ویرگول، نشانه‌های نقل قول و آپاستروف (علامت مالکیت در زبان انگلیسی) برای نشان دادن حالت ملکی

در زمینه ساختار زبان...

به هنگام نگاشتن متون خود، دانش‌آموزان باید درباره موارد زیر مطالبی را یاد بگیرند:

الف) اهمیت انتخاب و ترتیب واژگان در ساختن معنا، ب) ماهیت و کاربرد اسم‌ها، فعل‌ها و ضمائر، ب) چگونگی ارتباط ایده‌ها در جملات با یکدیگر و چگونگی کنار هم قرار گرفتن جملات به صورت متوالی، پ) طبقات واژه و نقش دستوری واژگان از جمله اسم، فعل، صفت، قید، ضمیر، حرف اضافه، حرف ربط و حرف تعریف، ت) ویژگی‌های انواع مختلف جملات نظیر پرسشی، امری و چگونگی استفاده از آن‌ها (مثلاً جملات امری در دستورها، ث) دستور جملات مرکب، از قبیل جمله‌واره‌ها، عبارت‌ها و حروف ربط، ج) اهداف و ویژگی‌های سازمان‌دهنده پاراگراف‌ها و چگونگی مرتبط کردن ایده‌های آن‌ها.

در زمینه زبان انگلیسی معیار ...

دانش‌آموزان باید درباره ویژگی‌های دستوری زبان انگلیسی معیار نوشتاری بیاموزند که:

الف) چگونه زبان انگلیسی معیار نوشتاری از نظر میزان رسمی بودن متفاوت است (مثلاً تفاوت‌های بین نامه به یک دوست درباره یک سفر مدرسه‌ای و ارائه گزارشی درباره آن)، ب) برخی از تفاوت‌های بین کاربرد زبان انگلیسی معیار و غیر معیار از جمله مطابقت میان فاعل و فعل و کاربرد حروف اضافه.

در زمینه برنامه‌ریزی و تهیه پیش‌نویس...

برای اینکه دانش‌آموزان، نوشتار خود را روی کاغذ و صفحه رایانه بیروانند، باید ضمن کار و تعامل با معلم و سایر دانش‌آموزان بیاموزند:

الف) از کلمات آشنا استفاده کنند و سعی کنند کلمات ناآشنا را نیز به کار ببرند، ب) ایده‌های خود را روی کاغذ و صفحه نمایش رایانه گردآوری کرده و آن‌ها را گسترش دهند، پ) نوشتار خود را برنامه‌ریزی کرده، آن را مورد بازبینی قرار دهند و درباره کیفیت آن با یکدیگر بحث کنند، ت) با کمک از دیگران (مثلاً معلم خود) متون طولانی بنویسند، ث) برنامه‌ریزی - ایده‌های اولیه را یادداشت کرده و آن‌ها را بیروانند، ج) تهیه پیش‌نویس - ایده‌ها را از مرحله برنامه‌ریزی در قالب متن نوشتاری سازماندهی شده‌ای شکل دهند، چ) اصلاح - پیش‌نویس را تغییر داده و بهتر کنند، ح) نمونه خوانی - پیش‌نویس موردنظر را از نظر غلط‌های املائی و علائم سجاوندی، حذفیات و

یافته

تکرارها بررسی کنند، خ) ارائه - یک نسخه نهایی خوانا، صحیح و کامل آماده کنند، د) درباره نوشتار خود و دیگران بحث کرده و آن‌ها را ارزیابی کنند.

در جریان سطح کلیدی ۲، دانش‌آموزان باید دانش، مهارت‌ها و شناخت را از طریق توجه به اهداف، خوانندگان و صورت‌های نوشتاری که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود، یاد بگیرند. آن‌ها باید بیاموزند که انتخاب یک نوع صورت برای نوشتار رابطه تنگاتنگی با هدف نویسنده و مخاطب مورد نظر دارد.

اهداف نوشتن باید شامل موارد زیر باشد:

الف) برقراری ارتباط با دیگران، ب) خلق دنیاها خیالی، پ) کشف تجربیات، ت) سازماندهی و تشریح اطلاعات، ث) مجسم کردن و تشریح احساسات و افکار و تمرکز بر استفاده خلاقانه از زبان و چگونگی جلب توجه خواننده، ج) اطلاع‌رسانی و ارائه توضیح، ضمن تمرکز بر موضوع و چگونگی انتقال آن با جزئیات کافی برای خواننده، چ) ترغیب کردن، ضمن تمرکز بر چگونگی شکل‌گیری استدلال‌ها و شواهد و استفاده از زبان برای متقاعد کردن خواننده، ح) بررسی و اظهار نظر درباره آنچه خواننده شده، دیده شده یا شنیده شده، ضمن تمرکز بر موضوع و دیدگاه نویسنده درباره آن. دانش‌آموزان باید ارزش نوشتن را در به خاطر سپردن و پرورش افکار، سازماندهی و یادگیری مطالب بیاموزند.

مجموعه خوانندگان متن نوشتاری باید شامل معلمان، سایر بزرگسالان، کودکان و خود نویسندگان باشد (افرادی که از طریق پست، دورنگار یا نامه الکترونیکی در تماس هستند نیز می‌توانند جزء خوانندگان به حساب بیایند). انواع صورت‌های نوشتاری باید شامل داستان، شعر، متن نمایشنامه، گزارش، توضیح، نظر، دستورالعمل، نقد و شرح حاشیه‌ای باشد (هر کدام از این صورت‌های نوشتاری شامل گونه‌های متنی مختلف با قراردادهای ساختاری و دستوری خاص خود هستند).

سطح کلیدی ۳

در زمینه انشاء...

دانش‌آموزان باید در سطح کلیدی ۳ در زمینه انشاء یاد بگیرند که ... :

الف) به طور واضح و منسجم بنویسند و جزئیات را در سطح مناسبی در آن بگنجانند؛

- (ب) به طور خلاقانه، نوآورانه و متفکرانه بنویسند و متن‌هایی را تولید کنند که توجه خواننده را به خود جلب می‌کند؛
- (پ) ایده‌های جدید تولید کرده و آن‌ها را در نوشته خود گسترش دهند؛
- (ت) سبک و زبان را به طرز متناسب با صورت‌ها، هدف‌ها و خوانندگان تطبیق دهند؛
- (ث) زاویه‌های دید را در متن‌های نوشتاری داستانی یا غیرداستانی به صورت منسجم و یکدست استفاده کنند؛
- (ج) از واژگان تخیلی و فنون ادبی و زبان‌شناختی متنوع برای نیل به اثرات خاص استفاده کنند؛
- (چ) برای حمایت از هدف تکلیف و راهنمایی خواننده نوشته خود را سازماندهی کنند؛
- (ح) از پارگراف‌هایی که به وضوح از یکدیگر جدا شده‌اند برای سازمان‌دهی معنا استفاده کنند؛
- (خ) از جملات مرکب برای شکل‌دادن به ایده‌ها، گسترش و پیوند بین آن‌ها استفاده کنند؛
- (د) برای جلب توجه، تأثیر و ظرافت‌های معنایی ساختار جملات را تغییر دهند؛
- (ذ) توجه کنند که خواننده نیاز دارد چه مواردی را بداند و جزئیات مربوط را در آن بگنجانند؛
- (ر) از زبان رسمی و غیرشخصی استفاده نمایند؛
- (ز) استدلال‌های منطقی را شکل داده و مدرک ارائه دهند؛
- (ژ) از فنون متقاعدکننده و ابزارهای ادبی استفاده کنند؛
- (س) دیدگاه خود را با در نظر گرفتن طیفی از شواهد و عقاید شکل دهند؛
- (ش) مطالب خود را به روشنی با استفاده از صفحه‌آرایی، تصاویر و سازماندهی مناسب ارائه دهند؛
- (ص) از برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس، ویرایش، نمونه‌خوانی و خودارزیابی برای شکل‌دادن و نگارش ماهرانه نوشته خود برای حداکثر تأثیرگذاری استفاده کنند؛
- (ض) خلاصه‌نویسی کرده و یادداشت بردارند؛
- (ط) به طور خوانا، روان و در موارد لزوم با سرعت بنویسند.

در زمینه صحت فنی ...

- دانش‌آموزان در سطح کلیدی ۳ در زمینه صحت فنی باید یاد بگیرند که ... :
- (الف) از قراردادهای زبان انگلیسی معیار به طور اثرگذار استفاده نمایند؛
- (ب) از دستور در انواع جملات به درستی استفاده کنند، از جمله مطابقت فاعل - فعل و کاربرد درست و منسجم زمان فعل؛

پ) برای روشن ساختن معنا، ساختار جمله را با کاربرد مؤثر طیف کاملی از علائم سجاوندی نشان بدهند؛

ت) با افزایش دانش خود از الگوهای قاعده‌مند املا، کلمات هم‌خانواده، ریشه کلمات و مشتقات آن‌ها شامل پیشوند، پسوند و وند تصریفی، کلمات را صحیح بنویسند.

همچنین، در حاشیه برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی برای فرایند کلیدی نوشتن در سطح

کلیدی ۳ مطالبی به شرح ذیل ذکر شده است:

نوشتن: روی کاغذ و روی صفحه نمایشگر به تناسب

فنون ادبی و زبان شناختی متنوع: این مورد شامل استفاده از زبان تخیلی و مجازی (تشبیه، استعاره، انسان‌انگاری و نمادپردازی^۱)، الگوهای آوایی (نام آوا^۲، تکرار^۳ و همگونی واکهای^۴)، مبالغه، کوچکانگاری، سطوح رسمی یا محاوره‌ای زبان است.

نوشته خود را سازماندهی کنند: عبارت است از کاربرد مختصه‌های انسجام کل متن^۵ که به وضوح جهت کلی متن را به خواننده نشان می‌دهند (مثلاً از پاراگراف‌های آغازین که مضامین را معرفی می‌کنند استفاده کنند، پیوندهای روشن بین پاراگراف‌های آغازین و پاراگراف‌های پایانی که به آن‌ها اشاره می‌کنند برقرار کنند).

از پارگراف‌هایی که به وضوح از یکدیگر جدا شده‌اند برای سازماندهی معنا استفاده کنند: این مورد عبارت است از پیوستگی درون و بین پاراگراف‌ها؛ ساختن پاراگراف‌ها برای حمایت از معنی و هدف نوشتن آن‌ها (مثلاً از نظر ترتیب زمانی، منطقی یا مضمونی) و استفاده از انواع ابزارهایی که از انسجام درون پاراگراف‌ها حمایت می‌کنند (مثلاً ضمائر، حروف ربط، ارجاع‌هایی که به متن بر می‌گردند و عبارت‌های قیدی به عنوان آغاز کننده جمله‌ها).

ساختار جملات را تغییر دهند: این مورد عبارت است از تغییر دادن طول و فاعل جمله‌ها با استفاده از انواع مختصه‌های جمله برای روشن ساختن معنا یا تأکید بر آن (مثلاً عبارت‌های قیدی مانند *بی میلی*، و ... یا *پنج روز بعد*، *آن ...*، یا اسم مرکب یا گروه‌های حرف اضافه‌ای)، تغییر دادن ترتیب کلمات و استفاده از انواع حروف ربط برای شفاف کردن روابط بین ایده‌ها (مثلاً *با وجود اینکه*، *از طرف دیگر*).

¹.Symbolism

².Onomatopoeic word

³.Alliteration

⁴.Vowel harmony

⁵.Whole-text cohesion

فنون متقاعد کننده و ابزارهای ادبی: این مورد عبارت است از سؤالات ادبی، طنز، تکرار، تضاد، تناقض، خطاب مستقیم، زبان برانگیزاننده، قیاس، حسن تعبیر، کنایه، استفاده از مدرک (مثلاً آمار، نقل قول مستقیم و نمونه).

تدوین پیش‌نویس، ویرایش، نمونه‌خوانی (غلط‌گیری): روی کاغذ یا روی صفحه نمایشگر، کاربرد فرهنگ‌های لغت، فرهنگ اصطلاحات و مرورگر املاء.

صحیح بنویسند: این مورد شامل به کارگیری اطلاعات مربوط به راهبردهای املائی برای نوشتن کلمات ناآشنا، نوشتن کلمات هم‌آوا (مثلاً /t're/، there)، و کلمات چندهجایی معمول است که با الگوهای متعارف سازگاری ندارند.

مطالعه زبان انگلیسی باید به دانش‌آموزان امکان دهد تا دانش، مهارت‌ها و شناخت خود را در موقعیت‌های دنیای واقعی به کارگیرند.

دانش‌آموزان باید در نوشته خود:

الف. در زمان نوشتن، ایده‌ها، مضامین، تصویرها، موقعیت‌ها و یا شخصیت‌ها را برای تخیل، بررسی کردن و سرگرم کردن پرورش دهند.

ب. موضوع موردنظر را تحلیل و ارزیابی نموده و از دیدگاه‌ها و نظرات با ارائه مدرک دفاع کنند.

پ. ایده‌ها و دیدگاه‌ها را به صورت منطقی و متقاعدکننده ارائه دهند.

ت. اطلاعات و ایده‌ها را به صورت مرتبط و به وضوح توضیح داده یا توصیف کنند.

سبک چنین نوشته‌هایی باید از گونه‌های متفاوت زیر برگرفته شود:

داستان، شعر، متن نمایشنامه، شرح حال، خاطرات، صورت جلسه، صورت حساب، بروشور اطلاعاتی، طرح، خلاصه، دفترچه راهنما، تبلیغات، سرمقاله، مقاله و نامه‌هایی که نظرات را منتقل می‌کنند، ادبیات جنگ، مباحثه، نقد، تفسیر، رساله و گزارش

در زمینه تنوع و ساختار زبان ...

مطالعه زبان انگلیسی در زمان سخن گفتن و گوش دادن، خواندن و نوشتن باید شامل موارد زیر

نیز باشد:

الف. اصول دستوری جمله و انسجام کل متن و کاربرد این دانش در نوشته دانش‌آموزان

ب. تنوع در زبان انگلیسی معیار نوشتاری و اینکه چه تفاوتی با زبان گفتاری معیار و غیرمعیار

دارد

پ. اهمیت زبان انگلیسی معیار به عنوان زبان اصلی ارتباط عمومی در سطح ملی و جهانی

ت. عوامل مؤثر بر زبان نوشتاری و گفتاری شامل تأثیر فناوری

همچنین در حاشیه برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی برای فرایند کلیدی نوشتن در سطح کلیدی ۳ مطالبی به شرح ذیل ذکر شده است:

اصول دستوری جمله و انسجام کل متن شامل موارد زیر است:

- طبقه کلمات و نقش‌های دستوری آنها
- ساختار عبارت‌ها و بندها و اینکه چگونه می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و جملات مرکب بسازند (مثلاً از طریق همپایگی و وابستگی (ناهمپایگی))
- ساختار پاراگراف و چگونگی شکل دادن به پاراگراف‌های متفاوت
- ساختار کل متن‌ها شامل انسجام متن، پاراگراف‌های آغازین و نتیجه‌گیری در انواع متفاوت نوشته‌ها (مثلاً از طریق استفاده از زمان‌های فعل و زنجیره‌های ارجاعی)
- کاربرد اصطلاحات دستوری مناسب برای تأمل درباره معنا و شفاف‌کردن تک تک جمله‌ها.

همچنین در حاشیه فرصت‌های برنامه آموزشی برای آموزش نوشتن در سطح کلیدی ۳ تذکر داده می‌شود که با اجرای این برنامه دانش‌آموزان باید بتوانند... :

از موقعیت کنونی خود فراتر بروند: در نوشته‌های غیرداستانی، این امر می‌تواند شامل پیش‌بینی این نکته باشد که مسائل چگونه ممکن است دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و ارائه دیدگاه‌هایی باشد که ممکن است متعلق به خود آن‌ها نباشد. در نوشته‌های داستانی، فراتر رفتن از موقعیت کنونی می‌تواند شامل خلق موقعیت‌ها و به تصویر کشیدن آن‌ها، شرایط و فضاهایی خارج از قلمرو تجربیات خود و استفاده از همدلی برای کمک به خلق شخصیت‌های متفاوتی باشد که به طور قابل قبولی عمل کرده و عکس‌العمل نشان می‌دهند.

پیوندهای بین برنامه‌ای با دروس دیگر: این مورد عبارت است از کاربرد مهارت نوشتن - که در درس زبان انگلیسی شکل گرفته است - در دروس دیگر (مثلاً استفاده از دانش مربوط به قواعد دستوری و ریشه کلمات متداول به هنگام نوشتن به یک زبان دیگر) یا استفاده از آثار مربوط به دروس دیگر برای ایجاد یک موقعیت هدفمند برای نوشتن به زبان انگلیسی (مثلاً کمک گرفتن از تجربه دیدن یک منظره در گردش علمی جغرافی برای الهام‌بخشیدن به یک شعر).

به شیوه‌های عملی و پایدار با نویسندگان کار کنند: این مورد شامل شرکت در یک مجموعه از کارگاه‌های آموزشی و داشتن ارتباط مستمر با نویسندگان از طریق اینترنت است. نویسندگان

می‌توانند نویسندگان داستان، شعر، روزنامه‌نگار یا نگارنده زندگی‌نامه باشند و نیز نویسندگانی با تجربه باشند و نه لزوماً نویسندگان حرفه‌ای.

اهداف و موقعیت‌های فراتر از کلاس درس: شامل نوشتن نامه درباره مسائل مهم منطقه‌ای/ملّی به روزنامه‌ها یا افراد مسئول؛ به چاپ رساندن و توزیع کارهای دانش‌آموزان به صورت چاپی یا روی وب؛ نوشتن و توزیع اطلاعات/راهنمایی/سفارش درباره یک مسئله خاص؛ یا رواندن و توزیع ادبیات جنگ مربوط به یک مسئله محلی یا ملی.

سطح کلیدی ۴

در سطح کلیدی ۴ نیز مهارت نوشتن در قالب دو مؤلفه/انشاء و صحت فنی آموزش داده می‌شود.

در زمینه انشاء...

دانش‌آموزان در سطح کلیدی ۴ در زمینه انشاء باید یاد بگیرند که ... :

الف) به طور خلاقانه، نوآورانه و متفکرانه بنویسند و متن‌هایی تولید کنند که توجه خواننده را جلب کرده و او را به چالش بطلبد؛ ب) به طور روان بنویسند و سبک و زبان را با طیف گسترده‌ای از صورت‌ها، موقعیت‌ها و اهداف تطبیق دهند؛ پ) اطلاعات و ایده‌ها را درباره موضوعات پیچیده به صورت موجز، منطقی و متقاعدکننده‌ای ارائه نمایند؛ ت) زاویه دید را به صورت یکدست در نوشته‌های داستانی و غیرداستانی شکل‌دهند و ادامه دهند؛ ث) به منظور تأکید و وضوح‌بخشیدن به متن‌ها، ساختار آن‌ها را به شیوه‌های گوناگون شکل دهند؛ ج) از پاراگراف‌هایی که به روشنی مرزبندی شده‌اند برای شکل‌دادن به معنا و سازماندهی آن استفاده کنند؛ چ) به هنگام نگارش نوشته‌های خود از مطالب خواننده‌شده و دانش خود درباره صورت‌های ادبی و زبان‌شناختی کمک بگیرند؛ ح) مطالب را خلاصه‌نویسی کرده و از آن یادداشت بردارند؛ خ) از برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس، ویرایش، نمونه‌خوانی و خودارزیابی برای اصلاح و تدوین ماهرانه نوشته خود جهت تأثیرگذاری بیشتر استفاده نمایند؛ د) از ساختارهای جملات گوناگونی جهت حمایت از هدف فعالیت، تأکید و وضوح‌بخشیدن و خلق اثرهای خاص، و جهت بسط دادن، پیوند دادن و پرورش ایده‌ها استفاده نمایند؛ ذ) دیدگاه‌های خود را با کمک گرفتن از شواهد مختلف از منابع گوناگون حمایت کرده و قوی سازند؛ ر) فنون و ابزار بلاغی متقاعدکننده مناسبی را انتخاب نمایند.

در زمینه صحت فنی...

دانش‌آموزان در سطح کلیدی ۴ در زمینه صحت فنی باید یاد بگیرند که ... :

الف) از مختصه‌های دستوری زبان انگلیسی معیار نوشتاری به درستی برای سازماندهی طیف گسترده‌ای از انواع جملات به منظور نیل به اهداف و تأثیرهای خاص استفاده نمایند؛ ب) از طیف کامل علائم سجاوندی به طور صحیح و برای نیل به اثرهای موردنظر استفاده کنند. پ) املاي کلمات را صحیح بنویسند، از جمله کلماتی که با الگوهای قاعده‌مند انطباق ندارند و کلماتی که گاهی اوقات به هنگام کاربرد با هم اشتباه می‌شوند.

همچنین، در حاشیه برنامه مطالعاتی زبان انگلیسی برای فرایند کلیدی نوشتن در سطح کلیدی ۴ تذکر داده می‌شود که با اجرای این برنامه دانش‌آموزان باید بتوانند... :
نوشتن: روی کاغذ و روی صفحه نمایشگر به تناسب بنویسند.

اطلاعات و ایده‌های مربوط به موضوعات پیچیده را ارائه کنند: این مورد شامل تدوین قطعه‌های نوشتاری طولانی درباره موضوعات ناآشنایی است که نیاز به تحقیق و مقایسه اطلاعات برگرفته از منابع گوناگون دارد.

سازمان‌بندی کل متن‌ها: این مورد عبارت است از کاربرد مختصه‌های انسجام کل متن که به وضوح مسیر کلی متن را به خواننده نشان می‌دهند (مثلاً پاراگراف‌های آغازین که مضمون را معرفی کرده و مسیر و چشم‌انداز آن را مشخص می‌نمایند و پاراگراف‌های پایانی که مطالب را خلاصه کرده و در هم تلفیق می‌کنند).

از پاراگراف‌هایی که به روشنی مرزبندی شده‌اند برای خلق معنا و سازماندهی آن استفاده کنند: این مورد شامل تدوین پاراگراف‌ها برای حمایت از هدف و معنی بین پاراگراف‌ها (مثلاً استفاده از ارجاع‌ها به ترتیب زمانی، پس‌مرجعی^۱ و پیش‌مرجعی^۲) و طیف ابزارهایی که از انسجام درون پاراگراف‌ها حمایت می‌کنند (مثلاً ضمائر، حروف ربط و عبارت‌های قیدی به عنوان آغازکننده جمله‌ها). این مورد همچنین شامل استفاده از مشخصه‌های نمایشی است که تأثیرگذار بوده و خواننده را راهنمایی می‌کند (مثلاً جایگاه عناصر متن در صفحه مانند عناوین اصلی، عناوین فرعی، نکات علامت‌گذاری شده، زیرنویس‌ها، سبک یا اندازه قلم، موارد برجسته‌شده یا با حروف کج نوشته‌شده).

^۱.Cataphoric

^۲.Anaphoric

شواهد مختلف: این مورد شامل آمار، حکایت، مطالب دیداری از قبیل نمودارها یا نقل قول‌های بر گرفته از منابع معتبر است.

فنون و ابزار بلاغی: این مورد شامل استفاده از طنز، نکات ادبی، فکاهی، اغراق، تکرار، زبان برانگیزاننده، شاهد، تضاد، مقایسه، حسن تعبیر، صنایع بدیعی^۱، استفاده عمدی از کلیشه و ساختارهای متوازن است.

انواع ادبی و زبان‌شناختی: این مورد شامل استفاده از صورت‌های خاص برای نوشتن شعر، استفاده از اقتباس، تقلید برای نشان دادن درک خود از مختصه‌های سبک‌شناختی، استفاده از هجو و کاریکاتور، آزمایش با صورت‌های روایتی متفاوت، و درک و استفاده از مختصه‌های کلیدی گونه‌های متون است.

مطالعهٔ زبان انگلیسی باید به دانش‌آموزان امکان دهد تا دانش، مهارت‌ها و فهم خود را در موقعیت‌های دنیای واقعی به کار گیرند. به هنگام نوشتن دانش‌آموزان باید:

الف) به هنگام نوشتن برای مجسم کردن، کاوش و سرگرمی؛ ایده‌ها، مضامین، تصویرها، فضاها و شخصیت‌ها را شکل داده و حفظ کنند؛ ب) موضوع موردنظر را تحلیل و ارزیابی کرده و از دیدگاه‌ها و نظرات با ارائهٔ دلایل مختلف دفاع کنند؛ پ) ایده‌ها و دیدگاه‌ها را به نحو مستدل و قانع‌کننده ای بسط داده و حفظ نمایند؛ ت) از عبارت‌های رسمی، غیرشخصی و موجز برای شرح یا توصیف اطلاعات و ایده‌ها به وضوح و به صورت مرتبط استفاده کنند.

صورت چنین نوشته‌ای باید از انواع گوناگون متن مثل موارد زیر گرفته شود:

داستان، شعر، نمایشنامه، شرح حال، فیلم‌نامه، خاطرات، صورت جلسه، صورت حساب، بروشور اطلاعاتی، نقشه، خلاصه، دفترچه راهنما، تبلیغات، سرمقاله، مقاله و نامه‌هایی که نظرات را منتقل می‌کنند، ادبیات جنگ، مباحثه، نقد، تفسیر، رساله و گزارش.

در زمینهٔ ساختار زبانی و تنوعات...

مطالعهٔ زبان انگلیسی فراتر از سخن گفتن و گوش دادن، خواندن و نوشتن باید شامل موارد زیر شود:

- الف. تنوعات و نگرش‌های زبان گفتاری برای استفاده از صورت‌های معیار و غیرمعیار
- ب. شیوه‌های انعکاس هویت از طریق تنوعات و گوناگونی‌های منطقه‌ای، اجتماعی و شخصی
- پ. تفاوت‌های میان زبان گفتاری و نوشتاری با توجه به واژگان، ساختار و دستور

^۱ Figures of speech

ت. اهمیت دستور جمله و انسجام کل متن و تأثیر آن‌ها در نوشتار
 ث. رشد زبان انگلیسی از جمله رشد آن با گذشت زمان، قرض‌گیری از زبان‌های دیگر، منشأ واژه‌ها و تأثیر فناوری بر ارتباط گفتاری و نوشتاری
 ج. اهمیت و تأثیر زبان انگلیسی به عنوان یک زبان جهانی

همچنین در حاشیه گستره و محتوای آموزش نوشتن در سطح کلیدی ۴ به شیوه‌هایی اشاره می‌شود که به کمک آن‌ها زبان، هویت را منعکس می‌کند. این موارد شامل لهجه، گویش، گویش فردی، تغییر واژگانی، گونه‌های زبان انگلیسی مانند کریول^۱، تنوعات شغلی و تفاوت در کاربرد زبان بر اساس سن یا جنس است.

همچنین در حاشیه فرصت‌های برنامه آموزشی برای آموزش نوشتن در سطح کلیدی ۴ تذکر داده می‌شود که با اجرای این برنامه دانش‌آموزان باید بتوانند... :

انواع دیدگاه‌ها را در نظر بگیرند: این مورد می‌تواند شامل واکنش به مسائل منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در جلسات بحث و تبادل نظر برخط و مقاله‌های مربوط به مسائل و موضوع‌های جاری گردد.

کار خود را در سایه بازخوردها بازنویسی کنند: این مورد عبارت است از خود ارزیابی با استفاده از معیار موفقیت، ثبت و بازنگری اجراها و عملکردها، تعیین هدف و استفاده رسمی یا غیررسمی از ارزشیابی گروه همسالان^۲. بازنویسی باید هدفمند بوده و از نمونه‌خوانی برای پی بردن به اشتباهات فراتر رفته و برای شکل‌دهی دوباره کل متن‌ها یا بخش‌هایی از متن‌ها به کار برده شود.

پیوندهای بین برنامه‌های با دیگر موضوعات: این مورد عبارت است از کاربرد مهارت نوشتن - که در درس زبان انگلیسی شکل گرفته است - در درس دیگر (مثلاً تدوین یک پاسخ نوشتاری برای مخاطبی ویژه درباره گرم‌شدن جهان در درس علوم).

به شیوه‌های عملی و پایدار با نویسندگان کار کنند: این مورد شامل مشارکت در یک سری از کارگاه‌های آموزشی و داشتن ارتباط مستمر با نویسندگان از طریق اینترنت است. نویسندگان شامل نویسندگان داستان، شعر، سفرنامه، روزنامه‌نگاری و زندگینامه هستند و ممکن است نویسندگان با تجربه‌ای باشند و نه لزوماً نویسندگان حرفه‌ای. دانش‌آموزان باید فرصت‌هایی برای نمایش دادن اثر خود داشته باشند، مثلاً از طریق انتشار در پایگاه‌های اطلاعاتی یا به صورت چاپی.

در موقعیت‌های واقعی بنویسند: این امر به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا نوشتن را ابزار قدرتمندی برای رسیدن به یک هدف ببینند.

¹. Creol

². Peer assessment

طیفی از مخاطبان: این مورد می‌تواند شامل کارمندان، مشاغل، بنگاه‌های خیریه، دانشکده‌ها، ساکنان محلی، سیاستمداران و روزنامه‌های محلی و ملی، سازمان‌های چند ملیتی و گروه‌های وابسته گردد.

هدف‌های آموزش مهارت نوشتن:

هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در ۸ سطح مختلف ارائه می‌شوند که هر سطح نسبت به سطح قبل دشوارتر است. دانش‌آموزان باید.....

- یاد بگیرند که به هنگام نوشتن، با استفاده از واژگان و عبارات ساده، به انتقال معنا بپردازند. کم‌کم به هنگام نوشتن نشان بدهند که می‌دانند نقطه چگونه استفاده می‌شود و حروف الفبا را به شکلی واضح و با اسلوب صحیح بنویسند.

- یاد بگیرند که هم در گونه‌های داستانی و هم در گونه‌های غیرداستانی نوشتار خود با استفاده از واژگان مناسب و تا حدودی با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطب معنا را منتقل کنند، بتوانند افکار خود را در قالب یک سری جمله که گاهی با حروف بزرگ و نقطه از هم جدا شده‌اند بسط و گسترش دهند.

- یاد بگیرند که مشخصه‌های اصلی انواع مختلف نوشتار را رعایت کرده و به تدریج نوشته‌های خود را متناسب با ویژگی‌های مخاطبان متفاوت تنظیم کنند، جملات و ایده‌ها را به صورتی منطقی بسط بدهند و از واژگان مختلف برای تنوع و گیرایی آن‌ها (جذب خواننده) استفاده کنند، همچنین، به هنگام مشخص کردن جملات از علائم سجاوندی-نقطه، حروف بزرگ و علامت سؤال به درستی استفاده کرده و به صورت شکسته و خوانا بنویسند.

- یاد بگیرند که در نوشتار خود سیر افکار را حفظ کرده و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطب مورد نظر آن‌ها را به شیوه‌های جالبی بسط دهند، واژگان جدید را انتخاب کرده و از آن‌ها برای نیل به تأثیر مورد نظر استفاده کنند، به تدریج از جملات مرکب برای بسط معنا استفاده کنند.

- یاد بگیرند که معنا را به صورت‌های مختلف و برای خوانندگان گوناگون انتقال بدهند، در مواقع لازم از سبک رسمی بهره بگیرند، خلاقانه و با دقت واژگان را انتخاب کرده و به کار ببرند، به صورت شکسته، واضح و روان و متناسب با نوع فعالیت بنویسند.

- یاد بگیرند طوری بنویسند که توجه خواننده را به خود جلب کند، در صورت‌های مختلف متن، سبک و طرز بیان را تا حدودی منطبق با موقعیت به کار برده و در مواقع مناسب از سبک غیرشخصی استفاده کنند، از ساختار مختلف جملات و واژگان متنوع برای ایجاد تأثیر مورد نظر استفاده کنند، از انواع علائم سجاوندی برای روشن کردن معنا به درستی استفاده کنند و افکار خود را در قالب پاراگراف‌ها سازماندهی کنند.

- یاد بگیرند که با اعتماد به نفس بنویسند و سبک مناسب را به کار ببرند، در گونه‌های داستانی، شخصیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های وقوع حادثه را به خوبی بیورانند، در گونه‌های غیرتخیلی نیز افکار را به صورت منظم و منسجم ارائه کنند و زوایای دید را به وضوح ارائه دهند، ویژگی‌های دستوری و واژگان را به درستی و به

<p>گونه‌ای تأثیرگذار استفاده کنند، پاراگراف‌بندی و علائم سجاوندی را درست استفاده کنند تا ترتیب رویدادها یا افکار در نظر خواننده منسجم و روشن باشد.</p> <p>طوری بنویسند که توجه خواننده را در سراسر متن جلب کنند و نشان بدهند که بر انواع سبک‌ها تسلط دارند، در آثار داستانی، از ساختار و واژگان مختلفی استفاده کنند تا تأثیر خلاقانه ایجاد کنند و در آثار غیر تخیلی هم منسجم، مستدل و مجاب‌کننده بنویسند. از ساختارهای دستوری و علائم سجاوندی گوناگون، به درستی، با دقت و به صورتی متناسب استفاده کنند و در نوشته خود پاراگراف‌ها را به خوبی تدوین کرده و به هم مرتبط کنند تا اثر نوشتاری واضحی را تدوین کنند.</p>
<p>شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۱ و ۲ عبارتند از:</p> <p><i>انشاء، برنامه‌ریزی و تهیه پیش‌نویس، علائم سجاوندی، املاء، سبک دست‌نویسی و ارائه، زبان انگلیسی معیار و ساختار زبانی</i></p> <p>شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی انگلستان در سطوح کلیدی ۳ و ۴ عبارتند از:</p> <p><i>انشاء و صحت قتی</i></p>
<p>جدول ۳.۸ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی انگلستان (۲۰۰۷)</p>

اهداف و شاخص‌های آموزش نوشتن به تفکیک سطوح تحصیلی در برنامه آموزشی نیوزیلند (۲۰۰۷)

در چارچوب برنامه آموزشی نیوزیلند، هدف‌های آموزش نوشتن در قالب شاخص‌های فرایندها و راهبردها، منظورها و مخاطبان، ایده‌ها، مختصه‌های زبانی و ساختار مطرح می‌شوند. هدف‌های آموزش مهارت نوشتن نیز در قالب شاخص‌های یادشده برای هشت سطح تحصیلی مطرح می‌شوند. سطح اول شامل پایه‌های اول تا سوم، سطح دوم شامل پایه‌های چهارم و پنجم، سطح سوم شامل پایه‌های ششم و هفتم، سطح چهارم شامل پایه‌های هشتم و نهم، سطح پنجم شامل پایه دهم، سطح ششم شامل پایه یازدهم، سطح هفتم شامل پایه دوازدهم و سطح هشتم شامل پایه سیزدهم است. در ادامه این برنامه آموزشی هدف‌ها و شاخص‌های آموزش نوشتن برای هشت سطح یادشده به تفکیک مطرح می‌شود که برای سهولت مقایسه هدف‌های آموزشی در کشورهای مورد مطالعه، در این فصل تنها هدف‌های آموزشی در سطوح دوم، چهارم و هفتم مطرح می‌شوند.

هدف‌های کلی آموزش نوشتن

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

الف- منابع اطلاعاتی، فرایندها و راهبردها را به صورتی هدفمند، با اعتماد به نفس و دقیق برای شناسایی، شکل‌دادن و بیان ایده‌های نسبتاً پیچیده تلفیق کنند.
ب- نشان بدهند که تشخیص می‌دهند چگونه متون را برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل بدهند.

پ- ایده‌های هدفمندی را درباره موضوعات مختلف انتخاب کرده، شکل‌داده و منتقل کنند.
ت- مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق کنند.
ج- با استفاده از ساختارهای مناسب، منسجم و مؤثر متونی را سازمان‌دهی کنند.
در ادامه این فصل هدف‌های آموزش نوشتن در چارچوب برنامه آموزشی نیوزیلند در سطح دوم (پایه‌های چهارم و پنجم)، سطح چهارم (پایه‌های هشتم و نهم) و سطح هفتم (پایه دوازدهم) توصیف می‌شود که به ترتیب معادل دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران هستند.

هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در حوزه یادگیری زبان انگلیسی - سطح دوم (پایه‌های چهارم و پنجم)

در زمینه فرایندها و راهبردها ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که به تدریج از منابع، فرایندها و راهبردهای اطلاعاتی برای شناسایی، شکل‌دادن و بیان ایده‌ها استفاده کنند. در این راستا، آنان باید نشان بدهند که به هنگام خلق متن از روابط بین زبان شفاهی، نوشتاری و دیداری آگاهی دارند؛ با استفاده از معنا، ساختار و منابع اطلاعاتی دیداری، و خطی-آوایی، دانش قبلی و بعضی از راهبردهای پردازشی با اعتماد به نفس متونی را خلق کنند؛ بازخورد بگیرند و تغییراتی در متن به ایجاد کنند؛ درباره متون نوشته شده توسط خود فکر کنند؛ پیشرفت خود را در کار نظارت کرده و آن را شخصاً مورد ارزیابی و توصیف قرار بدهند.

در زمینه منظورها و مخاطبان ...

دانش‌آموزان به هنگام نوشتن با استفاده از این فرایندها و راهبردها باید تشخیص بدهند که چگونه متون را به یک منظور و برای یک مخاطب شکل دهند. در این راستا، آنان باید متونی را تولید کنند که نشانه آگاهی مختصری از منظور و مخاطب از طریق انتخاب مناسب محتوا، زبان و صورت متن است؛ توجه داشته باشند دیگران باید متونی را که آن‌ها تولید می‌کنند بفهمند، بدان

واکنش نشان داده و تحسین کنند و نیز دانش‌آموزان باید در موارد مناسب، لحن شخصی خود را منتقل کنند.

در زمینه ایده‌ها ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که درباره انواع موضوعات ایده‌هایی را شکل داده و بیان کنند. در این راستا، معمولاً بر اساس تجربیات و اطلاعات شخصی ایده‌ها و اطلاعات ساده را شکل داده و بیان کنند و به تدریج از ایده‌ها به تفصیل حمایت کنند.

در زمینه مختصه‌های زبانی ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که به هنگام نوشتن از مختصه‌های زبانی استفاده کنند و نشان بدهند که بعضی از اثرات آن‌ها را تشخیص می‌دهند. در این راستا، آنان باید یاد بگیرند که از مختصه‌های زبان نوشتاری و دیداری برای خلق معنا و اثرگذاری استفاده کنند؛ از واژه‌های پربسامد، خاص موضوع و واژه‌های محتوایی شخصی برای خلق معنا استفاده کنند؛ از بعضی از واژه‌های پربسامد به درستی استفاده کرده و از بعضی از الگوهای املائی رایج استفاده کنند؛ به تدریج از بعضی از راهبردها برای تصحیح و نظارت بر املا خود استفاده کنند؛ به هنگام خلق متون بیشتر حروف و اعداد را به شکل خوانا بنویسند و به تدریج بر قراردادهای متن مانند حروف بزرگ و علائم سجاوندی مسلط بشوند.

در زمینه ساختار ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که با استفاده از ساختارهای ساده متونی را سازماندهی کنند. در این راستا، از اطلاعات مربوط به ترتیب واژه‌ها و جمله‌ها برای انتقال معنا در متون ساده استفاده کنند؛ به تدریج ایده‌ها و اطلاعات را پی در پی ارائه بدهند؛ از جملات ساده با تنوعاتی در آغاز آن‌ها و نیز از جملات مرکب و پیچیده استفاده کنند.

هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در حوزه یادگیری زبان انگلیسی - سطح چهارم (پایه‌های هشتم و

نهم)

در زمینه فرایندها و راهبردها ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که با اعتماد به نفس منابع اطلاعاتی، فرایندها و راهبردها را برای شناسایی، صورت‌بندی و بیان ایده‌ها تلفیق کنند. در این راستا، آنان باید یاد بگیرند که به هنگام

تولید متون از درک رابطه میان زبان شفاهی، نوشتاری و دیداری استفاده کنند؛ با اعتماد به نفس از طریق تلفیق منابع اطلاعاتی و راهبردهای پردازشی انواع متون را خلق کنند؛ در پی بازخورد بوده و برای افزایش شفافیت، معنا و تأثیر در متون تغییر ایجاد کنند؛ درباره تولید متون خود تأمل کنند؛ بر پیشرفت خود نظارت کرده و آن را مورد ارزیابی قرار بدهند، و درباره یادگیری خود با اعتماد به نفس سخن بگویند.

در زمینه هدف‌ها و مخاطبان ...

دانش‌آموزان باید به هنگام نوشتن با استفاده از این فرایندها و راهبردها نشان بدهند که درک می‌کنند چگونه متون را برای هدف‌ها و مخاطبان متفاوت تدوین کنند. در این راستا، آنان باید متونی را تدوین کنند که حاکی از آگاهی از هدف و مخاطب از طریق انتخاب عمدی محتوا، زبان و صورت متن است و در موارد مناسب لحن شخصی را منتقل کرده و حفظ کنند.

در زمینه ایده‌ها ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که ایده‌های خود را در زمینه موضوعات متفاوت انتخاب کرده، گسترش داده و منتقل کنند. در این راستا، آنان باید ایده‌ها و اطلاعات را به وضوح صورت بندی کرده و منتقل کنند و به انواع منابع متوسل شوند؛ جزئیات و اظهارنظرها را در حمایت از ایده‌ها اضافه کرده یا تغییر داده و نشان بدهند که فرایندها را متفکرانه انتخاب کرده اند؛ آنان باید متوجه باشند که ایده‌ها حاکی از ابعاد یا زاویه‌های دید متفاوتی هستند.

در زمینه مختصه‌های زبانی ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که از انواع مختصه‌های زبانی به صورت مناسبی استفاده کنند و نشان دهند که اثرات آن‌ها را به وضوح درک می‌کنند. در این راستا، از انواع مختصه‌های نوشتاری و دیداری برای خلق معنا و تأثیر و ادامه توجه به متن استفاده کنند؛ از انواع واژگان برای انتقال معنای دقیق استفاده کنند؛ نشان دهند که الگوهای املائی زبان انگلیسی نوشتاری را با اشتباهات اندکی به خوبی درک می‌کنند؛ از انواع راهبردها برای نظارت شخصی و تصحیح املائی خود استفاده کنند؛ با سرعت زیاد و شکیبایی متناسب با ماهیت تکلیف و هدف آن و بدون کاهش قابل‌ملاحظه خوانایی آن بنویسند و از انواع قراردادهای متن از جمله قراردادهای دستوری به صورت مناسب، مؤثر و درست استفاده کنند.

در زمینه ساختار ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که متون را با استفاده از انواع ساختارهای مناسب سازماندهی کنند. در این راستا، آنان باید به هنگام تدوین متون به انسجام و کامل بودن آن توجه کنند؛ ایده‌ها و اطلاعات را برای نیل به یک هدف یا تأثیر خاص به توالی قرار داده و ساماندهی کنند و از انواع ساختارهای جمله، پاراگراف آغازین و طول جمله برای نیل به تأثیر خاصی استفاده کنند.

هدف‌های آموزش مهارت نوشتن در زمینه یادگیری زبان انگلیسی - سطح هفتم (پایه دوازدهم)*در زمینه فرایندها و راهبردها ...*

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که منابع، فرایندها و راهبردهای اطلاعاتی را به شکل هدفمند و با اعتماد به نفس برای شناسایی، شکل‌دادن و بیان ایده‌های نسبتاً پیچیده تلفیق کنند. در این راستا، به هنگام تولید متون از درک خود در زمینه روابط بین زبان شفاهی، نوشتاری و دیداری بهره‌مند شوند؛ با تلفیق منابع اطلاعاتی و راهبردهای پردازشی متون متنوع و پیچیده و منسجمی را خلق کنند؛ بازخورد بگیرند و برای افزایش وضوح، معنا و اثرگذاری، تغییراتی در متن به عمل آورند؛ درباره تولید متون خود فکر کنند؛ پیشرفت خود را در کار نظارت کرده، آن را شخصاً مورد ارزیابی و توصیف قرار بدهند و درباره یادگیری خود با اعتماد به نفس صحبت کنند.

در زمینه منظورها و مخاطبان ...

دانش‌آموزان باید به هنگام نوشتن با استفاده از این فرایندها و راهبردها تشخیص بدهند که چگونه متون را برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل دهند. در این راستا، آنان باید متونی را تدوین کنند که نشانه آگاهی آن‌ها از منظور و مخاطب از طریق انتخاب مناسب محتوا، زبان و صورت متن است و در موارد مناسب، لحن شخصی خود را منتقل کرده و حفظ کنند.

در زمینه ایده‌ها ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که ایده‌های هدفمندی را درباره موضوعات مختلف انتخاب کرده، شکل داده و منتقل کنند. در این راستا، آنان باید ایده‌ها، اطلاعات و تجربیات نسبتاً پیچیده‌ای را شکل داده و منتقل کنند؛ با افزودن جزئیات یا ربط‌دادن آن‌ها با ایده‌ها و جزئیات دیگر، متونی منسجم و برنامه‌ریزی شده را شکل بدهند و ایده‌ها حاکی از درک، عمق تفکر و آگاهی آن‌ها از ابعاد یا زوایای دید متفاوت است.

در زمینه‌های تخصصی زبانی ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق کنند. در این راستا، باید به صورتی منسجم، روان و مسلط از مختصه‌های زبان نوشتاری برای خلق معنا و جلب توجه مخاطب استفاده کنند؛ از واژگان گسترده‌ای برای انتقال دقیق معنا استفاده کنند و از انواع قراردادهای متن اعم از قراردادهای دستوری و املائی به طرز مناسب و مؤثر و به درستی استفاده کنند.

در زمینه ساختار ...

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که با استفاده از ساختارهای مناسب، منسجم و مؤثر، متونی را سازماندهی کنند. در این راستا، آنان باید با تسلط خود در زمینه استفاده از ویژگی‌ها و قراردادهای انواع صورت‌های متن، ایده‌ها و اطلاعات را برای منظور یا اثرگذاری خاصی شکل داده و سازماندهی کنند.

<p>هدف‌های آموزش نوشتن:</p> <p>دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:</p> <p>الف - منابع اطلاعاتی، فرایندها و راهبردها را به صورتی هدفمند، با اعتماد به نفس و دقیق برای شناسایی، شکل‌دادن و بیان ایده‌های نسبتاً پیچیده تلفیق کنند.</p> <p>ب - نشان بدهند که تشخیص می‌دهند چگونه متون را برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل بدهند.</p> <p>پ - ایده‌های هدفمندی را درباره موضوعات مختلف انتخاب کرده، شکل داده و منتقل کنند.</p> <p>ت - مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق کنند.</p> <p>ث - با استفاده از ساختارهای مناسب، منسجم و مؤثر متونی را سازمان‌دهی کنند.</p>
<p>در چارچوب برنامه آموزشی نیوزیلند، هدف‌های آموزش نوشتن در قالب شاخص‌های فرایندها و راهبردها، منظورها و مخاطبان، ایده‌ها، مختصه‌های زبانی و ساختار مطرح می‌شوند.</p>
<p>جدول ۴.۸ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی نیوزیلند (۲۰۰۷)</p>

هدف‌های آموزش نوشتن به تفکیک دوره‌های تحصیلی در برنامه آموزش زبان ملی سنگاپور

در چارچوب این برنامه آموزشی شاخص خاصی برای آموزش نوشتن مطرح نمی‌شود.

هدف‌های کلی آموزش مهارت نوشتن:

(الف) دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که برای اهداف و مخاطبان متفاوت به صورتی خوانا، منسجم و پیوسته بنویسند،

(ب) دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که ایده‌ها را در نوشتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط می‌دهند

(ج) با استفاده از منابع چاپی، غیرچاپی، الکترونیکی نشان بدهند که درباره زبان و انواع متن اطلاعاتی دارند.

(د) در قالب نوشتار نشان بدهند که توانایی فراگیری و استفاده از دانش را به منظورهای مختلف دارند

در ادامه این گزارش هدف‌های آموزش مهارت نوشتن تا پایان دوره سوم ابتدایی (معادل دوره

ابتدایی ایران)، دوره اول متوسطه (معادل دوره اول متوسطه ایران) و دوره دوم متوسطه (معادل دوره دوم متوسطه ایران) توصیف می‌شود.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت نوشتن تا پایان دوره سوم ابتدایی

(الف) دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که برای اهداف و مخاطبان متفاوت به صورتی خوانا، منسجم و پیوسته بنویسند. به این منظور آنان باید یاد بگیرند که ...

- از خط پیوسته استفاده کنند،

- از دانش خود درباره قراردادهای راهبردهای املاء در نوشته خود استفاده کنند،

- پاراگراف‌هایی بنویسند و ایده اصلی خود را توسط آن‌ها گسترش بدهند،

- با استفاده از جزئیاتی مانند مثال، توصیف و تجربه شخصی، ایده‌های اصلی خود را بسط بدهند،

- از دستور و واژگان به طرز مناسبی استفاده کنند،

- از سیاق مناسب استفاده کنند،

- به کمک معلم/همسالان پیش‌نویسی از یک متن تهیه کنند، آن را اصلاح کرده و ویرایش کنند.

(ب) با استفاده از منابع چاپی/غیرچاپی/الکترونیکی نشان بدهند که درباره زبان و انواع متن اطلاعاتی دارند. به این منظور آنان باید یاد بگیرند که ...

- واژه‌های مربوط به موارد زیر را فهمیده و به طرز مناسبی به کار ببرند:
- کتاب از جمله عنوان، نویسنده، تصویرگر، شماره صفحه، محتوای صفحه، فصل، سرتیتر، تیتر فرعی و نمایه؛ انواع متن / رسانه برای مثال داستان روزنامه: سرتیتر، شرح تصاویر، عناوین فیلم‌ها/ جای امضای نویسنده؛ نرم‌افزار برای مثال پردازشگر واژه، تصحیح‌کنندهٔ املاء
- بفهمند که چگونه هدف انواع متن از طریق سازماندهی متن، دستور و واژگان برآورده می‌شود،
- آیت‌ها و ساختارهای دستوری را فهمیده و به کار ببرند

- پ) ایده‌ها را به صورتی اثرگذار و برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل داده و بسط بدهند:
- با راهنمایی معلم دربارهٔ موضوعی آشنا سخنرانی ساده‌ای را برنامه‌ریزی کرده و سازماندهی کنند،
- به هنگام نوشتن با راهنمایی معلم بر نکتهٔ خاصی تمرکز کنند،
- با منابع شنیداری/دیداری/چاپی از ایده‌ها حمایت کنند،
- برای تضمین رسایی بیان و قابلیت دید مؤثر بر ارائهٔ شفاهی/ازبرخوانی همسالان خود نظارت کنند.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت نوشتن تا پایان دورهٔ اول متوسطه

- الف) دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که برای اهداف و مخاطبان متفاوت به صورتی خوانا، منسجم و پیوسته بنویسند.
- نوع متن را متناسب با مخاطب مورد نظر انتخاب کنند.
- از ساختار سازمانی مناسبی استفاده کنند که ایده‌های اصلی را به هم پیوند می‌دهد.
- با استفاده از جزئیاتی مانند مثال، توصیف، تجربهٔ شخصی، نمودار و عقیده از ایده‌های مطرح‌شده حمایت کرده یا آن‌ها را تشریح کنند.
- از دستور، علائم سجاوندی و واژگان به طرز مناسبی استفاده کنند.
- از سیاق مناسب استفاده کنند.
- پیش‌نویس یک متن را به طور انفرادی یا با گروه همسالان تدوین و اصلاح کرده و ویرایش کنند.
- ب) دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که ایده‌ها را در نوشتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط دهند
- یک قطعهٔ ادبی یا یک گفت‌وگو را بر اساس هدف، مخاطب، موقعیت و رسانه برنامه‌ریزی کرده و سازماندهی کنند.

- کانون و قالب مناسب را انتخاب کرده و ایده‌های اصلی را به گونه‌ای مطرح کنند که مربوط به موضوع مورد نظر باشد و از عقیدهٔ مربوط به آن حمایت کند.

پ) با استفاده از منابع چاپی، غیرچاپی، الکترونیکی نشان بدهند که دربارهٔ زبان و انواع متن اطلاعاتی دارند.

- واژه‌های مربوط به موارد زیر را فهمیده و به طرز مناسبی به کار ببرند:

- کتابها مثلاً جلد، عنوان، نویسنده، شمارهٔ صفحه، فهرست مطالب، فصل، عنوان‌های اصلی، عنوان‌های فرعی، نمایه، فهرست واژه‌ها، فهرست منابع
- انواع متن و رسانه مثلاً رویه‌ای، روایی، توضیحی، گزارش اطلاعاتی، تعریفی (بازگویی)
- منابع الکترونیکی مثلاً پردازش واژه، پایگاه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای مناسب دیگر، اینترنت
- مختصه‌های ادبی مانند شخصیت و طرح داستان

- درک کنند که چگونه هدف انواع متن از طریق سازماندهی متن، دستور و واژگان هدف انواع متن را برآورده کنند.

- ساختارهای دستوری را فهمیده و به کار ببرند.

ت) در قالب نوشتار نشان بدهند که توانایی فراگیری و استفاده از دانش را به منظوره‌های مختلف دارند

- با استفاده از سرنخ‌های بافتی و دانش پیشین، محتوا و پیشرفت ایده‌ها را پیش‌بینی کنند.

- نکات اصلی را از طریق استفاده از عنوان، تیتروهای اصلی، تیتروهای فرعی، واژه‌های کلیدی و کمک‌های دیداری، جملات اصلی شناسایی کنند.

- اطلاعات و جزئیاتی مانند توصیف‌ها، مثال‌ها، توضیحات، کمک‌های دیداری و گزینه‌هایی که از ایدهٔ اصلی/زاویهٔ دید حمایت می‌کند را به یاد آورند.

- با استفاده از سرنخ‌های بافتی و دانش پیشین نتیجه‌گیری کنند.

- مجموعه‌ای از روشها را دنبال کنند.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت نوشتن تا پایان دورهٔ دوم متوسطه

الف) دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که ایده‌ها را در نوشتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط دهند. به این منظور دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که

- به صورتی هدفمند و با در نظر گرفتن فضا، مخاطب و رسانه مطالب را برنامه‌ریزی کرده و سازماندهی کنند، مثلاً ارائه چند رسانه ای.

- کانون توجه و قالب خاصی را انتخاب کنند که مرتبط با موضوع باشد، از یک عقیده درباره موضوع مورد نظر حمایت کند، ایده‌ها را با منابع شنیداری، دیداری و نوشتاری حمایت کند، نکات مهم را مورد تأکید قرار دهد.

ب) ایده‌ها را به صورتی اثرگذار و برای منظورها و مخاطبان متفاوت شکل داده و بسط بدهند:

- یک طرح یا گفت‌وگو را متناسب با هدف، مخاطب و رسانه خاصی مطالب را برنامه‌ریزی کرده و سازماندهی کنند،

- بر نکته خاصی تمرکز کرده، قالب مناسبی را برای بیان آن انتخاب کرده و ایده‌هایی را پیروانند که مرتبط با موضوع بوده و از ایده مربوط به آن حمایت کند،

- از ایده‌ها با منابع شنیداری، دیداری و چاپی حمایت کنند،

- از ابزارهای انسجام برای مرتبط ساختن ایده‌های مطرح شده در یک سخنرانی استفاده کنند،

- به سؤالات مطرح شده در جریان یک ارائه شفاهی به طرز مناسبی پاسخ بدهند.

پ) به صورتی خوانا، پیوسته و منسجم برای اهداف و مخاطبان مختلف بنویسند. به این منظور دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که...

- نوع متن را متناسب با هدف مورد نظر انتخاب کنند،

- از ساختار سازمانی مناسبی استفاده کنند که ایده‌های اصلی را به طور یکدست مطرح کند،

- با جزئیات مرتبطی مانند مثال‌ها، توصیف‌ها، تجربه‌های شخصی، نمودارها و عقیده‌ها ایده‌ها را بسط داده و مورد حمایت قرار بدهند،

- از دستور، علائم سجاوندی و واژگان به طرز مناسبی استفاده کنند،

- از سیاق مناسب استفاده کنند،

- پیش نویس یک متن را با گروه همسالان یا به صورت انفرادی تهیه کرده و آن را اصلاح و ویرایش کنند.

<p>هدف‌های آموزش نوشتن:</p> <p>دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:</p> <p>الف) برای اهداف و مخاطبان متفاوت به صورتی خوانا، منسجم و پیوسته بنویسند،</p> <p>ب) ایده‌ها را در نوشتار برای هدف‌ها و مخاطبان مختلف ارائه کرده و بسط بدهند،</p> <p>پ) با استفاده از منابع چاپی، غیرچاپی، الکترونیکی نشان بدهند که دربارهٔ زبان و انواع متن اطلاعاتی دارند،</p> <p>ت) در قالب نوشتار نشان بدهند که توانایی فراگیری و استفاده از دانش را به منظورهای مختلف دارند.</p>
<p>در چارچوب برنامهٔ آموزش زبان ملی سنگاپور بر هدف‌های آموزشی تأکید می‌شود و شاخص خاصی برای آموزش مهارت‌های زبانی به صورت مجزا بیان نمی‌شود.</p>
<p>جدول ۵.۸ - هدف‌ها و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامهٔ آموزش زبان ملی سنگاپور (۲۰۰۶)</p>

اهداف و شاخص‌های آموزش نوشتن به تفکیک مراحل رشد دانش‌آموزان در برنامهٔ آموزش زبان ملی غرب استرالیا

در چارچوب این برنامهٔ آموزشی شاخص خاصی برای آموزش نوشتن مطرح نمی‌شود.

الف) دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه با تجربه کردن خط و نوشتن متون ساده و نوشته‌هایی که برای آن‌ها معنا دارند، متون نوشتاری تولید کنند.

ب) هدف از آموزش نوشتن در پایه‌های سوم تا هفتم این است که آگاهی دانش‌آموزان از هدف صورت‌های متفاوت متن افزایش پیدا کند و به این منظور باید فرصت‌هایی برای آزمایش و کسب کنترل بر ویژگی‌های انواع بیشتری از متون به آن‌ها داده شود.

پ) هدف از آموزش نوشتن در پایه‌های هفتم تا دهم این است که به دانش‌آموزان فرصت داده شود تا بر انواع صورت‌های نوشتاری تسلط پیدا کرده و آن‌ها را برای نیل به اهداف، مخاطبان و بافت‌های موقعیت متفاوت دستکاری کنند. آن‌ها باید یادگیرند که چگونه برای نیل به هدف‌های متفاوت و برای مخاطبان متفاوت متن تولید کنند.

د) هدف از آموزش نوشتن در پایه‌های دهم تا دوازدهم این است که دانش‌آموزان به نویسنده‌های مستقلی تبدیل شوند که می‌توانند برای نیل به اثرات متفاوت و جلب توجه مخاطبان خاص، زبان متن را انتخاب کرده، آن را دستکاری و شکل دهند.

دانش‌آموزان باید یادگیرند که برای انتقال ایده‌ها و اطلاعات؛ تقسیم تجربیات؛ بیان افکار، احساسات و ایده‌ها، گفتن قصه و شعر برای سرگرم کردن دیگران به شیوه‌های مختلف؛ ثبت مطالب؛ کمک‌گرفتن یا کسب اطلاعات؛ فکرکردن دربارهٔ تجربیات؛ ایجاد، تشریح یا شفاف کردن ایده‌ها؛

تقویت یادگیری و درک؛ بیان افکار، احساسات و ایده‌های خود و برای کسب لذت بنویسند. آن‌ها باید بتوانند از انواع فنون مانند نوشتن با دست و با رایانه (تایپ کردن) برای تولید متون استفاده کنند.

دانش‌آموزان باید یادگیرند که از قراردادهای دست‌نویسی، املاء، دستور، علائم سجاوندی و صفحه‌آرایی و قراردادهای واژگان، لحن، سبک و ساختار همراه با صورت‌های متفاوت نوشتاری مانند گزارش‌ها، نامه‌ها، داستان‌ها و مقالات استفاده کنند.

دانش‌آموزان باید بیاموزند که از راهبردهایی مانند یادداشت‌برداری، برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس، گردهمایی‌ها، آزمودن کار خود با یک مخاطب، اصلاح کردن، ویرایش کردن، نمونه‌خوانی و انتشار برای شکل‌دادن و ارائه کار خود استفاده کنند. آن‌ها باید بیاموزند که هنگام برنامه‌ریزی، شکل‌دادن و ارائه کار خود هدف، مخاطب، و بافت را در نظر بگیرند و زبان خود را با هدف‌ها، مخاطبان و بافت‌های موقعیت منطبق کنند.

آن‌ها باید از نگارش به عنوان بخشی از فرایند بزرگتر تولید و ارائه متون استفاده کنند و نگارش را در تلفیق با صورت‌های دیگر زبان مانند زبان شفاهی و دیداری، طراحی، تولید و ارائه در انواع متون اعم از نمایشنامه، متون رسانه‌ای و چندرسانه‌ای به کار بگیرند. مثلاً دانش‌آموزان باید به صورت آزمایشی به صورت‌های نوشتاری متفاوت بنویسند؛ شعر بگویند؛ در نگارش مشترک شرکت کنند؛ یکی از تجربه‌های خود را بازگویی کنند؛ مطلبی را زیر تصویری که کشیده‌اند بنویسند؛ سفری را که با والدین خود داشته‌اند نقل کنند؛ برای کسب اطلاعات در زمینه یک طرح نامه بنویسند؛ از یک گزارش یادداشت بر دارند؛ برای کودکان خردسال داستانی بنویسند؛ صفحه‌وبی طراحی کنند؛ روزنامه‌ای منتشر کنند؛ از اسلاید در ارائه خود بهره بگیرند؛ فیلمی ویدئویی را برنامه‌ریزی کرده، نگاشته و تولید کنند؛ یا مقاله‌ای رسمی را به نگارش درآورند.

در ادامه، تجربیات یادگیری دانش‌آموزان استرالیایی در مراحل رشدی اواسط کودکی (معادل دوره ابتدایی ایران)، اوائل نوجوانی (معادل دوره اول متوسطه ایران) و اواخر نوجوانی (معادل دوره دوم متوسطه ایران) در زمینه مهارت نوشتن توصیف می‌شود. در این برنامه آموزشی تذکر داده می‌شود که تجربیات توصیف شده در این بخش جنبه تجویزی ندارند و نیز باید به خاطر داشت که نرخ رشد هر یک از دانش‌آموزان با بقیه متفاوت است.

هدف‌های آموزش نوشتن در اواسط کودکی (پایه سوم تا پایه هفتم)

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه با تجربه کردن خط و نوشتن متون ساده و نوشته‌هایی که برای آن‌ها معنا دارند، متون نوشتاری تولید کنند. همچنین، آن‌ها باید دربارهٔ مختصه‌های صورت‌های نوشتاری متفاوت و فرایندهای دخیل در نگارش آن‌ها اعم از برنامه‌ریزی و اصلاح بینش

به دست آورند. به تدریج دانش‌آموزان باید بر عناصر متفاوت نگارش اعم از محتوا، سازمان، کاربرد واژه‌ها و قراردادهای زبانی تسلط پیدا کنند. همچنین، لازم است که آگاهی دانش‌آموزان از هدف صورت‌های متفاوت متن افزایش پیدا کند. در همین راستا آنان باید به اهمیت هدف‌گذاری، تفکر درباره مخاطب، تهیه پیش‌نویس، اصلاح و نمونه‌خوانی اثر نوشتاری به طور مداوم آگاه شوند. دانش‌آموزان باید از طریق تحقیق و گزارش نویسی برای اهداف و مخاطبان متفاوت بر زبان توضیحی تسلط پیدا کنند. همچنین، دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که از زبان نوشتاری برای مباحثه و قانع کردن، تفکر درباره ارزش‌های خود، بیان عقاید، نتیجه‌گیری، ارزیابی و قضاوت و استفاده از واژگان تخصصی در موقعیت‌های متفاوت و به عنوان ابزار یادگیری استفاده کنند.

تجربیات یادگیری دانش‌آموزان در زمینه نوشتن در اوایل نوجوانی (پایه هفتم تا پایه دهم)

هدف از آموزش نوشتن در پایه‌های هفتم تا دهم این است که به دانش‌آموزان فرصت داده شود بر انواع صورت‌های نوشتاری تسلط پیدا کرده و آن‌ها را برای نیل به اهداف، مخاطبان و بافت‌های موقعیت متفاوت دستکاری کنند، صورت‌ها و فرایندهای نوشتاری، گونه‌های مختلف متون و سبک‌های متفاوت را بیازمایند. از طرفی، برای شکل‌دادن به ایده‌ها و آوردن اثر به سطح مناسب برای ارائه به مخاطب مورد نظر بر فرایندها و راهبردهای مورد نیاز (مانند بارش مغزی، برگزاری گردهمایی، برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس و بازنویسی) تأکید می‌شود. همچنین، میزان توانایی دانش‌آموزان در تولید آثار نوشتاری با توجه به میزان تسلط آن‌ها بر قراردادهای املاء، علائم سجاوندی و ساخت‌های دستوری زبان انگلیسی معیار استرالیایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

تجربیات یادگیری دانش‌آموزان در زمینه نوشتن در اواخر نوجوانی / اوائل بزرگسالی (پایه دهم تا پایه دوازدهم)

هدف از آموزش نوشتن در پایه‌های دهم تا دوازدهم این است که دانش‌آموزان به نویسندگی مستقلی تبدیل شوند که می‌توانند برای نیل به اثرات متفاوت و جلب توجه مخاطبان خاص، زبان متن را انتخاب کرده، آن را دستکاری و شکل دهند. آن‌ها باید آموزش ببینند که انواع متون پیچیده را تولید کنند، آن‌ها را به شیوه‌هایی شکل دهند که با قراردادهای مورد انتظار هماهنگی داشته و نیز شواهدی دال بر اصالت و نویسندگی آنان ارائه دهند. در این مرحله دانش‌آموزان باید زیاد از نگارش بیانی^۱ و انعکاسی^۱ استفاده کنند.

^۱.Expressive

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که استدلال‌ها و عقاید پیچیده‌تری را در نوشته خود مورد استفاده قرار دهند. آن‌ها باید یاد بگیرند که چشم‌اندازهای مختلف را درباره مسائل شناسایی کرده و در نظر بگیرند و متون مستدل و متقاعدکننده را به خوبی سازماندهی کرده و ارائه دهند.

در چارچوب این برنامه درسی در مرحله رشدی اواخر بلوغ بر فرایندها و راهبردهای مورد نیاز برای شکل دادن به ایده‌ها و رساندن اثر به سطح مناسب برای ارائه به مخاطب مورد نظر تأکید می‌شود. همچنین افزایش توانایی دانش‌آموزان در تولید اثر نوشتاری و تسلط آن‌ها بر قراردادهای زبان انگلیسی معیار استرالیایی مدنظر قرار می‌گیرد. دانش‌آموزان استرالیایی در چارچوب این برنامه آموزشی باید یاد بگیرند که از نگارش برای تفکر درباره تجربیات و بیان آن‌ها و نیز بیان واکنش آنان نسبت به متن مورد نظر استفاده کنند. به این ترتیب، یادگیری آن‌ها در دروس دیگر و نیز تسلط آن‌ها بر زبان نوشتاری افزایش می‌یابد.

هدف آموزش نوشتن:

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که:

برای انتقال ایده‌ها و اطلاعات؛ تقسیم تجربیات؛ بیان افکار، احساسات و ایده‌ها، گفتن قصه و شعر برای سرگرم کردن دیگران به طرق مختلف؛ ثبت مطالب؛ کمک‌گرفتن یا کسب اطلاعات؛ فکر کردن درباره تجربیات؛ ایجاد، تشریح یا شفاف کردن ایده‌ها؛ تقویت یادگیری و درک؛ بیان افکار، احساسات و ایده‌های خود و برای کسب لذت بنویسند؛ از انواع فنون مانند نوشتن با دست و با رایانه (تایپ کردن) برای تدوین متون استفاده کنند.

از قراردادهای دست‌نویسی، املاء، دستور، علائم سجاوندی و صفحه‌آرایی و قراردادهای واژگان، لحن، سبک و ساختار همراه با صورت‌های متفاوت نوشتاری مانند گزارش، نامه، داستان و مقاله استفاده کنند.

از راهبردهایی مانند یادداشت‌برداری، برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس، گردهمایی، آزمودن کار خود با یک مخاطب، اصلاح کردن، ویرایش کردن، نمونه‌خوانی و انتشار برای شکل دادن و ارائه کار خود استفاده کنند، به هنگام برنامه‌ریزی، شکل دادن و ارائه کار خود هدف، مخاطب و بافت را در نظر بگیرند و زبان خود را با هدفها، مخاطبان و بافت‌های موقعیت منطبق کنند.

از نگارش به عنوان بخشی از فرایند بزرگتر تولید و ارائه متون استفاده کنند، نگارش را در تلفیق با صورت‌های دیگر زبان مانند زبان شفاهی و دیداری، طراحی، تولید و ارائه در انواع متون اعم از نمایشنامه، متون رسانه‌ای و چندرسانه‌ای به کار بگیرند. مثلاً با صورت‌های نوشتاری آزمایش کنند؛ شعر بگویند؛ در نگارش مشترک شرکت کنند؛ یک تجربه را بازگو کنند؛ مطلبی را زیر تصویری که کشیده‌اند بنویسند؛ سفری را که با والدین خود داشته‌اند نقل کنند؛ برای کسب اطلاعات در زمینه یک طرح نامه بنویسند؛ از یک گزارش یادداشت بردارند؛ برای کودکان خردسال داستان بنویسند؛ صفحه وبی را طراحی کنند؛ روزنامه‌ای منتشر کنند؛ اسلاید رایانه‌ای را ارائه دهند؛ فیلمی ویدئویی را برنامه‌ریزی کرده، نگاشته و تولید کنند؛ یا یک

¹. Reflective

مقاله رسمی به نگارش در آورند.

در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی استرالیای غربی بر هدفهای آموزشی تأکید می‌شود و شاخص خاصی برای آموزش مهارت‌های زبانی به صورت مجزا بیان نمی‌شود.

جدول ۸.۶- هدفها و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در چارچوب برنامه آموزش زبان ملی غرب استرالیا (۱۹۹۸)

فصل نهم

مقایسه رویکردهای آموزشی ایران و چند کشور
توسعه یافته به آموزش نوشتن

مقدمه

در این فصل ابتدا رویکرد زیربنای آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی در ایران و سپس کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند، سنگاپور و استرالیا مطرح می‌شود و سپس وجوه شباهت آموزش نوشتن در کشورهای پیشرفته یادشده با یکدیگر استخراج شده و در قالب جدول ارائه می‌شود.

با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران (که شرح آن در فصل ۷ گذشت) می‌توان گفت در پایان دوره ابتدایی (پایه ششم ابتدایی) ضمن تأکید بر آموزش زبان فارسی و نه ادبیات آن، مهارت نوشتن در قالب کتابی مجزا با عنوان مهارت‌های نوشتاری آموزش داده می‌شود. در چارچوب این کتاب بر آموزش املاء، آموزش انتخاب و کاربرد کلمه، آموزش عبارت‌نویسی و در ادامه جمله‌نویسی، آموزش برخی از هنجارهای درست‌نویسی و شگردهای پرورش ذهن و در نهایت نگارش در قالب انشا تأکید می‌شود. در پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم) آموزش ادبیات و زبان فارسی به موازات هم انجام می‌شود و البته در این دوره نیز آموزش نوشتن در چارچوب کتابی مجزا با عنوان مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا) آشنایی با متون مختلف، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در مهارت نوشتن، شناخت معنا و ظرفیت واژگان و کاربرد درست آن در قالب مناسب نوشته، آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار، نوشتن درباره اجزا و عناصر تصویر (تصویرنویسی)، بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی، بازآفرینی و گسترش مثل (مثل‌نویسی) و در نهایت آشنایی با شیوه‌های گوناگون نوشتن در دستور کار قرار دارد. در پایان دوره دوم متوسطه (پایه دوازدهم) ادبیات و زبان فارسی در قالب دو کتاب مجزا آموزش داده می‌شود. در چارچوب کتاب ادبیات فارسی، آموزش نوشتن از طریق آشنایی با مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و توانایی به‌کارگیری درست آنها، آشنایی با جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات فارسی، توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال و تقویت توانایی تشخیص و به‌کارگیری نکات بلاغی در متون ادبی دنبال می‌شود. از طرفی، در چارچوب کتاب زبان فارسی آموزش نوشتن در سه حوزه شناختی، نگرشی و مهارتی انجام می‌شود. در حوزه شناختی، انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب با زبان فارسی معیار و نقش آن در تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی، شیوه‌ها و قواعد درست‌نویسی، ساختار صرفی و نحوی زبان فارسی معیار، ساختمان کلمات و انواع آن در زبان فارسی معیار و ساختمان جملات و انواع آن در زبان فارسی معیار آشنا شوند. در حوزه نگرشی نیز انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری به طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب نوشتار مناسب و مهارت نوشتن علاقه و نگرش مثبت پیدا کنند. همچنین، در حوزه مهارتی انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی همچون تشخیص انواع نوشته‌ها در زبان فارسی،

تشخیص قواعد درست‌نویسی، تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی، بکارگیری درست مهارت‌های زبانی، بکارگیری قواعد املائی و نگارشی، مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی، بکارگیری راه‌های پرورش معانی در نگارش، ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی و بکارگیری قواعد دستور تاریخی و امروزی در متون مختلف در دانش‌آموزان تقویت شود.

همچنین، با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند، سنگاپور و استرالیا (که شرح آن در فصل ۶ گذشت) می‌توان گفت شباهت کلی برنامه آموزش زبان ملی کشورهای یادشده به لحاظ هدف آموزش نوشتن آن است که در چارچوب همه این برنامه‌ها قرار است دانش‌آموزان یاد بگیرند با استفاده از قراردادهای متناسب با مخاطب، منظور و بافت موقعیت برای منظوره‌های مختلف و به صورت‌های متفاوت بنویسند. شباهت دیگر اینکه این هدف به اهداف ریزتری خرد شده و در تمام دوران آموزش مدرسه‌ای به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده - متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی - دنبال می‌شود.

نکته دیگر اینکه در تمام این برنامه‌های آموزشی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس به روشنی بیان شده است. به بیان دیگر در چارچوب این برنامه‌های آموزشی انواع متونی که دانش‌آموزان باید در جریان گذر از سال‌های مدرسه تجربه کنند به صراحت معرفی می‌شود. همچنین، انواع فعالیت‌های آموزشی که از طریق آنها دانش‌آموزان دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم را در مهارت نوشتن از طریق نوشتن متون متفاوت ادبی و غیرادبی (اطلاعاتی و ...) کسب می‌کنند به تفکیک دوره‌های تحصیلی ارائه می‌شود. این امر در برنامه آموزش زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی)، ایالت‌های غربی کانادا و نیز سنگاپور به تفصیل برای پایه‌های مختلف تحصیلی ارائه می‌شود، در نیوزیلند و انگلستان برای سطوح مختلف تحصیلی و در غرب استرالیا برای سطوح متفاوت رشد دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

وجه شباهت دیگر برنامه‌های آموزشی یاد شده این است که آموزش هر دو نوع نوشتن (املاء و انشاء) مورد نظر است (به جز برنامه آموزشی ایالت‌های غربی کانادا که در آن بر آموزش نوشتن خلاقانه (انشاء) تأکید می‌شود). همچنین، در آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزشی کشورهای یاد شده انتقال معنا و در نتیجه برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب (خواننده) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در برنامه آموزش زبان ملی کشورهای یاد شده نوشتن به صورتی در هم تنیده با مهارت‌های زبانی دیگر آموزش داده می‌شود و گاه مانند برنامه آموزش زبان ملی انگلستان کاربرد خرده مهارت‌ها و راهبردهای این مهارت در دروس دیگر نیز به صراحت آموزش داده می‌شود. بعلاوه، آموزش نوشتن نیز مانند آموزش سخن‌گفتن در این کشورها در چارچوب رویکرد بافت‌مدار

برنامه‌ریزی شده است. اتخاذ این رویکرد پیامدهایی برای این برنامه‌های آموزشی داشته است از جمله اینکه:

۱- آموزش نوشتن در تمام کشورهای موردنظر به صورتی متناسب با بافت موقعیت (بافت‌مدار) آموزش داده می‌شود. مثلاً، دانش‌آموزان دربارهٔ صورت، ساختار و بیان نویسندگان در گونه‌های گوناگون متون آگاهی پیدا می‌کنند و یاد می‌گیرند که به منظوره‌های مختلف (مثلاً بیان افکار، اطلاع‌رسانی، سرگرم‌کردن، واکنش به ادبیات، متقاعدکردن، پرسش‌کردن، تفکر، شفاف‌سازی و درمیان گذاشتن ایده‌ها) و برای مخاطبان گوناگون (مانند خود، همسالان و عامه) بنویسند، واژه‌های چندمعنایی را در بافت صحیح در متون نوشتاری خود به کار ببرند، متناسب با مخاطب و اهداف مختلف صورت‌های مختلفی (همچون داستان‌های خبری، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و نمودارها و...) را تولید کنند، متناسب با بافت موقعیت از صورت‌های متفاوت دست‌نویسی (سبک سرهم‌نویسی و سبک چاپی) استفاده کنند، و بالاخره یاد می‌گیرند که زبان ملی نوشتاری از نظر میزان رسمی‌بودن می‌تواند متفاوت باشد، مثلاً به تفاوت‌های بین نامه به یک دوست دربارهٔ یک سفر مدرسه‌ای و ارائهٔ گزارشی دربارهٔ آن توجه می‌کنند، یاد می‌گیرند که انتخاب یک نوع صورت برای نوشتار رابطهٔ تنگاتنگی با هدف نویسنده و مخاطب مورد نظر دارد و بالاخره در بافت‌های مختلف و برای نیل به هدف‌های مختلف از انواع متفاوت راهبردها و سبک‌های نوشتن استفاده می‌کنند.

۲- آموزش نوشتن به صورت انتقادی انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که ویژگی‌ها، ساختار، لحن و مختصه‌های گونه‌های زبانی متفاوت را تحلیل کرده و این اطلاعات را در نوشتهٔ خود به کار ببرند، آثار منتشر شده را به لحاظ اصالت و اعتبار نقد کنند، انواع مقالات و متون توضیحی مانند مقالات متقاعدکننده، تحلیلی یا انتقادی را تدوین کنند، تأثیر تصمیمات یک نویسنده را دربارهٔ لحن، انتخاب واژه، سبک، محتوا، زاویهٔ دید، عناصر ادبی و ارزش ادبی ارزیابی کنند و تفسیری از اثرگذاری کلی آن به دست بدهند، زبان توصیفی و مجازی را در انواع متون نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر شناسایی کنند، به تأثیر انتخاب واژگان و چینش جملات در متون مختلف نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر (مثلاً نمایشنامه) بر اهداف و مخاطبان خود توجه کنند، تحلیل کنند که چگونه انتخاب سبک و زبان در متون مختلف نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر باعث انتقال معنا و ایجاد تأثیر مورد نظر می‌گردد، یاد می‌گیرند که متن‌ها را به لحاظ مستدل بودن ایده‌ها ارزیابی کرده و در قالب نوشتار آنها را نقد کنند؛ یاد می‌گیرند که چگونه در نوشته‌های خود

قدرت استدلال و انتقاد را به کار گیرند، و بالاخره یاد می‌گیرند که زوایای مختلف مسائل را شناسایی و آنها را مورد بررسی قرار دهند.

۳- آموزش نوشتن با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که با استفاده از نرم‌افزار واژه‌پرداز مناسب نوشته خود را تدوین، اصلاح، ویرایش و منتشر کنند، برای یادگرفتن درباره هنر و فن نوشتن با نویسندگان از طریق اینترنت در ارتباط مستمر قرار می‌گیرند، یاد می‌گیرند که برای تلفیق عناصر چاپی و دیداری از عناصر طراحی الکترونیکی استفاده کنند و درستی املاي خود را با استفاده از بانک واژگان، فرهنگ‌های لغت و کنترل‌کننده املاي واژه‌ها (رایانه) بررسی کنند، نامه‌های رسمی و غیررسمی را به هر دو صورت الکترونیکی و غیرالکترونیکی بنویسند.

برای سهولت مطالعه، وجوه شباهت آموزش نوشتن در کشورهای پیشرفته یادشده در قالب

جدول زیر ارائه شده است.

در چارچوب همه این برنامه‌ها قرار است دانش‌آموزان یاد بگیرند با استفاده از قراردادهای متناسب با مخاطب، منظور و بافت موقعیت برای منظورهای مختلف و به صورت‌های متفاوت بنویسند.
هدف کلی آموزش نوشتن به اهداف ریزتری خرد شده و در تمام دوران آموزش مدرسه‌ای به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده- متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی- دنبال می‌شود.
در تمام این برنامه‌های آموزشی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس به روشنی بیان شده است.
آموزش هر دو نوع نوشتن (املاء و انشاء) مورد نظر است.
در آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزشی کشورهای یادشده انتقال معنا و در نتیجه برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب (خواننده) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.
نوشتن به صورتی در هم تنیده با مهارت‌های زبانی دیگر آموزش داده می‌شود.
آموزش نوشتن در این کشورها در چارچوب رویکرد ایدئولوژیکی برنامه‌ریزی شده است.
اتخاذ رویکرد ایدئولوژیکی پیامدهایی برای این برنامه‌های آموزشی داشته است از جمله اینکه آموزش نوشتن در تمام کشورهای موردنظر به صورتی متناسب با بافت موقعیت (بافت‌مدار) آموزش داده می‌شود؛ آموزش نوشتن به صورت انتقادی انجام می‌شود و نیز آموزش این مهارت با توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود.

بخش چهارم

سیاست‌گذاری آموزش سخن گفتن و نوشتن در ایران

فصل دهم

سیاست‌گذاری آموزش سخن گفتن و نوشتن

در ایران: نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌ها

مقدمه

با توجه به مطالب مطرح‌شده در فصول سوم و هفتم می‌توان گفت در چارچوب برنامه آموزش زبان فارسی ایران تعریف مشخصی برای مهارت‌های سخن‌گفتن و نوشتن ارائه نشده است، بنابراین نمی‌توان به شاخص‌های آموزش این مهارت‌های زبانی در این برنامه‌های آموزشی دست یافت. اما با توجه به هدف‌های آموزش آن‌ها در برنامه آموزش زبان فارسی در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه می‌توان تلویحاً دریافت که کدام یک از شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن و نوشتن (مطرح شده در فصول ۲ و ۶) در چارچوب این برنامه‌های آموزشی مد نظر قرار دارد و تا چه اندازه آموزش آن‌ها در دوره‌های مختلف تحصیلی توزیع شده است. پیش از هر چیز، شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن و نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی دوباره ارائه می‌شود (جدول ۱۰.۱). به این ترتیب چارچوبی خواهیم داشت که در سایه آن بتوانیم شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن و نوشتن و چگونگی توزیع آموزش آن‌ها را در برنامه آموزش زبان فارسی ایران در وضعیت کنونی مشخص کنیم. در ادامه نقاط قوت و ضعف آموزش نوشتن در چارچوب برنامه آموزش زبان فارسی ایران در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه به لحاظ میزان توجه به آموزش این مهارت‌های زبانی و نیز میزان انسجام و یکپارچگی در آموزش آن مطرح می‌شود.

<p>شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی</p> <p>الف- رمزگذاری واژه‌های شفاهی (نیازی به آموزش رسمی نیست)</p> <p>ب- تولید متن شفاهی</p> <ul style="list-style-type: none"> - سخن‌گفتن بافت‌مدار (رسمی و غیررسمی) - راهبردهای سخن‌گفتن <ul style="list-style-type: none"> • فن سخن‌گفتن • سازماندهی متن شفاهی - سخن‌گفتن انتقادی
<p>شاخص‌های آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی</p> <p>الف- املاء</p> <p>ب- تولید متن نوشتاری</p> <ul style="list-style-type: none"> - نوشتن بافت‌مدار - راهبردهای نوشتن (فن نوشتن- سازماندهی متن) - نوشتن انتقادی
<p>جدول ۱۰.۱ - شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن و نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی</p>

نقاط قوت و ضعف هدف‌های برنامه آموزش زبان ملی ایران به لحاظ تعداد شاخص‌های

آموزش مهارت سخن گفتن در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه

با توجه به هدف‌های مطرح‌شده برای آموزش زبان و ادبیات فارسی در پایان دوره ابتدایی (پایه ششم) می‌توان گفت که در چارچوب این برنامه، آموزش مهارت سخن گفتن اصلاً مدنظر قرار ندارد و در نتیجه بحث شاخص‌های آموزشی در این دوره اصلاً نمی‌تواند مطرح شود. با توجه به هدف‌های مطرح شده برای آموزش سخن گفتن در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره اول متوسطه نیز می‌توان گفت که هدف‌های آموزشی به صورت مبهم مطرح می‌شود زیرا معلوم نیست که منظور از پرورش سخن گفتن و تقویت فن بیان و نهادینه‌سازی فرهنگ هم‌اندیشی و گفت‌وگو سازنده و روحیه نقدپذیری دقیقاً چیست. با مقایسه هدف‌های یاد شده و شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن (مندرج در جدول ۱۰.۱) می‌توان ادعا کرد که آموزش شاخص «تولید متون شفاهی» به صورتی مبهم مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، توجه به ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه، آهنگ با زیرشاخص «سخن گفتن بافت‌مدار»، پرورش سخن گفتن و تقویت فن بیان با زیرشاخص «راهنمای سخن گفتن (فن سخن گفتن)» هم‌خوانی دارد و نهادینه‌سازی فرهنگ هم‌اندیشی و گفت‌وگو سازنده و روحیه نقدپذیری تا حدودی با زیرشاخص سخن گفتن انتقادی هماهنگی دارد. به عبارت روشن‌تر، زیرشاخص راهنمای سخن گفتن (سازماندهی متن شفاهی) در هدف‌های آموزش سخن گفتن در برنامه آموزش زبان فارسی دوره اول متوسطه جایی ندارد. از آنجا که در برنامه یادشده به جز موارد مطرح‌شده به عنوان هدف آموزشی توضیح دیگری درباره مهارت سخن گفتن و شاخص‌های آن مطرح نمی‌شود می‌توان ادعا کرد که این مهارت زبانی در چارچوب برنامه آموزشی دوره اول متوسطه به صورت کلی و سطحی مدنظر قرار گرفته است. همچنین، با توجه به هدف‌های آموزشی مطرح‌شده برای آموزش سخن گفتن در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره دوم متوسطه نیز می‌توان گفت که این هدف‌ها هم در حیطه ادبیات و هم در حیطه زبان فارسی مطرح می‌شوند. البته در این کتاب‌ها نیز هدف‌های آموزشی به صورت مبهم مطرح می‌شود زیرا معلوم نیست که منظور از طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب گفتار مناسب، کاربرد درست زبان فارسی در زندگی روزمره، پاسداری از زبان فارسی و بکارگیری درست مهارت‌های زبانی مانند سخن گفتن چیست؟ با مقایسه هدف‌های یادشده و شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن (مندرج در جدول ۱۰.۱) می‌توان ادعا کرد که آموزش شاخص «تولید متون شفاهی» مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب گفتار و کاربرد زبان فارسی در زندگی روزمره با شاخص تولید متون شفاهی هماهنگی دارد. اما این مطلب به این معنا نیست که آموزش این شاخص به طور کامل مورد توجه قرار گرفته است، یعنی، زیرشاخص‌های سخن گفتن بافت‌مدار، راهنمای سخن گفتن (فن

سخن‌گفتن - سازماندهی متن شفاهی) و نیز سخن‌گفتن انتقادی به صراحت مورد توجه قرار نمی‌گیرد. گذشته از این، روشن نیست که گفتار مناسب چه نوع گفتاری است یا منظور از کاربرد درست زبان فارسی چگونه است؟ از آنجا که در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره دوم متوسطه به جز مورد مطرح‌شده به عنوان هدف آموزشی توضیح دیگری درباره مهارت سخن‌گفتن و شاخص‌های آن مطرح نمی‌شود؛ می‌توان ادعا کرد که این مهارت زبانی در چارچوب برنامه آموزشی دوره دوم متوسطه نیز به صورت کلی و سطحی مدنظر قرار گرفته است. با توجه به مطالب مطرح‌شده، شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن در چارچوب برنامه آموزش زبان فارسی و چگونگی توزیع آن‌ها در پایان دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه در قالب جداول ۲.۱۰ و ۳.۱۰ به شرح زیر ارائه می‌شود.

تولید متن شفاهی
الف. سخن‌گفتن بافت‌مدار (رسمی و غیررسمی)
<u>دوره ابتدایی</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
<u>دوره اول متوسطه</u>
✓ (آموزش داده می‌شود)
<u>دوره دوم متوسطه</u>
✓ (آموزش داده می‌شود)
ب. راهبردهای سخن‌گفتن
فن سخن‌گفتن
<u>دوره ابتدایی</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
<u>دوره اول متوسطه</u>
✓ (آموزش داده می‌شود)
<u>دوره دوم متوسطه</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
سازماندهی متن شفاهی
<u>دوره ابتدایی</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
<u>دوره اول متوسطه</u>

--- (آموزش داده نمی‌شود)

دوره دوم متوسطه

--- (آموزش داده نمی‌شود)

ج. سخن گفتن انتقادی

دوره ابتدایی

--- (آموزش داده نمی‌شود)

دوره اول متوسطه

✓ (آموزش داده می‌شود)

دوره دوم متوسطه

--- (آموزش داده نمی‌شود)

جدول ۲.۱۰ - شاخص‌های آموزش سخن گفتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه

تولید متن شفاهی

الف. سخن گفتن بافت‌مدار (رسمی و غیررسمی)

دوره ابتدایی

دوره اول متوسطه

- توجه به ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه، آهنگ و دیگر خُرده مهارت‌ها

دوره دوم متوسطه

- طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب گفتار مناسب
- کاربرد درست زبان فارسی در زندگی روزمره
- به‌کارگیری درست مهارت‌های زبانی

ب. راهبردهای سخن گفتن

فن سخن‌گفتندوره ابتدایی
-----دوره اول متوسطه

پرورش سخن‌گفتن و تقویت فن بیان

دوره دوم متوسطه
-----**سازماندهی متن شفاهی**دوره ابتدایی
-----دوره اول متوسطه
-----دوره دوم متوسطه
-----**ج. سخن‌گفتن انتقادی**دوره ابتدایی
-----دوره اول متوسطه

نهادینه‌سازی فرهنگ هم‌اندیشی و گفتمان سازنده و روحیه نقدپذیری

دوره دوم متوسطه
-----**جدول ۳.۱۰** - چگونگی توزیع آموزش شاخص‌های مهارت سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران در

پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه

نقاط قوت و ضعف هدف‌های برنامه آموزش زبان ملی ایران به لحاظ چگونگی توزیع آموزش شاخص‌های آموزش سخن گفتن در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه

با توجه به شاخص‌های مهارت سخن گفتن و چگونگی توزیع آموزش آن‌ها در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه (به جدول ۱.۱۰، ۲.۱۰ و ۳.۱۰ در همین فصل نگاه کنید) می‌توان نقاط قوت و ضعف برنامه یادشده به لحاظ تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده برای آموزش سخن گفتن، چگونگی توزیع آموزش آن‌ها در دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه را تبیین کرد. ذکر این نکته ضروری است که ملاک قوت و ضعف در این کتاب میزان نزدیکی یا دوری هدف‌های آموزش سخن گفتن در برنامه آموزش زبان فارسی با شاخص‌های آموزش سخن گفتن در چارچوب این گزارش است. به این ترتیب، هر چه هدف‌های یادشده تعداد بیشتری از شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها)ی مورد نظر در این کتاب را پوشش داده و با آن‌ها هماهنگی بیشتری داشته باشد از عمق بیشتری برخوردار هستند (نقطه قوت) و هر چه تعداد کمتری از شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها)ی مورد نظر در این کتاب را پوشش داده و با آن‌ها هماهنگی کمتری داشته باشد از عمق کمتری برخوردار بوده و سطحی هستند (نقطه ضعف). از طرفی، اگر توزیع شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها)ی مورد نظر در هر سه دوره تحصیلی به ترتیب و متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان (با توجه به مراحل رشد شناختی آن‌ها از دیدگاه پیاژه) دنبال شوند توزیع مناسبی داشته و منسجم و یکدست هستند (نقطه قوت) و اگر توزیع این شاخص‌ها در هر سه دوره به ترتیب و متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان دنبال نشود توزیع مناسبی نداشته و یکدست نیستند (نقطه ضعف). در ادامه، ابتدا نقاط قوت و ضعف هدف‌های آموزش سخن گفتن در برنامه آموزش زبان فارسی ایران در دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه با توجه به تعداد شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن مطرح می‌شود و سپس نقاط قوت و ضعف آن‌ها با توجه به چگونگی توزیع آموزش این شاخص‌ها در دوره‌های مختلف تحصیلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در فصل دو گفته شد که سخن گفتن صورت آکادمیک صحبت کردن است و مشتمل بر فرایندهای رمزگذاری واژه‌های شفاهی و تولید متن شفاهی است. توانایی رمزگذاری واژه‌های شفاهی به صورت خودکار کسب می‌شود. اما مهارت در مرحله بعدی سخن گفتن یعنی تولید متن شفاهی از طریق سخن گفتن به صورت متناسب با بافت موقعیت (سخن گفتن بافت‌مدار)، استفاده از راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن - سازماندهی متن شفاهی) و نیز سخن گفتن به صورت انتقادی کسب می‌شود. ناگفته پیداست که کسب مهارت در تولید متن شفاهی مستلزم آموزش آگاهانه است. با توجه به مطالب پیش گفته درباره تعداد شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت

آموزش این مهارت در دوره‌های یادشده توجه به شاخص تولید متون شفاهی در دوره‌های اول و دوم متوسطه است. اما برنامه‌های آموزشی یاد شده با توجه به عمق آموزش مهارت سخن‌گفتن دارای نقاط ضعف متعددی هستند از جمله اینکه:

- در چارچوب این برنامه‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن امری دانسته‌شده و بدیهی فرض می‌شود چرا که تعریف مشخصی برای این مهارت زبانی مطرح نمی‌شود و خرده‌مهارت‌های آن نیز معرفی نمی‌شوند. تدوین‌گران برنامه‌های یاد شده مستقیماً به بیان هدف‌های آموزش سخن‌گفتن می‌پردازند غافل از اینکه بعد کلیدی برنامه‌ریزی درسی در هر زمینه‌ای ابتدا ارائه تعریف زمینه موردنظر و سپس تعیین بهترین شیوه آموزش آن با امکانات موجود در کشور است (لیدکت، ۲۰۰۷). همین امر منجر به تدوین هدف‌های آموزشی به صورت کلی و بدون برنامه‌ریزی مشخص می‌شود.

- هیچ یک از زیرشاخص‌های مطرح‌شده برای آموزش تولید متون شفاهی (سخن‌گفتن بافت-مدار، راهبردهای سخن‌گفتن (فن سخن‌گفتن - سازماندهی متون شفاهی) و سخن‌گفتن انتقادی) به صراحت و شفاف مطرح نمی‌شوند.

- با توجه به جدول ۱۰.۲ معلوم می‌شود که در دوره ابتدایی آموزش سخن‌گفتن اصلاً مدنظر نیست. در دوره‌های اول و دوم متوسطه از میان زیرشاخص‌های مطرح‌شده (در چارچوب این کتاب) برای آموزش سخن‌گفتن، آموزش زیرشاخص راهبردهای سخن‌گفتن (سازماندهی متن شفاهی) به هیچ وجه در دستور کار قرار ندارد. زیرشاخص سخن‌گفتن بافت‌مدار در دوره‌های اول و دوم متوسطه مورد توجه قرار گرفته، ولی متأسفانه آموزش زیرشاخص سخن‌گفتن انتقادی تنها در دوره اول متوسطه اندکی مورد توجه قرار می‌گیرد و در دوره دوم متوسطه بحث آن منتفی است. ذکر این نکته ضروری است که آموزش سخن‌گفتن انتقادی در دوره اول متوسطه نیز تابع هیچ مبنای نظری خاصی نیست و تنها به ذکری کلی از آن بسنده می‌شود.

با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره چگونگی توزیع آموزش شاخص‌های مهارت سخن‌گفتن در دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت آموزش این مهارت زبانی در دوره‌های یاد شده توجه به شاخص تولید متون شفاهی در هر دو دوره تحصیلی است. با توجه به مطالب و جزئیات مطرح‌شده درباره چگونگی توزیع شاخص‌های آموزش سخن‌گفتن در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره‌های یاد شده (جدول ۱۰.۳) می‌توان گفت که آموزش مهارت سخن‌گفتن در این برنامه‌های آموزشی انسجام ندارد. برنامه‌های آموزشی یادشده از این جهت دارای نقاط ضعف متعددی است از جمله اینکه:

- آموزش شاخص تولید متون شفاهی به صورت کلی و بدون داشتن مبنای نظری در دوره‌های اول و دوم متوسطه دنبال می‌شود و در نتیجه آموزش مهارت سخن گفتن در سه دوره تحصیلی متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان دنبال نمی‌شود.
 - با توجه به جدول ۳.۱۰ معلوم می‌شود که از میان زیرشاخص‌های مطرح شده (در چارچوب این کتاب) برای عمق آموزش سخن گفتن، زیرشاخص راهبردهای سخن گفتن (سازماندهی متن شفاهی) در دوره‌های اول و دوم متوسطه ایران به هیچ وجه آموزش داده نمی‌شود. زیرشاخص سخن گفتن بافت‌مدار در دوره‌های اول و دوم متوسطه اندکی مورد توجه قرار گرفته و درباره آموزش زیرشاخص سخن گفتن انتقادی هم باید گفت به صورت مبهم تنها در دوره اول متوسطه ذکری از آن به میان می‌رود. ذکر این نکته ضروری است که آموزش زیرشاخص‌های سخن گفتن بافت‌مدار و سخن گفتن انتقادی در دوره‌های یادشده نیز تابع هیچ مبنای نظری خاصی نیست.
- با توجه به مطالب و جزئیات مطرح‌شده درباره شاخص‌های آموزش سخن گفتن و چگونگی توزیع آموزش آن‌ها در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره‌های یادشده می‌توان گفت که آموزش مهارت سخن گفتن در این برنامه‌های آموزشی سطحی بوده و در دوره‌های مختلف تحصیلی انسجام ندارد.

نقاط قوت و ضعف آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی ایران با توجه به تعداد شاخص‌های آموزش این مهارت زبانی در پایان دوره ابتدایی و پایان دوره‌های اول و دوم متوسطه

با توجه به هدف‌های شناختی مطرح‌شده برای آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی در پایان دوره ابتدایی که شرح مفصل آن در فصل ۷ گذشت، می‌توان گفت که هرچند در چارچوب این برنامه آموزش دانش مربوط به هر دو شاخص املاء و تولید متن نوشتاری مدنظر قرار دارد ولی تنها آموزش بخش‌هایی از آن‌ها آن هم به صورت ناقص و بی‌هدف دنبال می‌شود؛ زیرا معلوم نیست که آموزش نوشتن اولیه و ساده، آموزش برخی از هنجارهای درست‌نویسی و شگردهای پرورش ذهن و نیز تولید انشا به چه معناست. به عبارت دیگر، روشن نیست که آموزش دو شاخص مهارت نوشتن تا چه حدی مورد توجه قرار گرفته است. در زمینه شاخص تولید متون نوشتاری زیرشاخص‌های نوشتن بافت‌مدار، راهبردهای نوشتن (فن نوشتن و سازماندهی متن نوشتاری) و نوشتن انتقادی به صراحت مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از آنجا که در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی به جز موارد مطرح‌شده، توضیح دیگری درباره مهارت نوشتن و مؤلفه‌های

آن مطرح نمی‌شود می‌توان ادعا کرد که این مهارت زبانی در چارچوب برنامه آموزش دوره ابتدایی به صورت کلی و سطحی مد نظر قرار گرفته است.

با توجه به هدف‌های مطرح‌شده برای آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی در پایان دوره اول متوسطه نیز می‌توان گفت که هدف‌های آموزشی به صورت مبهم مطرح می‌شود زیرا معلوم نیست که منظور از آشنایی با متون مختلف به چه معناست؟ آیا آشنایی با سبک نگارش آن‌ها مدنظر است یا آشنایی با مضامین مطرح شده موردنظر است یا آشنایی با هر دوی اینها در دستور کار قرار دارد؟ منظور از آموزش هنجارهای نوشتن چیست؟ آیا هنجارهای خاصی مدنظر هستند؟ کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار به چه معناست؟ و اصولاً نوشتار معیار چه نوع نوشتاری است؟ گسترش مثل در قالب نوشته یعنی چه؟ شیوه‌های گوناگون نوشتن به چه معناست؟ با مقایسه هدف‌های یادشده و شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن (مندرج در جدول ۱۰، ۱) می‌توان ادعا کرد که هرچند آموزش شاخص تولید متون نوشتاری مورد توجه قرار گرفته است، اما آموزش آن به صورت ناقص دنبال می‌شود زیرا زیرشاخص راهبردهای نوشتن (سازماندهی متن) و نیز نوشتن انتقادی در دستور کار قرار ندارد. می‌توان گفت اهداف آشنایی با متون مختلف، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در مهارت نوشتن، شناخت معنا و ظرفیت واژگان و کاربری درست آن در قالب مناسب نوشته، نوشتن درباره اجزا و عناصر تصویر، بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی، بازآفرینی و گسترش مثل و آشنایی با شیوه‌های گوناگون نوشتن تا حدودی با شاخص نوشتن بافت‌مدار همسویی دارد. همچنین، آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار تا حدی با شاخص راهبردهای نوشتن (فن نوشتن) می‌تواند تبیین شود. اما همانطور که گفته شد این اهداف آموزشی آموزش دو شاخص یادشده را به نحو احسن مورد توجه قرار نمی‌دهند. در زمینه شاخص تولید متن نوشتاری، زیرشاخص راهبردهای نوشتن (سازماندهی متن نوشتاری) و نوشتن انتقادی به صراحت مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از آنجا که در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره اول متوسطه به جز موارد مطرح‌شده به عنوان هدف آموزشی توضیح دیگری درباره مهارت نوشتن و مؤلفه‌های آن مطرح نمی‌شود می‌توان ادعا کرد که این مهارت زبانی در چارچوب برنامه آموزش دوره اول متوسطه به صورت دقیق و مدون برنامه‌ریزی نشده است.

همچنین، با توجه به هدف‌های شناختی مطرح‌شده برای آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره دوم متوسطه نیز می‌توان گفت که آموزش مهارت نوشتن همسو با دوره قبل به صورت ناقص دنبال می‌شود یعنی در این دوره نیز آموزش زیرشاخص راهبردهای نوشتن (سازماندهی متن نوشتاری) و نوشتن انتقادی در دستور کار قرار ندارند. گذشته از این روشن نیست که منظور از مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و نیز جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات

فارسی چیست؟ نوشتار مناسب چگونه نوشتاری است؟ توانایی تشخیص چه نوع نوشته‌هایی مدنظر قرار دارد؟ نوشته‌های رایج در زبان فارسی چه مواردی هستند؟ می‌توان گفت آشنایی با مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و توانایی به‌کارگیری درست آن‌ها، آشنایی با جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات فارسی، توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال، طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب نوشتار مناسب، تشخیص انواع نوشته‌ها در زبان فارسی، مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی، به‌کارگیری راه‌های پرورش معانی در نگارش تا حدودی با زیرشاخص نوشتن بافت مدار هم‌خوانی دارند. همچنین، اهداف تشخیص قواعد درست‌نویسی، تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی، به‌کارگیری درست مهارت نوشتن، به‌کارگیری قواعد املایی و نگارشی، ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی و به‌کارگیری قواعد دستور تاریخی و امروزی در متون مختلف تا حدودی با زیرشاخص راهبردهای نوشتن (فن نوشتن) همسویی دارند. از آنجا که در برنامه‌آموزش زبان فارسی در پایان دوره دوم متوسطه به جز موارد مطرح‌شده به عنوان هدف آموزشی توضیح دیگری درباره مهارت نوشتن و شاخص‌های آن مطرح نمی‌شود می‌توان ادعا کرد که آموزش این مهارت زبانی در چارچوب برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه برنامه‌ریزی دقیقی ندارد.

با توجه به مطالب مطرح‌شده، می‌توان شاخص‌های آموزش نوشتن و چگونگی توزیع آموزش آن‌ها در دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه در برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی را در قالب جداول ۴.۱۰ و ۵.۱۰ به شرح زیر مشاهده نمود.

الف - املاء
<u>دوره ابتدایی</u>
✓ (آموزش داده می‌شود)
<u>دوره اول متوسطه</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
<u>دوره دوم متوسطه</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
ب - تولید متن نوشتاری
- نوشتن بافت مدار
<u>دوره ابتدایی</u>
- - - (آموزش داده نمی‌شود)
<u>دوره اول متوسطه</u>
✓ (آموزش داده می‌شود)

<p><u>دورهٔ دوّم متوسطه</u> ✓ (آموزش داده می‌شود)</p> <p>- راهبردهای نوشتن فن نوشتن <u>دورهٔ ابتدایی</u> ✓ (آموزش داده می‌شود)</p> <p><u>دورهٔ اوّل متوسطه</u> ✓ (آموزش داده می‌شود)</p> <p><u>دورهٔ دوّم متوسطه</u> ✓ (آموزش داده می‌شود)</p> <p>سازماندهی متن <u>دورهٔ ابتدایی</u> - - - (آموزش داده نمی‌شود)</p> <p><u>دورهٔ اوّل متوسطه</u> - - - (آموزش داده نمی‌شود)</p> <p><u>دورهٔ دوّم متوسطه</u> - - - (آموزش داده نمی‌شود)</p> <p>- نوشتن انتقادی <u>دورهٔ ابتدایی</u> - - - (آموزش داده نمی‌شود)</p> <p><u>دورهٔ اوّل متوسطه</u> - - - (آموزش داده نمی‌شود)</p> <p><u>دورهٔ دوّم متوسطه</u> - - - (آموزش داده نمی‌شود)</p>
<p>جدول ۴.۱۰ - شاخص‌های آموزش نوشتن در برنامهٔ آموزش زبان ملی ایران در دوره‌های ابتدایی، اوّل متوسطه و دوّم متوسطه</p>

<p>الف - املاء <u>دورهٔ ابتدایی</u></p>
--

- آموزش نوشتن اولیه و ساده

دوره اول متوسطه

- - - (آموزش داده نمی‌شود)

دوره دوم متوسطه

- - - (آموزش داده نمی‌شود)

ب- تولید متن نوشتاری

- نوشتن بافت مدار

دوره ابتدایی

- آموزش انتخاب و کاربرد کلمه،
- آموزش گسترش واژه و ترکیب‌سازی،
- آموزش عبارت‌نویسی
- آموزش جمله‌نویسی

دوره اول متوسطه

- آشنایی با متون مختلف
- تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در مهارت نوشتن
- شناخت معنا و ظرفیت واژگان و کاربرد درست آن در قالب مناسب نوشته
- نوشتن درباره اجزا و عناصر تصویر
- بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی
- بازآفرینی و گسترش مَثَل
- آشنایی با شیوه‌های گوناگون نوشتن

دوره دوم متوسطه

- آشنایی با مفاهیم، نکات و ظرایف ادبی و توانایی به کارگیری درست آن‌ها
- آشنایی با جلوه‌های گوناگون ساختاری و محتوایی ادبیات فارسی
- توانایی درک و بیان افکار، ارزش‌ها، مفاهیم و پیام‌های متون ادبی گذشته و حال
- طرح افکار و اندیشه‌ها در قالب نوشتار مناسب
- تشخیص انواع نوشته‌ها در زبان فارسی
- مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی
- به‌کارگیری راه‌های پرورش معانی در نگارش

- راهبردهای نوشتن**فن نوشتن**دوره ابتدایی

- آموزش برخی از هنجارهای درست‌نویسی و شگردهای پرورش ذهن

دوره اول متوسطه

- آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار

دوره دوم متوسطه

- تقویت توانایی تشخیص و به‌کارگیری نکات بلاغی در متون ادبی
- آشنایی با شیوه‌ها و قواعد درست‌نویسی
- تشخیص قواعد درست‌نویسی
- تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی
- به‌کارگیری درست مهارت نوشتن
- به‌کارگیری قواعد املائی و نگارشی
- ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی
- به‌کارگیری قواعد دستور تاریخی و امروزی در متون مختلف

سازماندهی متندوره ابتدایی

- تولید انشا

دوره اول متوسطه

- - - (آموزش داده نمی‌شود)

دوره دوم متوسطه

- - - (آموزش داده نمی‌شود)

- نوشتن انتقادیدوره ابتدایی

- - - (آموزش داده نمی‌شود)

<p><u>دوره اول متوسطه</u></p> <p>--- (آموزش داده نمی‌شود)</p> <p><u>دوره دوم متوسطه</u></p> <p>--- (آموزش داده نمی‌شود)</p>
<p>جدول ۵.۱۰ - چگونگی توزیع شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران در دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه</p>

چگونگی برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران در پایان دوره‌های ابتدایی، اول و دوم متوسطه

با توجه به شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در پایان دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه (به جداول ۱.۱۰، ۴.۱۰ و ۵.۱۰ در همین فصل نگاه کنید) می‌توان نقاط قوت و ضعف برنامه یادشده به لحاظ تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده برای آموزش نوشتن و نیز چگونگی توزیع آموزش این شاخص‌ها در پایان دوره‌های آموزشی یادشده را تبیین کرد. ذکر این نکته ضروری است که ملاک قوت و ضعف در این کتاب میزان نزدیکی یا دوری هدف‌های آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی با شاخص‌های آموزش نوشتن در چارچوب این کتاب است. به این ترتیب، هر چه هدف‌های یادشده تعداد بیشتری از شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها)ی مورد نظر در این کتاب را پوشش داده و با آن‌ها هماهنگی بیشتری داشته باشد نقاط قوت بیشتری دارد و هر چه تعداد کمتری از شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها)ی مورد نظر در این کتاب را پوشش داده و با آن‌ها هماهنگی کمتری داشته باشد نقاط ضعف بیشتری داشته و سطحی است. از طرفی، اگر توزیع شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها)ی مورد نظر در هر سه دوره تحصیلی به ترتیب و متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان دنبال شود گستره مناسبی داشته و منسجم و یکدست خواهد بود (نقطه قوت) و اگر توزیع این شاخص‌ها در هر سه دوره به ترتیب و متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان دنبال نشود گستره مناسبی نداشته و منسجم و یکدست نخواهد بود (نقطه ضعف). در ادامه، ابتدا نقاط قوت و ضعف هدف‌های آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی ایران در دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه با توجه به تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده برای آموزش مهارت نوشتن مطرح می‌شود و سپس نقاط قوت و ضعف آن‌ها با توجه به چگونگی توزیع آموزش شاخص‌های این مهارت زبانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی ایران با توجه به شاخص‌های آموزش این مهارت زبانی و چگونگی توزیع شاخص‌های آن در دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه

در فصل ۶ گفته شد که پایه و اساس نوشتن تولید ایده‌ها و تبدیل آن‌ها به واژه‌های نوشتاری است. مهارت نوشتن طی دو مرحله کسب می‌شود: املاء و تولید متن نوشتاری و کسب هر دو مرحله مستلزم آموزش آگاهانه است. از طرفی، مهارت در مرحله دوم نوشتن یعنی تولید متن نوشتاری از طریق نوشتن به گونه‌ای متناسب با هدف (نوشتن بافت مدار)، استفاده از راهبردهای نوشتن (فن نوشتن - سازماندهی متن نوشتاری) و نیز نوشتن به صورت انتقادی کسب می‌شود. با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره شاخص‌های آموزش مهارت نوشتن در برنامه آموزشی دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت آموزش این مهارت در دوره ابتدایی توجه به دو شاخص مهارت نوشتن و در دو دوره متوسطه توجه به شاخص دوم یعنی تولید متون نوشتاری است. اما برنامه‌های آموزشی یادشده به لحاظ آموزش نوشتن دارای نقاط ضعف متعددی هستند از جمله اینکه:

- در چارچوب این برنامه‌های آموزشی مهارت نوشتن امری دانسته شده و بدیهی فرض می‌شود چرا که تعریف مشخصی برای این مهارت زبانی مطرح نمی‌شود و خرده مهارت‌های آن نیز معرفی نمی‌شوند. تدوین‌گران برنامه‌های یادشده مستقیماً به بیان هدف‌های آموزش نوشتن می‌پردازند غافل از اینکه بعد کلیدی برنامه‌ریزی درسی در هر زمینه‌ای ابتدا ارائه تعریف زمینه موردنظر و سپس تعیین بهترین شیوه آموزش آن با امکانات موجود در کشور است (لیدکت، ۲۰۰۷). همین امر منجر به تدوین هدف‌های آموزشی به صورت کلی و بدون برنامه‌ریزی مشخص می‌شود.

- هیچ یک از زیرشاخص‌های تولید متون نوشتاری (نوشتن بافت مدار، راهبردهای نوشتن اعم از فن نوشتن و سازماندهی متون نوشتاری و نیز نوشتن انتقادی) به صراحت مطرح نمی‌شوند.

- با توجه به جدول ۱۰.۴ معلوم می‌شود که از میان زیرشاخص‌های مطرح‌شده (در چارچوب این کتاب) برای شاخص تولید متون نوشتاری، زیرشاخص راهبردهای نوشتن (سازماندهی متن نوشتاری) و نوشتن انتقادی در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه به هیچ وجه آموزش داده نمی‌شوند. همچنین، زیرشاخص نوشتن بافت مدار در دوره اول متوسطه به بیشتر از دوره دوم متوسطه مورد توجه قرار گرفته و متأسفانه در دوره ابتدایی اصلاً جزء هدف‌های آموزشی قرار نگرفته است. اما زیرشاخص راهبردهای نوشتن (فن نوشتن) در هر سه دوره تحصیلی مورد توجه بوده است. ذکر این نکته ضروری است که آموزش زیرشاخص نوشتن بافت مدار و فن نوشتن در دوره‌های تحصیلی تابع هیچ مبنای نظری خاصی نیست و تنها بخش‌هایی از آن‌ها به صورت پراکنده مورد توجه قرار گرفته است.

- استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش نوشتن برنامه‌ریزی نشده است.

- از آنجا که آموزش مهارت نوشتن به صورت کلی و بدون داشتن مبنای نظری در دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه دنبال می‌شود و در نتیجه آموزش این مهارت در سه دوره تحصیلی متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان دنبال نمی‌شود.

با توجه به مطالب و جزئیات مطرح‌شده درباره شاخص‌های آموزش نوشتن در برنامه آموزش زبان فارسی و چگونگی توزیع آموزش آن‌ها در دوره‌های ابتدایی، اول متوسطه و دوم متوسطه می‌توان گفت که آموزش مهارت نوشتن در این برنامه‌های آموزشی عمق لازم و برنامه‌ریزی دقیقی نداشته و از این رو آموزش آن در دوره‌های مختلف تحصیلی انسجام ندارد.

فصل یازدهم

سخن پایانی و ارائه راهکار

مقدمه

پیشتر اشاره شد که در کشورهای پیشرو در زبان‌آموزی مانند آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، استرالیا سواد در چارچوب رویکرد ایدئولوژیکی تعریف شده^۱ و برنامه آموزش مهارت‌های زبان ملی در راستای مختصه‌های آن تدوین می‌شود. رویکرد یادشده برای آموزش سخن گفتن و نوشتن پیامدهای خاصی دارد، از جمله اینکه مهارت‌های یاد شده به صورتی متناسب با بافت موقعیت، به صورت انتقادی و با توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش داده می‌شوند. از طرفی، ویژگی مهم برنامه آموزش زبان ملی کشورهای یادشده آن است که تدوین هدف‌های آموزش مهارت‌های زبانی مبتنی بر چارچوب مفهومی هر یک از آنها است و این چارچوب مفهومی از مطالعات متعدد روان‌شناسان زبان در زمینه هر مهارت زبانی برگرفته شده است. سپس، هدف‌های کلی آموزشی در برنامه آموزش زبان ملی در راستای این چارچوب مفهومی و بر اساس رویکرد ایدئولوژیکی تدوین می‌شود. در ادامه، این هدف‌های کلی به اهداف ریزتری خرد شده و در تمام دوران آموزش مدرسه-ای به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده- متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش-آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی- آموزش داده می‌شود. همچنین، در این برنامه‌های آموزشی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس به روشنی بیان شده است. به بیان دیگر در چارچوب این برنامه‌های آموزشی اولاً انواع متونی که دانش‌آموزان باید در جریان گذر از سال‌های مدرسه تجربه کنند به صراحت معرفی می‌شود. ثانیاً، انواع فعالیت‌های آموزشی که از طریق آنها دانش‌آموزان دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم را در کاربرد مهارت‌های زبانی از طریق سخن گفتن و نوشتن متون متفاوت ادبی و غیرادبی (اطلاعاتی و ...) کسب می‌کنند به تفکیک دوره-های تحصیلی ارائه می‌شود. این امر در برنامه آموزش زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی)، ایالت‌های غربی کانادا و نیز سنگاپور به تفصیل برای پایه‌های مختلف تحصیلی ارائه می‌شود و در انگلستان برای سطوح مختلف تحصیلی و در غرب استرالیا برای سطوح متفاوت رشد دانش‌آموزان ارائه می‌شود. آخرین وجه مشترک آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه آموزش زبان ملی کشورهای یاد شده آن است که گوش دادن، خواندن، سخن گفتن و نوشتن به صورتی در هم تنیده با یکدیگر آموزش داده می‌شود و گاه مانند برنامه آموزش زبان ملی انگلستان کاربرد خرده مهارت‌ها و راهبردهای این مهارت‌ها در دروس دیگر نیز به صراحت آموزش داده می‌شود.

اکنون زمان آن است که با توجه به موارد و ویژگی‌های مطرح شده برای هدف‌های آموزش مهارت‌های سخن گفتن و نوشتن در برنامه آموزش زبان ملی ایران چارچوب نظری زیربنای این

^۱. برای توضیح بیشتر در این زمینه به فصل ۴ نگاه کنید.

برنامه‌های آموزشی را استنتاج کنیم تا از این رهگذر ریشه نقاط ضعف و کمبودهای این برنامه‌ها مشخص شود.

رویکرد زیربنای برنامه آموزش زبان ملی ایران در دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه

با مطالعه برنامه آموزش زبان فارسی ایران در بخش آموزش مهارت‌های سخن‌گفتن و نوشتن در دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه می‌توان دریافت که تدوین‌گران برنامه‌های یادشده مستقیماً به بیان هدف‌های آموزش مهارت‌های زبانی می‌پردازند پیش از اینکه ابتدا چارچوب مفهومی آن‌ها را مشخص کرده باشند. در نتیجه، هدف‌های آموزش آن‌ها به صورت کلی و مبهم ارائه می‌شوند و تدوین آن‌ها برای دوره‌های مختلف تحصیلی به صورتی منسجم و هماهنگ و متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی دنبال نمی‌شود.

به طور کلی آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه آموزش زبان فارسی دوره‌های مختلف تحصیلی ایران برنامه و هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند و میان یادگیری سخن‌گفتن و نوشتن و نیز سخن‌گفتن و نوشتن برای یادگیری تعادل برقرار نمی‌شود. از طرفی، کاربرد مهارت‌های زبانی به قصد کسب دانش از متون خاص آموزش داده می‌شود و بر درک چارچوب مفهومی مطالب شنیداری و نوشتاری و درک ایده‌های اصلی و فرعی مطرح شده در آن‌ها تأکید نمی‌شود.

نکته دیگری که درباره برنامه آموزش زبان فارسی دوره‌های مختلف تحصیلی قابل ذکر است به مفهوم تلفیق برمی‌گردد. تلفیق در برنامه آموزش زبان ملی کشورهای پیشرو (کشورهای پیشرفته در آموزش سواد مثل سنگاپور، استرالیا، آمریکا، انگلستان و ...) به معنای آموزش مهارت‌های زبانی به صورتی درهم تنیده و توأم با یکدیگر است به گونه‌ای که مثلاً به هنگام آموزش خواندن از نوشتن نیز بهره برداری شود (پس از خواندن برای کسب اطلاعات موردنیاز، از آن‌ها یادداشت نیز برداشته شود)، به هنگام آموزش نوشتن از خواندن نیز بهره‌گیری شود (به هنگام برنامه‌ریزی برای نوشتن یک مطلب، مطالب مربوط به موضوع موردنظر خوانده شود)، یا به هنگام آموزش گوش‌دادن از نوشتن نیز بهره‌برداری شود (یادداشت‌برداری از نکات اصلی مطالب شنیداری)، حال آنکه برنامه‌ریزان آموزشی ایران چنین برداشتی از مفهوم تلفیق ندارند. هر چند در برنامه آموزشی مربوط به دوره راهنمایی رویکرد تلفیقی در قالب تلفیق مهارت‌های زبانی شفاهی و کتبی و نیز مهارت‌های ادبیات فارسی مطرح می‌شود اما این مطلب تنها در حد تئوری مطرح می‌شود و معلوم نیست که چگونه باید این امر عملیاتی شود. به این ترتیب، در برنامه آموزش زبان فارسی دوره‌های مختلف تحصیلی هدف‌های آموزش مهارت‌های زبانی طوری مطرح می‌شوند که گویی هر مهارت زبانی جدای از مهارت‌های زبانی دیگر آموزش داده می‌شود. از طرفی، کاربرد خردمهارت‌ها و راهبردهای هر مهارت زبانی در درس دیگر نیز به صراحت آموزش داده نمی‌شود.

بعضی از موارد مهم نیز در تدوین راهنمای برنامه آموزش زبان فارسی نادیده گرفته شده است، مثلاً اینکه آیا برنامه برای همه دانش‌آموزان با هر میزان توانایی جسمی تدوین شده است یا نه؟ از طرفی، برنامه آموزشی باید به دانش‌آموزان امکان ارتباط بین ایده‌ها و تجربیات، و نیز برقراری ارتباط میان رویدادها و پدیده‌های محلی، ملی و جهانی را بدهد. همچنین، باید دانش‌آموزان تشویق شوند تا صورت‌های متفاوت دانش را به صورتی مرتبط و به عنوان بخشی از یک کل ببینند. ضمن اینکه برنامه آموزشی مربوط باید فرصت‌هایی را برای رشد استعدادها و علائق خاص دانش‌آموزان فراهم آورد، آن‌ها باید درک گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف دانش کسب کنند و تلاش کنند دانش جدید تولید کنند. در تدوین برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره‌های مختلف تحصیلی به تعادل برنامه آموزش زبان فارسی در زمینه ارائه دانش و تولید دانش توجه نشده است.

از آنجا که مهارت‌های زبانی و ساختارهای دستوری در بافت کاربرد زبان آموزش داده شده و یادگرفته می‌شود، به عبارت دیگر، هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ؛ سیاق یا تناسب گفتار و نوشتار را در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی تعیین می‌کنند لازم است که آموزش مهارت‌های زبانی به صورتی متناسب با بافت موقعیت فرهنگی - اجتماعی برنامه‌ریزی شود. اما این نکته در تدوین برنامه آموزش زبان فارسی دوره‌های مختلف تحصیلی نادیده گرفته شده است..

بعلاوه، مشارکت و تعامل یادگیرندگان در یادگیری زبان، در تقویت اعتماد به نفس و روابط اجتماعی در میان دانش‌آموزانی از پیشینه‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت اهمیت دارد. به هنگام برنامه‌ریزی برای آموزش زبان فارسی به مشارکت و تعامل دانش‌آموزانی از پیشینه فرهنگی و مذهبی گوناگون توجه نشده است.

همچنین، فراگرفتن دانش زبان‌های مختلف کشور و احترام به شالوده چند فرهنگی ایران، انعکاس تنوعات فرهنگی و احترام به تاریخچه و آداب و رسوم همه مردم کشور اهمیت زیادی دارد، اما به هنگام برنامه‌ریزی برای آموزش زبان و ادبیات فارسی، فراگیری دانش زبانی زبان‌های دیگر (ترکی، بلوچی، کردی، گیلکی و ...) و احترام به شالوده چندفرهنگی ایران به طور همزمان با آموزش زبان ملی (زبان فارسی) مورد توجه قرار نگرفته است.

نکته دیگر اینکه در برنامه آموزش زبان فارسی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی اهداف آموزشی مشترک برنامه آموزش زبان فارسی با دیگر برنامه‌های درسی مطرح می‌شود. با مشاهده هدف‌های مشترک برنامه آموزش فارسی با دیگر برنامه‌های درسی انتظار داریم که این هدف‌ها در راستای کاربرد مهارت‌های نوشتن و سخن‌گفتن در موضوعات درسی دیگر تدوین شده باشند. این در حالی است که حتی در یک مورد چنین هدفی در نظر گرفته نشده است. هر چند هدف‌های مهارتی مشترک برنامه آموزش زبان فارسی دوره دوم متوسطه با برنامه‌های آموزشی دیگر در راستای

کاربرد مهارت‌های زبانی در دروس دیگر برنامه‌ریزی شده است، اما بسیار مبهم تدوین شده و تعریف عملیاتی آن‌ها ارائه نشده است. به عبارت روشن‌تر، معلوم نیست که چگونه مهارت دانش‌آموزان در بیان و سخنوری و برقراری ارتباط کلامی با دیگران؛ استفاده از منابع و مراجع به هنگام پژوهش و مطالعه؛ استفاده از فرهنگ، آداب و سنن در روابط اجتماعی؛ مطالعه، پژوهش و گزارش‌نویسی افزایش می‌یابد.

با توجه به مطالب مطرح شده در بالا و موارد مطرح شده درباره شاخص‌های آموزش مهارت‌های تولیدی زبان در برنامه آموزش زبان ملی ایران دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه می‌توان گفت که در این برنامه‌ها آموزش مهارت‌های یادشده در دوره‌های مختلف تحصیلی در چارچوب رویکرد مستقل از بافت برنامه‌ریزی شده است؛ زیرا آموزش آن‌ها به صورتی متناسب با بافت موقعیت اجتماعی-فرهنگی برنامه‌ریزی نشده است. همچنین، آموزش آن‌ها به صورت انتقادی مدنظر قرار نگرفته است و اگر هم در مواردی به شکل صوری مطرح شود مانند موارد دیگر تعریف عملیاتی و نیز راهکار عملی آموزش آن ارائه نشده است. همچنین، آموزش مهارت‌های تولیدی زبان با توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات برنامه‌ریزی نشده است. و بالاخره، آموزش کاربرد مهارت نوشتن در تولید متون نوشتاری چاپی و شنیداری مدنظر است. به عبارت دیگر آموزش کاربرد این مهارت زبانی در تولید متون نوشتاری الکترونیکی و نیز متون چندسبکی (متون تدوین شده با شیوه‌های ارتباطی نوشتاری، شنیداری و دیداری) مطرح نمی‌شود.

در جمع‌بندی کلی و با توجه به نقاط ضعف مطرح شده برای برنامه آموزش زبان فارسی دوره ابتدایی و دوره‌های اول و دوم متوسطه در زمینه آموزش سخن‌گفتن و نوشتن موارد زیر برای اصلاح این برنامه‌ها پیشنهاد می‌شود:

- تدوین چارچوب مفهومی برای هر یک از مهارت‌های تولیدی زبان. بر اساس مطالب مطرح شده در این گزارش می‌توان چارچوب مفهومی مهارت‌های سخن‌گفتن و نوشتن را که در واقع همان شاخص‌های آموزش آن‌ها است به صورت خلاصه در قالب جدول زیر پیشنهاد کرد.

نوشتن	سخن گفتن	مهارت‌های تولیدی زبان (سخن گفتن و نوشتن)
رمزگذاری واژه‌های نوشتاری (املاء) (مستلزم آموزش رسمی است)	رمزگذاری واژه‌های شفاهی (به صورت خودکار کسب می‌شود)	الف- رمزگذاری واژه‌ها
تولید متون نوشتاری - نوشتن بافت‌مدار - راهبردهای نوشتن فن نوشتن سازماندهی متن نوشتاری - نوشتن انتقادی	تولید متون شفاهی - سخن گفتن بافت‌مدار - راهبردهای سخن گفتن فن سخن گفتن سازماندهی متن شفاهی - سخن گفتن انتقادی	ب- تولید متون
جدول ۲۳- چارچوب مفهومی مهارت‌های تولیدی زبان (سخن گفتن و نوشتن)		

- تدوین هدف‌های آموزش مهارت‌های تولیدی زبان متناسب با چارچوب مفهومی هر یک از آن‌ها
- اصلاح برنامه آموزش معلمان زبان فارسی همسو با تغییر برنامه آموزشی مربوط

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت‌های تولیدی زبان برای اصلاح آموزش سخن گفتن و نوشتن متناسب با چارچوب مفهومی آن‌ها برای دوره‌های مختلف تحصیلی ارائه می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که هدف‌های یادشده جنبه پیشنهادی دارد و تدوین‌گران و مولفان کتاب‌های درسی می‌توانند پس از اعتباربخشی از آن‌ها به عنوان هدف‌های آموزشی بهره بگیرند. در ادامه ابتدا هدف‌های آموزش سخن گفتن و سپس هدف‌های آموزش نوشتن برای دوره‌های مختلف تحصیلی با جزئیات ارائه می‌شود.

هدف‌های آموزش سخن‌گفتن

با توجه به شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مطرح‌شده برای آموزش سخن‌گفتن یعنی «رمزگذاری واژه‌های شفاهی» و «تولید متون شفاهی» (الف. سخن‌گفتن بافت‌مدار، ب. راهبردهای سخن‌گفتن شامل فن سخن‌گفتن و سازماندهی متن شفاهی و ج. سخن‌گفتن انتقادی)، می‌توان گفت از آنجا که نخستین شاخص یعنی «رمزگذاری واژه‌های شفاهی» نیازی به آموزش ندارد زیرا به‌صورت خودکار کسب می‌شود، هدف‌های آموزشی برای شاخص دوم یعنی «تولید متون شفاهی» ارائه می‌شود. از آنجا که این شاخص خود دارای سه زیر شاخص یعنی «سخن‌گفتن بافت‌مدار»، «راهبردهای سخن‌گفتن شامل فن سخن‌گفتن و سازماندهی متن شفاهی» و «سخن‌گفتن انتقادی» است، هدف‌های زیر برای آموزش این زیرشاخص‌ها در دوره‌های ابتدایی، اول و دوم متوسطه پیشنهاد می‌شود:

در زمینه زیر شاخص سخن‌گفتن بافت‌مدار موارد زیر آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،

در دوره ابتدایی به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- برای نیل به اهداف مختلف صحبت کنند، فعالانه در بحث‌های مختلف شرکت کنند.
- متناسب با بافت موقعیت (رسمی و غیررسمی)، مخاطب و هدف صورت‌ها و گونه‌های زبان معیار را انتخاب کرده و در گفتار شفاهی خود به کار ببرند.
- سرعت و چگونگی ارائه خود را با هدف، موقعیت و مخاطب خود تطبیق بدهند.
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع و بافت موقعیت استفاده کنند.
- به طرز مؤثر با افرادی از فرهنگ (مذهب) خود یا از فرهنگ‌های (مذهب‌های) متفاوت تعامل برقرار کرده و بتوانند دیدگاه‌های خود درباره یک موضوع را به طور شفاهی مطرح کنند.

در دوره اول متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- در بحث‌های رسمی (مثل میزگرد) شرکت کنند.
- به طرز شایسته‌ای متناسب با موقعیت در بحث‌های کلاسی مشارکت داشته باشند.
- برای نیل به اهداف مختلف مثلاً ارائه خلاصه کتاب و مقاله و داستان نطق فی‌البداهه یا سخنرانی مهیج (برانگیزاننده) ایراد کنند.
- از زبان، لحن خطاب، نواخت و واژگان متناسب با موقعیت استفاده کنند.
- با زبان سنجیده‌ای سخن بگویند که برای افراد دارای نژاد، فرهنگ، جنسیت و سن متفاوت قابل درک باشد.

- با افرادی از فرهنگ و مذهب خود یا از فرهنگ‌ها و مذاهب متفاوت به طرز مؤثر ارتباط برقرار کنند.
- اهمیت برقراری ارتباط مؤثر به هنگام کارکردن با دیگران را درک کنند.
- با توجه به هدف و مخاطب از طریق انتخاب عمدی محتوا، زبان و صورت متن، متونی را برای سخنرانی تدوین کنند.
- یاد بگیرند که چگونه از افراد مختلف سپاسگزاری کرده و آرزوهای خوب را بیان کنند.
- بتوانند دربارهٔ چگونگی انجام کارها به طور شفاهی آموزش بدهند.
- افراد را شفاهاً دعوت کنند، پیام شفاهی بگذارند یا تقاضای خود را شفاهاً بیان کنند.
- بتوانند عقیده و احساس خود اعم از نارضایتی و یا احترام را بیان کنند
- در بحث‌ها شرکت کرده و بتوانند در زمان مناسب موافقت یا مخالفت خود را اعلام کنند.

در دورهٔ دوم متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- فعالانه در بحث‌های میزگرد، همایش، و یا گردهمایی در قالب جلسات کاری (مثلاً بررسی یک سؤال و بررسی چشم‌اندازهای مختلف آن) شرکت کنند.
- برای نیل به اهداف مختلف (مثل استدلال کردن، اطلاع‌دادن، سرگرمی، تفسیر ادبی، نمایش دادن و ابراز شخصی) صحبت کنند.
- متناسب با بافت، مخاطب و هدف صورت‌هایی را انتخاب کرده و در گفتار شفاهی خود به کار ببرند.
- سرعت و چگونگی ارائهٔ خود را با هدف، عنوان و مخاطب خود تطبیق بدهند.
- از زبان و متن‌های متناسب برای شرکت در موقعیت‌های مهم و برای گسترش و تقویت حس وحدت استفاده کنند.
- سخن خود را با انواع اهداف و موقعیت‌های آشنا و ناآشنا از جمله موقعیت‌های مستلزم استفاده روان از فارسی معیار تطبیق دهند.
- برای گفتگو در انواع موقعیت‌های رسمی و غیررسمی نقش‌های گوناگونی را پذیرفته و گفتار خود را سازماندهی و طرح‌ریزی کنند.
- بتوانند در کلاس درس با هم‌کلاسی یا افراد آشنا و یا افراد ناآشنا از جمله دانش‌آموزان کم سن و سال تر به خوبی سخن بگویند.
- بتوانند برای افرادی مانند گروه‌های باشگاهی جوان سخنرانی رسمی ارائه بدهند.
- بتوانند با کارمندان یا اعضای یک اجتماع وسیع تر سخن گفته و مصاحبه کنند.
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع و بافت موقعیت استفاده کنند.

- به طرز مؤثر با افرادی از فرهنگ خود یا از فرهنگ‌های متفاوت تعامل برقرار کنند.
- در چنین مواقعی از زبان، لحن خطاب، نواخت و انتخاب واژگان مناسب استفاده کنند.
- افراد را متناسب با سن، جنسیت و وضعیت مورد خطاب قرار داده و با آن‌ها روبرو شوند.
- بتوانند دربارهٔ چگونگی انجام کارها شفاهاً آموزش بدهند.
- افراد را دعوت کنند، پیام بگذارند و شفاهاً از دیگران تقاضا کنند.
- طی یک موقعیت رسمی گفتگوی خود را با بزرگترها آغاز کرده و ادامه بدهند.
- یاد بگیرند که در بحث‌ها شرکت داشته و در زمان مناسب موافقت یا مخالفت خود را اعلام کنند.
- بتوانند دیدگاه‌های خود دربارهٔ یک موضوع را به طور شفاهی مطرح کنند.
- به شرایط متفاوت ارائه‌های شفاهی و اهمیت شکل دادن به زبان شفاهی به منظوره‌های مختلف و برای مخاطبان متفاوت توجه کنند.

در زمینهٔ زیر شاخص راهبردهای سخن‌گفتن (فن سخن‌گفتن) موارد زیر آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،

در دورهٔ ابتدایی به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- از عناصر زبانی و غیر زبانی (مثل تماس چشمی، طرز قرارگیری وضع بدن) برای بیان افکار و احساسات خود و جلب توجه مخاطب استفاده کنند.
- فضای ارائهٔ خود را طوری ترتیب دهند که توجه مخاطب را جلب کند.
- در موقعیت‌های رسمی، با استفاده مناسب از بلندی صدا، سرعت گفتار و تلفظ واضح توجه مخاطب را به سخنان خود حفظ کنند.
- با برخی از مختصه‌های اصلی زبانفارسی گفتاری معیار آشنا شده و کاربرد آن‌ها را بیاموزند.
- از مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا و اثرگذاری بر مخاطب استفاده کنند.
- شایع‌ترین کاربردهای غیرمعیار در زبان فارسی را بیاموزند.
- از واژه‌های پربسامد، موضوعی و واژه‌های قاموسی برای انتقال مطالب مدنظر خود استفاده کنند.
- توجه و واکنش مخاطبان مختلف را جلب و حفظ کنند (مثلاً، با اغراق، شوخ‌طبعی، تغییر سرعت کلام و استفاده از زبان متقاعدکننده برای نیل به تأثیرهای خاص).

در دورهٔ اوّل متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- از زبانی استفاده کنند که توجه مخاطب را بر می‌انگیزد.
- از طریق تماس چشمی، به مخاطب توجه کرده و واکنش‌های کلامی مناسبی را برای پاسخ به سؤالات بروز بدهند.

- از فنونی مانند تغییر زیر و بمی صدا، آهنگ صدا، سرعت گفتار، تلفظ واضح و تماس چشمی برای ارائه سخنرانی مؤثر استفاده کنند.
- واژگان، عوامل تولید صدا و نشانه‌های غیربیانی را طوری انتخاب کنند که بتوانند با مخاطبان مختلف به صورت مؤثرتری ارتباط برقرار کنند.
- با استفاده از انواع فنون زبانی و غیر زبانی مخاطب خود را تحت تأثیر قرار بدهند، مثلاً لحن، حالت چهره، تکرار، اشاره به نکات کلیدی، خطاب مستقیم، ایما و اشاره و حرکات بدنی و همچنین استفاده از تصاویر، کمک‌های دیداری و عکس‌ها، شواهد و حکایات.
- سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و به طرز مناسبی آن‌ها را به کار ببرند.
- برای تضمین رسایی صدای خود به ارائه شفاهی/ازبرخوانی همسالان با دقت توجه کنند.
- از جملات متنوع (ساده، مرکب و ...) و صحیح استفاده کنند.
- مشتقات واژه‌ها، عبارت‌ها و اصطلاحات فنی و کاربردهای آن‌ها را بشناسند.
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع استفاده کنند.
- از وسایل کمکی دیداری، رسانه‌ها و/یا فناوری برای کمک به برقراری ارتباط گفتاری استفاده کنند.
- از فنون نمایشی مختلف در هر دو نوع اجرای از روی نوشته و اجرای فی‌البداهه استفاده کنند مانند تغییر دادن بلندی، لحن و سرعت گفتار، استفاده از مکث، حرکات دست و صورت، تحرک و چگونگی اجرا، سخن گفتن گروهی و تک‌گویی.

در دوره دوم متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- متناسب با هدف زیروبمی، نواخت، سرعت و بلندی صدای خود را تغییر بدهند.
- از طریق انتخاب واژگان و تنظیم تن صدا افکار خود را به صورت شفاف بیان کنند.
- به هنگام صحبت کردن، از فنون سخنوری و ارائه (مثل تماس چشمی، ارتباط غیر کلامی، بلندی صدا، آهنگ صدا و تلفظ) استفاده کنند.
- برای تحت تأثیر قرار دادن افکار، احساسات و رفتار دیگران از زبان، امکانات بصری و صداها استفاده کنند.
- از طریق تمرکز بر ابزارهای ادبی (مثلاً، جناس، کنایه و تکرار) واژگان بهتری را برای بیان مطالب مورد نظر خود انتخاب کنند.
- به هنگام ارائه ایده و اطلاعات جهت برآوردن نیازهای مخاطبان انعطاف پذیر باشند.

- در موقعیت‌هایی که انواع سرنخ‌های بافتی در دسترس نیستند (مثل مکالمه تلفنی) از فنونی مثل تغییر لحن و سرعت، تکرار، سؤال پرسیدن و بازگو کردن برای رفع ابهام احتمالی استفاده کنند.
- بتوانند در هر دو نوع اجرای از پیش نوشته شده یا فی‌البداهه فنون نمایشی مختلف را به کار بگیرند، از جمله تغییر بلندی، لحن و سرعت صدا، استفاده از مکث، حالت و حرکت سر و دست، حرکت و زمینه‌سازی، سخن‌گفتن به صورت گروهی و تک‌گویی.
- سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و آن‌ها را به‌طرز مناسبی به کار ببرند.
- به سؤال‌های مطرح شده در جریان ارائه شفاهی به طرز مناسبی پاسخ بدهند.
- با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی به طرز مناسبی به دیگران واکنش نشان بدهند.

در زمینه زیر شاخص راهبردهای سخن‌گفتن (سازماندهی متن شفاهی) موارد زیر آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،

در دوره ابتدایی به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- با طرز بیان و آهنگ مناسب صحبت کنند.
- بر نکات اصلی تمرکز کنند، ولی جزئیات مربوط را نیز بیان کنند.
- از جزئیات، مثال و دلیل برای حمایت از ایده اصلی استفاده کنند.
- نوبتی صحبت کنند و صحبت‌های آن‌ها در راستای آن چیزی باشد که پیشتر گفته شد.
- در بحث‌های کلاسی شرکت کنند و برای نظرات خود دلیل ارائه دهند.
- از واژگان مختلف برای توضیح، بیان و شرح مبسوط مطالب استفاده کنند.
- یک سخنرانی رسمی را با رعایت ترتیب منطقی مطالب و وقایع و نیز ارائه مقدمه، جزئیات تأییدکننده و نتیجه‌گیری، آن را تمرین نموده و در نهایت برای مخاطبانی نظیر گروه همسالان، دانش‌آموزان کوچکتر و یا اولیاء خود ارائه کنند.
- مطالبی را برای سخن‌گفتن انتخاب کنند که مرتبط به موضوع و شنوندگان است.
- با در نظر گرفتن فعالیت و هدف مورد نظر و با رعایت نوبت در بحث‌ها شرکت کنند، از جمله اینکه به هنگام گردآوری ایده‌ها، به صورت آزمایشی و محتاطانه اظهار نظر کنند و به هنگام رسیدن بحث به نتیجه یا عمل، به صورت ارزیابانه و مستدل نظر بدهند.
- از روش‌های مختلفی برای پیشبرد گروه استفاده کنند، از جمله خلاصه‌کردن نکات اصلی، مرور آنچه گفته شده، شفاف‌سازی مطالب و پیش‌بینی پیامدها.
- از اطلاعات مربوط به ترتیب واژه‌ها و جمله‌ها برای انتقال معنا در متون ساده استفاده کنند.

- به تدریج ایده‌ها و اطلاعات را در ادامه یکدیگر ارائه دهند.
- از جملات ساده استفاده کنند ولی به تدریج از جملات مرکب و پیچیده نیز استفاده کنند.
- فرصت‌هایی داشته باشند که بتوانند از زبان شفاهی برای مباحثه و قانع‌کردن، تفکر درباره ارزش‌ها، بیان عقاید، نتیجه‌گیری، ارزیابی و قضاوت استفاده کنند.

در دوره اول متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- به هنگام بحث درباره یک موضوع بحث‌برانگیز در کلاس یا در جمع یک گروه، قواعد مربوط را به کار بگیرند.
- موضوع یا ایده‌ای را به بیان دیگر بگویند، درباره آن توضیح داده و یا آن را بسط بدهند.
- از راه‌های گوناگونی برای سازماندهی گفتار خود در جهت نیل به اهداف و راهنمایی شنونده استفاده کنند، مثلاً واژگان، ساختار و دستور زبان را برای بیان مطلب مورد نظر خود تغییر دهند.
- به طور روان به زبان فارسی معیار سخن بگویند و با استفاده از فنون مختلف مخاطب را در تشریح ایده‌های خود درگیر کنند.
- به صورت‌های مختلف در گروه‌ها مشارکت داشته باشند، پاسخ مناسب به دیگران بدهند، ایده‌های خود را بیان کرده و سؤال بپرسند.
- از رویکردهای نمایشی متفاوتی برای تشریح ایده‌ها، متن‌ها و مسائل استفاده کنند.
- بتوانند گفتار خود را به لحاظ زمانی، منطقی و به ترتیب اهمیت سازماندهی کنند.
- برای تعیین مرز بین یک موضوع و موضوع بعدی در یک گفتگو از نشانگرهای کلام (مثلاً به هر حال، درست است، باشد) استفاده کنند.
- به منظور سازماندهی، برنامه‌ریزی و تداوم گفتگو نقش‌های مختلفی را به عهده بگیرند (از جمله رهبری، ریاست، منشی‌گری، گزارش‌نویسی) و آن‌ها را به تناسب موقعیت تغییر بدهند.
- از انواع مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا، تأثیرگذاری و ادامه توجه مخاطب به متن شفاهی استفاده کنند.
- از انواع واژگان برای انتقال معنای دقیق استفاده کنند.
- از انواع قراردادهای متن از جمله قراردادهای دستوری به صورت مناسب، مؤثر و درست استفاده کنند.
- به هنگام تدوین پیش‌نویس متون شفاهی به انسجام و کامل بودن آن توجه کنند.
- از ساماندهی و توالی ایده‌ها و اطلاعات برای نیل به یک هدف یا تأثیر خاص استفاده کنند.
- از انواع ساختارهای جمله، پاراگراف آغازین و طول جمله برای نیل به تأثیر خاصی استفاده کنند.
- ایده‌ها را به منظوره‌های مختلف و برای مخاطبان متفاوت به شکل مؤثر ارائه بدهند.

- با راهنمایی معلم درباره موضوعات آشنا سخنرانی‌های ساده‌ای را برنامه‌ریزی و سازماندهی کنند.
- به هنگام سخن گفتن با راهنمایی معلم بر نکات خاصی تمرکز کنند.
- با استفاده از منابع شفاهی/دیداری و نوشتاری از ایده‌های مطرح شده حمایت کنند.

در دوره دوم متوسطه نیز به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- با بحث در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ موضعی را حمایت، تعدیل یا رد کنند.
- در بحث‌ها، پروژه‌ها و گردهمایی‌های هدایت شده توسط خود دانش‌آموز، نقش رهبر را به عهده بگیرند.
- نتایج مطالب شنیده شده را خلاصه و ارزیابی کرده و در پیشبرد بحث‌ها به مرحله بعدی پیشقدم شوند.
- به هنگام مصاحبه و مباحثه، سؤالات آماده شده و تکمیلی بپرسند.
- سؤال‌های مخاطب را با ارائه توضیح، مثال، تعریف و توضیح پاسخ بدهند.
- از راهبردهای متفاوتی برای سازماندهی سخنان خود استفاده کنند (مثل جلب توجه مخاطبان با تکرار مطالب مهم یا استفاده از حروف ربط).
- پیش‌نویس سخنرانی خود را هم به طور مستقل و هم از طریق بحث و گفتگو با همسالان بازنویسی و ویرایش کنند.
- گفتار خود را به لحاظ زمانی، منطقی و به ترتیب اهمیت و در قالب مطلب اصلی/مطلب فرعی یا پرسش/پاسخ سازماندهی کنند.
- با تسلط خود در زمینه استفاده از ویژگی‌ها و قراردادهای انواع متن، ایده‌ها و اطلاعات را برای نیل به هدف یا تأثیر خاصی سازماندهی کنند.
- یاد بگیرند که به صورتی روان و اثرگذار درباره موضوع‌های مختلف سخن بگویند.
- برای ارائه یک مطلب به منظور نیل به هدف خاصی برنامه‌ریزی کرده و آن را سازماندهی کنند.
- به هنگام ارائه شفاهی ایده‌های اصلی را طوری مطرح کنند که مرتبط با موضوع باشند.
- با منابع شنیداری، دیداری و نوشتاری از ایده‌های مطرح شده حمایت کنند.
- نکات مهم را مورد تأکید قرار بدهند.
- برای ایجاد ارتباط میان ایده‌های مطرح شده در سخنرانی خود از ابزارهای انسجام استفاده کنند.
- به هنگام بحث گروهی (چه در قالب گروه‌های کوچک و چه گروه‌های بزرگ) بتوانند تیم را مدیریت کرده و بتوانند به طور مستقل قراردادهای بحث گروهی را رعایت کنند.
- با ارائه‌های رسمی مانند بحث و جدل‌ها، سخنرانی‌ها و گردهمایی‌ها آشنا شده و خود نیز آن‌ها را تجربه کنند.

- یاد بگیرند که دربارهٔ مسائل مختلف چشم‌اندازهای متفاوت را شناسایی کرده و در نظر بگیرند و سخنرانی‌های مستدل، متقاعدکننده و سازمان‌یافته ای را ارائه دهند.

در زمینهٔ زیر شاخص سخن‌گفتن انتقادی موارد زیر آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،
در دورهٔ ابتدایی به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- دربارهٔ نمایشی که تماشا کرده‌اند یا در آن شرکت داشته‌اند، نظری سازنده ارائه دهند.
- به صورت شفاهی نظر خود را دربارهٔ متنی که خوانده‌اند بیان کنند.
- دربارهٔ اطلاعاتی که می‌شنوند بحث و گفتگو کنند، نظرات شخصی خود را ارائه داده و خواستار بازگو شدن مطلب یا توضیحات کلی برای روشن شدن معنا شوند.
- معیارها و دستورالعمل سخنرانی را آموخته و از آن‌ها برای بهبود ارائهٔ شفاهی خود بهره بگیرند.
- از بازخورد همسالان و پیشنهادهای معلم برای تجدید نظر دربارهٔ محتوا، سازماندهی مطالب و نیز شیوهٔ ارائهٔ خود بهره بگیرند.
- الگوهای واژگانی و جملات را برای بیان روشن مطالب آزمایش کنند.
- صنایع ادبی و شیوه‌های انتقال معنا به وسیلهٔ آن‌ها را شناسایی کنند.
- گفتار خود را ارزیابی کرده و دربارهٔ تنوعات آن فکر کنند.
- سهم خود و دیگران را در اثربخشی اجراهای نمایشی ارزیابی کنند.
- با نظرات مخالف مؤدبانه برخورد کنند و این امکان را فراهم آورند که بحث ادامه یابد.

در دورهٔ اول متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- ضمن توجه به دیدگاه‌های مخالف، از موضع خود حمایت کنند.
- برای روشن شدن زاویهٔ دید دیگران، اظهارات آن‌ها را به بیان دیگر مطرح کنند.
- برای روشن شدن نظرات دیگران سؤال بپرسند.
- به صورت شفاهی نظر خود را دربارهٔ متن ادبی که خوانده‌اند بیان کنند.
- دربارهٔ تعابیر مختلف مربوط به یک متن بحث کنند.
- در پی بازخورد باشند و برای افزایش شفافیت، معنا و تأثیر در متون تغییر ایجاد کنند.
- دربارهٔ گفتار خود تأمل کرده و آن را ارزیابی کنند.
- جزئیات و اظهارنظرها را در حمایت از ایده‌ها اضافه کرده یا تغییر دهند و نشان بدهند که این کار را به صورت هدفمند انجام داده‌اند.
- زاویه‌های دید متفاوتی را به هنگام سخن‌گفتن مطرح کنند.

در دوره دوم متوسطه نیز به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- عبارت‌های ادبی را که شخصیت داستان را نمایان می‌کند، مضمون را بسط می‌دهد و عناصر ادبی را توصیف می‌کند انتخاب کرده و درباره آن‌ها بحث کنند.
- به صورت انتقادی موضع یا دیدگاه یک نویسنده را زیر سؤال ببرند.
- به هنگام ارائه شفاهی، ارتباط گفتاری را با درک احساس سردرگمی مخاطب تغییر داده و به صورت فی‌البداهه در آن‌ها تجدید نظر کنند (مثل خلاصه‌کردن، بازگو کردن مطالب، افزودن توضیحات/جزئیات).
- کاربردهای زبان و صورت‌های بیان را تغییر دهند تا دریابند که چگونه این موارد بر روی مفاهیم تأثیر می‌گذارند و قدرت ارتباط را افزایش می‌دهند.
- برای دستیابی به اهداف خاص و اثرگذاری بر مخاطبان خاص و نیز برای تضمین انسجام و یکپارچگی، تأثیر بالقوه فنون و ساختارهای مختلف را در متون شفاهی ارزیابی کنند.
- درباره اثر انتخاب‌های مربوط به محتوا، شکل و شیوه ارائه خود و دیگران بحث کرده و آن‌ها را ارزیابی کنند.
- لحن خود را طوری انتخاب و تنظیم کنند که دانش، نگرش و واکنش مخاطب را در نظر داشته باشند.
- با توجه به تجربیات شخصی و دانش زبانی خود متون مختلف را تفسیر کنند.
- انتخاب‌های زبانی، آهنگ کلام و استفاده از سیاق خاص ممکن است اثرات خاصی بر مخاطب داشته باشد.
- بتوانند تأثیر اجرای نمایش را روی مخاطبان ارزیابی کنند.
- بتوانند درباره استفاده مناسب از فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان وسیله‌ای برای ارائه قضاوت کنند.

هدف‌های آموزش نوشتن

با توجه به شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مطرح‌شده برای آموزش نوشتن یعنی «رمزگذاری واژه‌های نوشتاری (املاء)» و «تولید متون نوشتاری» (الف. نوشتن بافت‌مدار، ب. راهبردهای نوشتن شامل فن نوشتن و سازماندهی متن نوشتن و ج. نوشتن انتقادی)، هدف‌های زیر برای آموزش این شاخص‌ها در دوره‌های ابتدایی، اول و دوم متوسطه پیشنهاد می‌شود:

در زمینه شاخص املاء موارد زیر به صراحت آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،

در دوره ابتدایی به دانش‌آموزان آموزش داده شود که...

- از اطلاعات خود درباره ریشه‌ها، پیشوندها، پسوندها و الگوهای املاي زبان فارسي استفاده کنند تا به هنگام نوشتن واژه‌ها را درست بنویسند.
- نوشتن زنجیره حروفی که معمولاً با یکدیگر به کار می‌روند را تمرین کنند.
- نوشتن واژگان رایج و واژگانی که پیشوند و وندهای صرفی مشترک دارند را تمرین کنند.
- از دانش خود درباره زنجیره رایج حروف و قیاس برای نوشتن واژه‌ها استفاده کنند.
- با استفاده از بانک واژگان، لغتنامه و کنترل‌کننده مرورگر املاي واژه‌ها (در رایانه) درستی املاي خود را بررسی کنند.
- دلایل غلط‌های املاي خود را مشخص کنند.

در دوره اول متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- اطلاعات مربوط به راهبردهای املاي را برای نوشتن کلمات ناآشنا، نوشتن کلمات هم‌آوا (مثلاً خوار و خار، خویش و خیش) و کلمات چند هجایی به کار گیرند.

در دوره دوم متوسطه نیز به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- قواعد املاي زبان فارسي را یاد بگیرند و آن‌ها را برای مجموعه کاملی از واژگان و نظارت بر درست‌نویسی آن‌ها به کار ببرند.
- کلماتی که با الگوهای قاعده‌مند انطباق ندارند و کلماتی که گاهی اوقات به هنگام کاربرد با هم اشتباه می‌شوند را صحیح بنویسند.

در زمینه زیرشاخص نوشتن بافت‌مدار (از شاخص تولید متون نوشتاری) موارد زیر به صراحت آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،

در دوره ابتدایی به دانش‌آموزان آموزش داده شود که

- انواع مقاله‌های متناسب با سطح کلاس (مثلاً مقاله متقاعدکننده، شخصی، توصیفی، موضوع‌محور) را بنویسند.
- نوشته‌های توضیحی چندپاراگرافی بنویسند (مثلاً مسئله/ راه حل، علت/ معلول، فرضیه/نتایج، سر مقاله، نقد، گزارش تحقیق).
- انواع مختلف متون روایی از قبیل داستان کوتاه، زندگینامه یا یادنامه بنویسند.

- به منظوره‌های مختلف (مثلاً بیان افکار، اطلاع‌رسانی، سرگرم‌کردن، متقاعدکردن، شفاف‌سازی و درمیان گذاشتن ایده‌ها) و برای مخاطبان گوناگون (مانند خود، همسالان و عامه مردم) بنویسند.
- توانایی خود را برای نوشتن نامه‌های دوستانه/تجاری، با صفحه‌آرایی و سبک منسجم به معرض نمایش بگذارند.
- انواع گونه‌های نوشتاری شامل متون داستانی، شعر، یادداشت، فهرست، توضیح زیر عکس، اسناد، پیام و دستورالعمل را بنویسند.
- صورت و محتوا را متناسب با هدف مورد نظر انتخاب کنند (مثلاً تدوین یادداشت‌هایی برای از روخوانی یا سازماندهی فکر، تدوین برنامه برای فعالیت‌های مختلف مثل داستان خبری، مصاحبه، گزارش و نمودار)
- انواع صورت‌های نوشتاری شامل داستان، اشعار، متن نمایشنامه، گزارش، توضیح، نظر، دستورالعمل، نقد و شرح حاشیه‌ای را با توجه به با قراردادهای ساختاری و دستوری خاص آن‌ها بنویسند.
- از طریق تحقیق و گزارش‌نویسی برای اهداف و مخاطبان متفاوت بر زبان توضیحی تسلط پیدا کنند.
- از زبان نوشتاری برای مباحثه و قانع‌کردن، تفکر درباره ارزش‌های خود، بیان عقاید، نتیجه‌گیری، ارزیابی و قضاوت، استفاده از واژگان تخصصی در موقعیت‌های متفاوت و به عنوان ابزار یادگیری استفاده کنند.

در دوره اول متوسطه به دانش‌آموزان آموزش داد که

- انواع مختلف نثر مانند داستان کوتاه، زندگینامه، زندگینامه شخصی، یا یادنامه بنویسند که دارای عناصر متن روایی است.
- گزارشات و قطعات غیرداستانی متناسب با موضوع را بر اساس تحقیق بنویسند و در آن نقل‌قول و ارجاع لازم را درج کنند.
- انواع مقاله اعم از مقاله متقاعدکننده، مقاله توصیفی شخصی یا مسئله‌محور را بنویسند.
- متونی را برای نیل به هدف‌های متفاوت و برای مخاطبان متفاوت تدوین کنند.
- متونی را تدوین کنند که حاکی از آگاهی از هدف و مخاطب از طریق انتخاب عمدی محتوا، زبان و صورت متن است.
- روایت شخصی، داستان کوتاه، یادنامه، شعر و متن متقاعدکننده و توضیحی بنویسند که رویدادها یا موقعیت‌های شفاف و منسجم را از طریق کاربرد جزئیات مشخص به یکدیگر مربوط می‌کنند.
- درباره مسائل مهم منطقه‌ای/ملّی به روزنامه‌ها یا افراد مسئول نامه بنویسند.

در دورهٔ دوم متوسطه نیز باید به دانش‌آموزان آموزش داد که

- ضمن استفاده از سبک نگارش مناسب و منابع دیگر، علائم سجاوندی را برای روشن کردن معنای مورد نظر خود به کار بگیرند.
 - به طور خلاقانه، نوآورانه و متفکرانه بنویسند و متن‌هایی تولید کنند که توجه خواننده را جلب کرده و او را به چالش بطلبد.
 - برای مخاطبان مختلف نظیر کارمندان، بنگاه‌های خیریه، دانشکده‌ها، ساکنان محلی، سیاستمداران و روزنامه‌های محلی و ملی و سازمان‌های چندملیتی بنویسند.
- در زمینهٔ زیرشاخص راهبردهای نوشتن (فن نوشتن) موارد زیر به صراحت آموزش داده شود؛
به عبارت دیگر،

در دورهٔ ابتدایی باید به دانش‌آموزان آموزش داد که

- به هنگام نوشتن و ویرایش آن خوانا بنویسند و از برنامهٔ پردازشگر واژه استفاده کنند (در فرایند نوشتن از نرم‌افزارهای واژه‌پرداز رایانه بهره بگیرند).
- از صورت‌های متفاوت دست‌نویسی برای منظورهای متفاوت استفاده کنند (مثلاً، برای نام‌گذاری روی نقشه‌ها یا نمودارها از دست‌خط چاپی، برای نوشتهٔ تمام‌شده و ارائه‌شده از دست‌خطی خوانا و برای یادداشت‌برداری از دست‌خط شکسته استفاده کنند).
- از علائم سجاوندی، از جمله نقطه، دو نقطه، علامت‌های سؤال و تعجب، ویرگول و نشانهٔ نقل قول در نوشتار خود چه به هنگام نوشتن و چه به هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی متن به درستی استفاده کنند.
- علائم سجاوندی به خواننده در فهم نوشتار کمک می‌کند.
- روابط میانعلائم سجاوندی و ساختار جمله، آهنگ صدا و تکیه کلام را درک کنند.
- در همهٔ نوشته‌ها از قواعد زبان فارسی معیار در ساختار جمله از دستور، علائم سجاوندی، املاء صحیح و دست‌خط مناسب استفاده کنند.
- از منابع متفاوتی از قبیل فرهنگ لغت، کتاب قواعد و/یا منابع اینترنتی/نرم‌افزاری برای ویرایش متن نوشتاری استفاده کنند.
- از فنون متون روایی مثل بیان افکار و احساسات شخصیت‌ها استفاده کنند.
- در نوشتار برای وضوح بهتر مطالب نوشتاری از کمک‌های دیداری استفاده کنند (مثلاً نقشه، نمودار، تصویر، منحنی و عکس).

- درستی املاي خود را با استفاده از بانک کلمات و فرهنگ لغت بررسی کنند.
- برای حذف جملات ناقص، متن را ویرایش کنند.
- برای بیان موثر افکار از دانش خود دربارهٔ دستور زبان فارسی و کاربرد واژه‌ای آن بهره بگیرند.
- از واژه‌های پربسامد و بعضی از الگوهای املايي رایج در نوشتهٔ خود استفاده کنند.
- واژگان خود را گسترش داده و مبتکرانه از آن استفاده کنند.
- از زبان و سبک متناسب با خواننده استفاده کنند.
- با توسل به مطالب خواننده شده، ویژگی‌های صورت نوشتاری مورد نظر را در نوشتهٔ خود به کار ببرند.
- از صفحه‌آرایی، شیوهٔ ارائه و سازماندهی مطالب به طرز مفیدی استفاده کنند.
- زبان فارسی معیار نوشتاری از نظر میزان رسمی‌بودن متفاوت است (مثلاً تفاوت‌های بین نامه به یک دوست دربارهٔ یک سفر مدرسه‌ای و نوشتن گزارشی دربارهٔ آن).
- برخی از تفاوت‌های بین کاربرد زبان فارسی معیار و غیر معیار از جمله مطابقت میان فاعل و فعل و کاربرد حروف اضافه را درک کنند.
- واژه‌های مربوط به کتاب از جمله عنوان، نویسنده، تصویرگر، شمارهٔ صفحه، محتوای صفحه، فصل، سرتیتر، تیتر فرعی و نمایه؛ واژه‌های مربوط به انواع متن/ رسانه مثلاً داستان؛ واژه‌های مربوط به روزنامه مثل تیتر اصلی، و شرح تصاویر؛ واژه‌های مربوط به نرم‌افزار مثلاً پردازشگر واژه و تصحیح‌کنندهٔ املاء را فهمیده و به طرز مناسبی به کار ببرند.
- در فعالیت‌های نوشتاری گروهی مثل نوشتن داستان به صورت گروهی شرکت کنند.
- طبقات واژه نظیر اسم، فعل، صفت، قید، ضمیر، حرف اضافه، حرف ربط و حرف تعریف را بیاموزند.
- ویژگی‌های انواع مختلف جملات مثلاً پرسشی، امری و چگونگی استفاده از آن‌ها (مثلاً جملات امری به‌هنگام فرمان دادن) را بیاموزند.
- دستور جملات مرکب نظیر جمله‌واره‌ها، عبارت‌ها و حروف ربط را بیاموزند.
- با استفاده از اسامی خاص، افعال و واژه‌های توصیفی، جملات گوناگونی از لحاظ طول و پیچیدگی بنویسند.
- پیش‌نویس متن موردنظر را از نظر غلط‌های املايي و علائم سجاوندی، حذفیات و تکرارها بررسی کنند.
- یک نسخهٔ نهایی خوانا، صحیح و کاملاً آماده کنند.
- از دستور و واژگان به طرز مناسبی استفاده کنند.
- از سیاق مناسب استفاده کنند.

در دوره اول متوسطه باید دانش‌آموزان یاد بگیرند که

- به طور خوانا، روان و در موارد لزوم با سرعت بنویسند.
- بتوانند روی کاغذ و روی صفحه نمایشگر رایانه به تناسب بنویسند.
- با بازخوانی مطالب به لحاظ محتوا و سازماندهی و انتخاب واژه‌ها پیش‌نویس مطلب مورد نظر را اصلاح و ویرایش کنند.
- با استفاده از نرم‌افزار واژه‌پرداز مناسب نوشته خود را تدوین، اصلاح، ویرایش و منتشر کنند.
- از قراردادهای زبان فارسی معیار مانند ساختار جمله، دستور، علائم سجاوندی و املاء در تمام نوشته‌ها استفاده کنند.
- دستور، کاربرد واژه‌ها، موارد استفاده از علائم سجاوندی و املائی نوشته خود را ویرایش کنند.
- از انواع منابع مانند فرهنگ لغت، دستور و یا منابع اینترنتی/نرم‌افزاری برای ویرایش اثر نوشتاری استفاده کنند.
- برای تلفیق عناصر چاپی و دیداری از عناصر طراحی الکترونیکی استفاده نمایند.
- مجموعه‌ای از قواعد املائی زبان فارسی را بشناسند و به هنگام ویرایش و نمونه‌خوانی آن‌ها را به کار ببرند.
- از انواع مختصه‌های زبانی به صورت مناسبی استفاده کنند و نشان دهند که اثرات آن‌ها را به وضوح درک می‌کنند.
- از انواع مختصه‌های نوشتاری و دیداری برای خلق معنا، اثرگذاری بر مخاطب و جلب توجه آن‌ها به متن استفاده کنند.
- از انواع واژگان برای انتقال معنای دقیق استفاده کنند.
- با سرعت زیاد و بدون کاهش قابل ملاحظه خوانایی بنویسند.
- از انواع قراردادهای متن از جمله قراردادهای دستوری به صورت مناسب، مؤثر و درست استفاده کنند.
- نوشته خود را به لحاظ املاء، کاربرد واژه‌ها، شفافیت و روان بودن تصحیح کنند.
- با بیان ایده‌ها به سبکی زنده و اثرگذار نشان بدهند که درباره نحو زبان فارسی اطلاعات خوبی دارند.
- جزئیات کم‌اهمیت، ایده‌های تکراری و ناهماهنگی‌ها را از نوشته خود حذف کنند.
- از اطلاعات خود درباره قراردادهای زبان فارسی معیار برای ویرایش نوشته خود و دیگران استفاده کنند.
- مطالب خود را به روشنی با استفاده از صفحه‌آرایی و تصاویر مناسب ارائه دهند.

- از برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس، ویرایش، نمونه‌خوانی (غلط‌گیری) و خودارزیابی برای شکل‌دادن و نگارش ماهرانه نوشته خود برای حداکثر تأثیرگذاری استفاده کنند.
- از دستور از جمله مطابقت فاعل - فعل و کاربرد درست و منسجم زمان فعل در انواع جملات به درستی استفاده کنند.
- با افزایش دانش خود از الگوهای قاعده‌مند املاء، کلمات هم‌خانواده، ریشه کلمات و مشتقات آنها، شامل پیشوند، پسوند و وندهای تصریفی، کلمات را صحیح بنویسند.
- بتوانند از فنون ادبی و زبان‌شناختی متنوع شامل زبان مجازی (تشبیه، استعاره، انسان‌انگاری و نمادپردازی)، الگوهای آوایی (نام‌آوا، تکرار و همگونی واژه‌ای)، مبالغه، کوچک‌انگاری، سطوح رسمی یا غیر رسمی (محاوره‌ای) زبان در نوشته خود استفاده کنند.
- از فنون نوشتاری روایی و توصیفی برای بیان افکار و احساسات شخصیت‌ها و مقایسه و تقابل آنها استفاده کنند.
- برای به تصویر کشیدن جنسیت، فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی در متون نوشتاری فنون مختلفی (مثل صحنه‌سازی، مجسم‌سازی شخصیت‌ها، کلیشه‌ای نوشتن،...) را به کار ببرند.
- پارگراف‌های نوشته خود را به وضوح از یکدیگر جدا کنند.
- از زبان رسمی و غیر رسمی به تناسب موقعیت استفاده کنند.
- به هنگام نگارش یک گزارش پژوهشی از انواع منابع دست اول و دست دوم استفاده کنند.
- از فنون متقاعدکننده و ابزارهای ادبی، کارافزارهای ربطی و شفاف‌کننده در نوشته خود استفاده کنند.
- برای حمایت از ایده اصلی نوشته از سازمان‌دهنده‌های تصویری (مثلاً نمودار، تصویر، جدول و نمودار) استفاده کنند.

در دوره دوم متوسطه نیز دانش‌آموزان یاد بگیرند که

- از مختصه‌های دستوری زبان فارسی معیار نوشتاری برای سازماندهی انواع جملات به منظور نیل به اهداف و تأثیرهای خاص استفاده نمایند.
- روی کاغذ و روی صفحه نمایشگر رایانه به تناسب بنویسند.
- متن را با شواهد مختلف از جمله آمار، حکایت، کمک‌های دیداری از قبیل نمودار یا نقل‌قول‌های برگرفته از منابع معتبر حمایت کنند.
- از فنون و ابزار بلاغی شامل طنز، نکات ادبی، فکاهی، اغراق، تکرار و تضاد استفاده کنند.
- تنوعات زبان نوشتاری (صورت‌های معیار و غیرمعیار) را بیاموزند.
- به تفاوت‌های میان زبان گفتاری و نوشتاری با توجه به واژگان، ساختار و دستور توجه کنند.

- از دستور، علائم سجاوندی و واژگان در نوشته خود به طرز مناسبی استفاده کنند.
- از سیاق مناسب در نوشته خود استفاده کنند.
- پیش‌نویس یک متن را با همکاری گروه همسالان یا به صورت انفرادی تهیه کرده و آن را اصلاح و ویرایش کنند.
- بر قراردادهای زبان فارسی معیار نوشتاری مسلط شوند.
- مختصه‌های زبانی مناسب را به دلیل اثرات متفاوت آن‌ها انتخاب کرده و با یکدیگر تلفیق کنند.
- به صورتی منسجم، روان و مسلط از مختصه‌های زبان نوشتاری برای خلق معنا و جلب توجه مخاطب استفاده کنند.
- در زمینه زیر شاخص راهبردهای نوشتن (سازماندهی متن نوشتاری) موارد زیر به صراحت آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،

در دوره ابتدایی دانش‌آموزان یاد بگیرند که

- ایده‌ها و تجربیات خود را برای یک داستان مطرح و با هم در میان بگذارند.
- سعی کنند که ایده‌های خود را به نگارش درآورند.
- به هنگام نوشتن متون داستانی وقایع داستان مورد نظر را سازماندهی کنند.
- داستان‌های چند پاراگرافی بنویسند که به یک موقعیت می‌پردازد، زمان یا محل رویداد را توصیف می‌کند و شامل بخش پایانی است.
- انشاهای اطلاعاتی چندپاراگرافی بنویسند که در آن ایده‌های مهم، جزئیات و پاراگراف پایانی مطرح می‌شود.
- از طریق گوش‌دادن به داستان‌ها، صحبت کردن، یادآوری تجربیات، خواندن، بحث درباره مدل‌های نوشتن و پرسیدن سؤال و بارش مغزی ایده‌های احتمالی را برای نوشتن بیورانند.
- درباره صورت، ساختار و بیان نویسنده در گونه‌های ادبی گوناگون آگاهی پیدا کنند.
- به کمک راهبردهایی مانند سازمان‌دهنده تصویر و تدوین رؤس مطالب به تشریح و سازماندهی افکار خود به هنگام نوشتن بپردازند.
- به کمک ساختاری حمایت‌کننده و منطبق با پیام موردنظر، مخاطب و هدف نوشتن پیش‌نویسی از مطلب مورد نظر تهیه کنند.
- درباره کاربرد دقیق زبان از جمله صفت‌ها، قیده‌ها، افعال و جزئیات خاص تصمیم بگیرند و گزینه‌های منتخب را توجیه کنند.
- به منظور اصلاح ساختار، مقدمه، موخره، انتخاب واژه‌ها و هماهنگی طرز بیان، پیش‌نویس‌های خود را اصلاح و بازنویسی کنند.

- نوشتار خود را با دیگران مرور کنند تا به دیدگاه خواننده‌ها پی برده و ایده‌های مختلف را به هنگام بازنویسی بررسی کرده و در نوشته خود بگنجانند.
- ایده اصلی، موضوع یا مضمون نوشته خود را با ارائه واقعیت، مثال یا توضیح از جمله اطلاعات به دست آمده از منابع متعدد، تقویت و پشتیبانی کنند.
- با در نظر گرفتن ارتباط جزئیات منظور شده و افزودن، حذف و سازماندهی مجدد مطالب انسجام متن را افزایش بدهند.
- با اصلاح ساختار سازمانی و جا به جایی ایده‌ها، توالی منطقی را در نوشته‌های چندپاراگرافی رعایت کنند.
- با استفاده از جمله آغازین گیرا، ترتیب منطقی و نتیجه رضایت‌بخش، توجه خواننده را از ابتدا تا انتهای متن جلب کنند.
- میان پاراگراف‌ها و درون آن‌ها پیوند برقرار کنند.
- با تنظیم طرح داستان، زمان یا محل رویداد، شخصیت‌های داستان، دیدگاه و گره‌گشایی داستان، متون روایی (داستانی) بنویسند.
- بر مبنای تحقیقی با گستره محدود گزارشی تهیه کرده و ایده یا موضوع مورد نظر را با حقایق، مثال‌ها و توصیف تقویت کنند.
- انشاهای مستدل بنویسند که در آن مواضع یا دیدگاه‌های خود را به روشنی بیان کرده، آن را با شواهد کافی تقویت نموده و در قسمت‌های مورد نیاز از منابع لازم استفاده کنند.
- برای سازماندهی نوشتار خود از راهبردهای گوناگون از جمله توالی، زمان‌بندی، علت/معلول، مسئله/راه حل و ترتیب اهمیت (اولویت‌بندی) استفاده کنند.
- به هنگام پاسخگویی به سؤالات بازپاسخ و توضیحی در زمینه دروس متفاوت یا به هنگام بحث درباره ادبیات از مهارت‌های تفکر و شفاف‌نویسی استفاده کنند.
- برای نیل به معانی ضمنی مناسب از میان واژه‌ها دست به انتخاب بزنند و از جملاتی با طول و ساختارهای مختلف (شامل جملات مرکب) استفاده کنند.
- با استفاده از سازمان دهنده‌های تصویری (جدول، نمودار و ...)؛ انشاء، ارائه، گزارش طرح پژوهشی خود را سازماندهی کنند.
- از واژگان جدید و متنوع استفاده کنند.
- رویدادها را پشت سر هم قرار داده و آن‌ها را با جزئیات مناسب بازگو کنند.
- افکار خود را در قالب جملات بیان کنند.
- از متونی که می‌خوانند به عنوان الگویی برای نوشتار خود استفاده کنند.
- ایده‌های مطرح شده را با یکدیگر ربط داده و جملات را به صورت متوالی کنار هم قرار بدهند.

- ایده‌های خود را روی کاغذ و صفحه‌نمایشگر رایانه گردآوری کرده و آن‌ها را گسترش دهند.
- نوشتار خود را برنامه‌ریزی کرده، آن را مورد بازبینی قرار داده و درباره کیفیت آن با یکدیگر بحث کنند.
- با کمک از دیگران (مثلاً معلم خود) متون طولانی بنویسند.
- به هنگام نوشتن از مختصه‌های زبانی استفاده کرده و نشان بدهند که بعضی از اثرات آن‌ها را تشخیص می‌دهند.
- از مختصه‌های زبان نوشتاری و دیداری برای خلق معنا و اثرگذاری استفاده کنند.
- اهداف و ویژگی‌های سازمان‌دهنده پاراگراف‌ها و چگونگی مرتبط کردن ایده‌های آن‌ها را بیاموزند.
- ایده‌های اولیه را یادداشت کرده و آن‌ها را بیورانند.
- پس از برنامه‌ریزی ایده‌ها را در قالب متن نوشتاری سازماندهی کنند.
- پاراگراف‌هایی بنویسند و ایده اصلی خود را توسط آن‌ها گسترش دهند.
- با استفاده از جزئیاتی مانند مثال، توصیف و تجربه شخصی، ایده‌های اصلی خود را بسط دهند.
- به کمک معلم/همسالان پیش‌نویسی از یک متن تهیه کرده، آن را اصلاح کرده و ویرایش کنند.
- ایده‌های خود را درباره یک موضوع به صورتی اثرگذار و برای منظورها و مخاطبان متفاوت به نگارش درآورند.
- با راهنمایی معلم درباره موضوعی آشنا متن سخنرانی ساده‌ای را برنامه‌ریزی کرده و سازماندهی کنند.
- به هنگام نوشتن با راهنمایی معلم بر نکته خاصی تمرکز کنند.
- با منابع شنیداری/دیداری/چاپی از ایده‌های خود در متون تدوین‌شده حمایت کنند.

در دوره اول متوسطه دانش‌آموزان یاد بگیرند که

- داستان‌ها یا نمایشنامه‌هایی را با شخصیت‌ها، زمان و محل رویداد و جزئیات توصیفی کافی بنویسند.
- انشاهای چند پاراگرافی بنویسند که پردازش موضوعی واضح، سازماندهی منطقی، جزئیات مؤثر و ساختار جمله‌ای متنوع دارند.
- با استفاده از انواع راهبردها (مثل سازمان‌دهنده تصویری و بارش مغزی) به تولید ایده و محدودکردن موضوعها پردازند.
- اطلاعات خود را درباره ویژگی‌های خاص و ساختار گونه‌های نوشتاری مورد نظر خود بسط بدهند و این اطلاعات را برای خلق اثر نوشتاری با در نظر گرفتن هدف، مخاطب و بافت نوشته به کار ببرند.

- از انواع جمله شامل جملات پایه و پیرو، گروه‌های حرف‌افزای و قیدی و جمله‌های آغازین مختلف برای شکل‌دادن به سبک شخصی و مؤثر استفاده کنند.
- صورت‌های دستوری مورد نیاز برای ارائه یک مطلب یا سازماندهی ایده‌ها به منظور تأکید بر آن‌ها را شناخته و به کار ببرند.
- مؤثرترین اطلاعات متناسب با یک موضوع، تکلیف و مخاطب را گردآوری، انتخاب و سازماندهی کنند.
- ایده اصلی یا مضمون یک متن اطلاعاتی را تشریح کرده و با جزئیات مقاله مورد نظر یا تجربیات شخصی از تحلیل خود حمایت کنند.
- به هنگام پاسخ‌دادن به سؤال‌های بازپاسخ و تشریحی به طور شفاف و با استفاده از شواهد حمایت‌کننده بنویسند.
- موضع خود را در نوشته خود به وضوح بیان کنند.
- با بیان مسئله، ارائه واقعیت، شواهد و جزئیاتی در حمایت از آن مقاله‌ای متقاعدکننده بنویسند.
- برای ارائه مؤثر یک استدلال از راهبرد سازمان‌دهنده مناسب مانند علت/معلول استفاده کنند.
- در متون نوشتاری خود الگوهای سازماندهی مختلفی (همچون مسئله و راه‌حل، ...) را به کار ببرند.
- برای تصحیح چگونگی برقراری ارتباط و تقویت بیان فردی خود پیش‌نویس‌های قبلی خود را بازبینی کنند.
- به هنگام ویرایش مطالب جهت افزایش شفافیت و جنبه هنری آن از جزئیات حمایت‌کننده استفاده کنند.
- انشاء، ارائه، گزارش، مقاله و پروژه تحقیقاتی را با جزئیات کافی و به طور منظم آماده کنند تا مخاطبان بتوانند آن‌ها را به راحتی درک کنند.
- به هنگام تدوین متون به انسجام آن توجه کنند.
- ایده‌ها و اطلاعات را برای نیل به هدف یا تأثیر خاصی به توالی قرار داده و سازماندهی کنند.
- از انواع ساختارهای جمله، پاراگراف آغازین و طول جمله برای نیل به تأثیر خاصی استفاده کنند.
- بر انواع صورت‌ها و فرایندهای نوشتاری، ژانرها (گونه‌های متن) و سبک‌های متفاوت تسلط پیدا کرده و آن‌ها را برای نیل به اهداف، مخاطبان و بافت‌های موقعیت متفاوت دستکاری کنند.
- برای شکل‌دادن به ایده‌ها و تدوین اثری مناسب برای ارائه به مخاطب مورد نظر به فرایندها و راهبردهای مورد نیاز (مانند بارش مغزی، برگزاری گردهمایی، برنامه‌ریزی، تهیه پیش‌نویس و بازنویسی) متوسل شوند.
- فرایند نگارش را با نوشتن روزانه و به صورت مداوم تمرین کنند.

- از راهبردهایی مانند سازمان‌دهنده تصویر و تدوین رؤوس مطالب برای برنامه‌ریزی و تهیه پیش‌نویس استفاده کنند.
- نوشته خود را به لحاظ سبک، چگونگی سازماندهی، انسجام و شفافیت مطالب بررسی و اصلاح کنند.
- ویژگی‌ها، ساختار و مختصه‌های زبانی گونه‌های متن مورد نظر را تحلیل کرده و این اطلاعات را در نوشته خود به کار ببرند.
- با استفاده از راهبردهای مختلف (مثلاً، علت-معلول، مسئله/ راه حل، فرضیه/ نتایج) متنی پیچیده و چندپاراگرافی بنویسند.
- انواع مقالات و متون توضیحی مانند مقالات متقاعدکننده، تحلیلی یا انتقادی را تدوین کنند.
- مقاله پژوهشی ادبی بنویسند که در آن برای حمایت از نوشته خود داده‌ها را با استفاده از فناوری اطلاعات تلفیق کرده اند.
- از منابع دست اول و دست دوم مانند مقالات نشریه‌های ادواری و مصاحبه‌ها برای ارائه شواهد، تبیین یا بسط یک موضع استفاده کنند.
- نیاز خواننده‌ها را پیش‌بینی کرده و از طریق راهبردهایی مانند استفاده از زبان دقیق، جزئیات خاص، تعریف، توصیف، مثال، حکایت، قیاس و نیز پیش‌بینی و برشمردن مسائل، استدلال و مطرح کردن یک موضع توجه خواننده‌ها را جلب کنند.
- در نوشته خود از جملات آغازین اثرگذار و جملات پایانی مستدل استفاده کنند.
- برای بازبینی محتوا، ساختار متن و کاربرد واژه‌ها از واکنش و بازخورد دیگران استفاده کنند.
- به انواع گونه‌های متن نوشتاری مانند مقاله متقاعدکننده، روایت شخصی، مقاله پژوهشی ادبی، مقاله توصیفی، نقد، تقلید یک سبک روایتی خاص (مثلاً، اسطوره، داستان کوتاه) و شعر بنویسند.
- برای کمک به خواننده در فهم مطالب مواردی مثل واژه‌های ربطی، زمان‌بندی، سلسله مراتب یا توالی و صورت‌هایی مانند عناوین اصلی و فرعی را در نوشته خود به کارگیرند.
- گونه‌های نوشتاری مثل فرم درخواست‌کار، پیشینه شغلی و آموزشی و نامه‌های تجاری را برای برآورده کردن اهداف روزمره و کاری سازماندهی کرده و بنویسند.
- به طور واضح و منسجم بنویسند و جزئیات را در سطح مناسبی در آن بگنجانند.
- زاویه‌های دید را در متن‌های نوشتاری داستانی یا غیرداستانی به صورت منسجم و یکدست مطرح کنند.
- از واژگان تخیلی و فنون ادبی و زبان‌شناختی متنوع برای نیل به اثرات خاص استفاده کنند.
- نوشته خود را طوری سازماندهی کنند که از هدف آن حمایت کرده و خواننده را راهنمایی کند.

- از جملات مرکب برای شکل دادن به ایده‌ها، گسترش و پیوند بین آن‌ها استفاده کنند.
- برای جلب توجه، تأثیر و ظرافت‌های معنایی ساختار جملات را در نوشته خود تغییر دهند.
- توجه کنند که خواننده نیاز دارد چه مواردی را بداند و جزئیات مربوط را در نوشته خود بگنجانند.
- مطلب مورد نظر خود را با استدلال‌های منطقی شکل داده و با شواهد مستند از آن حمایت کنند.
- نوشته خود را سازماندهی کنند، به طوری که پیوستگی کل متن حفظ شود و دنبال کردن متن برای خواننده تسهیل شود (مثلاً پاراگراف‌های آغازین که مضامین را معرفی می‌کنند، بین پاراگراف‌های آغازین و پاراگراف‌های پایانی پیوندهای روشن برقرار کنند).
- از انواع ابزارهایی که از انسجام درون پاراگراف‌ها حمایت می‌کنند (مثلاً ضمائر، حروف ربط، ارجاع‌هایی که به متن برمی‌گردند و عبارتهای قیدی به عنوان آغاز کننده جمله) استفاده کنند.
- با تغییر دادن طول و فاعل جمله‌ها، استفاده از انواع عبارتها برای روشن ساختن معنا یا تأکید بر آن (مثلاً عبارتهای قیدی، یا اسم مرکب یا گروه‌های حرف اضافه‌ای)، تغییر دادن ترتیب کلمات و استفاده از انواع حروف ربط برای شفاف کردن روابط بین ایده‌ها (مثلاً با وجود/اینکه، از طرف دیگر) نوشته خود را با وضوح و شفافیت معنایی بیشتری بنویسند.
- گونه‌های متفاوت متن اعم از داستان، شعر، متن نمایشنامه، شرح حال، خاطرات، صورت جلسه، صورت حساب، بروشور اطلاعاتی، طرح، خلاصه، دفترچه راهنما، تبلیغات، سرمقاله، مقاله و نامه‌ای که نظرات را منتقل می‌کند، ادبیات جنگ، مباحثه، نقد، تفسیر، رساله و گزارشی را سازماندهی کرده و بنویسند.
- اجزای کلام و نقش‌های دستوری آن‌ها را بیاموزند.
- ساختار عبارتها و بندها و اینکه چگونه می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و جملات مرکب بسازند (مثلاً از طریق همپایگی و وابستگی (ناهمپایگی)) را بیاموزند.
- ساختار پاراگراف و چگونگی شکل دادن به پاراگراف‌های متفاوت را بیاموزند.
- ساختار کل متن شامل انسجام متن، پاراگراف آغازین و نتیجه‌گیری در انواع متفاوت نوشته‌ها (مثلاً از طریق استفاده از زمان‌های فعل و زنجیره‌های ارجاعی) را بیاموزند.
- با نوشته‌های غیر داستانی خود دیگران را تحت تأثیر قرار دهند.
- در نوشته خود دیدگاه‌هایی را ارائه دهند که ممکن است متعلق به خود آن‌ها نباشد.

در دوره دوم متوسطه نیز دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که

- با تغییر مختصه‌های زبان و صورت‌های بیان بر روی مفاهیم تأثیر گذاشته و قدرت ارتباط را افزایش بدهند.
- متناسب با بافت، مخاطب و هدف بر یک موضوع تمرکز کرده و درباره‌اش بنویسند.
- در متون چندسبکی برای ایجاد تعادل، تأثیرگذاری و ابتکار از زبان، جلوه‌های ویژه و صداها استفاده کنند و نیز ایده‌ها را مرتب کرده و در کنار هم مطرح کنند.
- روان بنویسند و سبک و زبان را با طیف گسترده‌ای از مخاطبان، موقعیت‌ها و اهداف تطبیق دهند.
- اطلاعات و ایده‌های خود را درباره موضوعات پیچیده به صورت موجز، منطقی و متقاعدکننده ارائه نمایند.
- زاویه دید را در نوشته‌های داستانی و غیرداستانی به صورت یکدست مطرح کنند.
- به منظور تأکید و وضوح بخشیدن به متن‌ها، ساختار آن‌ها را به شیوه‌های گوناگون شکل دهند.
- از پاراگراف‌هایی که به روشنی مرزبندی شده‌اند برای شکل‌دادن به معنا و سازماندهی آن استفاده کنند.
- به هنگام نگارش از مطالب خوانده‌شده و دانش خود درباره صورت‌های ادبی و زبان‌شناختی کمک بگیرند.
- مطالب را خلاصه‌نویسی کرده و از آن یادداشت بردارند.
- برای تأثیرگذاری بیشتر نوشته خود، برای آن برنامه‌ریزی کرده، پیش‌نویسی از آن تهیه کرده، آن را ویرایش و نمونه‌خوانی کرده و مورد خودارزیابی قرار دهند.
- از ساختارهای گوناگون جملات به منظور حمایت از هدف فعالیت، تأکید و وضوح بخشیدن و خلق اثرهای خاص و نیز برای بسط‌دادن، پیوند دادن و پرورش ایده‌ها استفاده نمایند.
- قطعه‌های طولانی درباره موضوعاتی ناآشنا بنویسند که نیاز به تحقیق و مقایسه اطلاعات برگرفته از منابع گوناگون دارد.
- مختصه‌های انسجام متن را در نوشته خود به کار ببرند تا خواننده‌ها بتوانند به راحتی متن را دنبال کنند.
- از پاراگراف‌هایی که به روشنی مرزبندی شده‌اند برای خلق معنا و سازماندهی آن استفاده کنند.
- به عبارت دیگر میان پاراگراف‌های مختلف از طریق ارجاع به ترتیب زمانی، پس‌مرجعی و پیش‌مرجعی و درون پاراگراف‌ها با ابزارهایی مثل ضمایر، حروف ربط و عبارت‌های قیدی انسجام برقرار کنند.
- ایده‌ها و دیدگاه‌ها را در نوشته خود به طرز مستدل و قانع‌کننده ای بسط دهند.

- برای شرح یا توصیف اطلاعات و ایده‌های مطرح شده در متن خود به تناسب موقعیت و هدف از عبارت‌های رسمی و غیررسمی استفاده کنند.
 - انواع متن نوشتاری از جمله داستان، شعر، نمایشنامه، شرح‌حال، فیلم‌نامه، خاطرات، صورت-جلسه، صورت‌حساب، بروشور اطلاعاتی، نقشه، خلاصه، دفترچه راهنما، تبلیغات، سرمقاله، مقاله و نامه، ادبیات جنگ، مباحثه، نقد، تفسیر، رساله و گزارشی را سازماندهی کنند.
 - به هنگام بازنویسی از نمونه‌خوانی برای پی بردن به اشتباهات فراتر رفته و کل متن‌ها یا بخش‌هایی از آن‌ها را مجدداً سازماندهی کنند.
 - دربارهٔ متون نوشتاری خود بازخورد بگیرند و برای افزایش وضوح، معنا و اثرگذاری تغییراتی در آن به عمل بیاورند.
 - به صورت هدفمند و با توجه به مخاطب محتوا، زبان و صورت متن نوشتاری را انتخاب کنند.
 - با افزودن جزئیات یا ربط‌دادن آن‌ها با ایده‌ها و جزئیات دیگر متونی منسجم را تدوین کنند.
 - از واژگان گسترده‌ای برای انتقال دقیق معنا استفاده کنند.
 - بر نکته خاصی تمرکز کرده، قالب مناسبی را برای بیان آن انتخاب کرده و ایده‌هایی را پیروانند که مرتبط با موضوع بوده و از ایدهٔ مربوط به آن حمایت کند.
 - با جزئیات مرتبطی مانند مثال، توصیف، عقیده، تجربهٔ شخصی و نمودار ایده‌های خود را بسط داده و مورد حمایت قرار بدهند.
- در زمینهٔ زیر شاخص نوشتن انتقادی موارد زیر به صراحت آموزش داده شود؛ به عبارت دیگر،
- در دورهٔ ابتدایی دانش‌آموزان یاد بگیرند که
- به چگونگی شکل‌گیری استدلال‌ها و استفاده از شواهد و زبان برای متقاعد کردن خواننده توجه کنند.
 - اهمیت نگارش واضح و ماهرانه برای انتقال اثرگذار معنای مدنظر آن‌ها را یاد بگیرند.
 - نمونه‌های متون روایی و توضیحی را مطالعه کنند تا علت و چگونگی استفاده از پاراگراف‌ها و توگذاری‌ها را متوجه شوند.
 - اهمیت انتخاب و ترتیب واژگان را در ساختن معنا درک کنند.
 - عناصر کلیدی (شامل طرح داستان، زمینه، شخصیت‌پردازی و...) را در متون مختلف شناسایی کرده و تأثیر آن‌ها را بررسی نمایند.
 - دریابند که چرا و چگونه معنا و ساختارهای واژگانی تغییر می‌کنند و با توجه به بافت زبانی واژه-ها را در معنای درست آن‌ها به کار ببرند.
 - برای بیان روشن مطالب، الگوهای واژگانی و جملات را آزمایش کنند.

- صنایع ادبی و شیوه‌های انتقال معنا به وسیله آن‌ها را شناسایی کنند.
- درباره نوشتار خود و دیگران بحث کرده و آن‌ها را ارزیابی کنند.
- بفهمند که چگونه هدف انواع متن از طریق سازماندهی متن، دستور و واژگان برآورده می‌شود.
- با تعیین هدف برای پیشرفت نوشته خود درباره آن تعمق کنند.

در دوره اول متوسطه دانش‌آموزان یاد بگیرند که

- در واکنش به متون ادبی مطلب بنویسند و با ایجاد ارتباط میان تجربه‌های شخصی و اطلاعات متنی، تعبیرهای مختلف آن‌ها را درک کنند.
- با توجه به فنون و صنایع ادبی یک اثر، حالت، لحن، و سبک غالب را خلق کنند.
- ارتباط میان تجربیات قبلی، دانش پیشین و متون مختلف را تبیین و تحلیل کنند.
- تأثیر تصمیمات یک نویسنده را درباره لحن، انتخاب واژه، سبک، محتوا، زاویه دید، عناصر ادبی و ارزش ادبی ارزیابی کرده و اثرگذاری کلی آن‌ها را توضیح بدهند.
- درباره تأثیر انتخاب واژگان و چینش جملات در متون مختلف نوشتاری (مثلاً نمایشنامه) بر اهداف و مخاطبان خود بیندیشند.

در دوره دوم متوسطه نیز دانش‌آموزان یاد بگیرند که

- چگونه انتخاب سبک و زبان در متون مختلف نوشتاری و متون رسانه‌ای دیگر باعث انتقال معنا و ایجاد تأثیر مورد نظر می‌گردد.
- تأثیر صورت‌ها و گونه‌های مختلف نوشتاری را بر روی محتوی و هدف ارزیابی کنند.
- چگونه فنون و عناصر مختلف برای نیل به اهداف خاص در متون نوشتاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- تأثیر واژه‌ها و اصطلاحات را در متون تحلیل کنند.
- در متون نوشتاری جهت دستیابی به اهداف خاص برای مخاطبان خاص و نیز برای تضمین انسجام و یکپارچگی، تأثیر بالقوه فنون، تغییرات و ساختارهای مختلف جملات را ارزیابی کنند.
- درباره اثر انتخاب‌های مربوط به محتوا، شکل و شیوه ارائه خود و دیگران بحث کرده و آن‌ها را ارزیابی کنند.
- پیش نویس‌های قبلی خود را مرور و ارزیابی کنند تا مطمئن شوند زبان و محتوای مناسبی را انتخاب کرده‌اند و دقت، انسجام و پیوستگی آن را افزایش دهند.
- متون را تحلیل کرده و آن‌ها را به لحاظ شفافیت، جنبه‌های هنری، واژگانی، دستوری و سیاق ویرایش کنند.

- دربارهٔ متونی که نوشته‌اند فکر کنید؛ پیشرفت خود را در کار نظارت کرده و آن را شخصاً مورد ارزیابی و توصیف قرار دهند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۷۶). فرایند برنامه‌ریزی درسی : چارچوب و راهنمای عمل برای استفاده گروه‌های درسی دفتر. تهران : سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (۱۳۸۸). دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- راهنمای برنامه درسی فارسی دوره راهنمایی (۱۳۸۷). دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- راهنمای برنامه درسی فارسی دوره متوسطه (۱۳۸۶). دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- راهنمای برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی (۱۳۷۸). دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- راهنمای برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی (۱۳۸۰). دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.

منابع انگلیسی

- Akinnaso, F.N. (1996). Vernacular literacy in modern Nigeria. *International Journal of the Sociology of Language*, 119, 43-68.
- Alexander, P.A., Schallert, D.L., & Hare, U.C. (1991). Coming to terms how researchers in learning and literacy talk about knowledge. *Review of Educational Research*, 61, 315-343.
- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. New York: Oxford University Press.
- Baker, C., & Luke, C. (1991). *Toward a critical sociology of reading pedagogy*. Philadelphia: John Benjamins.
- Bakhtin, M. M. (1986). *Speech genres and other late essays* (V.W. McGee, Trans.). Austin: University of Texas Press.
- Barton, D., & Hamilton, M. (1998). *Local literacies: Reading and writing in one community*. New York: Routledge.
- Barzun, J., & Graff, H. J. (1977). *The modern researcher*. New York: Harcourt, Brace College.
- Bereiter, C., & Scardamalia, M. (1987). *The psychology of written composition*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

- Besnier, N. and Street, B (1994). "Aspects of Literacy" in *Encyclopedia of Anthropology* (pp. 527-562). London: Routledge.
- Bhola, H.S. (1994). *A source book for literacy work. Perspective from the grass roots*. London: Jessica Kingsley/UNESCO.
- Butler, F., Eignor, D., Jones, S., McNamara, T., & Suomi, B. (1999). TOEFL 2000 speaking framework: A working paper. (TOEFL Monograph Series Report No.20). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Bynner, J. & Parsons, S. (2001). Qualifications, basic skills & accelerating school exclusion. *Journal of Education & work*, 14, 279-91.
- Clark, H.H & Carlson, T. B. (1981). Context for comprehension. In J. Long & Baddeley (Eds.), *Attention and performance*, Vol, IX. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
- Connor, U. (1996). *Contrastive rhetoric: Cross-cultural aspects of second-language writing*. New York: Cambridge University Press.
- Cumming, A., Kantor, R., Powers, D., Santos, T., & Taylor, C. (2000). TOEFL 2000 writing framework: A working paper. (TOEFL Monograph Series Report No.18). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Department for education and employment. (2007). *The national curriculum for England for key stages 1-4*.
- Department of National Education Indonesia. (1999). Functional literacy programme. On www at <http://www.accu.or.jp/litdbase/break/pdf/IDNf906G.PDF>. Accessed 20.09.04.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis*. London: Longman.
- Flowerdew, J., & Tauroza, S. (1995). The effect of discourse markers on second language lecture comprehension. *Studies in Second Language Acquisition*, 17, 455-458.
- Fox Tree, J.e. (2000). Co-ordinating spontaneous talk. In L. Wheeldon (Ed.), *Aspects of language production*. Hove, UK: Psychology Press.
- Gee, J.P, Hull, G., & Lankshear, C. (1995). *The new work order: Behind the language of the new capitalism*. Boulder, co: Westview.
- Gee, J.P. (1991). *Social Linguistics: Ideology in Discourses*. Falmer Press: London.
- Gee, J.P. (1994). First language acquisition as a guide for theories of learning & pedagogy. *Linguistics & Education*, 5, 331-354.

- Gee, J.P. (1999). Critical issues: Reading & the new literacy studies: Reframing the National Academy of Sciences report on reading. *Journal of Literacy Research*.
- Gee. (2000) 'The New Literacy Studies; from "socially situated" to the work of the social' in Barton, D., Hamilton, M. & Ivanic, R. (2000) *Situated Literacies: reading & writing in context*. Routledge: London. pp. 180-196.
- Grey, W.S. (1956). *The teaching of reading & writing*. Paris: UNESCO.
- Grice, H.P. (1967). Logic and conversation. In P. Cole & J.L. Morgan (Eds.), *Studies in syntax*, Vol.III. New York: Seminar Press.
- Hale, G., Taylor, C., Bridgeman, B., Carson, J., Kroll, B., & Kantor, R. (1996). A study of writing tasks assigned in academic degree programs (TOEFL Research Report No. 54). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Hatch, E. (1992). *Discourse and language education*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hayes, J. & Flower, L. (1986). Writing research and the writer. *American Psychologist*, 41, 1106-1113.
- Hayes, R. J. (1996). A new framework for understanding cognition and affect in writing. In C. M. Levy & S. Ransdell (Eds.), *The science of writing: Theories, methods, individual differences, and applications* (pp. 1-27). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Heath, S.B. (1991). The sense of being literate: historical and cross-cultural features. In Barr, R.; Kamil, M., Mosenthal, P., & Pearson, D. *Handbook of reading research*. Vol 2, pp 3-25.).New York: Longman.
- Hornberger, N.H. (1994). Literacy and language planning. *Language and education*, 8(1&2), 75-86.
- Hornberger, N.H. (2002). Multilingual language policies and the continua of biliteracy: An ecological approach. *Language policy*, 1, 27-51.
- Hornberger, N.H. (2004). The continua of biliteracy and the bilingual educator: educational linguistics in practice. *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, 7 (2&3), 155-71.
- Hymes, D. H. (1972). *On communicative competence*. In J. B. Pride & J. Holmes (Eds.), *Sociolinguistics* (pp. 269-293). Harmondsworth: Penguin.

- Jamieson, J., Jones, S., Kirsch, I., Mosenthal, P., & Taylor, C. (2000). *TOEFL 2000 framework: A working paper*. (TOEFL Monograph Series Report No. 16). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Kaplan, R.B. & Baldauf, R.B. (2003). *Language & language in education planning in the Pacific Basin*. Dordrecht: Kluwer.
- Kellogg, R. T. (1990). Effectiveness of pre writing strategies as a function of task demands. *American Journal of Psychology*, 103 (3), 327-342.
- Kellogg, R. T. (2001). Presentation modality and mode of recall in verbal false memory. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, & Cognition*, 27, 913-919.
- Kuhlthau, C.C. (1990). Information skills for an information society: A review of research. *Information Reports & Bibliographies*, 19 (3), 14-26.
- Labbo, L., D., & Teale, W.H. (1997). Emergent literacy as a model of reading instruction. In S. Stahl and D. Hayes (eds.), *Models of reading instruction*. Hillsdale: NJ: Erlbaum.
- Labov, W., & Waletzky, J. (1967). Narrative analysis: Oral versions of personal experiences. In J. Helm (Ed.), *Essays on the verbal and visual arts. (Proceedings of the 1966 Annual Spring Meeting of the American Ethnological Society)*. Seattle, WA: University of Washington Press, 12-14.
- Lalik, R., & Hinchman, K. (1999). Color blindness and other problems of vision. In *Literacy teacher education: exploring the discourse of two teacher educators*. Paper presented at the annual meeting of the national reading conference, Orlando, FL.
- Lea, W.A. (1973). An approach to syntactic recognition without phonemics. *IEEE Transactions on Audio & Electroacoustics*, AU-21, 249-258.
- Levelt, W. J. M. (1989) *Speaking: From intention to articulation*. MIT Press.
- Levine, K. (1982). Functional literacy: Fond illusions & false economies. *Harvard Educational Review*.52, 249-66.
- Liddicoat, A.J. (2007). *Language planning & policy: Issues in language planning & literacy*. UK: Multilingual Matters Ltd.
- Liddicoat, A.J. (ed) (1990). *Vernacular languages in south pacific education*. Melbourne: National languages Institute of Australia.
- Luke, A. & Elkins, J. (1998). Reinventing literacy in "new times". *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, 42, 4-7.

- Luke, A. (2001). *How to make literacy policy differently: generational change, professionalisation, & literate futures*. Paper presented at the AATE/ALEA joint National Conference in Hobart, 12-15 July. On [www](http://www.cdesign.com.au/aate/aate_papers/luke.htm) at http://www.cdesign.com.au/aate/aate_papers/luke.htm. Accessed 04.04.03.
- Malkin, L., & Jones Diaz, C. (2002). *Literacies in Early Childhood: Changing views, challenging practice*. Sydney: MacLennan and Petty.
- Marshall, H. (1992). *Redefining students learning: roots of educational change*. Norwood, NJ: Ablex Pub. Corp.
- Masters, G. N. & Foster, M. (1997). *Mapping literacy achievement: results of the 1996 national scholl English literacy survey*. Canberra: Department of Employment, Education, ZTraining & Youth Affairs.
- Mikulecky, L., & Drew, R. (1991). Basic literacy skills in the work place. In Barr, R.; Kamil, M., Mosenthal, P., & Pearson, D. *Handbook of reading research*. Vol 2. New York: Longman.
- Mullis, I.V.S., Martin, M.O., & Gonzalez, E.J. (2004). International achievement in the
- Nordtveit, B. H. (2004). *Managing public-private partnership lessons from literacy education in Senegal*. Washington, DC: World Bank.
- OECD and statistics Canada (2000). *Literacy in the information age: Final report of the International Adult Literacy Survey*. Paris and Ottawa: OECD.
- Pope, R. (2002). *The English Studies Book* [2 nd ed.]. London & New York: Routledge.
- processes of reading comprehension: Results from PIRLS 2001 in 35 countries, International Study Center, Lynch School of Education, Boston College.
- Rapp, B., Epstein, C., & Tainturier, M. J. (2002). The integration of information across lexical and sub-lexical processes in spelling. *Cognitive Neuropsychology*, 19, 1-29.
- Rost Goulden, N. (1998). Implementing speaking and listening standards: Information for English teachers, *English Journal*, Vol. 88, No. 1.
- Sacks, H. (1995). *Lectures on conversation*. Oxford: Blackwell.
- Shaughnessy, M. (1977).. New York: Oxford *Errors and expectations* University Press.

- Slade, D. (1996). *The texture of casual conversation: A multidimensional interpretation*. Unpublished doctoral thesis, University of Sydney.
- Stott, R. and Chapman, P.(2001). *Grammar and writing*, Pearson Education Limited: London.
- Street, B (1984). *Literacy in theory and practice*. Cambridge: CUP.
- Street, B (1994). What is meant by local literacies? *Language and Education*, 8 (1&2), 9-17.
- Street, B. (1995) *Social Literacies* Longman: London.
- Street, B. (2003). What's "new" in New Literacy Studies? Critical approaches to literacy in theory & practice. *Current Issues in Comparative Education*, Vol. 5(2).
- Street, B.(1985).*Literacy in theory and practice*. Cambridge, England: Cambridge University Press. xi, 243 pages. 0521247853. Location: Dallas SIL Library 302.2 S915.
- Street,B (1996). *Social literacies: Critical approaches to literacy in development, education, and ethnography*. Longman: London.
- Tabouret Keller, A., Le Page, R.B., Gardner Chloros, P. & Varro, G. (eds). (1997). *Vernacular Literacy: A Re-Evaluation*. New York: Oxford University Press.
- Tainturier, M.J., & Rapp, B. (2001). The spelling process. In: Rapp B, editor. *The handbook of cognitive neuropsychology: What deficits reveal about the human mind*. Philadelphia: Psychology Press.
- Teale, , W., Sulzby, E. (1986). *Emergent literacy: Writing and reading*. Norwood, NJ: Ablex.
- Valencia, S.W. (1991). *Portfolio: Assessment for young readers. The reading teacher*. 44, 680-682.
- van Ek, J. A. (1976). *The threshold level for modern language learning in schools*. London: Longman.
- Venezky, R. (1991). The development of literacy. In The industrialized nations of the west. In Barr, R.; Kamil, M., Mosenthal, P., & Pearson, D. *Handbook of reading research*. (Vol 2, pp 46-67.).New York: Longman.
- Waters, J. R. (1990). Mass literacy programs. *Notes on literacy*, 61-49-54.

Exploring the National Language Education Policy

(With a Focus on Speaking and Writing Skills)

Compiled by:

Dr. Maryam Danaye Tous

University of Guilan Press



ISBN-978-600-153-147-7